

کشف تلبیس



کتابخانه دیجیتال هندوستان  
کتابخانه دیجیتال هندوستان

# دوروی و پیرنگ انگلیس

از روی اسناد محرمانه انگلیسی در باب ایران

۲۳۳۳  
۲۳۳۳  
۲۳۳۳  
۲۳۳۳



از سلسله انتشارات اداره «گاوه»

شماره ۳

در دار التعلیقه برلین در چاپخانه کاپولای بطبع رسد

۱ ۳ ۳ ۶

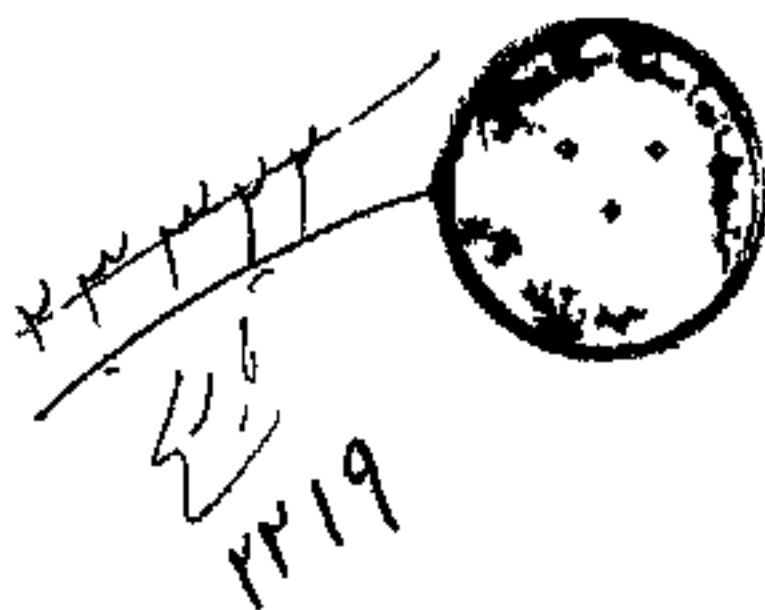


# کشف التباس

یا

## دو روی اوپرتنگ انگلیس

از روی استاد محرماتہ انگلیسی در باب ایران



از سلسلہ انتشارات ادارہ «کاوہ»

شماره ۳

در دار السلطنہ برلین در چاپخانہ کاوانن نطعم رسید

۱ ۳ ۳ ۶



## فهرست کتاب

صفحه	
۴-۱	..... مقدمه
	فصل اول - عهد شکنیهای روس و انگلیس نسبت بایران از وفات مظفر
۳۲-۵	الدین شاه تا استعفای مرگان شوستر .....
	فصل دوم - عهد شکنیهای روس و انگلیس نسبت بایران از استعفای
۴۴-۳۳	مرگان شوستر تا ابتدای سال ۱۹۱۴ .....
	فصل سوم - ایران در ابتدای جنگ بین المللی از روی متحد المآلهای
۶۳-۴۵	محرمانه سفیر انگلیس در طهران .....
۸۲-۶۴	فصل چهارم - ژاندارمری ایران و معلمین سوئدی آن .....
	فصل پنجم - ایران در اثنای جنگ بین المللی (ژانویه تا اوت ۱۹۱۵):
	کاغذهای کنل سابق ژاندارمری ایران ج. ن. مریل بقونسول
۱۰۲-۸۳	انگلیس در شیراز ماژور اوکونر .....
	فصل ششم - مقاصد استیلاجویانه انگلیس در ولایات خلیج فارس و ضدیت
۱۱۴-۱۰۳	انگلیس با سیاست روس در ایران .....

### ضمیمه

۱۹۳-۱۱۷	عکس بعضی اسناد مهمه که در متن مندرج است .....
	نصّ معاهده انگلیس و روس در سنه ۱۹۰۷ در باب ایران (ترجمه از
۱۹۶-۱۹۴	انگلیسی) .....
	نصّ یادداشتی که وزیر مختار انگلیس در طهران سپر سیل اسپرنگ رایس
	در ۴ سپتامبر ۱۹۰۷ بدولت ایران فرستاده است (ترجمه از
۱۹۹-۱۹۷	انگلیسی) .....

نقشه مختصر ایران





## مقدمه (۱)

کتاب «کشف بلیس» که با نام آلمانی *Englische Dokumente zur Erdrosselung Persiens* در اوایل دهه ۱۳۳۵ در برلین نشر شده و بعدها ترجمه انگلیسی و فرانسوی آن در هولاند و ترجمه سوئدی آن در استوکهولم نشر شد یکی از بهترین کسی است که در باب ایران در هرگزسان نشر شده روزنامه «کاو» مطبوعه برلین در شماره ۲۰ حدود مؤرخه ۲۲ جمادی الآخره ۱۳۳۵ در باب این کتاب تقریبی حالت نظر نوشته و آنرا «یک صدای حقاقت و صدای عدالت تازه» اسم داده بود این کتاب حقیقتاً تا اندازه پرده از بیانات انگلیسی در باره ایران برداشته و اسباب تشنه زدگی برای ایرانیان بواحد شد. در شماره مذکور روزنامه «کاو» وعده داده شده بود که عترب ترجمه فارسی آن نشر میشود لکن بواسطه مواعیر زیاد انتشار آن تا حال تأخیر افتاد و اینک خوشبختانه در عرّه رحب ۱۳۳۶ طبع آن انجام رسد.

این کتاب با آنکه از روی حریت و بصیرت نوشته شده حالی از سهوهای حرفی و یا محاکمات شخصی خود مؤلف نیست که ما در اینجا اشاره نآهیم لارم ندانسه و ترجمه کتاب را حاکه هست نشر میکنیم.

بعضی خطاهای عباراتی و لغتی پیر در ترجمه شده که مخالف مسلک و شیوه اداره «کاو» است و سهواً داخل در کتاب شده از جمله در صفحه ۲۵ و ۹۴ بجای لفظ تصرف کلمه ما مابوس «اشغال» نوشته شده — در صفحه ۵۸ سطر ۱۴ بجای «حق رد» «حق رأی» امساع» نوشته شده و در بعضی جاهای دیگر بجای ما امی «ما امشی» و بجای ما مهران «فی مهران» و غیره و غیره سهواً آمده.

این بود آنچه لارم اشاره دیده شد امید که این کتاب بلیس مقبول نظر هموطنان گردد.

«اداره روزنامه کاو»



# مقدمه

حکم کردن تدریجی یونان از طرف یک دسته دولتی که «حمایت مالی کوچک» را ظاهراً بهای اعمال خود قرار داده‌اند و با این حربه می‌خواهند در نظر ملت خود و سایر ملل اعزاز اخلاقی برای خود کسب نمایند همان رویت دیرینه پیش می‌رود که دول متعین همیشه در فشار آوردن ملل دیگر بوسائل تهدید و وعید نثار می‌برده‌اند.

بهترین مثال تاریخی برای این فتره بلاهات است که انگلیس و روس از سال ۱۳۲۴ (۱۹۰۷) تاکنون بر سر ایران آورده و می‌آورند.

هرچه سر یونان آمده است خیلی بیس از آنرا بر سر ایران آورده‌اند. به قسط از طرف روسیه که عهد شکنی و بی‌حسانی آن نسبت باین مملکت بدیخ (ایران) در تاریخ کمتر نظیر دارد بلکه بر از طرف «حامی صحها» انگلیس که در زیر نقاب دوست میاخی و مصلح خبر اندلس (مانند حایه در یونان) همیشه برای آنکه نفقه شهر و اعزاز او نکلی از میان رود کار حلادی را یکی از ملل متحد خود واگذار می‌کند.

دو روی و هاق انگلیس از ده سال باین طرف بسیاری از ایرانیهای با هوس وطن پرست را فریب داده است. ایرانیان خیال می‌کردند و امید داشتند که میاخی گری صافانه انگلیس که چه بسا در هنگام ضرورت با او متوسل شده بوده اند بالاخره ایران را از روال و اصطلاحات محلات خواهد محسبند و حمایت خواهد کرد. علاوه بر این در خود انگلستان هم به قسط از حوزه اعضای انجمن «برسانا کیمه» (۱) بلکه از سیاستورن درجه اول دایوینگ استریت (۲)

(۱) Persia Committee (جمعیت طرفداران ایران)

(۲) Downing Street کوه‌انس که مجلس و درای انگلنس و وزارت امور خارجه

آن دولت در آنجا واقع است و همسه گناه است از وزارت امور خارجه انگلنس مترجم

مر رویه سیاست انگلیس را در خصوص ایران سخت شقید میکردند. رفسور  
 ادوارد براون حامی حتی ایران در انگستان در کتاب معروف خود موسوم  
 به «انقلاب ایران» و در بسیاری از نوشتجات دیگر خود طرفدار ک سیاست  
 خصمانه از طرف انگلیس نسبت بایران بود. و حتی اغلب اوقات با عبارات سخت  
 و نکات تلخ روس و انگلیس حمله کرده و از ابرو سی قلوب محروح ایرانیان را  
 بسکین داده و ترصیبه خاطر آنانرا فراهم آورده است. ادوارد گری هم که  
 مسئول سیاست بیچ اندر بیچ انگلیس در ایران بود این مرد رسور را که  
 همواره محلّ و اساس درد مر او بود بالأخره محال خود گذاشت تا ماحد  
 طعین هاید پارک<sup>(۱)</sup> بواسطه الفاء حفظ و سر رساندن و مقالات و ابواب و سائل  
 دیگر حیات حق رستی انگلیس را تحریک نماید ولی برای تسلیه وحدان خود  
 ک قدم بیس از این بستر رفت.

انگلیسها برای آنکه تمام تفصیر حراب کردن ایران را گردن روسها بگذارند  
 و اقدامات خود را در ایران مل یک حرکت اضطرابی حاوه دهد از دی  
 القده ۱۳۲۲ (دسامبر ۱۹۰۶) بایطرف تمام محاراب کتی و تلگرافی را که مابیس  
 وزارتخامها و نمایندگان ساسی انگلیس در خصوص ایران رد و بدل شده بود بشکل  
 کتنامههای آبی حینی مسوطی سر دادند. تاریخ ایران خوان تقریبا بدون  
 قصان در این کتنامه مسدرج است. یک دوانی که از آسکار سدن حرکات  
 خود رس بداست و حتی مردم را تشدیق در اعمال خود دعوت مدهود  
 دین و سه سوک تبرهای حمله کسندگان خود را در هم سکت و هجوم آهرا  
 باطل کرد.

رای کسانی که از جریان سیاست انگلیس اطلاعات سطحی دارند در وهله  
 اولی یک حین دفاعی بسیار مؤثر و نا نتیجه سطر میآید. آن اگر قدری نا  
 تعمق و دقت در کتنامههای آبی ملاحظه شود مقصر بودن حتی انگلیس در خصوص  
 حال رقب اگیز حایه ایران که این مملکت هیچوجه مستحق آن سوده بطور و صرح  
 آسکار مسود. چه کاعدهها و تاگر افهای همین کتنامههای آبی هرچند که برای

(۱) باغ عمومی سهر لندن است که هم گردشگاه مهم محلّ نطق باحق و واعظان

مدافعه نوشته شده است و قتیکه بدقت در آنها عوز شود اسناد محکمی است از عهد شکستانی که کمتر ملتی باین واسطی یا نصارتی اجری تا این بی سرمی خود آنها را تصدیق کرده است. ایالات متحده امریکا که امروز ظاهراً حاضراند برای هر تخطی از قوانین بین الملل صدای خود را بلند کند در آن زمان هیچ تیسری برای اعراس نیافتد.

هر قدر کتابهای آنی تا آن زمان ردیستر میشود که درگترین عهد سکینا در آن واقع شده یعنی آن سالهایی که ایران از دو طرف طعمه سیاست حمله کرده بود در اوّل تلگرافات این حمله یستردیده میشود: «مضمون قسمت مهم تلگراف دیل» (یعنی عین تلگرافات را در بسیاری از مواضع در کتاب آنی درج کرده تا که ناستخراجی از آنها استکفا نموده اند). در ایسکه بعضی تلگرافها در کتابهای آنی درج شده و محرمانه نگاه داشته شده است هیچ حای شک نیست و این فقره بطور وضوح از اینجا معلوم میشود که در بعضی تلگرافات و کاغذها سیاستون انگلیس سارده اسناد اساره میکند که هر چند تاریخ زور و ماه آنها داده شده است آن خود آن اسناد در تحت عنوان آن تاریخ در کتابهای آنی اصلاح و اندا یافت میشود. بهترین مثالی از رای این فقره یاد داست مشهوری است که سر سسیل اسپرینگ رانس<sup>۱۱</sup> چهار روز بعد از امضای عهد نامه روس و انگلیس در سال ۱۳۲۵ (۱۹۰۷) بدولت ایران داد.

مقصود ما از جمع این رساله اینست که توسط اسناد خود انگلیسها ثابت نمائیم که ایسان تا چه بشرمی و بیجائی حقوق اساسی یک نمائت مسرفی را که برای استحکام استقلال خود بیدار شده بود باعمال کردند و حتی حقوقی را که خودشان برای بدست آوردن آنها کمک کرده بودند از تصدیق و اعتراف بدانها سانه حالی کردند.

اساس این رساله چنانکه گفته شد اسناد رسمی است که دولت انگلیس منتشر ساخته است ولی ما مع ما فقط منحصر باین اسناد نیست.

در خصوص وقایع این سوات اجیره اسناد دیگری بر مثل نوشتجات قوسوانجانه انگلیس در سیرار در دست داریم. واعمال این اسناد عدت

«خیلی محرمانه» بر بالای آنها مسطور است و قطعا در کتابهای آنی هیچوقت ممکن بوده درج شوند.

توفیق موقتی مستر اوکورا<sup>(۱)</sup> قونسول آگاس در سیراز بواسطه قراسوران ایرانی در محرم ۱۳۳۲ (نوامبر ۱۹۱۵) در این موقع بود که اسناد قونسولخانه مدیس آلمانها افتاد) انگلیسها و معنوعات آنها را خیلی مشغول ساخت. لرد گری توفیق اوکورا را یک دردی و عارضتگری که هیچ دلیل ندارد نامید. لکن رسم معروف در مقابل تقصیراتی که کردند خود انگلیسها در ایران قبل از توفیق قونسول ایشان در سیراز با همدستی عمال قونسولخانه متفقین وارد آمده بود کمان ساک ماند.

در اواسط ربیع الثانی ۱۳۳۲ (اوایل مارس ۱۹۱۵) واسموس<sup>(۲)</sup> که بعد قونسولگری امراطوری آلمان در سیراز نامرد و مصوب آن نقطه در حرکت بود ترخت تمام از یک حمله که بحریک انگلیسها در حوالی سیراز بر سر او وارد آمد فرار ~~کرد~~ و در همین حمله رفیق راه او دکترا لدرس<sup>(۳)</sup> طیب آلمان محس ادکسها افتاد. و معماران همان اوقات بر دکتر لیستان<sup>(۴)</sup> قونسول امراطوری آلمان در بوسهر را با هر آیرهوت<sup>(۵)</sup> یکی از عمال بحارخار اوکهور<sup>(۶)</sup> در بوسهر با عیالسن سناه مدترین وصی صاحب مصان و عمال قونسولخانه انگلیس در آن شهر دستگیر کرده و آنها را با دکتر لدرس از راه سره هندوستان حمل کردند. و اسکون لیستان و آیرهوت و دکتر لدرس در محس احمدگر در هندوستان در حبس هستند. همچنین روسها برای آنکه از متحد خود عقب بمانند قونسول عثمانی را در رس وقت گرفته و روسیه بردند.

## فصل اول

پس از وفات مظفر الدین شاه ایران در یک حال اسفاکی بود ولی نکل ناس آوز بود. آنچه از عهده ناصر الدین شاه رسامند که با دولتی که در ایران ناکدیگر رقابت و همجیمی میکردند نکلی رفتار نمایند که ایران از آنها اسفاده کند از عهده سر شایل او مظفر الدین شاه بریآمد چه او فقط آتی بود در دست مستدین. احتیاج دائمی مظفر الدین شاه و وررای حیالات او سرول او را مجبور کرد که در تحت شرایطی که ترقی آزاد ایران را در خطر انداخت و رماه دولت مستقل ایران را تدریج بدست روس و آگپس و نمایندگان سیاسی آنها در ایران داد قروضی چند از دولتین مر بود نماید.

محرمة که ناصر الدین شاه در عقد نک استقر احسن بدست آورده بود و برای او حبلی گران تمام شده بود بایستی برای مظفر الدین شاه اسباب عبرت و درس کردد ولی بدختره شد. در ضمن باید بگوئیم که همین مقره قرص ناصر الدین شاه که در دین بدان اشاره خواهیم کرد ناب میکند که ملت ایران از همان اواخر قرن سیزدهم عهری نامور و حیالات سیاسی عادت کرده بود. و دیگر آنکه هیجان مسروطه حبلی بهتر و بیستراز آنکه بعضی نویسندگان بول نگر (مل د، فریرز اول) بهالی اروپا مسخواهند فهماند تهته شده بود.

ناصر الدین شاه در سال ۱۳۰۷ (۱۸۹۰ میلادی) انحصار کال خرید و فروش توتون را بیک شرکت آگپسی ربع عادات سالانه آن که تقریباً ۱۰ میلیون مارک (قریب مع کرور تومان) میسد فروخت. بواسطه آن فتوانی از طرف محتمدین در سال ۱۳۰۸ (۱۸۹۱) تمام تجارت توتون و روس دکاکین خود را اسه و دلب بر دیگر بهیحوجه توتون استعمال نمود خود که در اندک زمان تجارت توتون نکلی خوانند. بالآخره ناصر الدین شاه مجبور شد که قرار داد

انحصار را فتح نماید و این ممکن نبود مگر بعد از اداء یک وجه خسارتی معادل ده میلیون مارک (قریب پنج کرویر تومان) شرکت لندن مذکور. این مبلغ را از قرار تریل صدی سس قرض کردند و پرداختند. و این قرض یک ارب بسیار ناگزاری برای مظفر الدین شاه ماند که از مدرس با و متقل گردید. بعد از ده سال و نیم که مظفر الدین شاه با سوء اداره سلطنت کرد در حین وفات خود چندین قرض دیگر بر این قرض که از مدرس با و رسیده بود اضافه کرده و مالیه ایران را فی اندازه سنگین نموده بود. بیس از هفتاد میلیون مارک (قریب ۱۸ ماون تومان) از صرافخانهها و تجارخانههای روسی و انگلیسی و هندی فروص تازه اضافه شده بود بدون آنکه سر سورتی فایده مخال ملت ایران داشته شد و آنها را یک قدم جلوتر برد.

جدول ذیل صورتی است از قروض دولت ایران در سال ۱۳۲۴ (۱۹۰۶) و از آن معلوم میشود که قرض دهندگان چه شرایط سختی در دادن پول کرده اند:

سال ۱۳۰۹ (۱۸۹۲) قرض برای ادای خسارتی که ناصر الدین شاه برای انحصار توتون داد: ۵۰۰۰۰۰۰۰ ابره (۱۰ میلیون مارک).

قروض ایران در زمان وفات مظفر الدین شاه.

سال ۱۳۱۷ (۱۹۰۰) - قرض اول از روس از قرار تریل صدی پنج موعده ۷۵ ساله با شرط آنکه در ده سال اول نمیتوان آن قرض را پرداخت از هزار روپ ۸۵ : ۲۲ میلیون و نیم منات (۴ میلیون مارک).  
شرایط این قرض:

- ۱ - تمام فروص ایران بجز از همین پول پرداخته شود.
- ۲ - تعهد دولت ایران که از این بعد از خارج هیچ استقراسی عقد نکند مگر با اجازه دولت روس.
- ۳ - تمام واردات گمرک غیر از گمرکات بنادر جنوب بیانک استقراسی باید سود و نانک مذکور بعد از کسر اوسط بقیه آنها (اگر بقیه بماند) در هر سه ماه بدون ایران بردارد.



سال ۱۳۲۰ (۱۹۰۲) - قرض دوم از روس در تحت همان شرایط فوق :

۱۰ میلیون منات (۲۱ میلیون و نیم مارک) .

سال ۱۳۲۲ (۱۹۰۴) - قرض سوم از انگلیس بتوسط بانک شاهنشاهی از دولت

هند با اجازه روس : ۱۹۰۰۰۰۰ لیره (۳۰۸۰۰۰۰۰۰ مارک) .

سال ۱۹۰۵ (۱۳۲۳) - قرض چهارم از انگلیس مانند فوق : ۱۰۰۰۰۰۰ لیره

(۲ میلیون مارک) .

ضماینها در مقابل این دو فقره قرض اخیر :

۱ - عایدات سبيلات بحر خزر و رود ختانی که در آن میریرند

(تقریباً ۶۰۰۰۰۰ تومان) که امتیاز آنرا دولت ایران تقریباً ۳۰ سال

قبل بیک نفر روسی مسعی به لیانازوفی<sup>(۱)</sup> داده بوده است .

۲ - اگر این مقدار کافی نباشد عایدات تلگرافات ایران هم باید

داده شود .

۳ - در صورتی که آن هم کافی نباشد عایدات گمرکات جنوب ایران

نیز داده شود .

(بواسطه شرایط ۲ و ۳ دولت ایران اختیار تصرف آزادانه خود را در عایدات

تلگرافات ایران و گمرکات بنادر جنوب از خود سلب کرد) . این دو قرض

بعدها جرء قرض سال ۱۹۱۱ گردید .

هرچند مجموع این قروض که به ۸۰ میلیون مارک (قریب ۲۰ میلیون تومان)

میرسد بخودی خود در مقابل محلی که ایران برای ادای آنها دارد از قبل

روت اراضی ایران وامکان وضع مالیاتهای جدید بتوسط اشخاص قابل

اطلاع از امور مالیه چندان فوق العاده و زیاد ناظر نمآید ولی این قروض از

لحاظ شرایط سنگینی که در عقد آنها برگردن دولت ایران تحمیل شده است یک

در خیلی سنگین ناگواری برای دولت و ملت ایران گردیده است مخصوصاً سرء

آنکه دولت ایران تا مدت هفتاد و پنج سال اگر قرض مذکور را پرداخته

نشده میتواند بدون اجازه روسیه قرض جدیدی نباید تا قید آنکه دولت ایران

در طرف ده سال اول مطلقاً نمیتواند قرض مذکور را بردارد .

با این همه قبل از وفات مظفرالدین شاه اشعه نورانی برای ملت ایران طلوع کرد. ملت ایران که از فروخته شدن حقوق خود روس و انگلیس توسط درباریان نستوه آمده بود بواسطه یک مقاومت صلحی غیر مسلح که شاهکار ملل مسرق زمین و بهترین وسایل تحصیل مطالبات ایشان از قوای حاکمه است بالأحره در حمادی الآخره ۱۳۲۴ (ماه ژولیه ۱۹۰۶) یک مشروطه و یک مجلس شورای برای خود از دولت تحصیل نمود. مجلس شورای در ۱۷ شعبان (۱۹ اوت) همان سال افتتاح گردید. اعمال این مجلس را در اروپا که در آنوقت احبار اغلب از مابع روس و انگلیس میرسیدند بطور استهرا تاتی کردند. زیرا کسی تاریخ سرگست و تفصیل حرکات آراییداست و آن قوای مقتدری که هر کار حدی مشروطه و مجلس را عقیم میکردند بمیدیدند. ویر اروپا در مقابل یک ملت مسرفی که یکنفره از حالت استبداد بدرجه مشروطه منحواست ترقی نکند آن صبر و حوصله را که در مقابل «دوما»ی روس ظاهر ساخت نداشت و متعطر نمسند که بیجه اعمال مجلس ایران را مدتی ملاحظه نماید.

و در حقیقت مجلس از همان اول انتقاد خود جدا شروع نکار کرد و در همان ماههای اول جلسات خود بیسهاد یک فرص روس و انگلیس را بمقدار ۵۰۰۰۰ لیره (یک مقدار قلیلی که در اندک مدتی در قعر جیب درباریان نبود بمسد) رد کرد.

در ۱۳۲۵ (۱۹۰۶) محمد علی شاه که مسهور روس دوستی و دسمنی با مشروطه بود و از همان عهد حکومت استبدادی خود در آذربایجان اسباب خوف و ترس ملت سده بود بجای مظفرالدین شاه بر تحت سلطنت ایران نشست. همان مجلسی که بعضی اروپائینا بطور استهرا میگفتند که شاه آن اعتنائ ندارد و آرا کالعدم میسدارد در اندک مدتی بعد از حلوس شاه با یک عزم حرم وطن رساه و خود خود را ظاهر ساخت. اولین کار او این بود که شاه را محبور کرد با حراج بور (۱) تاریکی. و در ماسد سایر لریکیها که در خدمت دولت

(۱) حتی محمد تاعس داوید فریزر (David Fraser) که دههس در ناب ایران حبلی مشرب اسد ر بور (۱۸۸۹) و حرکات او را ستمد و از جمله مگنود او مسحق س صدماء و د (رحوع کند نکات او ایران و انقلاب عملی صفحه ۵۱) علاوه بر این

ایران بودند بواسطه اقداماتی که بر ضد ممانع ایران کرده بودند ایرانیان را قوی  
 المعاده محکم آورده بود. یکی از کارهای نور امضای آن دو فرس از دولت  
 روس بود که استقلال این محاکمت را شدت متزلزل ساخت. و همین بود  
 بود ترتیب دهنده آن تعرفه گمرکی که فقط از نقطه نظر ممانع روس نوشته شده  
 و بواسطه قلم مقدار گمرک که در آن تعرفه معین شده است یکی از بهترین  
 و بهترین ممانع عایدات ایران را برهنده و باطل کرده است (۱).

در ۲۲ رجب ۱۳۲۵ (۳۱ اوت ۱۹۰۷) روس و انگلیس عهد نامه مشهور را  
 که ایران را بدو معقله نمود و یک منطقه بیطرف تقسیم مکند امضا کردند. در  
 امضای این عهد نامه از طرف مهم یعنی از خود دولت مستقل ایران هیچوجه  
 سئوالی و مشورتی نشده بود. در همان روز انتشار این عهد نامه رئیس الوزرا  
 اتاک اعظم که یکی از مستدین درجه اول بود و شاه او را بر صد میل ملت از  
 تبعه آورده و رئیس الوزرا نموده بود کشته شد. هیجان و عصب ایرانیان در  
 باب تقسیم مملکتشان ناچاره بود که چهار روز بعد از امضای عهد نامه سیر  
 سسیل اسرینگ رئیس (۲) وزیر مختار انگلیس در طهران برای تسکین افکار  
 نامه نویر امور خارجه ایران یک یاد دهنی فرستاد که مضمون آنرا انگلیسها

صدماتی که در بر آن اشاره میکند حدان غیر قابل تحمل بود. بعد از آنکه در مالت  
 ایران را مکتلی حرات و در هم برهم ساخت آنوقت از عایداتی که در ایران باو رسد دهات  
 نثار و قصور زیاد در بلرک برای خود خرید (رجوع کنید مکتبات سوستر صفحه ۶۴  
 ایران صفحه ۶۴)

۱۱۱ مرگان سوستر در کتاب خود ( رجوع کنید ایران صفحه ۲۷۱) گوید اگر  
 کسی از نقطه نظر ایران ملاحظه کند این تعرفه نور خنجرین و مصر برین تعرفه های  
 است سوستر در اینجا بعضی ارقام بدست میدهد گمرک واردات و صادرات بر سال  
 ۱۹۰۹-۱۹۱۰ میلادی رو به هم رفته فقط چهار و نیم درصد نسبت باصل نسبت من التجارة  
 عایدی داشت روسته که نصف تمام واردات و صادرات ایران سهم اوست رای من التجارة  
 هجده خودس که حد باشد فقط صدی سه و برای نفت نصفه صدی سه گمرک ممداد  
 علاوه بر این روسته ترارنت (عورتی گمرک) هر مال التجارة غیر روسی را برای ایران  
 مدعی کرد لهذا بخار غیر روسی سعی کردند که بواسطه سه های امانت نسی ( کلی سنان )  
 که صور آنها از روسته از فرار عهدنامه من المللی آراد است و حق باز کردن آنها  
 التجارة ایران وارد کند

در کتابهای آبی خود درج کرده‌اند ولی موضوع آن بعدها در مجلس وکلای انگلیس مطرح شد و صحیح آن ثابت گردید (۱). مضمون بعضی از نمرات این یادداشت را ما در اینجا نقل میکنیم:

«هیچیک از دولتهای متعاهدتین بهیچوجه چیزی از ایران نمیخواهند. بنا بر این ایران میتواند تمام قوای خود را صرف انتظام امور داخلی خود نماید. . . . این قرار داده صریح بمنافع ایران دارد و نه بمنافع هیچیک از دول خارجی دیگر. زیرا این فقط قرار دادی است بین روس و انگلیس که من بعد در ایران اقداماتی کنند که برخلاف منافع دیگری باشد. و بنا بر این ایران در آینده از موانعی که تا بحال سدی در جلو ترقی آمال سیاسی او بود نکلی آراء خواهد بود. . . . از این بعد ایران میتواند با حمایت و مساعدت دول قوی همجوار تمام قوای خود را برای تنظیم امور داخلی خود بکار برد. . . . غرض دولتهای متعاهدتین بهیچوجه حمله و تهدید بایران نیست بلکه برعکس مقصودشان ایست که استقلال و آزادی ایران را الی الأبد تأمین نمایند. . . . نه فقط هیچیک از دولتهای متعاهدتین بهیچوجه بهانه برای مداخله در امور داخلی ایران نمیخواهد داشته باشد بلکه هیچیک از آنها بدیگری اجازه هیچگونه مداخله را بهانه حفظ منافع خود در ایران نخواهد داد. دولتهای متعاهدتین امید دارند که از این بعد ایران از هرگونه ترس مداخله خارجی مطمئن و فارغ البال شده و کلی آرادانه بر طبق میل و صلاح حال خود امور مملکت خود را هرطور میخواهد اداره نماید.»

چطور روس و انگلیس این قول خود را محصوفاً آنکه بهانه حفظ منافع خود در امور داخلی ایران مداخله نکنند نگاه داشتند بزودی معلوم شد. با وجود آنکه محمد علی شاه قسم خورده بود که از مشروطیت نگاهداری کند که دولت مشروطه همیشه در جسم او جاری بود. در ۹ ذی

(۱) من نادداش مزبور در کتاب براون انقلاب ایران ۹ و در روزنامه جبهه المتمدن طهران (مورخه ۱۴ سنه ۱۹۰۷) و در کتاب شوستر خفه کردن ایران صفحه ۲۸ چاپ شده است.

المقدمه ۱۳۲۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۰۷) محمد علی شاه رئیس الوزرا ناصر الملک را محبس کرد. نه این حرکت و نه تحریکاتی که مردمان معلوم الحال بر ضد مجلس میکردند هیچکدام منتج نتیجه نند. عده کثیری از داوطلبان مجلس و وکلایرا محافظت میکردند. شش ماه بعد در ۲ جمادی الأولى ۱۳۲۶ (۶ ژوئن ۱۹۱۸) اولین قول شکی یاد داشت سسیل اسپرینگ رایس<sup>(۱)</sup> که دواتین مآهدهتین در امور داخلی ایران مداخله خواهند کرد بظهور رسید: سفر روس هارتویگ<sup>(۲)</sup> که بواسطه تحریکات و دسباس خود در بلگراد در مقدمه این جنگ عالمگیر معروف شد و مارینگ<sup>(۳)</sup> سارز دافر انگلیس در ایران مجلس و بیسروان میون را تهدید سخت نمودند که اگر مقاومت آنها در مقابل میل شاه خاتمه پیدا کند ایسان اقدامات سخت خواهند کرد.

بواسطه این تهدید بیث وزراء و مجلس محمد علی شاه جسور شده و بعد از آنکه در خارج پایتخت اقامتگاه خود را در جای امی مستقر کرد و بعضی از معارف مشروطه طلبان را بخدعه با آنجا آورده و نجیر نمود بقتل آن «تبدیل وضع» (کودتا) مشهور ۲۳ جمادی الأولى ۱۳۲۶ (۲۳ ژوئن ۱۹۱۸) را بعمل آورد. حکام او دستجات قزاق ایرانی که در تحت ریاست لیاخوف<sup>(۴)</sup> صاحب منصب روسی بودند مجلس را گلوله باران کرده و حضار بعضی کشته شده برخی محبس افتادند و بعضی هم فراری شدند.

نتیجه این «تبدیل وضع» یک هیجان عمومی شد مخصوصاً در سال ایران. تریور را که مرکز هیجان ملی بود دواتیان قریب یک سال بیفائده محاصره کردند. یک اتفاق غیر منتظری در این سال باعث هیجان شد و آن این بود که سردار مخصوص شاه سهدار اعظم بطرف ملیون رفت و همچنین الی بختیاری هم آنها را بحق شد. بختیارها طهران را تصرف کردند و لیاخوف حکمران پایتخت در بریگاد قزاق ایرانی که در تحت ریاست او بود شاه را تنها گذارده تسلیم شدند. تمام ایران بر صد شاه متحد گردیدند. شاه بالأخره چون دید که کارش تمام شده در ۲۷ جمادی الآخره ۱۳۲۷ (۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹) از سلطنت استعفی داده تخت ایران را بیسر نابالغ خود سلطان احمد شاه باز گذاشت.

حون این موقع برای مداخله در امور ایران خیلی مناسب بود دولت روس با وجود قولی که داده و نه‌بندی که کرده بود نتوانست این موقع را از دست بدهد. هر چند مل داوید فریر کسی هم که هر چیز ایران را (و اساساً هر چیز سرفی را) حوازی میسازد در کتاب خود تصدیق میکند که ملقون ایران نسبت عزیمت بهترین وضعی رفتار کردند (۱) و از مختیارها هم امداد آسکه آنها را سحر تنقید کرده (۲) تا کمال بیملی تعریف و تمجید بنماید و میگوید که آنها هم مل سایر ملتوں - در اصفهان وقتی که بدست آنها افتاد «در کمال خون عظم را نگاه داشته و قوای تمدن را بی کم و زیاد منظور داشتند» با وجود این دولت روس اعلان کرد که منافع امتاع او در خطر است و چندی هزار قشون بشهر و رست و پروین و سایر سرهای شمالی ایران فرستاد. و این قشوں در اغلب آن نقاط هیچ عقب رفتند. وقتی که ایل ساهسون اردبیل را تهدید کرد روسها (حاکم رورامه «تایس» مورخه ۲۳ سواب ۱۳۲۱ ۷ نوامبر ۱۹۰۹ هـ در این خصوص اظهار تأسف کرده است) وقت بدادند که همان قشوں که خود دولت ایران برای تنبیه آنها فرستاده بود و آن بمکتب بدبخت ۲۵۰۰۰ نفره برای آنها مخارج کرده بود دوباره آنها را بدبختی مل آسکه اردبیل که شهر روسی است باز مجدداً ۳۲۰۰ نفر سرباز روسی بهانه حمایت امتاع روس ۱۳۱ بدبخت فرستادند. روسها عهد شکنی را بدرجه عالی رساندند. وقتی

(۱) رجوع کنید کتاب داوید فریر ایران و عمان در سوزس (Turkey and Persia in 1821) ص ۱۳۱ در همانجا داوید فریر میگوید هم سانبس (سازر دافر روس) و هم سرفرر بارکلی (سفر انگلس) قطع دانند که برای خارجهها هیچ حضری

(۲) در صفحه ۸۸ میگوید آنها نکلی فریب دهند و مسروعه رای آنها حیرت دیگران - حر غارت ایلات دیگر تا تحصیل مدبب بزرگ برای رؤسای خود بزرگترین کار صمصاء التلصه که بعد رئیس الوردرا شد این بود که در اصفهان اموال مردم را حیرا میگرد ( اهالی را تمکند ) ولی در یک صفحه بعد (ص ۸۹) صد حرف خود را میبرد و میگوید از برای خارگراب کوهسای (یعنی بخسارها) و انعام و حج بزرگی بود که خود را مواظب بوده و از دست دزاری ناموال زیاد اهالی اصفهان کف نفس کردند

(۳) در کتاب آن انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۰) عمده ۲۶۳ صرحا میگوید که یک موهر از سر آسکه شد

که درد معروف رحیم خان جلیانپورا که بواسطه قشون دولتی محاصره شده بود از سرحد روسیه فرار دادند و دولت ایران از روسیه مطالبه کرد که آن دردی را که دولت روس مخصوصاً برای دستگیری او قشون ایران فرستاده بود ر طبق عهدنامه ترکمانچای (۱) دولت ایران مسترد سازند خواهش دولت ایران را نکلی تجاهل کرده و پشت گوس انداختند (۲).

کابینه حدید و وکلای مجلس تازه علاوه بر این انقلابات و هیجانات داخلی که بواسطه ازدیاد دائمی قشون روس لایق قطع در تراید بود کار بسیار دشوار سگی در مقابل خود حسن میگردند و آن اصلاح امور مالیه و تبدیل بودجه دولتی بود. واضح است که سهل ترین طرق برای سرقت امور مالیه ایران را انگلیسها در سال ۱۳۲۲ (۱۹۰۸) نکلی مسدود کرده بودند. در آوقت وزیر مالیه صبیح الدوله نکلی حداکثر از مستشار فرانسوی میو بیرو (۳) که شوستر او را در کتاب خود چون وصف کرده است (۴) بودجه خودش را بمجلس پیشنهاد کرد صبح الدوله طرفدار مالیات مستحق ناراضی شهری و امروندن بر گمرک واردات آمد و حای بود تا عایدات این منابع صرف تنظیم عمومی مملکت و ساختن طرقت و سوارع و ایجاد مدارس شود. لکن ر حد یک حسن اقدامی که برای «منافع مخصوصه» همسایگان مصر بود نمایندگی سیاسی انگلیس مارلسگ قل از هر کس دولت ایران (۵) اعتراض کرد و نا یک وضع ساده لوحی سیر ادوارد گری تذکراف

(۱) صلح ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) جنگ ایران و روس حای داد صوب عهد نامه ترکمانچای روسها مجبورند که هر درد و سرکش ایران را که روسه فرار کند کرده دولت ایران مسترد سازند

(۲) در کتاب آئی انگلیس ایران ۱۹۱۱ شماره ۱ عمده ۲۳ مسطور است که سیر نکلسون سیر انگلیس در نظر روبرع سیر ادوارد گری بلگراف میکند این نسخه در طبعی است (۱) که دولت روس رد خواهد کرد طبعی بر گویا آن بود که معاهده می امضا شده و نا قول سرفرا دولت روس مرعی دارد رجوع کند نکات سوستر حه کرد ایران ص ۲۴

(۳) ۱۸۷۲

(۴) رجوع کند نکات سوستر حه کرد ایران ص ۶۶

(۵) رجوع کند نکات آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۰۹) عمده ۱۱۳ مراسله

مارلسگ سیر ادوارد گری یکی از واضح ترین مبالغهات برای اینکه انگلیس حتی قل از

کرد که وزیر مائتۀ تازه یک قرص تازه از خارجه (واضح است در مقابل امتیارات تازه) در نظر ندارد بلکه میخواهد ابتدا بر مابع واردات بفراید تا آنها حمایتی نشوند برای قروض آتی.

ولی از آنجائی که بدست آوردن مابع تازه برای مالیات بدان فوریت ممکن نبود و وضع و ترتیب مالیات هم یک تسکيلات و ترتیب مخصوصی لازم داشت و برای این مقصد هم لازم بود که منطقیاً بمعال ادارات مواجب و ماهیانه آنها پرداخته شود و این هم بواسطۀ صیق مالیه عماله ممکن نبود بالأخره هیچ وسیله دیگری تصور نمیآمد مگر باز همان راه مصور قرض. لهذا دولت ایران با بعضی از دلایل و صراحتان فرانسه و همچنین با یک تاکت حصوصی لدن داخل مذاکرات سد ویر بحال گروگواردن حواهرات سلطنتی افتادند. ناری هر وسیله و راهی که ایران را از استقراض از انگلیس و روس با آن سرایت کمرسکن آنها محفوظ ندارد نظر خوب میآمد. لکن روس و انگلیس یکساره تمام اس مذاکرات بواسطۀ یاد داشت ۲۶ ربیع الأول ۱۳۲۸ (۷ آوریل ۱۹۱۰) که بدولت ایران فرستادند حائمه دادند. مضمون این یاد داشت «کس دار» اس بود که دولت ایران باید هیچ قرضی از خارجه نکند که سرایت آن مابی تا مابع نامی («استراتژی») و سیاسی دولتی روس و انگلیس باشد (۱). و چون اغلب قروض خارجه لابد در مقابل بعضی امتیارات و سرایتی ممکن الحصول مینمود و هر گویه امتیارات و سرایتی را که دولت ایران بخارجه ندهد بهانه بدست روس و انگلیس میدهد که آنها را منافی مابع نظامی و سیاسی خود فرض کنند لهذا تا مال متحده این یاد داشت سد هر گویه قرض خارجه برای دولت ایران میگردد. در ۱۰ جمادی الأولى ۱۳۲۸

زمان شوستر و تشکلات عافلابه او سعی بود که جلوی هر گویه اتمامی را برای ادخل اصلاحات تازه در امور مائتۀ ایران تا دلایل و راهی بیعی نگیرد. مراسله مارلینگ در خصوص رفتار ناموز خود تا وزیر مائتۀ ایران صبح الدوله که شوستر هم تا همان عقابد او (بعی صبح الدوله) همراه سده بود تا این جمله حقیر انگرد حتم میسود. لرومی ندارد که شرح مفصلی در باب بودن، صبح الدوله داده شود.

۱۱۱ رجوع کنید کتاب آن انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۱) عمده ۸۷ مملوود



(۲۰ مه ۱۹۱۰) روس و انگلیس (به فقط روس چنانکه راور میگوید) از ایران حراً قول گرفتند که هیچ کس امتیاز راه آهن ندهد (۱).

بدین لحاظ هیچ حای تحت سود که دولت ایران که از این مداخله ناحق دولین همجوار خنمگیں شده و ملت ایران هم بالطبع با او همراه بود قرص (۲) تازه از روس و انگلیس را قول نکرده رد نمود و سعی کرد که احتیاج مالی دولت را که روز بروز زیادتر میشد بواسطه تک قرص داخلی رفع نماید. لازم نیست گفته شود که قوای کاری این هیجان ملی اشخاص قابل تا هوسی از اعصاب مجلس بودند. همان اشخاصی که راپرت سفارت انگلیس مورخه دی القعدہ ۱۳۲۷ (نوامبر ۱۹۰۹) در حق آنها میگوید: «اینها مردمان هستند یا کداس و بی آلایش که بواسطه رؤسای قابل راهبانی شده و قوه لارمه رای اجرایی تشکیلات حد دراز تپه مینماید». لکن از آنجائی که این اشخاص همه وطن پرست و برای همراهی با تک سیاست بر صد منافع ایران و جوچه حاضر بودند مارلیک سازز داهر انگلیس این عرقه مجلس را رای مهم خوردن نقشه روس و انگلیس (که بعقیده او آن نقشه با منافع ایران توأم بود) مسئول میسازد. مارلیک و ک حال عصص مصحکی در ۱۶ رجب ۱۳۲۸ (۲۵ رویه ۱۹۱۰) لندن تاگرای میکند: «این اشخاص منافع مملکت خود را فدای سوء طن فی مأخذی کردند که مقاصد دوائین (روس و انگلیس) دانند (۴)».

سراست که نتیجه و اصراری مجلس بالطبع بر اعتشاس امور که لازمه حراة حالی است همواره میفرودد. مداخلات نامشروع روس (از قبل مسئله داراب میرا (۵) در سال ۱۳۲۸ = ۱۹۱۰) ایلات را که همسسه راهبانی کاروان رو

(۱) رجوع کنید بکتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۱) ص ۸۱ علاوه بر ۱۰۱.  
در آنجا تصدیق میشود که در داد هر گونه امتیاز از صرف دولت ایران بدون دیگر انگلیس و روس حق نقد دارند و اون باید از آنها سوال شود

(۲) رگری [در کتاب آئی شماره ۱ (۱۹۱۱) عرقه ۱۰۷] از این سراست چه که در سراست حللی آسان تعبیر میباشد

(۳) رجوع کنید بکتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۰) عرقه ۲۶۹

(۴) رجوع کنید بکتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۱) عرقه ۱۴۳

(۵) رجوع کنید بکتاب شوستر جمع کردن ایران صفحه ۵۵

ایران را معشوش میکردند حری تر کرده آنها را وادار میکرد که تمام وسایل زندگی خود را بصر دولت ایران از چپاول و عارت بدست بیاورند.

ماه نامه این حال هرج و مرج بیشتر و این ناری اسماک مکررتر میشد. دولت ایران که همه وسائلی را که برای تهیه ادارات خود لازم داشت روس و انگلس قطع کرده بودند و حتی آن مقدار کمی وجه هم که بحراة ایران وارد میشد سه انواع اذتای حسارتها از او مگر قصد بایستی که تا یک صد ایون بهدیات روس و انگلس و تحکیمات نامشروع ایسان را نامم تقاضای اعانه نام و احدی تحمل نماید. مارلک کفیل سارت انگلس لایق قطع بدون حتی در خصوص امی عمومی در سهرها و اعتشاس راههای تجاری ناسدن تلگراف مکرر. این تلگرافات شکایت آمیز که کم بدرجه اعلی رسد و بالأحره در ۱۶ شوال ۱۳۲۸ (۱۶ اکتوبر ۱۹۱۰) دولت انگلس آن اتمام حجت معروف را بدولت ایران فرستاد. مضمون آن این بود که اگر بفراری نظم و امنیت در راههای تجارتی حونی ایران « بطور دلخواه دولت انگلس، در طرف سه ماه بحد بدیر دولت انگلس این مسئله را خود سصد بواسطه یک قشون هزار لی هزار و دو بیست نفری در تحت فرماندهی صاحب مصلان هندی و انگلسی در دست خواهد گرفت و بخرج این قشون از اصابه صدی ده بر گمرکات و سات سایر حونی ایران بعلایزه مالیات ایالت فارس پرداخته خواهد شد (۱). مارت و انجیر انگلس فقط برای زواج تجارت خود در ایران محواسب که بوقت مستقل ایران از عیدات خود یک قشون پولیس حاضر کرده آنها را سلاح سرد و ر همه حسب ر آنها نگاهداری کند.

این تمام حجب و فقط در ایران بلکه در اسلامبول هم که محامع ناسار از ر و عیالها گرد آمده و استراحت کرده و جسم و عصب اهالی را حرکت آورده و بد سبب هجان شدید و تأثیر عمیق گردید و حتی آن فتره اسباب تحجب مصلی انگلسان شد که پیونده سعی میکردند که قصه حقایق رستی، انگلس را در راه و ب کاء بارید. دولت انگلس این سوء تأییرات و هجانات را خود

تصدیق می‌کند<sup>(۱۱)</sup>. در جواب این اتهام حجت وزیر امور خارجه ایران حسینقلی خان نوای<sup>(۱۲)</sup> بران سیاسی و در زیر پرده اصطلاحات دیپلماتی (ولی رای کسانی که می‌توانند بین السطور را بخوانند واضح و آشکار) تمام تصریحات را یک یک نگرند روس و انگلیس می‌اندازد<sup>(۱۳)</sup>، و این ادعای انگلیس را که او میل خود می‌تواند گمرکات واردات مملکتی مستقل مثل ایران را صدی ده بالا برد مکتوب رد می‌کند، و این اقدام را فقط حق طلق دولت ایران میدانند، و در مقابل شکایات انگلیس در خصوص خسارتهای تجارتی که باو وارد آمده ثابت می‌کند که با وجود «ناسی» عمومی به آنکه فقط در واردات مال التجاره در ایران اختلالی و نقصانی راه نیافته بلکه در سال گذشته واردات مال التجاره در ایران صدی ده هم بدت واردات سالهای گذشته ترقی کرده است.

انگلیس در حواستهای خود را بالاخره تا کمی تصریحات در شکل آن از پیش برد و با روسیه متفقاً بایران عرض تازه دادند که در مقابل آن ایران تمام عایدات گمرکی و عایدات تلگراف و صرافخانه را گروگذارند. دولتی در شروط این قرص مخصوصاً پرداختن مقرری سالیانه شاه مخلوع و نگاهداری ریگاد قزاق (که روسیه آنرا از زمان هجرت مشروطه برای خاموش کردن این آتش نگار سرد) و دادن مقرری قشون و مسلح کردن آن و مخصوصاً ایجاد یک قراسوران همیت زیاد داده بودند. ایتالیا بیدرفت که معلمین قراسوران بایران مرستند ولی سوئد برای این امر حاضر گردید. در ۱۹ شعبان ۱۳۲۹ (۱۵ اوت ۱۹۱۱ میلادی) پاریس<sup>(۱۴)</sup> رئیس کل قراسوران ایرانی با دو هر همکار وارد

۱۱: سپهر انگلیس نارنگلی در ۱۷ دی الفصله ۱۳۲۸ (۲۰ نوامبر ۱۹۱۰) مکتوبی  
 ۱۲: «سند» این عقیده که در یک فسی از مطبوعات اروپا اظهار شده است که این یاد  
 داشت آخری مقدمه تقسیم ایران است بواسطه روس و انگلیس در این مملکت (ایران) بی  
 ار تانده است. مقالات خراید مارچورا در ایران ترجمه کرده و بدون کم و زیاد چاپ و منتشر  
 ساخته‌اند و در بعضی آن در بعضی جاها بیشتر از مطبوعات اروپا اعراف گونئی شده است  
 (کتاب آبی شماره ۱ [۱۹۱۱] عمره ۲۰۷)

۱۳: که حاله سهر دولت ایران است در برلین

۱۴: رجوع کنید مکتب آبی شماره ۱ (۱۹۱۱) عمره ۱۹۹ و صمیمه

طهران گشت. بعد از او چندین صاحب منصب سوئدی دیگر وارد شدند. باین نحو شالوده یک قراسوران ایرانی که اعمال آنها در این جنگ عمومی خیلی جالب انظار گشت ریخته شد. این قراسوران عبارت بود از یک دسته قشون نظامی که برای محافظت راههای تجارقی ایران با پول ایران در تحت ریاست صاحب منصبان سوئدی که مستخدم ایران شده بودند بزور انگلیس ایجاد شده بود.

سال ۱۳۲۹ برای تاریخ جدید ایران بواسطه ورود سرگان شوستر<sup>(۱)</sup> امریکائی که بتصویب مجلس شورای ملی ایران وبتوسط دولت امریکا بسمت ریاست کل خزانه داری بایران آمد و جای یزید فرانسوی را گرفت یک اهمیت فوق العاده پیدا کرد<sup>(۲)</sup>.

ورود شوستر بایران در زمان پر آشوبی بود. در همان زمان نسبت بحاکم اصفهان و برادر زاده او سوء قصدی واقع شد. خود حاکم سخت مجروح و برادر زاده اش کشته شد. سر تکین که اتباع روس بودند بقونسولخانه روس بست نشستند. وقونسولخانه از تسلیم ایشان بادارات ایرانی امتناع نمود. پنج روز بعد از این واقعه وزیر مالیه ایران صنیع الدوله که طرف سفر و بیمیلی سفارتخانههای روس و انگلیس بود<sup>(۳)</sup> بتوسط دو نفر جانی کشته شد و در گرفتاری

(۱) Morgan Shuster

(۲) شوستر در کتاب خود خفه کردن ایران (ص ۶۶) اعمال یزید را با آن زبان فبرده که از خصایص امریکائیهاست خوب تشریح میکند و میگوید: «یزید از برای دولت ایران صبور و ساده لوح فقط یک رساله یادگار گذاشت که با ماشین نوشته شده و ۴۰ ورق ضخامت آن و زبان فرانسه حلی قشنگی نوشته شده بود. شوستر هم مانند یزید باین عقیده شده بود که چه دید کرد وحشت بهترین وسیله برای آنکه مالیه ایران اساس منظمی و ترتیب صحیحی پیدا کند.

(۳) رجوع کنید بکتاب براون مضبوطات و استعار تازه ایران (Browne, the Persia and Poetry of Modern Persia) ص ۳۲۲ در تحت تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۱۰. — مارلینگ کنیل سفارت انگلیس در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۶ (۲۲ مه ۱۹۰۸) در وقتی که صحبت آن بود که صنیع الدوله رئیس الوزرا شود بگری جنین مینویسد: خیلی مشکل بنظر میآید که بتوان بدر از این انتخاب نمود. . . . . کتاب آبی انگلیس ایران، شماره ۹ (۱۹۰۹) تیره ۱۲۱

مرتکین چهار پليس ايران هم مجروح شدند. اين دو نفر قاتل هم اظهار کردند که تبعه روس هستند و سفارت روس ايران را مجبور کرد که مرتکين را تسليم سفارت روس کند و سفارت روس آنها را از سرحد ايران خارج کرد. ناامنيت و اغتشاش در ايران بواسطه سوء قصدهای بي درپي و حمايت روسيه از مرتکين که دليل بر اين بود که روسها اين اعمال را تصويب ميکنند روز بروز شديدتر ميشد و تمام زحمات دولت ايران را براي برقرار کردن نظم و امنيت که انگليسا زور تهديد آنرا تقاضا ميکردند خشي ميگذاشت. اين اغتشاش عمومي در موقع مراجعت شاه مخلوع بدرجه اعلي رسيد. شاه مخلوع که از ايران تبعيد شده و در اودسا ميژيست ظاهراً با اسم عوضی و لباس مبدل با اسلحه و ذخيره که با اسم «آب معدني» با خود حمل کرده بود بسواحل ايران وارد شد (۲۱ ج ۱۳۲۹). و متفقاً با برادر خود سالار التوله که در طرف غربي ايران اغتشاش ميکرد يك جنگ مختصري با يفرم خان سردار قشون ايراني کرده شکست خورد. بعد از چندين مرتبه جنگ که در همه آنها بر شاه مخلوع شکست وارد آمد بالأخره در ۱۳ و ۱۴ رمضان ۱۳۲۹ (۷ سپتامبر ۱۹۱۱) دوباره از ايران فرار کرده و با يك کشتي روسي از بحر خزر عبور نموده بروسيه مراجعت کرد.

روس و انگليس در اين مساعی که محمد علي شاه را دوباره بتخت و تاج ايران برسانند بازي عجيبي کردند. هر دو دولت سابقاً با دولت ايران يك قرار دادی در خصوص استعفا و مخارج ساليانه شاه امضا کرده بودند. بر طبق آن قرار داد در صورتی که شاه مخلوع سبي کند که در ايران اغتشاش نمايد مخارج ساليانه او ساقط ميشود. بعلاوه بر وفق همان قرار داد دولت روسيه مخصوصاً قول داده بود که از هر اغتشاش سياسي که شاه مخلوع بر ضد ايران در نظر داشته باشد جلوگيري نمايد.

در ۲۱ رجب ۱۳۲۹ (۱۸ ژوليه ۱۹۱۱) گري بسير بوکانان<sup>(۱)</sup> تلگراف کرد که «ما هر دو (روس و انگليس) سلطنت شاه تازه (يعني سلطان احمد شاه) را تصديق کرده ايم. من هيچ راهی ني بينم که چگونه ما با روسيه بتوانيم مراجعت

شاه مخلوع را قبول کنیم - شما باید از دولت روسیه سؤال کنید که آیا دولت روس شاه مخلوع را با خبر خواهد ساخت که برای مراجعت او بایران ما هیچوجه اجازه نمیتوانیم بدهیم . . . . . (۱) .

در غرة شعبان ۱۳۲۹ (۲۸ ژولیه ۱۹۱۱) کاپیتان وملاح کشتی روسی موسوم به «گریستوفوروس» (۲) را از شغل خود منفصل کردند بعلت آنکه ایشان از چگونگی مسافرت شاه مخلوع بایران وعبور او از بحر خزر بمطبوعات اظهاراتی کرده و شرحی داده بودند (۳) .

در ۴ شعبان ۱۳۲۹ (۳۱ ژولیه ۱۹۱۱) سفرای روس وانگلیس متفقاً بدولت ایران یاد داشتی دادند ودر آن یاد داشت هر دو دولت قید کرده وتصدیق داشتند که مخارج سالیانه شاه مخلوع بواسطه مراجعت او بروسیه (۴) [ایران - مظ] ساقط شده است ودر همان یاد داشت ذکر شده بود که روس وانگلیس مداخله در جنگ داخلی با شاه مخلوع نخواهند کرد (۵) .

در ۲ شعبان دولت ایران برای سرساز مخلوع ۱۰۰۰۰۰۰ تومان و برای سر دو برادر او شعاع السلطنه وسالار الدوله هر کدام ۲۵۰۰۰۰ تومان جایزه قرار داد .

در ربیع الاول وربیع الثانی ۱۳۳۰ دولتین روس وانگلیس دولت ایران را مجبور کردند که مجدداً بشاه که اتباع او ترکمنها وقمنازیها (بیشتر اتباع روس) در ایالت مادندران قتل وغارت میکردند وبسیاری از مستملکات اهالی را بباد فنا دادند یک مقرری سالیانه بمقدار ۷۵۰۰۰۰ تومان بدهند . بالاتر از این روس وانگلیس با کمال وقاحت از دولت ایران تقاضا کردند که نه فقط راهزنان ایران وروس اطمینان وامینت داده بلکه در مقابل اغتشاشی هم که آنها کرده اند ۷۰۰۰۰۰ تومان بون بردارند (۶) واین جریمه از یک قرص تازه از روس وانگلیس برداشته شد که دولت ایران برای آن صدی هفت تریل بایستی بدهد .

(۱) کتاب آبی انگلیس د ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) نمره ۱۹۱

(۲) Christophoros

(۳) رجوع کنید بکتاب تراون اشعار ومطبوعات ایران ص ۳۳۰

(۴) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) نمره ۲۴۶

(۵) کتاب آبی انگلیس د ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) نمره ۲۳۸

جدیت شوستر که سابق بر این عهد شکنیهای اسفناک روس و انگلیس بود طول زیادی نکشید و فقط هشت ماه دوام داشت. اقدامات کمتر کسی از رجال دولت این عصر بامید بخشی فعالیت شوستر بود. ایرانیانی که فقط حیثیات وطن دوستی و منافع مملکت خودشانرا در قلب خود می‌پروراندند با یک تعجب و شعوبی که نمیشد آنها در پس پرده نگاه داشت با اقدامات شوستر مینگریستند که برخلاف همکاران بلژیکی و فرانسوی خود از قبیل توژ و مرنارد و بزو خودش را یکی از عمال دولت ایران دانسته وسی میگرد که اعتمادی را که دول ایران و امریکا بشخص او داشتند پیش از پیش محکم نماید و نمیخواست که فقط جیب خود را بر کند بلکه تمام هم او این بود که واقعا کار کرده و تشکیلات تازه مفیدی بدهد. این مسئله که تبعه یک ملت اروپائی و امریکائی منافع ایران را بر منافع خود یا منافع روس و انگلیس ترجیح دهد برای مملکت بیچاره زجر دیده ایران یک قصه تازه ناشایده بود. با یک بی‌صبری و شغف زیادی مجلس شورای ملی ایران اقدامات شوستر را که با صداقت و راستی با پشتکار زیاد و دور بینی و قابلیت تأسیس تشکیلات جدید داخل کار شده بود نظاره میکرد. مجلس ایران در ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۲۹ با اتفاق آرا در خصوص مراقبت خزانه دار کل تازه ایران در تمام وجوه وارده و صادره رأی داد و باو اختیارات زیادی واگذار کرد (قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹). و این دفعه اول بود که ایران مقدرات آتیه خود را که مبتنی بر اوضاع اقتصادی مملکت بود و دست داوطلبانه بدست یک خارجه داد. از آنجائی که شوستر اختیارات تامه داشت رئیس کل گمرکات مرنارد را با وجود تعرض دولت بلژیک مجبور کرد که در تحت اطاعت او درآید. شوستر ترتیبی داد که مخارج قشون مرکزی را که تا آنوقت از دست رجال بزرگ دولت میگذشت مستقیما خودش پردازد. نتیجه آن شد که دولت ایران از این راه صرفه زیادی برد. شوستر ترتیب مالی قشونی را که بچنگ شاه مخلوع و برادرش فرستادند منظم کرد و یک مقداری اسلحه و ذخیره که تازه وارد شده بود ضبط نمود و مابین قشون مذکور تقسیم کرد. و فقط بواسطه اقدامات سریع جدی شوستر بود که آتش فتنه که شاه با اتباع ترکمن و قفقازی خود در ایران بر پا کرده بود زود خاموش شد. و چون حاصل غله بد شده بود این مرد دور بین

اسازهای دولتی را بر او عهده نگاه داشت و اقدامات حدی کرد که این عهده بطور  
 تساوی مابین قشون تقسیم شود و حلوی قبه قطعی را گرفت (این عمل را بعدها  
 مرتضی قزوینی تقلید کرد). و اگر بخاطر آورده شود که یک مقداری از مالیات ایران  
 تا آن زمان همیشه بصورت حدس پرداخته میشد و معمولاً این عملیات را بر سر  
 مستند ایرانی خود صطح کرده قیمت آرا بدخواه خود تسعیر میکردند و از آرزو  
 همواره بر ثمن خود میفرودند آنوقت نتیجه این اقدام شوستر خوب معلوم  
 میشود.

اعتماد ایران حوال شوستر را انداره بود و امیدی هم که وطن پرستان ایران  
 محط سیر این ستاره بسته بودند بحدت بود (ولی بدبختانه رود گذر بود).  
 سیر اکلیس سیر حارج نازکی در ۱۰ رجب ۱۲۲۹ هجری مویسد: «سیر  
 مرگان شوستر حا فقط دو ماه است که در طهران است و در این مدت قبل  
 نمود او کی از عوامل مهم اوضاع عمومی شده است».

حیات اساسی مرگان شوستر با آن اختیارات تامه که با او داده شده بود آن  
 بود که از خود ایران هر آنچه برای ترقی آن مملکت لازم است استخراج نماید  
 و این یک مسئله بود که تا بحال در آن اهال و دریده شده بود. یکی از مسائل  
 اساسی مهم تقسیم مساوی مالیات و گرفتن منظم آن بود. از برای تنظیم این  
 مر شوستر یک فراسوران مالیته تشکیل داد و در نواحی مملکت تراکنده کرد  
 رای آنکه بدون ملاحظه از کسی لکن از روی حق و قانون مالیات را گرفته  
 و در صورت لزوم با قوه حریبه این امر را انجام دهد. بسیاری از رجال بزرگ  
 معمول ایران مانند علاء الدوله و بهادر و فرماهرما و غیرهم مبلغ زیادی مالیات  
 عقب افتاده داشتند و تا آن زمان از پرداخت آن انا کرده بودند. باید آن قصه  
 صحیح را در کتاب خود شوستر (۱) خود بدست که چگونه شاهزاده فرماهرما که  
 برای حدی ملون ثمن است و یکی از دوستان صمیمی روس است گریه کلان  
 در مجلس شورای دولتی استدعا میکند که او را در مقابل خدمانی که برای مملکت  
 کرده است از پرداخت مالیات عقب افتاده که حراجه دار کل او میخواهد



معروف دارند. لکن شوستر محکم ایستادگی کرد و عقب رفت و باین شکل از چندین سال بابتطرف دهمه اول بود که نمایندگان سیاسی ایران در خارجه از خرابه که در وقت ورود شوستر نکلی نمی بود و حالاً کم کم بر میشد منطماً مواجب خود را بابت کردند.

اسکالات و مواجی که اجلوی این اقدامات شوستر موجود بود هرکسی را اگر اندک سعی در طبیعت داشت برودی مأیوس میساخت. خواهی که شوستر از انگلیس کرد که یاور استوکس<sup>(۱)</sup> نماینده نظامی انگلیس در دربار طهران را نسبت ریست فراسوران مالت در تحت اداره او (یعنی شوستر) در آورد تاغ آں شد که استوکس بطور غیر مستقیم اجازه دادند که از خدمت نظامی انگلیسی وهدی ستفا دهد. لکن بعد از آنکه دولت روسیه بر صد نصاب استوکس در خدمت دولت ایران تعرض کرد تا وجود آنکه استوکس را دولت ایران احقر کرده و فرار دادش هم از محس گذسته بود دولت انگلیس باو عدعش کرد که این کار را قبول نماید<sup>(۲)</sup>. بار هم قول سیر سسل اسپرنگ رایس که در شعبان ۱۳۲۵ بدولت ایران اصرار کرده بود که به انگلیس و به روسیه هیچکدام حق ندارند که باهم محافظت منابع خود مداخله در کارهای داخلی ایران نمایند دروغ در آمد.

روسیه از آنجایی که شاه مخلوع با اتباع خود و شاهزاده سالار الدوله در بعضی ایالات ایران بر ما کرده بودند تا اندازه که ممکن بود بایده برد و در آن موقع چندین مرتبه عهد سکی و تقص قول نمود و انگلیس هم با آن سه سب تؤول بر دواز خود طرفداری از این عهد شکنها کرد. طرف شمال ایران مخصوصاً تبریز و طرف جنوب آن مخصوصاً ایالت فارس و سواحل خلیج مدان، تحت و تار حونی برای روس و انگلیس گت و این دو دولت در آن صحاح قدمتی کردند که استقلال دولت ایران اهانت وارد ما آورد.

۱ - ۲۱۱۱۱۱۱۱

۱۲۱ حتی روزنامه روس مورخه ۸ شعبان ۱۳۲۹ پوست به دولت انگلیس و به دولت هند هیچکدام حق و اعتبار آرا ندارد که یور استوکس را از قول کاری که رجوع شده است منع نماید

در سلج رحب ۱۳۲۹ قسول روس در تبریز با حد هر قراق روس رفته  
ورشید الماک را که بواسطه حیات زرگی ادارات ایرانی حس کرده بودند  
آراد کرد و در زیر حمایت روس درآورد (۱).

قسول روسیه محاکم گیلان اطلاع داد که از طرف دولت روس هر کسی که  
منشور سطر آید گرفتار و محسوس خواهد شد چه آنکه تسعه روس باشد یا ظاهراً  
خود را تسعه روس نماید یا در هر لباس دیگری که باشد. در همان روز اعلان  
بیطرفی روس و انگلیس در خصوص ورود شاه مخلوع ایران از شهر اردبیل  
تلگرافاً بدولت حر رسید که نایب قسول روس مدارات و اهالی اردبیل اطلاع  
داده است که شاه مخلوع در حرکت است و از قوای حکمی و مالی او تعریف  
شده و مردم را آگاه کرده که از حرکات بیقاعدگی فکر دست باز دارد  
و از شایع و خیمه آن مترسد (۱).

در ۱۶ رمضان ۱۳۲۹ حرال قسول روس مدارات و اهالی شهر تبریز  
تذکره آید کرد که در داخل شهر سگر بندند و در حدود دفاع شجاع الدوله  
روس برست که علناً تکمک شاه مخلوع برخاسته بود و شهر تبریز را تهدید میکرد  
بر بیاید زیرا که نظم شهر را قنوں روس تعهد گرفته است و فقط در خارج  
سهر متواضع میگردد (۲).

وقتی که شاه مخلوع شکست خورده دوباره سحر حر فرار کرد (و قسول  
کری در تلگرافی که در ۲۰ رمضان سیر نوکانان کرد (۳). احاطه برای آنکه  
بجهت یک اعتشاس تازه در نقطه دیگری ورود آید) دولت ایران مکرر  
حاضر نشان روس و انگلیس کرد که قنوں شاه در خاک روسیه مخالف با ماده  
۱۰ قرار داد سال ۱۳۲۷ است که دولت ایران و روس و انگلیس با هم امضا

۱. کتاب آئی انگلیس شماره ۳ (۱۹۱۲) نمره ۲۵۱ ویر خارجه ایران که این  
اصلاحات را بگری بلگراف کرد و خواهش نمود که با روسیه داخل مذاکرات شود در ضمن  
آن بلگراف میگوید در مقابل تصرفی که دولت روسیه میخواهد نگاه دارد واقعاً متذکریم  
که این اقدامات چه آسیبی ندهد

۲. کتاب آئی انگلیس شماره ۳ (۱۹۱۲) نمره ۳۳۲

۳. کتاب آئی انگلیس شماره ۳ (۱۹۱۲) نمره ۳۲۳

کرده‌اند و مافی با اعلان بیطرفی است که چندی قبل دول روس و انگلیس  
 نموده‌اند (۱). اما راتوف (۲) در جواب گفت که شاه مخلوع در روسیه در محب  
 الم گرفته شده و مواطنت خواهد شد لکن صمانت می‌توانیم مکیم که شاه مخلوع  
 حرکات آخری خود را تکرار نکند (۳).

انگلیس که تمام خواهشهای ایران را در خصوص میامی‌گری سرمایه‌اعتبار  
 اخلاقی برای خود میداند لکن بهیچوجه کمک معوی ندولت ایران نمیکرد  
 از این حالت محران ایران که بواسطه اوضاع نظامی پیدا شده بود استفاده کرد  
 این سکن که جنگ رقابتی مابین روسای ایلات خود را که از قدیم الأنام وجود  
 داشت برای فایده خودش تکرار کرد. ابتدا بر قشون قوسولحانه انگلیس در  
 جنوب افرویدند. در عرّه دی‌القمعه ۱۳۲۹ دولت انگلیس بدولت ایران اطلاع  
 داد که ۳۰۰ هزار سپاهی هندی برای حفظ مافع انگلیس نظریه ایران حرکت  
 کرده‌اند. خواهشهای متوالی دولت ایران از انگلیس که نگذارد خود دولت  
 ایران نظام و امنیت را در مملکت خود رفرار کند و انگلیس در اقدامات قراسوران  
 در تحت ریاست سوئدیها (که خود انگلیسها بدان حدیب مایل بدان بودند)  
 بشدستی نکند پشت گوس انداخته شده و رعایت ننهد (۴). اقدامات دولت  
 انگلیس وسیله شد برای روسیه که او هم سوت خود بر قرائت‌های قوسولحانه  
 روس در اصفهان و رشت افروید و عده آنها را به ۳۰۰ هزار رسانید (۵).

در ۲۴ شوال ۱۳۲۹ نقاب نکلی برداشته شد. راتوف (۶) شارردافر  
 انگلیس در پطررورگ آورن (۷) اطلاع داد که عقیده او دیگر دولت روسیه  
 نمواند در اقدامات حلی حدیبی (یعنی اشغال اراضی ایران) تأخیر نماید.  
 - لائی که راتوف برای این عزم که هیچ چیز اثبات حقیقت آن ممکن بود  
 مآورد برای آن سیاسی دان انگلیس هم آشکار بود. لکن سدریخ در صص

- ۱۱ کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) عرّه ۳۴۰ و ۳۵۰  
 ۱۲ \ 1112 f  
 ۱۳ کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) عرّه ۳۶۱  
 ۱۴ کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عرّه ۲۹ و ۳۷  
 ۱۵ کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عرّه ۶۷  
 ۱۶ \ 1110 f  
 ۱۷ \ 1111 f

مذاکرات واضح شد<sup>۱۱</sup> و آن این بود که اقدامات جدی سرگان شوستر مخالف با منافع روسیه است. تراتوف از جدیت و مساعی سرگان شوستر سخت شکایت میکرد و شکایتش آن بود که این مرد میخواهد نظارت در تمام ادارات ایران داشته باشد بشکلی که مکنی مخالف با منافع دولت روس است. و در ضمن تعجب الفاظ ذیل گفته شد که: «تشکیلات در ایران باید کم کم در دست گرفته شود و آن هم بصریقی که منافع روسیه در آنها منظور گردد».

واقع اقدامات شوستر نزدیک شده بود که نظمی در ایران برقرار کند و آن اغتشاش و هرج و مرج ایران را تصفیه نماید. شوستر با جدیت فوق العاده و با دقت تمام نقشه‌های خیلی مفصلی برای تشکیلات تازه در ایران حاضر کرده بود. نه دولت روس و نه انگلیس که بواسطه کینه با آلمان کور کورانه طرف اقدامات روسیه را در ایران گرفته بود هیچکدام مایل نبودند که یک ایران تازه با اوضاع صحیح ببینند. ایرانی که خود دارای راه آهن و معادن باشد، مالیات آن از روی قانون صحیحی گرفته شود، و زرای آن رشوه نگیرند. و مخصوصاً چشم دیدن یک فراسورانی را ندانند که فقط منافع ایران را در نظر داشته باشند. هیچ چیز نتوانست جلوی اقدامات جدی شوستر و همکاران او را که دائماً در تزیید بودند بگیرد. نه اغتشاش شاه مخلوع و شاهزادها در شمال، نه غارتگری شاهسونها و ترکمنهای بیم روسی که روس و انگلیس جدیت میکردند که دولت فقیر ایران با آنها یوز بدهد<sup>۱۲</sup>. نه اغتشاش اهالی بواسطه وجود دستجات قشون روس و انگلیس در خاک آنها، نه تحریکات قوام الملک رئیس ایلات خمسه بر ضد حاکم فارس و هوادار او صولة الدولة رئیس ایل قشقایی. نه ادعای خسارت‌های بی‌دری از دولت ایران برای اغتشاش ایلات که خود این اغتشاش تا یک اندازه جواب

۱۱) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) ص ۲۵

۱۲) مقصود از این جمله صریح نیست. ساند مقصود آنست که بعد از در ماه صفر و ربیع الاول ۱۳۳۰ در موقع قرار داد اخراج اخیر ساه مخلوع از ایران و عودتش از استراماد بروسیه نفسار روس و انگلیس دولت ایران مجبور شد که علاوه بر ۷۰۰۰۰۰ تومان مقرری سالیانه نعود محمدعلی میرزا قریب ۱۰۰۰۰۰۰ تومان برای پرداخت حقوق و مخارج ترکمنها و سایر اسرار ایلیه او دفعه بردازد. لکن در آن وقت مدتی بود که شوستر از ایران رفته بود. — مترجم.

ایلات بود بحركات غیر قانونی انگلیس و روس . هیچکدام از این امور نتوانست شوسترا را از راه بیرون برد و نقشه او را برهم زدند . بافدایات شوستر هیچ لطمه وارد نیامد زیرا که مجلس متحداً از او حمایت میکرد .

از آنجائی که این نیههای کوچک کارگر نشد و فائده نبخشید کار بوحشیگری عانی کشید . اول سیر ادواردگری فریاد خود را بلند کرد . در ۸ ذی القعدة ۱۳۲۹ وقتی که مرگان شوستر با شرکت بانک «سلیمان و برادران» (۱) در لندن برای عقد یک استقراضی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی داخل مذاکرات شد سیر ادوارد گری بطرز بزرگ (۲) تلگراف کرد که : «استقلال ایران نباید باعث صدمت آن با انگلیس و روس بشود و این واضح است که بمقتضای موقع جغرافیائی ایران روسیه تحمل هیچ دواتی را در این مملکت نخواهد کرد که منافع روسیه را محترم بشمارد و در نظر نگیرد . هر وقتی که موقع مناسب باشد ما این مسئله را بشوستر خواهیم فهمانید . . . . .» با این تلگراف انگلیس بر روسیه اختیارات تمام داد که هر اقدامی که میخواهد برضد شوستر بکند .

از اولین موقعی که بدست آمد استفاده کردند . اروپا هنوز سرگرم قضیه غمشاش مراکت بود و تصور نبرفت که یک نارضائی از بد رفتاری با ایران در اروپا پیش از چند روز طول نکشد .

بحکم شورای مملکتی خزانه دار کل با کمک قراسوران خود خانه شعبه السلطنه را که علناً برصد دولت ایران قیام کرده بود ضبط نمود . یک روز بعد از ضبط خانه جنرال قونسول روس (۳) بوختنوف (۴) بیک دسته قزاق امر کرد که قراسوران شوسترا از قصر شعبه السلطنه بیهانه آنکه این خانه در دهن بانک استقراض روس است (۵) بیرون بکنند . بعد از این واقعه قراسوران

(۱) Saligmann Brothers

(۲) کتاب آل انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) نمره ۶۵

(۳) در روز ورود او بتهران سمت جنرال قونسول وزیر امور خارجه معروف ایران حسدقی خان بواب استعفا داد .

(۴) Pukhtanoff

(۵) این حرف را شوستر در کتاب خود خفه کردن ایران ص ۱۵۴ رد میکند و این ادعرا باطل میداند .

شوستر دوباره مأمور شد که خانه را ضبط کند و رور بعد قصر شعاع التلطفه را در تحت تصرف در آوردند. در این گیر و دار خویشی شد لکن از طرف روسها و مخصوصاً از طرف دو نایب قونسول بایرانها توهین وارد آمد. ولی با وجود همه این اهانتها فرانسورانهای شوستر از حالت قانونی نظامی خود خارج نشدند (۱).

کمی بعد از آن روزنامه «تایمس» نوشت (۲) که سفیر روس اقدامات حیرت

قونسول پوتینا نوو را تصدیق کرده و دولت ایران برصده این اقدامات اعتراض کرده است. اندکی بعد از آن در ۱۰ دی القعدة ۱۳۲۹ دولت روس از دولت ایران که حاضر شده بود در این خصوص تفتیس و تحقیق نماید (۳) تقاضا کرد که رسد عدد خواهی کند. سفیر انگلیس خواهش دولت ایران را صکه دولت انگلیس مابین ایران و روس میبایستی واقع شود مدیرف لکن بار طرفداری از تقاضای روس نمود (۴). در ۱۸ دی القعدة ۱۳۲۹ در مقابل خواهشهای طبره امیر دولت ایران اولین اولیما نوم روس بایران داده شد. جمع آوری قشور در سرحد ایران از این لحاظ که ممکن است رقیب انگلیس تنها ایران انصرف کند باعث نگرانی انگلیس گردید. سر ادوارد گری در ۲۴ دی القعدة سپر نوکانان تلگراف کرد که: «اگر دولت روس چنین تصور میکند که این مسئله شکل رسایت عسی حاتم می یابد مگر آنکه مستر شوستر احراج شود آن وقت من حرفی ندارم. من میخواهم احراج شوستر را پیشهاد کنم. مقصود من فقط آن بود که در روسیه تصور رود که من طرفداری از شوستر میکنم» (۵). پیشهاد احراج شوستر و حراج کردن سالی تشکیلات تارده که با این همه رجحات ساخته شده بود چنانکه انگلیسها میخواهند مردم ماوراسند از طرف روسیه بشد بلکه از قراریکه در فوق باب گردید این پیشهاد اول از طرف سپر ادوارد گری اظهار گردید (۶).

۱۱ کتاب شوستر من ۱۲۵ بعد

۱۲ موزحه ۵ و ۱۰ آکبر ۱۹۱۱

۱۳ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۲ (۱۹۱۲) عره ۷۶

۱۴ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عره ۸۱

۱۵ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عره ۱۲۲ رجوع کند بر سمره ۶۵

۱۶ تایمس موزحه ۱۸ آکبر جمله سخی شوستر آورده بود

از این بعد با سرعت هرچه تمامتر اتفاقات گوناگونی روی داد. روسیه  
 ارتباط سیاسی خود را با ایران قطع کرد. ۱۰۰۰ هزار قشون روس در قزوین  
 حاضر و دستجات تازه دیگری هم در سرف حرکت با ایران بودند. در ۱۷  
 نوامبر (۲۵ دی القمه) گری مجدداً تصدیق کرد که دولت انگلیس احراج شوسترا  
 عصب می نماید<sup>۱۱</sup>. در ۲۴ نوامبر (۲ دی الحجه) آن اتفاق تاریخی معروف  
 در طهران روی داد که در دنیا نظیر نداشت و احتمال آن از استقرار است.  
 سا ناطمیانی که از طرف سفیر انگلیس داده شد که اگر دولت ایران بطور که  
 باید و شاید عدد بخواند قشون روس پیشتر نخواهد آمد. نماینده ایران از سفیر  
 روس رای تقصیری که از روسها سر رده بود عدد خواست. پس از آن  
 سفیر روس اظهار کرد که ارباط سیاسی مابین دولتین ایران و روس دوباره  
 برقرار است و در همان وقت یک اولتیماتوم نابوی بدولت ایران داد<sup>(۲)</sup>.  
 آن اولتیماتوم در ۷ دی الحجه ۱۳۲۹ (۲۹ نوامبر ۱۹۱۱) بدولت ایران داده  
 شد و برای آن یک موعد ۴۸ ساعته معین کرده بودند. مواد اساسی آن  
 از این قرار بود:

- ۱ - احراج شوسترا.
- ۲ - تعهد دولت ایران باینکه در آتیّه بدون تصویب روس و انگلیس یک  
 عبر ایرانی را بخدمت ایران قبول نکند.
- ۳ - پرداختن یک وجه حسارتی برای مرستادن قشون روس با ایران.  
 سرخی که شوسترا در کتاب خود درج کرده است که این تقاضاهای اهانت  
 آور روس چه اثری در مجلس ایران کرد لازم است در اینجا ذکر شود:  
 در چند دقیقه ظهر مانده مجلس رای عالی گرفت.

۱۱ کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) مره ۱۲۷. شما بدون هیچ  
 رده نوسی برانوف نگویید که دولت انگلیس با تقاضای روس برای احراج شوسترا مکتبی  
 همراه است (گری به بوکانان)

(۲) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) مره ۱۶۳ شوسترا این حرکت را  
 که استی اسات بحالت حامی ملل کوچک یعنی انگلیس سود با المصاح جلی سعت  
 سعی شرح میدهد (صفه کردن ایران ص ۱۶۳ و غیره)

اسم مروکیلی را که میخواندند آن وکیل از جای خود برخاسته و رأی خود را میگفت. رأی محقی در این خصوص گرفته نشد.

بعد از اتمام خواندن اسامی وکلا نتیجه آن شد که هریک از ایشان مهره مقدرات خود را با دست خود انداخته و بدون آنکه فکر آینده خود و خانواده خود را نکند رأی خود را اظهار کرده بود. همه وکلا متحداً بخرس بزرگ شمالی آن خوانی را دادند که ممکن بود یک ملت مایوس نامل شده در چنین موقعی بدهد: همه وکلا پیسودن یک راه مشکوک خطرناکی را برای آینده ترجیح دادند بر آنکه سرف و حیثیت ملی خود و حقوقی را که تازه بدست آورده بودند باختیار خود تسلیم دشمن نمایند. همه وکلا تقاضاهای روس را رد کردند (۱۹).

ما در اینجا نمیخواهیم مفصلاً شرح آن روزهای تاریک دی الحجه ۱۳۲۹ و محرم ۱۳۳۰ را بدهیم که بایران پس از رد کردن مردانه آن اولتیماتوم حق کن گذشت. همینقدر کافی است بگوئیم که روس رشت و ازلی و تبریز را تصرف کرد و در شهر تبریز که نزدیکترین شهر شمال ایران است غاصبین روس هر وطن رستی را که بدست آوردند بدار زدند و بر قرار دستور العمل «نوییه ورمیا» که «لازمه انسانیت حقیقی ظلم و ستم است» روسها در این شهر مردان را گلوله ناران میکردند، بدار میزدند، شکنجه میکردند، باره میکردند، حاوی توب می گذاشتند و زنان و اطفال را بیدترین وضعی میکشیدند. رفسور راون که از لا انالی گری دولت خود متعزیه بود در خصوص طم تبریز یک کتابچه منتشر کرد و از فطایح اعمال روس چندین عکس برداشته در آن کتابچه درج نمود (۲۱). حتی فوسول انگلیس هم تصدیق کرد که بعضی از کسانی که سردار رفتند بی تمصیر بودند (۳) و این اعمال روس را «وحشیگری» نامید. فشور روس که برای تصرف ایران آمده بودند حرکاتی کردند که مافوق تصور بود و بدترین آن حرکات که در تاریخ نظیر همان باره باره کردن جسد

(۱) خفه کردن ایران ص ۱۷۶

(۲) The Reign of Terror in Tabriz: Englands Responsibility

(۳) کتاب آبی انگلیس ایران، شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۴۶۵



منمهدی توسط انگلیسهاست بدار زدن نفعه الاسلام بود. در ۱۰ محرم (روز عاشورا) مقدس‌ترین روز مسلمانان شیعه بزرگترین مجتهد ایالت آذربایجان نفعه الاسلام را با همت نهر دیگر بداری که با بیرقهای روس مزین کرده بودند آویختند (۱). یکی از معاریف نویسندگان انگلیس تشبیه کرده است تأییری را که دار زدن نفعه الاسلام بایرانها کرده است بتأییری که دار زدن کشیش اعظم کنتربوری (۲) در روز جمعه عید فصح بانگلیسها میکرد (۳). این اقدامات روس حتی در «داوینگ استریت» (۴) هم اسباب گفتگو و تنفر گشت. لکن این تنفره از روی حس انسانیت پرستی بود بلکه فقط از ترس آن بود که مبادا این دار زدن‌ها حسیات مسلمانان نفعه انگلیس را محرکت آورده آنها را بشوراند. و علت دیگر آن بود که مبادا نتایج وخیمه این اقدامات کار را بجائی برساند که روسها بطرف طهران رفته آن شهر را تصرف نمایند (۵). سیر بوکانان بوزیر خارجه روس چنین اظهار میدارد: «دار زدن این مجتهد محترم هم یک اتفاق بدی و هم یک خبط بررگی بود. ملاحظه باید این اتفاق تمام ایرانها را باعلی درجه خشمناک و متعبر سازد. یکی از اولین نتایج آن این خواهد بود که کابینه حالیه که آنچه توانسته برای آرام کردن روسیه کرده است در مقابل هجوم ملی نتواند مقاومت کرده و استعفا بدهد. و نیز ممکن است که این مسئله طوری جلوه داده شود که روسیه نفعه الاسلام را فقط برای آن بدار زد که تنفر عمومی را نسبت بخود تحریک کرده و بدیبطریق اغتشاش تازه بر پا نموده بهانه برای تصرف طهران بدست آورد (۶)».

(۱) رجوع کند کتاب براون، سیرا و مطبوعات ایران، ص ۲۳۵ و کتاب آبی انگلیس ایران، شماره ۵ (۱۹۱۲) ص ۲۴  
 (۲) Canterbury کنتربوری شهری است در انگلستان در شمال لندن که محل اقامت کشیش اعظم تبار انگلستان است - حاشیه مترجم.  
 (۳) جانکه شوستر در کتاب خود خفه کردن ایران « (ص ۲۰۲) نقل میکند این تشبیه ابتدا از پرفسور براون نشی گشته است.  
 (۴) Downing Street خیابانی است در لندن که وزارت خارجه انگلیس در آنجاست و کابینه است از وزارت خارجه انگلیس. - حاشیه مترجم.

(۵) کتاب آبی انگلیس، ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) ص ۵۲

(۶) کتاب آبی انگلیس، ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) ص ۳۲

این و حبسگریها و طلبه‌های بی‌دینی اهالی شمال را حوفاک و ترسو کرد. و در این گیر و دار قصیده شوستر در طهران کم‌کم فراموش شد. مجلس را حراً تعطیل کردند و محامع علی و بسیاری از روزنامه‌جات را عسدرن نمودند و در اواخر دسامبر ۱۹۱۹ (محرم ۱۳۳۰) شوستر احراج شد و اولتیماتوم روس را قبول کردند.

در اینجا بهترین زمانی برای ایران که بایه همه نوع امیدی بود مختام رسید. شوستر در حاشیه کی از اصول کنانی که در سرگذشت خود نوشته خطاب روس و انگلیس کرده و با الهام سحت تلخی «قره دیل را می‌گارد» (۱):  
 «فهمیدن دلایل انحطاط ایران چشم تمام مردمان حتی چشم آن کسایرا هم که هیچ‌وقت گمان ندی تردید نادر می‌کنند. واضح است که ایران بیچاره فدای ناری چند دولت اروپایی گشت که از صدها سال نامصرف در زجر دادن و فاکردن ملک کوچک و ضعف عملیات و تجربه داشتند و برای رسیدن تعصب خود از هیچ وسایه مصایفه نمودند. به از خوریزی پروائی داشتند و به از بر باد دارن شرف و افتخار و ترقی یک نژاد بالتعمام».

## فصل دوم

مجلس شورای ملی تعطیل شد و بحالت تعطیل هم باقی ماند. و این تعطیل بیش از دو سال طول کشید و وکلای تازه انتخاب شدند. و در آن حسرت آنکه بیشتر یا کمتر بحرف انگلیس و روس گوش میدادند سالی چندین بار بعد می یافتند. هر دفعه که تقاضاهای روس و انگلیس بیک مانی ر حورده دوحه، سکالاتی باشد فوراً این دو دولت قشون تازه تحاک ایران وارد کرده و ایران ر محوره قبول آن تقاضاها میکردند.

احراج شوستر در موقعی شد که اروپا بکنی سرگرم حالات خود بود. از این موقع دولت روس و انگلیس استفاده کرده و فوراً بعد از احراج شوستر ادارات ایران را از وجود اشخاصی که طرف ملی آن دو دولت بودند پاک کردند. امر کائیهای همکاران شوستر همه متحداً بعد از شوستر داوطلبانه از کارهای خود استعفا دادند باستانی یک نفر از آنها که عازت ناسد از معلم خراسان مرمل (۱) بعد ها بار از این مرد صحبت خواهد شد.

جای شوستر را به مر نارد (۲) بازگی دادند که تا آن زمان رئیس کنسول گمرک بود و این مرد بعد از رسیدن تمام بزرگ دست کنسول خراسان داری کار او را خود را هم از دست دادند و بالطبع برای مردوی این شغل مواجب مگرفت. سفیر انگلیس از مر نارد همیشه اظهار رضایت میکرد (۳) و مگفت که اصلاحه آنکه مر نارد در کارهای خود همیشه اتحاد کامل با این دو سفارتخانه دارد این در موضوع امر ورده ایران او برای این شغل مناسبترین آدمیست که ممکن است

(۱) Merml

(۲) Mer nard

۱۳۱ پیش ماه بعد سر توبلی یک بار انگلیسی در خصوص مر نارد سر ادوارد گری میدهد از معال آن حسب معنوی منسوب که کارهای مر نارد حدان صرف رضایت سفیر انگلیس بوده است که آن انگلیس از آن شماره ۱ (۱۹۱۳) بره ۲۷۵

نصوّر شود، (۱). بایرانیانی که تا تمام قوای خود بر ضدّ انتحاب این شخص که در تحت حمایت روس و انگلیس بود کار میکردند (۲) کسی گوش نداد. یک خیال دیگر سهارتین آن بود که مردمانی را که در جاهای دیگر عالم آنها را وطن پرست منامد یعنی مردمانی که فقط مانع تملک خود را در نظر داشتند و حاضر بودند که بقول سپر نارکلی با اتحاد کامل با سهارتین، کار کنند و همیشه عاقبتی بودند برای اخراج نقشه تقسیم ایران تعقد کنند. این اشخاص عبارت بودند از رؤسای عرقه دموکرات ایران. بیست هر از این وطن پرستان محل را در بهار ۱۹۱۲ (۱۳۳۰) یا از طهران تبعید کردند یا آنها اجازه داده شد که مؤکداً یک مسافرتی ماروپا نمایند (۳). از جمله این اشخاص که مایه امیدواری ایران خوان بودند (۴) یکی حسینعلی خان نواب (۵) دیگر وحید الملک، سلیمان میرزا و سردار محبی بودند.

بعد از این اوضاع روس و انگلیس تصور کردند که حالا دیگر وقت آنست که آخرین قدم برای برطرف کردن آزادی ایران برداشته شود. از طرفی نمی بودن حرایه ایران و از طرف دیگر ادعاهای حسارت دولتی روس و انگلیس (که در حقیقت خودشان بواسطه جمع آوری قشون در سرحدات ایران نافع

(۱) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۲ (۱۹۱۲) نمره ۲۴۵ آ

(۲) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) نمره ۳۵ - سفیر انگلیس در ایران مگری را بورت میدهد. از طرف دولت ایران یک کمیته موقتی تشکیل شده است که کار شوسر را در دست بگیرد. اعضای آن گفته ۵ نفر هستند و مرناورد حرو آنها نیست. رجوع کنید سره ۶۵ از همان کتاب آئی که مگری در بلگراو سفیر انگلیس در نظر برده بود. دولت ایران بر ضدّ انتحاب مرناورد است و امید دارد که دولت روس و انگلیس هم بر انتحاب او اصرار بورزند.

(۳) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۱۲۸ بعد از آنکه سفیر جدید انگلیس سیر و آلر ناوپی خود بصدق میکند که برگردن اس اشخاص هیچ تقصیری عسواً وارد آورد مکتوب. موقع حلی مناسب سطر میاید که حساب قدیم را تصفه کرده و تمام رؤسای مهم نارتر را که در مجلس سابق بواسطه صرمداری از پروگرام شوسترو صدمت دائمی تا روس مسهور شده بودند از حوره ساسی خارج میکند.

(۴) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۱۲۶

(۵) سفیر حاکم ایران در بلن خریدار انگلیسی بواسطه من موزحه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۵ در ره او مکتوب یکی از رجال مهمه ایران که حلی و بل ملاحظه است.

این اعتناشات شده بودند) از دولت ایران بهانه آنکه اموال آنها غارت شده و متصرف شده‌اند موقع مناسبی بدست میداد که محدوداً امتازات تازه در مقابل پرداخت یک مبلغ کمی از دولت ایران بگیرند. گری حاضر شد که دولتین روس و انگلیس یک مساعدت مبلغ ۴ میلیون مارک (دو کروار تومان) ( ) تا شرایط دین دولت ایران بدهند.

۱ - اگر دولت ایران دو میلیون مارکی را بکشد انگلیس میدهد صرف تصکیلات فراسوران سوئدی جنوب و عبارتی آخری صرف مافع تجارتی انگلیس نماید.

۲ - اگر شاه مخلوع که روسته فرار کرده است محدوداً یک معرزی سالانه داده شود (ریزاکه گری از دوستی شاه مخلوع تا روس میترسد).

۳ - اگر یک عمو عمومی رای دستجاتی که برامون شاه جمع شده بودند از طرف دولت ایران داده شود و تمام قشون غیر نظامی (که شاید رای ایران نتواند بکشد) حلق اسلحه شوند.

۴ - اگر ایران عهد نامه ۱۹۰۷ (۱۳۳۵) روس و انگلیس را قبول نکند (۱).

روسیه پیشنهاد کرد که این مقدار ۴ میلیون مارک از قرار تریل صدی هشت ناقساط کوچک پرداخته شود. سفیر انگلیس در طهران سیر خارج نازکلی این شکل را یک «ترتیب حشی» مینامد (۱). و از آنجائی که حوائج مردمی یکی از حصایص بزرگ انگلیس است سیر نازکلی پیشنهاد کرد که تریل وول را در این آورده و در عوض صدی هفت تریل بکشد (۱). دولت ایران بعد از کشمکشهای زیاد در خصوص عبارات و جمله ۳ عهدنامه ۱۹۰۷ (۱۳۳۵) انگلیس و روس در ۲۰ مارس ۱۹۱۲ (عمره ربع الثانی ۱۳۴۰) یاد

۱۱ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) عمره ۱۵۴

۱۲ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) عمره ۱۸۱

۱۳۱ گری پیشنهاد کرده بود که دولت ایران باید احوستالی عهد نامه ۱۹۰۷ روس

داشت تاره روس و انگلیس را قبول میکند ولی بشرط آنکه هرچه رود تر قشون روس و انگلیس از خاک ایران خارج شوند (۱).

به روس و به انگلیس هیچکدام در حدود ریامندند که این تفصای مشروع دولت ایران را انجام بدهند. تقریباً در هر یاد داشت مهمتی دولت ایران بحدتاً خاطر نشان روس و انگلیس میکرد که انقلاب عمومی اوضاع فقط بواسطه بودن قشون خارجی در مملکت است. حتی سیر توکانان هم در سلاح محرم ۱۳۳۰ (۲۰ ژانویه ۱۹۱۲) نسا رانوف اظهار کرد که دولت روس اطمینان داده است که قشون خود را از قزوین بیرون برد و اگر روسیه قبول خود وفا کرده بود و اقدامات دولت روس در شمال ایران ناعب بر ابروختگی ملت ایران نشده بود حال حلیه راههای تجارتی جنوب ایران باین بدی سود و اساس سکایب داتی انگلیس میشد (۲).

حوای که روسیه بایران داد بعد از آنکه از سیر خود در ایران بوکائوسکی کوریل (۳) تعلیمات لارمه گرفت حوای اهانت آمیزی بود. در ۲۴ فوریه ۱۹۱۲ (۵ ربیع الأول ۱۳۳۰) سیر توکانان در پتزر بورگ گفتند که دواب ایران جو سجال است از اینکه یک مقداری قشون روس در قزوین توقف داشته باند برای آنکه هر وقت لازم باشد دولت ایران سواند آنها را سه روزه پای تخب حاضر کند (۴).

واضح است که اقداماتی که انگلیس مکرد برای آنکه روسها قشون خود را از ایران بیرون بکنند از راه احساسات همدردی و دلسوزی نسبت بایران یا از روی محترم داشتن عدالت و راستی بود بلکه نقطه نظر او در این کار بقدر رقابت با روس بود و پس. بعدها تاب خواهد شد که انگلیس در واقع در جوجه مراعات عهدنامه ۱۳۲۵ (۱۹۰۷) را با روس کرده و تا آن اهمیتی نداده.

۱۱) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) عمده ۳۱۶

۱۲) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) عمده ۱۱۱

۱۳) Pokrowski-Korcell که فقط مانده روس در خارج است که از اهل لهستان است

کمی از دوسان پادشاه انگلیس ادوارد هفتم بود

۱۴) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) عمده ۲۲۲

ر خواندن کتابهای آبی انگلیس چنین استناد میشود که روس دولت انگلیس  
 از مراجعت شاه متجاوز بایران حقوق طرقداری از روس مگرد پیش از روس  
 خود دولت ایران از آن بهره بود.

اما انگلیس با وجود تقاضاهای مکرر دولت ایران و با وجود آنکه دست  
 قشون او در جنوب ایران بواسطه هیجان ایلات جنگی فارس مکرر مورد حمله  
 و تارت شدید (۱) اصلاً در صدد آن بر نیامد که قشون خود را از جنوب ایران  
 بیرون نکشد. سفير انگلیس میگفت که عساکر انگلیس وهد وتی از ایران خارج  
 خواهند شد که دولت ایران تقراسودان در تحت فرماندهی صاحب منصبان  
 سوئدی کمک کرده و آنها را درست نگاهداری کند (۲).

هر چند که ایران اعلان جنگی نکرده بود با وجود این در رولیه ۱۹۱۲ (سفر  
 ۱۳۳۰) روسها فقط در تبریز ۱۵۰۰ نفر سرباز داشتند و هزارها سرباز دیگر هم  
 نقاط دیگر شمالی ایران فرستاده بودند. روسها کمترین بی مهربانی را نسبت  
 محودشان و حتی مراجعات داخلی اهالی آن شهری را که در آن اقامت داشتند  
 دست آویز قرار میدادند که نادارات محلی از بوفشار وارد آورید. در روس  
 روسها اداره یک روزنامه را با تمام آلات آن خراب کردند و روزنامه را  
 توقیف نمودند. در مشهد در مارس ۱۹۱۲ (۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰) یک وای  
 روی داد و حسودت روس را باعلی درجه ظاهر صاحب و این حرکت روسها  
 تمام عالم اسلام یک از دردناکی کرد (۳). در مشهد یکی از علما از ترس آنکه  
 نمک اسب طرف سر او هجوم آورد عمیره مصهر امام رضا سه برده و سر  
 آنجا بست بسته بود و از قرار عادت حدس صد سینه ایران دیگر کسی را با  
 دست روس سود. حتی خود روس و انگلیس این دست فدیتهی ایران را که مانند  
 یک قرار داد بین انالی اسب صدیق داسه و در خصوص اسباصی که در  
 حد حمایت آنها بودند تکرار کردند. لکن در این موقع فرمانده مسوول روس

(۱) برای این عادت منبع گرافیک از دولت ایران خسرت گرفته شد و از دست  
 که ایران داده شد قبل از همه در این منابع خسرت مرفوع کتب

(۲) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) - ۳۹۵

(۳) تراوی مصوع و اسرار ایران ص ۳۳۶

این مکان مقسّم (۱) اربابان را گلوله باران کرد و مقداری از روار ببحاره و بگناهان را هدیه گلوله ساخت.

شجاع الدوله یکی از دردمان و منقلبهای معروف کمک روسها بخودی خود حکومت آذربایجان را در دست گرفت و چندین سال در آنجا با کمال وحشیگری و ظلم حکومت کرد و هر خیال آزادی را معدوم نمود (۲). فقط نسبت این شخص و حرکات خود سران روس بود که در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ (۱۳۳۰) به حراسان و به آذربایجان که با ثروت ترین ایالت ایران است تک دیسار برای مخارج دولت مرکزی مائتات ندانند. در وقتیکه هیئت وررای طهران هم آرا را حاکم آذربایجان کرده و شریک فرستادند شجاع الدوله اشخاص نامی بریز را محصور کرد که یک مصایت نامه از او امضا نمایند و آرا بعد از امضا در عوض اینکه بدو اب خود بفرستند وزیر امور خارجه روس و نایب السلطنه قزوین و سمر روس در طهران و فوسولنامه فرانسه فرستاد (۳). دولت روس از بهای ایران ناصح میکرد که سرگاد قزاق که مخارج آن را دولت ایران مدار ولی آنها هیچوقت برای مافع ایران نمیجنگند و فقط برای مافع روس حاضر جنگ بودند بفرایند. بعد از آنکه دولت ایران این پیشهاد را قبول نکرد آنوقت دولت روس بشجاع الدوله فشاری وارد آورد و طرفداری از حکم تاره مکر که دولت ایران فرستاده بود (۴).

از سال ۱۵۱۲ (۱۳۳۰) بایطری دولت ایران از تنها کسانی که متوانست روس کند | امی روس و انگلنس | قروض تاره مکر و صدی هفت بریل

۱. لرد کرزی در خصوص ممبره مندس اعلم رضا در کتاب خود موسوم به آرا و رأی ۵۵ صفحه شرح میدهد (حدیثه من ۱۵۴ بعد)
۲. منس عتده اسجیمی که اس وقت مصمغ روسها مدار رده و کسبه اسب سی دسور است لکن جورتری او بخانی رسیده بود که حتی فرسول سنگس انگلیس مغم بر رجه کرای تمده بود. در وقتی که شجاع الدوله در سنه ۱۹۱۳ (سوان ۱۳۳۱) باز سده بر کرده را مدارد فرسول انگلنس و ص این دار دردمان با بر حلی ندی بر صوب ازو سا میکند کتاب آئی انگلنس ایران شماره ۱ (۱۹۱۲) نمره ۳۱۴
۳. کتاب آئی انگلنس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۲۳۹
۴. کتاب آئی انگلنس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۲۲۶



میداد. بواسطه آن اعتشاش کاری که دولت ایران را محور آن کرده بود کار مخانی رسیده بود که هر چند هفته دولت ایران با پولهای حلی کمی یک طوری گذران میکرد تا اینکه بالأخره محور میشد تا یک قرص تازه حسابها را صیبه نماید. شرایط آن قروض شتاب انتهایی روس و انگلیس زیاد میشد در رولیه (شماره ۱۳۳۰) دولت روس در حواست امتیاز راه آهن حلقه - بریر - اورمیهر را نمود که در اول دولت ایران تکلی رد کرد و غیر قابل مذاکره نامید (۱) ولی بعد قبول کرد مروط تا آنکه مجلس شورای ملی (که اصلاً آنوقت موجود بود) تصدیق نماید (۲).

و خواهی که دول روس و انگلیس مساعدت دولت ایران میدادند بواسطه تقاضاهای گوناگون همان دول که روز بروز در ترابند بود حلی رود تصرف میرسد. یک نظر زیاد داشت کاری که سفر انگلیس در طهران در ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ (۸ سوال ۱۳۳۰) (۳) بدوات ایران داد درست نشان میدهند که تا چه حرص و طمعی این دو دولت بزرگ سر ایران بیچاره هجوم آورده بودند. در آن یاد داشت میگوید که قسور انگلیسی و هندی عمقیرب از اصفهان حرکت و شیراز رحمت خواهد کرد. دولت ایران باید در شیراز از برای آن قسور مکانی معین نماید و آلا پول دولت ایران در شیراز سرنازخانه خواهیم ساخت. هم روس و هم انگلیس که رفات روس امتیاز راه آهن محرمه - حرم آباد را از دولت ایران تقاضا میکرد از نظر روار هت و ورا و تأخیر آنها در انجام امور سفارتی مبرحور گشتند. سفارتین میخواستند یک شخص مطمع تری صکار را در دست بگیرد و خیالشان بعد الدوله رف یعنی همان وزیر مستندی که تمه ماب ایران او را با شاه مخلوع از مملکت برود کرده بود. این حال محبت را سارا یوف و گری و کریو (۴) در لندن با هم مذاکره کردند و برای انتخاب این وزیر تار. هم متحداً سرایطی گذاردند که مافی با هر کوه حسبات انسانی بود. عن آن شرایط حالیکه گری طرح کرده از این قرار است

- (۱) کتاب آت انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۲۳۳
- (۲) کتاب آت انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۲۷۶
- (۳) کتاب آت انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۳۴۴



که اول باید یک دولت محکمتری (مقصودش سعد الدوله بود) تأسیس بشود. مدتی طولانی گذشت تا اینکه بالاخره یک هیئت وزرای تسکین شد و این مسئولیت را آوردن گرفت که حقوق ملت را بماند کند و ندگران را بگذارد. این روسته روس و انگلیس که فروع یا مساعده‌هایی با قیاس حینی گران دولت ایران میدادند و فوراً از همان بول حسدتها و مخارج قراق و قراسوران را که مقصد برای مافع شخصی خودشان میخواستند کسر، نگذاشتند بقیه‌اش آن شد که هیئت وزراء را کلی سرگرم کرده ادارات دولتی را کاملاً حراب کرده و هوه مرکزی دولت را کلی ضعف و نابوان ساخت و مقصد دوا این همچو این هم چنین بود. ارتباط حکام ولایات، دولت مرکزی روز بروز سست تر گشت. در هر حقیکه روسته قدیم مسروق ره می نمود و وسایل زندگی بدست آورد و حکم هم بخواست از سرمایه خود خرج کند آتوقت حکم بچاره بخورد شد که ماسد بوکر و علام هرچه رؤسای قوی ایلات با اسرار و ماسد دیگر ماسد سالارا الدوله و غیره با او میکردند محصل نماید.

مثلاً رفتاری که فرما عرما حکم کرمانشاه در مدت حدیث ماه در مقابل سالار الدوله نمود حلی حوسمره بود. وسایلی برای تهیه یک قسوق مهم در دست بود و معاهدین ملی را هم با حکم روس و انگلیس خلع ساخته بودند. ابتدا ماه قسوقی که فرما عرما جمع آوری کرده بود و اتماع سالار الدوله مدت حدیث ماه تصور عربی جنگ ماسد که قولبول انگلیس شرح آن حکمها را در تصور بیان میدادند معخص آنکه این دو قسوق در مقابل هم میرسیدند کاره از به صرف ملنگ ماسد و هر دو طرف هم فور قرار اختیار میکردند. محصل اسر کرده دستجات سالار الدوله) از پاس نزد خوکه او اهل کسی بود که ماتف من مسئله شد که اینبار هم مثل صرف مقابل هر دو یک مری نکند و هر دو یک حال - رد است.

- ۱ کتاب آف انگلیس ایران شماره ۱ (۱۵۱۳) به ۳۰۱
- ۲ کتاب آف انگلیس ایران شماره ۱ (۱۵۱۳) تیره ۵۱۳ دلی دره راه
- ۱۵۱۳ (۲۷ مجله ۱۲۳۱) مگری مونسد یک کده حاضری مدرا کتی از خود
- در جاهد کرد اگر در راه راه آورده بود
- ۳ کتاب آف انگلیس ایران شماره ۱ (۱۵۱۳) به ۱۰۰

بالآخره نشانه‌ها در سالار الدوله که ده دوازده مرتبه سکست خورده بود  
 و سفیر انگلیس او را «مرد گریر با» و «علاء الساطه»<sup>(۱)</sup> «دیوانه» و سارردار  
 روس «یک آدم عمی»<sup>(۲)</sup> می‌نامیدند بواسطه هتار از طرف روسها و برغم  
 جمع تعرضهای دولت ایران حکومت گیلان را دادند. تا آخر سال ۱۹۱۳  
 (۱۳۳۱) اعشاسات و مسانکارهای این ساهراة عارتگر که هر یکجندی از سر  
 بو طعان میکرد امتداد یافت. بالآخره رای آنکه تخفیر ایران را ناعلی درجه  
 رساسد قزاقهای ایرانی معیم استراد از سالار الدوله حمایت کردد<sup>(۳)</sup>. این  
 هزافها ر همان رنگاد راق ایران بود که در دسامبر ۱۹۱۲ (محرم ۱۳۳۱)  
 روسها حراسند ۳۰۰ هزار رعدة آن بفرایند<sup>(۴)</sup> و رای وجود بیفاید  
 آنها درون رای قول خود سارژدای روس نول هگفتی صرف میکرد<sup>(۵)</sup>.  
 این فرقیه در تحت فرماندهی صاحب‌مصان روسی بود.

این ناری عجیب بالآخره در پائیر سان ۱۹۱۳ (اواخر ۱۳۳۲) تمام گشت  
 - لار الدوله که مانجی قوسوخانه روس در کرمانشاه شده بود بعد از آنکه  
 حیر از دهان ایران که سرری سالیانه رای خود رقرار کرد کمک روسها  
 هدف اروپا حرکت کرده بسویس روس.

در اسماء آنکه روسها کمک دست نشاندہهای خود و حکام میایل روس  
 ر حسن سجاج الدوله (که از فرستادن وکیل ستمجلس سوزی که در اواخر سال  
 ۱۹۱۲<sup>(۶)</sup> بروز مختارین جمع آوری شده بود جلوگیری نمود) و بهراز گوی  
 حال روساس - کر همه حرب ایلات شمالی ایران را آهسته آهسته از گاو ناپین

۱ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۲) نمره ۸۹

۲ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۲) نمره ۲۱۶

۳ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۲) نمره ۸۸

۴ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۵۲۰

۵ کتاب آن انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۲) نمره ۱۳۱ در ۳ آوریل ۱۹۱۳

۶ ۲۰ ریح ۱۳۳۱) در سارژدای روس در طهران - بر والتر تاوتلی میگوید  
 - صورتک روس ایران بر کزاقی صرف عزای مسکند خوب بود پیش از این از رنگاد  
 بی اسامه مسند است وجود آن اشغور معائنه ماند و در کمال سادگی میگوید که  
 معمولاً حین صورتک - که روسته در عقب این هزافها اسناد و از آنها حمایت مسکند

\* صورتک روس ۵ ریح ۱۹۱۲ فصل ۱۳ مجله ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰

می برسد و در مورد سلاح حیوانیه و دوستانه خود را بواسطه « خرید دهانت در  
 ادوات سهام ایران و کویج دادن رو به بندان نقاط متدرج برقرار میگردند  
 انگلیسها بر ضد آرزو وند که یک حاکم حوی برای سزار دست آورند.  
 تحت سبب محضر التیسه اعتماد و مگفتند محضر التیسه آن حکمی است  
 که بوسیله خود و عملیات خود بالاخره دفع سکایات انگلیسها را که  
 در بهای سزار مستمری لایق از حیات، شافع تجاری خود که همند  
 برسد خواهند کرد. رسول انگلیس در سزار مارور اوکتوبر ۱۱  
 در و تهری خود در حوی حاکم تاره مگوید که او مردی است با حالات  
 و ... های شایع و ... آگاس در واکر تاه ال (۱۲) در خصوص او  
 ... ... ... که دستخا ... دفع صد که ... استند  
 ... و حوی ... نام ... را از گروه است (۱۳).  
 ... آگاس ... نوالس ... حکومت خود حرکت  
 ... حرارتی حرارت در ... مراد در مالیه ایران مدیریت  
 ... ... ... در این نوع انگلیس  
 ... که مستقیم یک مساعده داد که واضح است ... آینه  
 ... آگاس ... که رده بود و بواسطه ... تارس  
 ... این وجه بواسطه نمایندگی ... آگاس  
 ... ۱۵۱ مراد است.

همان وقتها که کلیسای ... تارس و همچنین روس است ...  
 ... پس گروه ... که ... از ... می  
 ... حرکت ... و ... بود

- ۱ کتاب آگاس ... شماره ۱ (۱۹۱۳) ... ۵۱۴
- ۲ ... ۱۱۱ ...
- ۳ کتاب آگاس ... شماره ۱ (۱۹۱۵) ...
- ۴ کتاب آگاس ... شماره ۱ (۱۹۱۶) ... ۵۱۳
- ۵ ...
- ۶ ...
- ۷ ...
- ۸ ...
- ۹ ...
- ۱۰ ... (۱۹۱۳) ...

این همان روترا در سایر ایالات ایران بر بیس گرفته شد. تقریباً همین شکل هم تا قراسوران ایران در تحت فرماندهان سوئدی معامله شد. از برای قراسوران یک دفتر مخصوصی در «بانک - مهندشاهی ایران» (که کنونی یک اداره انگلیسی صرف است) در طهران تاسیس شد که از آنجا در تحت مراقبت حراستدار کل مقدار وجوه لازم ریاست قراسوران پرداخته می‌شد. این پوسه واضح است که خود دولت ایران بایستی بر دارد ولی از یک مساعده در تریل صدی هفت که دولت ایران از نانت یک فرص بزرگی از انگلیس گرفته بود.

چنین سخن می‌آمد که حکام بزرگ ایالات و فسون قراسوران که بر عکس قرائنها صرف میل داشت ایران و تنها قوه نظامی قابل ابراست مطیع اوامر و اشارات انگلیس و دست اساندهای او یعنی ملزیمیها باشد.

انگلیس یک مد محکمی تمام اعصای ایران بسته و بدون آنکه اذعان گوس سالیهای سکایت با تعرض ایران بدهد بار از سر نو عهد تازه را سکس و وجود آنکه همواره از اقدامات قراسورانهای ایران اظهار رضایت میکرد (۱) در بهار ۱۹۱۳ (۱۳۳۱) راجوت ۷ (عساکر هدی) را از بلوچستان موشهر حرکت داد (۲).

ایران بیچاره که مابین دو جنگال آهنین قوی گیر کرده بود و روز بروز بیس از بیس مورد فشار بیگانگان واقع میشد تا حرانه حالی و بدون مجلس<sup>۳</sup> در صورتیکه مردان قائل را فاکرده بودند و فقط یک راه تا نالغ سلطنت آبر محمود فخر حویلی جنگ دنیایی را دید که از اوق تارک طالع گست.

۱۱ مهر انگلیس سیر و اثر اولی در ۱۷ را و ۱۹۱۳ (۸ صفر ۱۳۳۱) -  
در مشهد آنها (یعنی صاحب مصلحت سوئدی) تماماً اسخاس تا حریره و صاحب مع -  
کارکی هستند کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عره ۵۳۹  
۱۲) تعرض دولت اردن در کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۴) نره ۲۰۴  
مصور است

۱۳) ۱۳۱ - ۱۳۲ حد در اواخر سال ۱۹۱۳ (اواخر ۱۳۳۱) بار احوار انداحند کتاب  
آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۴) عره ۳۳۶



برآمد (۱). «تاییس» تا یک تفری که نتوانست نهان کند در ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) حرا اولین سرکشی هانباگ در (۲) تخلیح ورس داد. این شرکت از سال ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) باین طرف مابین هامبورگ و عربستان و خلیج فارس چندین کشتی راه انداخته بود و چنین معروف بود که این شرکت از طرف مملکت آلمان مساعدت مالی میشود و لهذا علاوه بر موانع تجارتی مقاصد سیاسی هم در نظر دارد. انگلیس بهر وسیله متوسل شدید برای آنکه تجارت آلمان را با ایران که سدریح بدرجه سوم از مالی که با ایران ارتباط تجارتی داشتند ارتقا حسته بود زمین زده و ارمیان برند.

مهم ترین رقبت انگلیس در مسرق روسیه بود که انگلیس با او آن قرار داد معروف ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) راست و مقتضای آن قرار داد حدودی در ایران مین کرده شد که در داخلی آن حدود روس و انگلیس نمود تدریجی خود را بایستی بکار برند. اگر انگلیس دانه ر صد حبالات صراحت شاه مخلوع (که روسها قول داده بود در صورتیکه دو ناره صاحب تحت و تاج ایران سود تا، مشارات مهمی بدهد) اهدا ماکرد و اگر انگلیس ر صد تصرف ایالات شمالی ایران متوسط قسور روسیه بود و ر صد گروه مالیات ایران متوسط قونسولهای روس اعتراض مکرد و اظهار تمایلاتی مسمود که تماما با میل دولت ایران موافق بود انگلیس در هیچک از این امور اصلا موانع ایران را در نظر نداشت بلکه فقط و فقط عکر خودن بود. چه نتایج آن عهدنامه استباک ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) که طاهرا بقت ترس از آمدن ناعب بسن آن شده بود دائما و حیم تر میشد. انگلیس خود را محور میدد که هرگونه تحطی روس را قول کند و بدین واسطه سدریح از خود خود در عالم اسلامی بکاهد و میدد که با وجود همه این اعماص، با عباره اصیح دلیل همین اعماصها حرح روس دائما از شمال محور ایران

(۱) رجوع بکتاب اشولان جنگ در خصوص عربستان ص ۲۰۰  
(Stahlman Der Kampf um Acher)

(۲) هانباگ محقق هامبورگ-آمریکا تاکت فارت آکسین گرتشاف است یعنی شرکت اسپانی هامبورگ و آمریکا برای حمل و نقل بستهها و آن عبارت است از یک شرکت کشتی ران آلمان که مقر آن در هامبورگ و بسنر با آمریکا روف و آمد دارد -



زردیک تر می‌بود و حتی‌بنا که این دولت متحد (پهی انگلیس) در حلیج فارس  
 حراز کرده و محصر محود نموده بود و حق شرعی و صرفی خود میدانست  
 تهدید نمیکند و اساس سای حدیثی سائله‌را که سیاست‌ورن دور پهی انگلیس در  
 خصوص سرق ساخته بودند مهتم میسازد. روز برآمدن (۱) سیاست‌گری در  
 مقاله‌ا که در روزنامه «پولیتیکال» (۲) مورخه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۶ در خصوص  
 ران نوشته است در دو که خوب خلاصه کرده است. میگوید: «یک اقدام  
 سیاسی اگر هم اخلاقی - مد اقلاً نیند فائده‌مادی داشته باشد. سیاست‌نرد  
 گری در خصوص ایران هیچیک را دارا نیست.»

انگلیس بالآخره در ایران حرة خود را در این محصر دید که محب  
 در بلوی زه رفت روسی خود ستاد نگار و در رده موانع و اسکالاب  
 ری او تراشد. پیدا تمام نمود خود را کار مرد ~~که~~ وررا و حکام  
 روس را براندازد و بجای آنها ک هت وررا و عمال انگلیس دوست  
 نماید. در حه غسه‌های راهها و راه تعبئای روس را سهویق نماید احب.  
 مخصوصاً مدکرات در د غسه راه آهی را که میبایست از وسط ایران گذر  
 سی کرد که صول ییجند. انگلیس برای آنکه قوی‌ترین ایلات ایران پهی  
 با مختاری ~~که~~ در عیدت اراضی ست هم سرک بود نظرف خود  
 سبب نماید و این قوت ~~که~~ روس نگار بندگان از صرف پول  
 روحیه امسک کرد. و چون روسیه بزرگاد هراق ایرانی را که فقط است  
 صورت ایران است یکی در دست داشت انگلیس سی کرد که قشور فراسوران  
 بر را نه درخت فرمادهی صاحب مصفاان سوئدی بودند و دیوان ایران  
 و روسی که رای آنها تریانهای سگس مند آنها را گاهداری مکرد در ممالک  
 سون قرای در دست گرفته و آنها را در تمام ایران مسلط نماید. اما همسک  
 کاسه بید که قشور فر سوران سوئدی باع اسارت و حکام ~~که~~ سبب  
 رفت و رجوع هر زمان که صاحب مصفاان سوئدی و روس در خصوص  
~~که~~ سبب ری قوت فراسوینی داده بودند مدراج فر سوران

عیرسانبندند و شکایت میکردند که غیر ممکن است برای این قشون که تشویق خود آنها تأسیس شده بود پول بدست بیاورند.

مراسلات «حیلی محرمانه» سفیر انگلیس در طهران در خصوص اوضاع سیاسی ایران که تا اندازهٔ بزرگی از وقایع ماههای اخیر بلافاصله قبل از جنگ عمومی و بعد از آن سخن میراند شخص را خوب از سیاست داخلی انگلیس و دوروی آن مطلع میکند. نویسندهٔ این مراسلات سیر والتر تاوولی (۱) ماسد همسطح خود مارلینگ (۲) های سیاستور «ناحس حوس طبیست» انگلیس را در دربار ایران گرفت، و اخیراً تاوولی را باسم آدکه «مردی قوی» است بهلاند فرستاده‌اند تا آنکه «حسبات ملی و وطن پرستانهٔ هلندیها را تحریک کرده و آنها نمایاند که این حسبات باید بطرف مؤلفین معطف باشد» (مورینگ است).

اینک ما در دین ترجمهٔ تحت اللامی متحد المآلهای تاوولی را برای مطالعهٔ خوانندگان مسکاربیم.

#### متحد امال نمره ۱

طهران ۲۳ مارس ۱۹۱۲ | ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲

خلاصهٔ اوضاع سیاسی ایران را که در دین دیده میشود باید قواسولهای انگلیس در اصفهان، سیرار، تبریز، مشهد، کرمان و بوشهر فرستاد تا از آن مطلع شوند و حیلی محرمانه است. در صورت امکان هر ماه یک چنین متحد المآلی فرستاده خواهد شد هر چند تا امروز نمیتوان یک موعده معینی برای این مسئله قرارداد.

اوضاع سیاسی از این فرارست:

امور ایران تابع بعضی مذاکرات مخالفت آمیزی بین روس و انگلیس شده است. ارتباط این دو مملکت در اینجا ناآرامی و ناآرامی فدیعی است. وزیر تارن روس (۳) در حرکات خود قدری عریب خاطر مآید. (رجوع

Sir Walter Lowley (۱)

Marling (۲)

(۳) یعنی کوروسووس (Korostovets) که در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰) سفر دوستانه در آن بود این مرد ماهی جماعت اروپائیا در بکن واسطهٔ آنکه دکتر رئیس نسب حی

کند آن ملاقات در رور نامه ایرانی که سوادى اران لغاً مهرستم). ما ارعین الدوله و فراسوران و مختاریها محاب مکسم. روسها حالا بر صدتین الدوله هستند. مذاکره این هم هست که فراسوران را بواسطه برداشتن آنها از شمال ایران کمتر کند. روسها بدوستی ما نسبت به مختاریها بطر حسد و رقابت میگردند. ما عین الدوله را در سر کار خودس گاه داشته ایم و او از برای ما همه کار خواهد کرد. دولت انگلستان فعلاً در خصوص فراسوران در تصر و نوری معمول مذاکرات است و ملل دارد که فراسوران در همه نقاط ایران وسعت گردد. روسیه مایل است که بر برگردان برای اعزوده شود و در شمال ایران قزاق های فراسوران را بگیرد. مختاریها محکم در دست ما هستند. سرد صدر آنها بصفهان و کرمان و مراجهت ایاطانی (۱) سر سعل خود توسط آن سفارت (یعنی سفارت انگلیس) احکام نامت. فرستادن شوکت بساستان و توقیف حسنه (۲) الملک بواسطه مساعد بودن عین الدوله از یس رفت. مهم ترین مقصد نایب السلطنه است که در ماه رولنه آینده (سغان) ساهوا بصحت رسانیده وجود در مملکت خارج شود. نایب السلطنه از این مترسید که مجلس حدید بتعویق اعلان تابع بودن ساه رای بدهد و این مسئله باعث استعفاى خود او و انحطاط شخص دیگری که آب دست مجلس و نایب او باشد گردد. بدین ملاحظه نایب السلطنه انتخابات را بصوت اذباح رای آ که او صاحب مجلس حتی الامکان بوعند تا حدگذاری زدک شود. انتخابات طهران حالا تمام شده است. عناصر

ی (۱) از آن راه در برد تا وجود آنکه خود مائل بود امیر سوزرس بود و دیگر جنبی بدی از خود گذارد. پدر دسر کوروسووس را با مهدد مسس وون محور کرر که رس را صلاح دهد ضرروسووسووس را بعد بنسبه کردید تا آنکه او را بسبب نامیده سیاسی روس در معولس ان به اورگا فرسازد

(۲) مقصود سردار حکم ما خود رس و صبه رس جان به اری است که اهدت راه تبع را باو و کنار کرده وند

۱۲ سوکه الملک و حسنه الملک دو راسه به شوکت مسهور ناگلیس دوس و لهذا بسبب حکومت سنا ان با مرد کرده و حمده الملک که حرک انگلسا کرده ر سنا مساند و روس رس است

د وکرات نکلی خارج شده‌اند. انتخابات ایالات فوری احکام خواهد یافت ولی  
 قریب بیقین است که تریر وکیل خواهد فرستاد. (۱)

اوضاع تریر بواسطه حرکات ناشایست سخاع الدوله و استقلالی که او  
 تناسب حمایت شدن از طرف روسها پیدا کرده است نمی یأس آور است.  
 اشکالات مالی دولت ایران حلی رناب است. مر بارد (۲) حوب کار مکند.  
 بدست آوردن پول برای مخارج فراسوران که حالا بسالی ۶۰۰۰۰۰۰ لیره  
 سیده است حیلی مشکل شده است.

نقشه راه آهن سرتاسر ایران اساس اشکالات گردیده است (۳). مذاکرات  
 در لندن و پطرر بورع سطر میاید که منتج نتیجه نشود. روسیه مایل است که  
 خط راه آهن را از کرمان سدر حابهار منتهی نماید در صورتی که دولت انگلستان  
 بر صد اینس که منتهی الیه خط آهن در مشرق سدر عباس باشد. دولت  
 ایران متواند ۶۰۰۰۰۰۰ لیره از یک شرکت انگلیسی برای امتیاز معادن کرمان  
 بدست بیاورد (۱) ۳۷۷ اردیاد ۳۰۲۶ خصوصی ۸۲۳۰ بواسطه روسیه که مساعدت  
 انحص تحقیقات راه آهن مذاکره میگرد (۱).

فراسوران یک دسته ۱۲۰۰ هری بروحرد فرستاده است. نظام  
 الساعه (۲) نسبت حکومت ارستان و عربستان نامرد سده ونداحا حرکت مکند.  
 سحباریها وعده داده سد که در ماه آوریل (خادی الأولى) بردرا تاها بدهند

(۱) حانکه در نش اساره سد سخاع الدوله حوحوار عاصم برر که از طرف روسها  
 حوب میشد مانع انتخابات برر گردید  
 (۲) Nonud

(۳) مقصود نسه راه آهن باصو-وشکی (فوحسان) است که اداره مالکته آرا  
 انحص تحقیقات باریس « (Société d'Etudes) با سرمایه انگلیسی و فرانسوی و روسی در  
 دست گرفته بود رجوع سود نسه ایران در آجرای کتاب

( - ) مفهوم عبارت این دو ساره نکلی مهم است فوسول انگلس در سه ار  
 ان ارفه زمررا از متحد المال بولتی بوانسه است حلی نماید و همین طور باقی گداسته ودر  
 حاسه گاعد در حصوص ان ارفاه علامت اسهمامی گداسته است

(۵) حاکم سابق فارس که بحرکت انگلشها معروف سد نظام الساعه اکنون  
 رئیس نوای ملی اراکی است که کمک هماینها با روس میگوید

ایب (۱) را کم در کاشان حوی گرفته است چه وی دائماً بیش از پیش محصور  
 میشود. نایب از دولت ایران استندای احاطهٔ سمر کریلا نموده است.

ادارهٔ قراسوران تاریکی حد صاحب منصب ناصه‌هان فرستاده است برای  
 آنکه کارهای آنجا را توسعه بدهد.

اوصاع فارس کما فی السابق اسباب تشویش است. قونسول انگلیس البته  
 در موقع لزوم خود را بکار خواهد برد. حکومت حاکم (۲) حاکم آنجا  
 رای ما بیخهٔ حونی بداد و باید کسی دیگر پیدا کرد که بیشتر تابع باشد. وزیر  
 الیهٔ حاکم (۳) سطر می‌آید که بسیار مناسب باشد و چون او بر صد عین الدوله  
 سب عیت او از پایتخت عین الدوله را قوی تر خواهد کرد. اتفاقات احرهٔ  
 کار رو و کشته شدن اسماک یک صاحب منصب سوئدی امید است که نتایج  
 حتمی نداشته باشد هر چند که اعتشاس هور تمام شده است.

نصویر آنکه شاه مخلوع دوباره مراجعت کند اسباب تشویش شده است.  
 کن دواب روس قول حتمی داده است که از طرف روسیه ناو کمک خواهد  
 ند. احتمال می‌رود که سالار (۴) هم دوباره برگردد.

اصهارات سیر روس در یک ملاقاتی که محرم رورنامهٔ ارغند، نا او نمود  
 ندارهٔ اسباب کدورت سیر انگلیس شد که او را محور کرد یک سوادی از  
 ن مقاله رای قونسولهای انگلیس فرستند. وی الواقع این اظهارات حلی  
 مریب سطر می‌آید. محرم رورنامهٔ ایرانی از سیر روس سؤالات دسوار  
 بیجا بیچی میکند در باب همان مسائلی که از قدیم اسباب تسویش خاطر دولت  
 یران شده بود از قبل عهد کشیدن فنون روس از شمال ایران، مراجعت

(۱) مقصود درد مشهور نایب حسین کاشی است.

(۲) یعنی محرم السلطه

(۳) یعنی ووق الدوله که امسال رئیس الورد است

(۴) یعنی سالار الدوله برادر شاه مخلوع که بعد از آنکه مه‌های زیاد در ایران بر  
 برد و اعب اشکالات و حسنگهای داخلی گردید بالاخره رور روس و انگلیس نا یک مواجب  
 بالابه که دولت ایران ناو وعده کرد از ایران ببعده شده و در سوسن سر مجرد

سازم مخلوع، عهدنامه ۱۹۰۷ روس و انگلیس، مسروطه، قراسورات ایران - قروض تازه وامیارات راه آبی که در مقابل آن میخواستند، و بالأخره عزل دست نشاندۀ روسها در تبریز شجاع الدوله حوینوار که نامر واستصواب متوعین خود روسها «اعصای المحسن را بریر شکجه اداخته نداد رد و محتهدین را رنده رنده حشم در آورده قطعه قطعه نمود و یک نفر از محاهدین هلی را ندو قسمت کرده هر قسمتی را در فقهه از شهر آویخت» (زرر براندس در روزنامه «نولیکر» مورخه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۶).

در مقال اعاب این سؤالات کوروستووتس حواهای مهم دو معین حاضر دباست: عهدنامه ۱۹۰۷ روس و انگلیس قبل از همه چیز تمامیت (۱) من محفوظ بودن حدود و ثغور ایران را ضمانت میکند. (ویگهام (۲) انگلیسی مگرید شرح و درری استحقاق وزارت ندارد اگر در دهاس کلمات رحتط حدود و ثغور، و «بقاء رسکل حاضر (۳) جاری ناسد). ولی آیا این تمامیت همین طور باقی ماند یا نه آن مسئله دیگر است. همچنین مسروطه ایران را دول حتی صدیق کرده اند ولی ساند لارم ناسد که مسروطه تعیری باید. در حوا سوال خبر روزنامه ایرانی در خصوص تصرف میقانونی شمال ایران شوش مسووس روس کوروستووتس باک ساده لوحی روسی اظهار میدارد. «هر بود که دولت روس این ناح ملوون ما را برای ترقی ملت خود صرف نکرد خواهی آ که این پول را برای برانگنده کردن نوای خود در ممالک خارجه تصرف رساند». صورت ملاقات مذکور را که روزنامه در عدد «مورخه ۱۰ مارس ۱۹۱۵ (۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۲) نسکل سرمقاله در روزنامه خود درج کرده است ما از روی سواندی که سیر والتر تاوبلی در اف کاعده متحد الممال خود نویسوانهای انگلیس در ایران فرستاده رجه کرده در اینجا میکاریم (۴).

Integrals (۱)

Whigham (۲)

Sartorius (۳)

(۴) مترجم اصل روسی از شماره روزنامه «روزنامه» در عدد ۵۵ شماره ۹۰۰

خود عدد نقل سوون لهندا ترجمه از آلمانی و اسکلتس اکما سدا حاسه ه ه

مقبول از روزنامه «درعده» شماره ۳۴، ۱۱، مورخه ۱۰ مارس ۱۹۱۲

ملاقات با موسیو کوروستووتس سهر روس در طهران

در جواب این سؤال که حصائل حمیده و اخلاق ایرانیان چیست و وزیر فرمودند ایرانیان مردمان مهربان و مهمان نوازی هستند و برخلاف آنچه وی سابقاً تصور میکرد ایرانیان به تمعّب و به برده‌ارواییها متوسلند. ولی ایرانیها کارکن نیستند و بیکاری را بر کار کردن ترجیح میدهند.

محرر روزنامه از وزیر خواهش کرد که صورتی که ممکن باشد وزیر از سیاست دولت روس توضیحاتی بدهد. وزیر اذین خورد که این توضیحات را نمیتواند بدهد. ولی وی مأمور شده است که روابط درسیا، بین ایران و روس را محکمتر کرده و در اتمام سکایلات حمید کمک نماید. محرر روزنامه بعد از آن سؤالاتی کرد در خصوص تصرف شمال ایران توسط قسور روس. وزیر اظهار کرد که وی ذرودار آن است که قسور روس اراضی ایران را تحلیه نماید. اعلیحضرت امراطور روسیه و وزارت خارجه هم او را مأمور کرده‌اند که هر راهی برای رسیدن باین مقصد متوسل شده و حدّ نماید. نایب السلطنه قفقاز و رئیس اوررای سابق هم که حالیه وزیر مالیه است با او در این عقیده همراه هستند. بهتر آن بود که باج دانون ماتی که رای قسور روس در ایران مصری میشود در راه ترقی و تمدن روسیه مصرف می‌رسید.

سؤال دیگر محرر روزنامه در خصوص ساد مخلوع بود. سهر در جواب گفت که شاه مخلوع ستارگی بصر ر بورع رفته است برای آنکه کمک و حمایت دولت روس را برای مراجعت خود بایران بدست بیاورد. اگر پشاه مخلوع گفته شد که باید وی حیال مراجعت بایران را نکلی از سر خود بیرون کند. سهر روس یقین داشت که ادادات روسی هیچوقت بساء مخلوع مساعدت نخواهد کرد.

از سهر سؤال شد که آیا او تصور میکند که مسروطه ایران ماتی با مافع سیاسی و تجارتی روسیه باشد. ایشان در جواب گفتند از آنجائیکه دولس همحوار مسروطه ایران را تصدق کرده‌اند اندا صداتی با آن ندارند اگر حیال آنها فقط

از این حیث در تشویش است که ممکن است ممالک ایران دوباره یک شکل هرج و مرجی پیدا کند. در صورتیکه هرج و مرج و اعتشاش بشود آنوقت دولت روس در مسروطه و قوا این مجلس تعمیری خواهد داد.

در خصوص عهدنامه ۱۹۰۷ روس و انگلیس سفير اظهار داشت که او این مقصد ما آن بود که تمامیت ممالک ایران را نگاه داریم ولی بعدها این عهدنامه چه اثری برای ایران خواهد داشت از حالا غیر ممکن است پیش بینی کرد یا در آن طاب حیرتی گفت. ایرایشها ناند مافع شخصی را کنار گذاشته بوطن خود بردارند. بعین است که در ایران اشخاص لایق و حیره یافت میشوند که در روسیه هم ماسد آنها پیدا میشود. اگر ایرایشها خود قابل آن باشد که ممالک خود را اداره کند آنوقت بالطبع اتفاقات غیر منتظر روی خواهد داد.

محرر روزنامه از سفير در خصوص سیاست دولت روس در منطقه بطرف سؤال کرد. سفير در جواب گفت که سیاست معینی در نظر نیست.

در جواب سؤال محرر روزنامه در خصوص قراسوران ایران سفير گفت که صدیقی تا قراسوران در میان نیست. در اول چنین گفتگو بود که قراسوران فقط برای امنیت راههای ایران تأسیس شده است. آن نقشه حالا نکلی هم حوزده و امروز تحت آن است که قراسوران در آینده یک مسوول بررگی خواهد شد. لهذا لازم است که وی در این خصوص تا دول ایران و انگلیس و سوئد مذاکره نماید.

در خصوص فرض بررگ ایران سفير قول آراسته بدو شرط میداند:  
اول - یعنی بودجه.

دوم - تصبیه مسئله راه آهن.

دولت انگلیس مل دارد که راه آهن سر تا سر ایران از شمال غربی بطرف جنوب و خلیج فارس گسیخته شود. در صورتیکه دولت روس مایل است که راه آهن از شمال غربی جنوب سری ساخته شود.

در خصوص حاجی سجاج الدوله و آذربایجان سفير روس اظهار داشت که تنها سجاج الدوله قابل آن است که نظم و امنیت را دوباره در تبریز و نال آذربایجان برقرار کند.



متحد المال دیل که در ۲۶ روش ۱۹۱۴ (۲ شعبان ۱۳۳۲) سیر انگلیس  
 از بیلاق قاپک نوشته پیش از پیش برده از دوی ناری انگلیس و روس  
 برداشته و آرا آسکار ماسارد. ایران که فقط قوت لایموت زندگی میکند مار  
 بول لارم دارد. ساها در دسامبر ۱۹۱۲ (محرم ۱۳۳۱) سیر و آلتر تا ولی  
 سیر ادوارد گری تا سمع ریاد تلگراف کرده بود: احتیاج بول ممکن است  
 ایران را محور کند که امسار راه آهن را امص نماید. ولی چون حالا هیچ  
 هیئت و ردائی پیدا نشد که محتداً مسؤولیت از دست دادن حقوق ایران را بعهده  
 بگیرد تحریک گری سعد الدوله را که تصرفات آن او را تا سماء مخلوع از  
 ایران بیرون کرده بود دوباره از گوسه اروپا نظهران طاسنده و  
 خواستند او را آلت دست خود قرار دهند. فقط ناصر الملک بایب السلطنه که  
 هر چند دوست و همشاگردی گری بود لکن بی روائی او را بدانت مصایقه کرد  
 از اینکه کابینه سعد الدوله را بشناسد. مساعدت که فوراً روسیه بایران داد باعث  
 این شد که امتیاز راه آهن حلما-تیریرا روسیه واگذار کردند ولی استهای  
 انگلیس با اویسیون (۱) (وعدۀ) ساحق راه بمخرمه-حرم آباد که حراً از دواب  
 ایران گروه شد فقط بعمه ساکن گردید. اینک ترجمه تحت اللفظی متحد  
 المال مذکور.

### متحد المال نمره ۲

قاپک ۲۶ روش ۱۹۱۴ | ۲ شعبان ۱۳۳۲

حیلی محرماه

رجوع سود متحد المال محرماه من مورحه ۲۳ مارس.

«با ردیک شدن روز تاحگذاری اوصاع پاتیحت حیلی تارک میسود.  
 دولت در نهایت تنگدستی و صیق مالی است و هیچ معلوم نیست که از چه منبعی  
 بول میتوان بدست آورد. دولت انگلیس بسر میآید که حاضر نیست هیچوجه  
 کمکی کند. از آنطرف دولت ایران هم هیچ میل ندارد که از روسیه تقاضای

کمی نکند چه از آن میترسد که بار روسیه در مقابل عدد مالی امپراتری حد در حواس کند از قبل کنتی رانی در دریایچه اوردیه، تحسید نظر در حد سرحدی ایران و روس در ردیکی صحرای معان، امتیاز بعضی آبیاریها و واگذار کردن بعضی اراضی روسها، علاوه امتیاز آسزی کارکنانی که بایست آب رودخانه کارون را از یک منبعی نزدیک کوه رنگ برگردانیده دست اصهار بیدارد.

کابینه و در آن در محصر حل بعضی مسائل سرگردان هستند و مخصوصاً میداند بچه شکل بر حد مداخلات روس در ایالت آذربایجان برونست کند. حاکم آنجا با حمایت روس خود را نکلی از حکومت طهران محراً کرده و مستقلاً کار میکند و حیرال فوسول روس هم در آنجا حکم بطرر بورع از اتاع روس یا کسانی که در تحت حمایت روس هستند و یا کسانی که املاک خود را باین هل اسخاص اجازه داده اند مالیات میگیرد. این شکل مالیات گیری در بعضی نقاط دیگر واقعه در محققه روس بر اجرا شده است. بعضی ادارات حتی هم از طرف روسیه در طهران و تبریز و حما که سبیده میسود در مسهد هم افتتاح شده است.

احضاری که از ایالات میرسد منبر است که انتخابات خیلی سائی بایس میروند. هیچ امید نیست که در موقع تاجگذاری عده نصابی از اعضای مجلس حدید در طهران بتواند حاضر باشد تا ساء در حضور آنها بوفاداری مشروطیات قسم ید کند. لهذا ایطور بامهاد شده است که ساء در حضور یک عده مختاطی از وکلای مجلس قدیم و مجلس حدید قسم بخورد. و این هم یک عمامه مسکوک است چه ممکن است در آینده اسباب گمناو در مسروعیت تاجگذاری گردد. بایب السلاطه مصمم است که حسن تاجگذاری را تأخیر بیدارد و حیل دارد که فوراً بعد از انقضاء مراسم تاجگذاری مسافرتی بارونا نکند. هور معاومه بیست که اولین کابینه دولت تازه را که سکیل خواهد داد. روسها از حد الدوله خیلی حمایت میکنند لکن احتمال قوی میروند که ساء حوان مساوی الممالک را ترجیح بدهند.

حماة دین که تاوینی در آن حرکات عبرقانونی روس‌ها را در آذربایجان تعمیم کرده و از یک تقسیم دوباره ایران یعنی از یک تشدید نظری در قرارداد ۱۹۰۷ سخن میراند بهترین مالی است برای اسات ایسکه چگونه انگلیس و روس در ابتدای جنگ از «قاعدۀ اساس فومین»<sup>(۱)</sup> که امروز ورد زبان ایشان است حمایت و طرفداری میکردند:

«مسور می‌رود که لندن و پترزبورگ امروز در حدود آن هستند که یک تشدید بحر اساسی در مسئله ایران کرده و معین کند که بجه شکلی ممکن است معاهده ۱۹۰۱ را حیر داده آرا محکم‌تر کرد تا با اوضاع امروزه مناسب‌تر گردد. لزوم این مسئله مناساً آن اقداماتی است که روسیه در این اواخر در شمال ایران کرده است و تا اندازه هم باید بواسطه قراردادی است که جدیدی پیش دولت انگلیس با «سرمکت بنت انگلیسی و ایرانی» [آبلو برس اول کمی (۲)] بسته است و آن واسطه دولت انگلیس در حوض ایران وظائف و مشوالت‌های تازه پیدا کرده که باید از آنها حمایت کند.

از قرائن هم‌چو معلوم میشود که بعضی از ایالات عمده حوض سعی میکند که با یکدیگر متحد شوند گویا علت آنکه تصور میکند که ممکن است حد از تاکننداری بعضی تعیرات در شمال ایران روی دهد و می‌ترسد که آن حیراب شاید بر صند مافع آنها ناسد. و بر از قرائن معلوم میشود که بعضی از این ایالات مایلند داخل ک ارتباط نزدیکی با دولت انگلیس بشوند.

امضا. و. توپلی»

بعبارۀ احرری چون تصور و صوح روسیه اقداماتی مخالف با حقوق من المللی در شمال ایران کرده است و بدی‌طریق حیثیات عدالت خواهی انگلیس را محروح ساخته انگلیس هم مایل است برای آنکه مرهمی برای قلب حراحت دیده خود پیدا کند استمالت روس را در منطقه بی‌طرف بر صرر ایران بیچاره بدست آورد. والا آن وظائف و مشوالت‌های تازه که انگلیس در حوض ایران

پیدا کرده کدامهاست؟ و چه قراردادی دولت انگلیس با «شرکت نفت انگلیسی و ایرانی» بسته است؟

«شرکت نفت انگلیسی و ایرانی» هیچ چیز دیگر یا کسی دیگر یا سب غیر از خود دولت انگلیس نبوده. دولت انگلیس است در عقب آن شرکتی که در سال ۱۹۰۹ (۱۳۲۷) ایجاد شد و مانع نفت هگمت خنوب ایران را در دست گرفت (از سوشتر تا سدر عتاس طول اراضی نفت است). در ۱۸ ژوئن ۱۹۱۴ (۲۴ رجب ۱۳۳۲) شاهان دولت انگلیس که بریتانیای کبیر با یک ملی معادل ۲۰۰۰۰۰۰ لیره داخل در این شرکت بشود با ۲۵۴ رأی بر صد ۱۸ رأی در مجلس وکلای انگلیس قبول شد.

تقسیم سهام این شرکت از قرار ذیل است:

دولت انگلیس	۲۰۰۰۰۰ لیره
شرکاء دیگر (مخصوصاً شرکت انگلیسی نفت نورما)	۱۰۹۹۹۰۰۰
<b>مجموع</b>	<b>۳۰۹۹۹۰۰۰ لیره</b>

دولت انگلیس که یک نمانده با حق رأی امتناع (۱) از طرف اداره ماله و محتره انگلیس در هیئت نظار این شرکت دارد با ۲۰۰۰۰ لیره سهام همیشه در آکریب است.

رای محافظت این اراضی نفت که قول رئیس شرکت نفت انگلیسی و ایران کریسوا (۲) «ماداره یرفت است که رای تمام احتیاجات قوای محریه انگلیس و یستر هم کافی است» انگلیسها فسون وارد عراق کردند. روزنامه انگلیسی «اکووهیست» مورخه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۵ (۳ صفر ۱۳۳۴) میگوید: «ناب جنگ سوم عراق عرب مخصوصاً اقدام سد برای محافظت اراضی نیلیان هی که اداره محری انگلیس بدست آورده بود».

دولت ایران قرار شد سالانه صدی شارده از مایع این شرکت و ذیل مختاری که معادن نفت «شرکت مختاری» (۳) (که آن پر یک شرکت

Veterlicht (۱)  
Greenway (۲)  
Bakhtiari Oil Co (۳)

انگلیس صرف است) در اراضی آنها واقع است صدی سه از اسهام سرک  
 «زوه» ۳۰۰۰۰ لیره قد سالانه پرداخته شود. بکسسه دولت ایران آیا از این  
 مافع قراردادی چه داخل میشود مخصوصاً وقتیکه ماسه سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۳) یکی  
 از ایلات خودسر بواسطه شکستن یکی از لوله‌های نفت یا حرکتی دیگر سرک صرزی  
 وارد آورد، این فقره از بطق رئیس «سرکت نفت انگلیسی و ایرانی» حوت  
 واضح میشود که میگوید (رجوع شود به «تیس» مورخه ۲۱ دسامبر ۱۹۱۵  
 صفر ۱۳۳۴): «دولت ایران مجبور است صرامت جمیع حصارانی که عا  
 و سرکها ما بواسطه هدر رفتن مقدار زیادی نفت (۱۴۴۰۰۰۰ تون یا ۳۳۰۰۰۰  
 حروار) وارد آمده بردارد و همچنین باید از عهده جمیع مخارج فوق العاده که  
 ما کرده‌ایم در عرص آن مدتی که بواسطه دیوانگی یکی از رعایای ایران مجبور  
 شدیم کار خودرا بجدی قطع کرده و کارخانه‌را بحواله نام برآید.»

۱

متحد المآل سوّم سفیر انگلیس در ایران تاوبلی مصادف میشود با زمان  
 جنگ عمومی. تاحکمداری شاه حدید الحام یافته و کمی بعد از آن کابینه وزیر استعفا  
 داده. نایب السلطنه که گوش خیلی نسوانی نصایح انگلیسها میداد انتخابات مجلس را  
 بطوری عقب انداخت که اعصای مجلس تازه در موقع تاحکمداری تماماً حاضر  
 بودند. هرچند که در متحد المآل مره ۱ مورخه ۲۳ مارس ۱۹۱۵ (۲۵ ربیع  
 الثانی ۱۳۳۲) چنین اشاره می‌رود که «در انتخابات حدید اعصای دموکرات  
 نکلی خارج هستند» یعنی آن اشخاص وطن پرستی که با عقد استقرارات انگلیس  
 و روس که در مقابل یک تنریل حابه حرات کی آحرین حقوق ایران را میخواهند  
 از او سلب کند صدیق می‌مودند (۱) لکن با وجود این بار روس و انگلیس از

(۱) رجوع شود بجهت ده براسن من مورخه ۱ ژانویه ۱۹۱۶ (۲۴ صفر ۱۳۳۴)  
 در آنجا میگوید جمیع اشخاصی که حیره هستند و رأی من دارند بصدق کرده‌اند که  
 درست‌کارترین فرقه سیاسی ایران همان فرقه دموکراسی است که امروزه با بساری از مرده  
 دیگر طرفدار آلمان هستند فوق و اشخاصی را که طرفدار منتهن هستند بموان اهمیت داد

مجلس حدید هم مطمئن نیستند. میده آنها نار هور در ایران وطن برسان یافت می‌شود؛ و از آنجائیکه بول کم است یعنی خطر یک قرص تازه با تزیینهای گراف در یس است و از آنجا که تصدیق خود انگلیسها روسها برحلاب هوایی بین المللی با روت ترین انالات ایران آذربایجان را نصیب کرده اند رئیس شورای تازه می‌تواند برای کابینه خود اسخاص با اطلاع کاردان بدست می‌آورد زیرا طبیعی است هیچکس حاضر نبود که مسئولیت آنرا بگردن بگیرد که این خارجهای امرورده «حفظ اساس قومیت»<sup>(۱)</sup> یک مانت صعبی را در هم سگسته و فنا نماید.

همچنین قراسوران برای در تحت فرمان صاحب منصار سوئدی که بهترین فنون ایران محسوب می‌شود رو نظرف الحلال می‌رود چه مواجب آنها مطمئن می‌رسد. چرا بول آنها منطما ادا نمیشد، زیرا که سوئدیها با قسوتی که در تحت فرماندهی آنها بود بر خلاف رنگاد قزاق برای خود را خدمتگذار یک شاکت خارج که در اس مورد انگلیس باسد می‌دانند بلکه بر عکس خود را دفاع کننده ایران و حامی رهیب این مملکت میدانند. لکن این خیال چندان با منافع انگلیس موافق نمآید. است که انگلیسها باستعانت دست نشانده‌های بلژیکی خود مانند حرابه دارکل هانس<sup>(۲)</sup> راه بول را بر قراسوران مسدود کردند. صاحب منصب قراسوران مرریل<sup>(۳)</sup> که تنها آمریکان بود که بعد از قصیه سوستر با رئیس و هموطنان دیگر خود همراهی نکرده از ایران بیرون رفت در ۲ مارس ۱۹۱۵ (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳) قونسول انگلیس در سراسر مارور از کورانه<sup>(۴)</sup> می‌نویسد: «دار مانع بحرمانه و حیلی موق می‌شوم که حرابه دار کل هانس در همنه‌های آتیه آچه در قوه دارد خواهد کرد که از رسیدن بول سوئدیها برای قراسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالاحره همه ناچار خارج خواهند شد». و چند ماه بعد نائب سفارت انگلیس کمر<sup>(۵)</sup> مرریل چنین گفت و مرریل هم فوراً حرف او را بسرا تاگراف کرد:

Principe de nationalite (۱)

Haydens (۲)

Merrill (۳)

O Conn (۴)

Kerr (۵) سابق در برلین و ژنرالی سفارت و دد است

«مایستر مایل هستیم که قراقران را در عمل قوم لوط بایم تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم» (مترجم به اوگوز در ۱۴ اوت ۱۹۱۵ ۳ شوال ۱۳۳۳). اسطور نمایندگان سیاسی انگلیس با صاحب مصیبت سوئدی که باصرار خود آنها بایران آورده شده بودند رفتار میکردند!  
اینک ترجمه تحت اللفظی متحد الممالک سووم سیر انگلیس:

### متحد الممالک سووم سیر

قلهک ۲۲ اوت ۱۹۱۵ [۳۰ رمضان ۱۳۳۲]

### خیلی محرمانه

متحد الممالک سووم سیر ۲۶ روتن.

تا حدگاری بدون هیچ اسکالی انجام یافت. از آنجا که عدده نصاب ۷۰ نفر از وکلای مجلس حدید در طهران حاضر بودند شاه قسم وفاداری مسروطیت را در حضور ۶۸ نفر که میگویند از (۱) وکلای مجلس قدیم بودند خورد. مسروعیات این عمل را با اسطور تاویل کردند که نطق یکی از مواد قانون اساسی وقتی که پادشاه در موقعی وفات نماید که مجلس حدیدی هنوز گرد نیامده است شاه نازه باید قسم را در حضور اعضاء مجلس قدیم یاد کند. سریناتی که در موقع تا حدگاری عمل آمد خیلی ساده بود. جیر تره فقط مهمانی بود که شاه رؤسای سفارتخانههای خارجه و حامیهای آنها داد. تمام سفرا باستثنای سارردامر ایسالیبا که مکتوب فوق العاده داشتند که بموجب آن رؤسای دول مسوعه ایسالیبا را برای این موقع سمت نمایندگی فوق العاده اعطا کرده بودند. وانجهد و وررا و همچنین عموی شاه نصره الساطه در این مزمانی حضور داشتند. بعد از تا حدگاری علاء الدامه در سرکار خود ناتی ماند ~~اکن~~ وزیر خارجه و بوق الدوايه استعفا داد و بان جهت تمام ~~کنارهای~~ مهم در خارج و تعویق افتاد.

۱۱۱ در اسطور اصل انگلیسی علامت استعفا می است از روسور انگلس در سرار

که اسطور کلمه داده که واب رمر آرا حل تمام

جد رور قبل کابینه جدیدی ریاست مستوفی الممالک تشکیل شد. علاوه  
 السلطه وزارت خارجه را در عهده گروم و خود رئیس الور را وزارت داخله را  
 دارد. مابقی اعصاب کابینه درجه اهمیتشان کمتر است. محتمم السلطه وزیر  
 ماله است. صاحب اختیار وزیر جنگ، دکاء الملک وزیر عدلیه، مهندس  
 الممالک وزیر تجارت، نهبان الدوله وزیر فواید عامه و پست و تلگراف.  
 مناسب فقدان پول و اوضاع مشکلی که بواسطه روسه پیش آمده است رئیس  
 اور را توانست همکاری بعضی از سیاستور قابل را که در موقع قبول ریاست  
 و را در نظر داشت بدست بیاورد.

مسئله ماله که فی السابق باعلی درجه سخت است. حراجه کلّی حالی است  
 و تصور آن هم که با اوضاع امروزه در اروپا از حائثی توان پول بدست  
 آورد بعایت دشوار. صاحب مصان سوئدی لایسقطع سکایت میکسد که اگر  
 با آنها پول برسد آنها دیگر نمیتواند مسئولیت حرکات ناپیهای خود را بعهده  
 بگیرد و تهدید میکسد که اگر مطلقاً پول باها پرداخته نشود از دولت سوئد  
 تعاضی احصار خود را خواهد کرد. دولت سوئد که با دولت انگلیس  
 قراردادی دارد که بموجب آن صاحب مصان سوئدی تا ماه مارس آینده  
 ناید در ایران نماید این اقدامات تهدید آمیز را پسندیده است. ولی تصور آن  
 مشکل است که این خدمت نظامی را چطور میتوان تعقیب کرد اگر و حوه  
 لارمه رای آن بدست نیاید. قراردادی که مابین دولت سوئد و دولت انگلیس  
 بسته شده مفادش این است که از حالا الی مارس آینده حدودی رای عملیات  
 قراسوران موافق رضای روس معین گردد و مسئله ماله آن بر روی یک  
 پایه مستحکم میهداده شود. دولت انگلیس ۵۰۰۰۰ لیره رای مصارف  
 قراسوران در فارس و کرمان مساعدده داده است.

اقدامات اداره ماله بواسطه حرکات فوسولهای روس در منطقه نهود روس  
 بسی دشوار شده است. مالان را که روسها و کسانی که در تحت حمایت روس  
 هستند ۹۶۳۸ (۱) ناید بدهند و همچنین درآمد دهانی را که اسخاص فوق مالک

(۱) فوسول انگلیس در شتران این رقم را از متحد المال بولی دانسته حلّ  
 نماید.



هند یا در اجاره دارند قوسولهای روس گرفته و تمام دولت ایران مالک روس محویل میدهد. لکن از زمانی که این پولها گرفته شده تا امروز تک دینار از آن بکسب دولت ایران داخل نشده است. قوسولهای روس در ادارات ولایاتی که در آنها اتساع روس یا کسانی که در تحت حمایت روس هند مالک یا اجاره دار اراضی باشد کاملاً مداخله میکند.



## فصل چهارم

در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۰ (۱۱ سوا ۱۳۲۸) دولت انگلیس آن او میاتوم مسهور را بدولت ایران فرستاد که بمقاد آن اگر در طرف مدت سه ماه امین راههای جنوب ایران که بعم دولت انگلیس بواسطه قوانین عارتگر سلب شده بود دوباره برقرار بگردد خود دولت انگلیس برای تحاوت راههای مذکور فونی در شب فرماندهی صاحب معضان انگلیسی بقرار خواهد نمود. این مسئله را که ضعف اقتدار دولت ایران در مقابل ایلات محامه و بد توجه آن سیاست حقه کسده روس و انگلیس است انگلیسها تحامل کردند و همچون ماطهارات حقه دولت ایران که جمع آوری فونی روس و انگلیس در خاک ایران خود بعب این اقدامات منال و نامی طرق سده است گوس دادند. انگلیس حدّا اصرار نمود که دولت ایران باید در مسئله «بیضرف» با مخارج خود یک فون در اسورانی تأسیس نماید و آن او میاتوم سابق را با بطور خرج و تبدیل کرد که در عوض صاحب معضان انگلیسی بدولت ایران اجاده داد که از یک تملک کوچکی صاحب معصب احیر نماید. کری بری اسکله لایسطح دولت ایران را بجمع مبادات ایصور دلیل مآز د که وی میتواند باس از این سکانات تخار محسترا در خصوص نا اسی راه بوسهر سیرر اسپهان تحامل کرد و بسب گوس بدادند. در اسکله این سکانات و ساس و رورکی بودند از یک تا گرای همرا انگلیس در طهاران سر خرج نارکی<sup>(۱)</sup> مورخه ۲۸ مه ۱۹۱۹ (۲۹ حادی الاولی ۱۳۲۹) جنوب واسط مـسود<sup>(۲)</sup> در خصوص راه بوسهر ناصهها و نوسویان سزار و بوسهر حر مدهند که اوساع آن راه از سال سابق تراتر سده است. و حزین من بصور مکم که سکانات تخار معبر عمده راجع به راه مذکور است نام گوس که آن

(۱) Su G Buda

(۲) کتاب آن انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۹) ۱۲۳

تجار در سهو هستند. از مدب مدیدی بایطرف دیگر هیچ خبری رسیده که در قسمت پوشهر بشراز از راه مذکور دردئی روی داده باشند. از ماه دسامبر (دی الحجة) گذشته بایطرف هیچ دردئی نشده است که در آن مال انگلیس بهدر رفته باشد. امسال هیچ خط تلگرافی هم چنانکه معمولاً در موقع کوچ بیلاق و شلاقی ایلات وی مباد حراب نشده است.

ابتدا دولت ایران خواست از ایتالیا صاحب منصب بطلبد ولی ایتالیا قبول نکرد. سوئد که از رضایت همه طرف حاضر جمع شد بالأخره بیکدسته صاحبمصان قابلی در تحت ریاست یلمارسن (۱) بایران فرستاد. یلمارسن رئیس قواسوران ایران گشت و در ۱۵ اوت ۱۹۱۱ (۱۹ شعبان ۱۳۲۹) وارد طهران شد.

یلمارسن و رفقای او که در مهر ۱۹۱۲ (۱۳۳۰) عهده آنها بنیست بهر رسیده بود نا حدیثت مشغول کار شدند و توانستند که در اندک مدتی یک دسته قسود مسلم حونی حاضر کنند که به فقط اسباب ملاحظه مردم شده بود بلکه تا اندازه هم محنت عمومی ملت را بواسطه استفاده از اوصاف محلی هر ناحیه صرف خود جاب کرده بودند. مثلاً بتجربه دانستند که بعضی از افراد ایلات که بواسطه بیکاری و فقر عارتگر راهها شده بودند عین همان اشخاص را بکن سب با یک مواجب کافی منظمی منحط همان راهها کرد لهدا آنها را جمع کرده و کار و امیداستند. بکلی بر عکس رنگاد قزاق بد اخلاق که در هر موهوی اموال و املاک مردم را با انواع بهانهها ضبط میکردند (جمع حرر از آنکه احکام آنها همیشه از تهنیس و سفارت روس در طهران صادر میشد) قواسوران حدید از ابتدا خود را بکلی رای مافع ایران و از نقطه نظر ایرانی حاضر کار ساخت. هر هکس نظامیان سوئدرا بساسد خوب میفهمد که این صاحبمصان سوئدی که احیر ایران بودند و از این دولت بول میگردند اگر م فقط بدلیل آن باشد که نظام سوئدرا در اظهار بست کسند سعی نکردند عثمادی که دولت ایران باها ابرار کرده بود سکنه وارد یاورید و از عهده این بر حطر برآید.

اقدامات سوئدیها نتیجه خود را بکنید. بر عهده صاحب منصب و تاین روز روز افزوده شد و دایره کار آنها ماه به ماه وسعت گرفت. اوصاف راههای کاروان رو روز روز منظم تر شد. انگلیس که در تجارت خود در جنوب ایران بعد از رقرار شدن نظم و امنیت در راهها ترقی زیادی کرد و فایده زیادی برد بواسطه سفیر خود در طهران قابلیت و لیاقت فراسوران را تصدیق میکند. سفیر مذکور در رابویه ۱۹۱۳ (صفر ۱۳۳۱) در حق سوئدیها و فراسوران میگوید: «آنها تمام سرمایههای قابل هستند که حتماً مشغول خدمت میمانند». در یک سانی که در آوریل ۱۹۱۳ (جمادی الاولی ۱۳۳۱) در مقال شاه خوان داده شد تمام طبقات محتلمه ملت ایران فراسوران را با شعب زیادی تحسین کردند. در صورتیکه روز پیش در موقع سان برگاد قراق همه سکوت اختیار کرده بودند (۱). ایران بیچاره که همواره از طرف دو دولت بزرگ اروپایی رحمت دیده و رحر میکشید امید خود را باین فنون ناره که هم طرف اعتماد ملت و هم در عوض دردی و عارتگری حامی دولت بود بسته بود و تصور آن مبرف که این قشون های دستجات از دست رفته یهرم جان را که برای آزادی ملی ایران جگیدند بگیرد.

رتیب مالیه فراسوران هزار انگلیس بامطور تصفیه شده بود که دولت ایران مخارج آنها را فل از همه مخارج دیگر از قروضی بدهد که این دو دواب اروپائی با بریلهای گراف با ایران میدادند. در ۲ مه ۱۹۱۱ (۵ جمادی الاولی ۱۳۲۹) (۲) گری سفیر انگلیس در طهران ناگراف کرد. «دواب ایران هزار بیاورید که از قروضی که میسود فل از همه خبر مخارج بول فراسوران که برای امت راهها بشهاد شده است پرداخته شود». لکن انگلیس ناآخیره مسئله بول فراسوران را بامطور ترتیب داد که در بانک شاهنشاهی ایران که یک تأسیس انگلیسی صرف است و حر نام هیج از ساطی با ایران ندارد که دهر مخصوصی برای فراسوران بار کرد و از آنجا با نظارت خرابه دار کتا نارکی و بدون مداخله دواب سرکری ایران و حاکم فارس مستعینا برانست فراسوران

(۱) کتاب آف انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۴) مره ۲۳۷

(۲) کتاب آف انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) مره ۹۸

پول داده میشود. دلائل این فقره واضح تر میشود اگر ما بخاطر بیاوریم که بعد از رفتن شوستر روابط سهر انگلیس و مستشار او در کارهای فارس قونسول انگلیس در شیراز مازور اوکونز با خزانه دار کل بلژیکی و نماینده او در شیراز (۱) خیلی صمیمی تر شده بود تا با خود دولت ایران. چه واضح است دولت ایران که عارت بود از چند نفر وررا هرچه بود رویهمرفته مافع ایران را در خطر داشتند.

بعد از آنکه نایب السلطنه ناصرالملک از قبول سعد الدوله مستند که حامی نشئه امتیارات روس و انگلیس بود در کابینه جدا امتناع وررید اوصاع مملکت پیش از پیش رو بحرانی گذارد. وقتی که سهر انگلیس سیر والتر تاوولی در متحد المال خود سکایت مکند که اوصاع عمومی خوب نیست و برای قراسوران هم میشود تحصیل بولی کرد معنی این مسئله چیز دیگر نیست حر آنکه از قرار آن تریلهای گرافی که روس و انگلیس میخواهند دولت ایران میخواهد قرص تازه نماید. صاحب مصفا سوئدی که بعضی از آنها هم با سرمایه بودند این پریشانی اوصاع را که واسطه تصفقات روس و انگلیس بعمل آمده بود فی الحقیقه اسباب توهین خود تصور میکردند و مکرر عزم کردند که از خدمت استعفا دهند ولی بواسطه دولت خود یعنی سوئد و بواسطه وعده انگلیس که عقربب یهودی در اوصاع مالی قراسوران حاصل خواهد گشت ساک شده و نار سر کار ماندند. بالأخره انگلیس مقاصد خویش نابل گشت: عیاً مل خود دولت ایران قراسورانها را هم با مساعدههای کمی گاه مداشتند و دائماً بار فرص ایران را سنگین تر میکردند. چنین ناظر میآمد که بواسطه تصفیقات دائمی و مطلقاً ضعف کردن قدرت حکومت مرکزی بالأخره شرایط تابعیت ایران جمع شده بود. انگلیسها میخواهند که سوئدیها را نارینه دست خود قرار داده و مخصوصاً آنها را

(۱) این مسئله از آنجا هم واضح میشود که بعضی کاعدههای شخصی بدست آمد که رئیس کممرکات شیراز اساس بلژیکی وقتی که در سال ۱۹۱۵ مرخصی گرفته و در لندن ود از آنجا قونسول انگلیس در سراسر نوشته است قونسول انگلیس کاعدههای معرفی و سفارساتهای مجدد برای لندن اساس داده ود و از جمله کاعدهی بود که قونسول انگلیس اساساً آنها را داده خود در لندن معرفی میکند

برصد ریگاد قراق نکار بیدارند و حتی آنکه چون مالیه قراسوران مطلقاً دست  
آنها بود در بطور نوری مسعود مذاکرات و طرح نقشه‌هایی بودند که انحلال  
تمام ریگاد قراق را در نتیجه داشت. سفیر انگلیس در یک متحد المال بحرمانه  
قونسولهای تابع خود در مارس ۱۹۱۴ (ربیع الثانی ۱۳۳۲) نوشت که «دولت  
انگلیس با دولت روس در بطور نوری مسعود مذاکرات است و سبب خواهد بود  
که قراسوران سوئدی در تمام ایران توسعه داده شود. و در همان متحد المال  
از اعرام یکدسته قراسوران مرگ از ۱۲۰۰ نفر ناصه‌ها و توسعه کار آنها  
در آنها سخت میشود.

هر چند که ناسدگان سیاسی انگلیس در طهران گزارا از اقدامات قراسوران  
سابقاً اظهار رضامندی کرده بودند لکن حوال قونسول انگلیس در ناصه‌ها  
از ارام (۱) بعد از یک مافوق که از نوسهر ناصه‌ها کرد تمجید سبب از  
قراسوران نمود که در دلیل بعضی فقرات مهم آن نقل میشود. در مکوفی که  
کرامت در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۴ (۷ صفر ۱۳۳۳) سفیر انگلیس در طهران  
نویسد چنین میگوید: «قطعاً مانع نیست اگر گوئیم که راه نوسهر - شرار -  
نصه‌ها امروزه خود را اندام مری است تا آن اندازه که قراسوران این راه را  
در محب فرمان خود آورده و تمام عناصر دیگر را محو و نابود کرده است  
حسبات تا اینها نسبت به صاحب مصفا سوئدی خود ناظره آمد که عموماً حتی حور  
است (مخصوصاً مارور لوندرگ (۲) و کاپیتی خیلاندرا (۳) کوا حتی طرف مال  
و دند). در تمام راه مابین نوسهر و ناصه‌ها نظر داند که همه حا امیب تمام  
حکمرانست و تمام دهاتی که من از آنها در خصوص قراسوران سؤال کردم  
و اداره از آن تمجید کرده و اوصاف امروزه را با اوصاف آن زمانی که  
هوز قراسوران تأسیس شده بود ساجیده و همه از اصلاحات عظیمی که بواسطه  
وجود قراسوران بعمل آمده قوی العاده اظهار امتان مکررند  
سهرمانها و احتراماتی که در این سفر احراز قراسوران نسبت بسخص من سخا

Graham (۱)

Jundberg (۲)

Killander (۳)

آوردند سه هرچه تکرار نکند کم کرده‌ام و همچنین دست سایر مسافری انگلیسی که در همان اوقات از این راه سفر کرده‌اند.

این نکات از دهان یک قونسول انگلیس که در ایران چندین بار مسافرت کرده و حقیقتی را که آن سال منهد اگر انگلیس بی‌الواقع و حیناً مایل باعاده نظم و امنیت در ایران بود نایستی کافی ناسند. لکن انگلیس یک دم انگلیسی منحواست به ایران. همان تجربه‌هایی که در زمان شوستر بدست آمده بود ناظر می‌آمد که تکرار می‌شود. محنداً معلوم گشت که مساعی انگلیسها که در بار تقصیر نظر خودخواهی و ممانع شخصی می‌خواستند در ایران نظم برقرار کنند برخلاف ممانع آنها گردید چه کارکنان می‌خواستند نارنجی دست انگلیس شده و مطیع اوامر و نواهی آنها نمانند بلکه ایسان خود را فقط خادم ایران دانسته و فقط ممانع ایران را در نظر داشتند. بدین ملاحظات انگلیسها خواستند که فرانسوران را بواسطه ندادن پول هر چند سا عرار داد محمود ندادن بودند ضعیف نمایند. چون رای این کار مهله لازم بود شروع کردند بصاحب مصفا سوندی (چنانکه خود سهر انگلیس هم در یک محکوم خصوصاً آسکارا اقرار میکند) تهمت بسته و آنها را در انتظار حراج گذاشتند. سیر والتر تاولی در موع مرخصی خود از ایران ۷ آوریل ۱۹۱۵ (۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۳) می‌نویسد: «من تصور می‌کنم که این حرفها در خصوص رفتار دشمنانه سوندیها است و ماله بوده است و ما پس از اداره بحرف مهم رسیدگان که در این کار متعمی داشته‌اند گوس داده‌ایم».

حمل و نقل دحیره که مستحضر دولت انگلیس برای مصارف فرانسوران سفارش داده شده و در سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۳) از بوسهر داخله ایران حمل سه هرحد بالطمعه یکی از وظائف فرانسوران بود لکن برای مقصد مذکور یعنی تهمت ردن سوندیها مهله بزرگی بدست انگلیسها داد. این دحیره تقریباً یک سال بود که بواسطه ناامنی راه و خطر حمل و نقل در بوسهر مانده بود. و چون انگلیسها ساها یک مرتبه یک مقدار دحیره معادل ۲۰۰۰۰۰۰۰ فنسگ که دولت ایران برای اخصاف سفارش داد بود در راه محمره به‌هوار برخلاف هر قانونی صسط کرده بودند لهذا این مرتبه صاحب

منصبان سوئدی که مأمور این حمل و نقل بودند یعنی لوندبرگ (۱) و پوست (۲) بعضی پیشدستیها و احتیاطاتی بجا آورده بودند که این دفعه دیگر آن اتفاق روی ندهد. این مسئله بنظر انگلیسان مضمون آمده حتی آنرا یک حرکت خصمانه نسبت بانگلیس فرص کردند. در صورتیکه ملازور پراویتس (۳) رئیس فوج قراسوران ساخلوی شیراز بهیچوجه مقصد از فرستادن این دو صاحب منصب را بوشهر پنهان نکرده بود (۴) چنانکه از تلگرافی که قوسول انگلیس در شیراز در ۶ رابویه ۱۹۱۵ (۱۹ صفر ۱۳۳۳) بطهران و بوشهر در این خصوص نمود صریحاً واضح میشود. ترجمه تلگراف مذکور از ایقرار است:

پرودروم (۵) طهران. کنوکس (۶) بوشهر.

«ملازور پراویتس امروز مرا مطلع ساخت که کاپیتان لوندبرگ و پوست که قرار بود فردا از شیراز بطرف طهران حرکت کنند الآن مأموریتی از طهران برای ایشان رسید که برای حمل یک میلیون فشنگ و بعضی کارهای دیگر ببوشهر باید بروند.»

اوکوزر»

(۱) Lundberg

(۲) Pousetta

(۳) Pravitz

(۴) بی اساس بودن تهمتی که صاحب منصبان سوئدی زدند که آنها مخفاه ذخیره حمل کرده اند علاوه بر این از یک کافندی از فرمانده سابق قراسوران فارس اوگلا (Ugla) حطاب ملازور اوکوزر که در قوسولخانه انگلیس در شیراز بدست آمده است بچون ثابت میشود. اوگلا از نکن بساریخ ۱۸ آوریل ۱۹۱۵ ملازور اوکوزر قوسول انگلیس در شیراز میویسد: «اولاً من میتوانم شما قول شرف بدهم که من و صاحب منصبان سوئدی من هرگز اقدامات و حتی قصد اینرا هم نکردیم که صلح داخلی ایران را بر هم ریزیم یا اینکه بر ضد یک دولت خارجه که انگلیس که روس و چه آلمان اقداماتی بنهائیم. همچنین ما به اسلحه حمل کردیم و به ذخیره مگر آنهاست که برای قراسوران معین شده بود. دیگر آنگه هیچوقت هم ما (افلاً خودم) از طرف یک آلمانی اصلاً بیشهادی از این میل نشده است.»

(۵) Prodrôme - رمز لمگراهی است برای سفارت انگلیس در طهران در زمان جنگ.

(۶) Kuox - مأمور و جرمال قوسول انگلیس در بوشهر و سادر خلیج فارس.



دنباله این «تهمت» (لفظی است که خود سفیر انگلیس در طهران استعمال کرده است) نسبت بصاحب منصبان سوئدی که مکتبی از روی صحت و قانون رفتار کردند هر روز توسعه یافت و از تلگراف جوابیته نماینده انگلیس در بوسهر که در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۵ (غرة ربیع الأول ۱۳۳۳) محابره کرده است این فقره خوب معلوم میشود. نایب سرهنگ (۱) کنوکس بسفیر انگلیس در طهران و بصره و شیراز و دهلی (۱) تلگراف دیل را محابره نمود:

«مقایسه شود با تلگراف از شیراز مورخه ۶ ژانویه. لوندبرگ در ۱۵ ژانویه (۲۸ صفر) از بوسهر با ۶۳ قاطر که بار ذخیره داشتند حرکت کرد. وی مدت خیلی قلیلی در اینجا اقامت نمود و اقدامات خود را بطور خیلی مخفی کرد که اسباب شبهه هیچکس نشود. لکن بعضی حرفهای عجیب و غریب در افواه منتشر شده است که سوئدیها با دولت ایران معاً نقشه ریخته اند. و گفته میشود که مقصد ایرانیها از این نقشه با عثمانی است یا روس. از طرف دیگر مشهور است که عثمانیها و سوئدیها بتحریر آلمانها بر ضد ایران اقداماتی میجوایند نمایند. بعلاوه شنیده میشود که یانمارس دولت سوئد اعمال خائنانه آمیزی در نظر دارد.

همکار روسی من اهمیت زیادی بحركات و سکنات سوئدیها میدهد و اغلب در این خصوص از من سوالات مینماید.

خیانتی که صاحب منصبان سوئدی را بدان متهم میکردند طولی نکشد که معلوم شد چیست. این همان جانب لایقتمری بود که بهر مملکت بیطرفی اگر آن مملکت تمامی نسبت با آلمان نشان میداد یا بعود بالله اگر آن مملکت با آلمان قرار دادی می بست نسبت میدادند. چنانکه از تلگراف فوق مضموم میگردد تاکی نداستند که دولت سوئدرا هم بتقص بیطرفی متهم کنند تا وجود آنکه دولت سوئد بملاحظه تحبیر قانون خود تمام صاحب منصبان سرخدمت را از ایران سوئد احصار کرده بود. اما با همه آنها انگلیسها باز متردد بودند که مبادا بیرون کردن معلمین سوئدی که

امتحانات خیلی خوبی داده بودند اسباب هرج و مرج و خسارت زیادی برای آنها گردد. زیرا که بواسطه اقدامات خیلی جدی قراسوان در تأمین طرق و شوارع تجارت انگلیس که در ششماهه اول جنگ دنیائی تخریباً بکلی معدوم شده بود باز مجدداً رو بترقی گذاشته بود. حتی انگلیسها امید داشتند که تجارت جای آنها عنقریب جای یک مقدار زیادی از تجارت جای روس را بگیرد. سفیر انگلیس در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۵ (۷ ربیع الأول ۱۳۳۳) بوزارت خارجه لندن تلگراف ذیل را مینماید:

«اگر هم جواب دولت روس چندان مساعد نباشد باز من خیلی اهمیت میدهم که ما بهر نحو هست از دولت سوئد اجازه بگیریم که مازور فولکه<sup>(۱)</sup> و مازور کارلبرگ<sup>(۲)</sup> یا مولر<sup>(۳)</sup> در اینجا بمانند<sup>(۴)</sup> تا چنانکه باید و شاید مراقب راه اصفهان - بوشهر باشند. . . . راه امروز بکلی باز است و از فرار راپورت ادارات گمرکی بوشهر عایدات گمرک رو بترقی است. تمام جای که معمولاً از شمال میآمد امروز از جنوب ایران داخل میشود. تصور میروود که اگر خدغن صادرات از حواجج ضروریه یومیه در هند برداشته شود قد هم همین حال را پیدا کند. بدین شکل گمان میروود که اگر امنیت راههای تجارتی همینطور نگاه داشته شود یک قسمت زیادی از تجارت مفقود ما مجدداً روی کار آید. من تصور میکنم که اگر صاحب منصبان قابلی در شیراز ریاست را در عهده داشته باشند امنیت مذکور برقرار خواهد ماند.»

در اینجا تیرنگ بازی معهود انگلیس باز شروع میشود: انگلیسها سعی کردند که یک صاحب منصبی را که بنظر متعادل تر بطرف آنها میآمد بر ضد صاحب منصبان دیگر که برای تعقیب یک سیاستی صرف نافع بحال انگلیس حاضر نبودند تحریک نمایند. در یک تلگرافی که قونسول شیراز بخاینده انگلیس در بوشهر و سفیر

Folku (۱)

Carlberg (۲)

Moeller (۳)

(۴) دولت سوئد صاحب منصبان مذکور را بسوئد احتضار کرده بود.

انگلیس در طهران مخاברה کرده نیز از رفتاری که حاکم ایالت فارس مخبر السلطنه اتخاذ نموده سخن میراند و از آنجا معلوم میشود که چرا انگلیسها آنقدر ساعی بودند که مقام او را متزلزل کنند:

۳۱ ژانویه ۱۹۱۵ | ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

«مهمترین مقصود در شایعات آلمان دوستی کاپیتان<sup>(۱)</sup> لوندبرگ و کاپیتان چیلاندر هستند<sup>(۲)</sup> لوندبرگ از شیراز بطهران رفته است و چیلاندر بر ضد مازور پراویتس برخاسته و امید است که عنقریب از فارس خارج شود. . . . حاکم نیز خیلی آلمان دوست است و منعی است که از آنجا اخبار آلمانی و عثمانی منتشر میشود.

اخبار آلمانی و عثمانی با سیم تلگراف ایران یا با پست از طهران بشیراز میرسد».

نسبت ژنرال یلمارسن رئیس قراسوران انگلیسها کینه مخصوصی داشتند. یلمارسن که از نیرنگ بازیهای انگلیسها و بازیکیها که بدان واسطه صاحب منصبان و تاینهای قراسوران ماههای دراز بی پول مانده بودند<sup>(۳)</sup> بالاخره بتنگ آمده بود بمازور پراویتس حکم داد که «در صورت لزوم با کمک مأمورین مالی» بموجب خود را دریافت نماید. بعد از صدور این حکم پراویتس مبلغ نه هزار تومان پول که از عایدات آباده پیش مأمور بازیکی گمرک آنجا وجود بود و بر طبق قرار داد انگلیس و ایران از آن پول بایستی مخارج قراسوران اده شود ضبط نمود. از این حرکت صاحب منصبان سوئدی که چندان هم امعقول بنظر نیامد چه بواسطه سوء رفتار انگلیسها لاینقطع بعزت نفس آنها

(۱) در اینجا لوندبرگ را کاستی معواند و در صفحه ۶۸ مازور و هردو صحیح است و وی ابتدا در فارس کاستن بود بعد مازور شد - حاشیه مترجم.

(۲) در باره این صاحب منصبان بود که جنرال فونسول انگلیس در اصفهان گمراهام گفت که آنها بیش از همه صرف مل تاینها هستند.

(۳) فونسول انگلیس در شیراز در ۱۸ فوریه ۱۹۱۵ (۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳) سفیر انگلیس در طهران تلگراف کرده بقراسوران فارس از دو ماه باینطرف پول برسد و اوینس میرسد که قراسوران بکمی از هم تراکنده شوند.

اهانت وارد میآید سهر انگلیس بی انداره متعیر گشت. این در مانده لایق سوئدی (یعنی ژرال یلمارس) را که یکی از صاحب مصان ارکان حرب سوئد بود و در دو سال قبل خود انگلیسها او را یک «سرمار قابل» میخواندند بعد از این حرکت یکباره «یک دیوانه صعیف معری» نامیدند. سیر والتر تاویلی در ۱۳ فوریه ۱۹۱۵ (۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۳) بیوشهر و شیراز تلگراف کرد:

«چین سطر میآید که یلمارس عقل خود را گم کرده و کار خود را میخواند بدست خود خراب کند چه او در هر جا هر قدر میتواند صرر میرساند. ما امیدواریم عقرب از دست او خلاص شویم ولی باید این مسئله بطوری بشود که او صاحب مصان دیگر سوئدی را با خود برد.

او خودش اعلام کرد که دولت سوئد تمام صاحب مصان سر خدمت را سوئد احصار کرده است. بنا سقاصای دولتی روس و انگلیس نه فولکه اجازه داده سده است که در ایران نماید و ریاست فراسوران را بعهده بگیرد. لهذا رای یلمارس بی دشوار است که نار توقف کند.

لریکها واضح است که حیلی عصاک سده اند و در این دیوانگی ژرال مقاصد سیاسی حسن میکند. لکن من خود در این خصوص شک دارم. هر چند معر صعیف ژرال ممکن است که بواسطه مشاورین عثمانی و آلمانی او را وادارد که بعضی رحمتها رساند».

این مقصد که ژرال یلمارس را بیرون کند چنانکه همه انحاص کارکن و ساسیون قابل ایران را بیرون کرده بودند از دیرگاهی در کتهها جایگیر بود. کامل، امریکائی مرل<sup>(۱)</sup> که بعدها از تحریکات و تقلبات اوسسج رانده خواهد شد در عرّه فوریه (۱۶ ربیع الاول) بطور «محرمانه» تفوسول انگلیس در شیراز پوست: «راعی که در قروین مابین فراسوران و قشون روس اتمام امتاد در سر سرمار مانده فراسوران بود که روسها میخوانستند آرا صط نمایند یلمارس حد روز قبل یک کاعده بی سرمایه نکوروستووتس<sup>(۲)</sup> پوست و او

Merrill (۱)

Korostovetz (۲)

هم آن کاعندرا تاویلی ارائه داد. یالمارس در آن کاعد میگوید که برای جلوگیری از یک رد و خورد خوب بود روسها قراسوران را در قروین بحال خود میگذاشند. تاویلی نکوروستورس گفت: «هرچه از دستتان برمیآید بکشید که یالمارس را فوراً بیرون کنید و من قول میدهم که از طرف من همه گونه حمایت خواهید شد.»

در مارس ۱۹۱۵ (۱۴ ربيع الثانی - ۱۶ جمادی الأولى ۱۳۳۳) نام صاحب مصفا سرخدمت سوئدی از طرف دولت خود احضار شده و از ایران خارج گشتند و فقط صاحب مصفا احتیاطی<sup>(۱)</sup> باقی مانده. ریاست قراسوران بکل ادوال واگذار شد. عریب است که بدترین دسمن قراسوران یعنی مریل که دائماً رای بیرون کردن سوئدیها اسباب چینی مکرد از اقدامات ادوال و تأییدهای او تمجد میکند. در ۶ مارس (۱۹ ربيع الثانی) قوسول انگلیس در شیراز میویسد. «من باید تصدیق کنم که اس صاحب مصفا احتیاطی سوئدی مطر میآید که خوب کار میکند». با وجود همه اینها نارست باین سوئدیهای باقی مانده خوب منتهم آلمان دوستی بودند همان روتة معهود رحر و نصیق اتحاد کرده شد مخصوص از طرف مأمورین مالیه آریکی. مریل در ۲ مارس (۱۷ ربيع الثانی) شیراز تلگراف میکند: «از منابع بحرمانه و حبلی مونی میسوم که حراهندار کل هندس<sup>(۲)</sup> در هفتههای آتیه آنچه در فوه دارد خواهد کرد که از رسیدن بول سوئدیها رای قراسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالأخره همه باچار خارج خواهد شد».

اگرچه پاره اظهارات آلمان دوستی که از زبان بعضی سوئدیها بیرون حنه بود بهانه اسات تقصیر بزرگی رای آنها شده و باعث رد و بدل این همه تلگرافات بر طهران و لندن گشت ولی به بلریکیها و انگلیسیها هیچکدام سوانستند سوئدیها هیچ حرکت بیاعده و خلاف قانونی نداشتند. دائماً بین این دو سق متردد بودند: ملی نایکه صاحب مصفا سوئدی را که این قدر محبوب القلوب ما بودند آهدر بستوه بیاورد تا بالأخره خود بروند وترس از ایکه محذداً بهرح

Reserve (۱)

Heureux (۲)

و مراح سابق که تجارت انگلیس را در جنوب ایران و بلکه تمام مرایای ساسی آن دولت را ممکن بود روس انتقال دهد. عودت کند. بالأخره خواهی خواهی محوهای اهون السریین را اختیار کردند. گری آن آدم محرب محته که طون طومب شری را خوب میشاخب تدیری سطرس رسد و یسپادی نمود. ولی آن یسپاد حبلی ار حونی می بخشید اگر باعیان بخارسب و کسجه میشد به رتائای ملب سوئد. گری بنایندگان ساسی انگلیس در ایران امر کرد که اصحاب مصان سوئدی بول بدهد تا شاید آنها را بدیستریق بطرف انگلیس استمال نماید. در ۳ مارس ۱۹۱۵ (۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳) سبیر انگلیس فوسولهای انگلیس در شیراز و بوشهر و نصره را از تلگراف عجیب دیل که نگاری کرده بود مطلع ساخت.

» من چنین مانتت شده ام که سوئدیها عموداً آن قدر هم آلمان دوست یستند که تصور می رود. یک صاحب مصی را که متهم کرده بودند (۱) که نمایان خود را آسکارا اطهار مکند امروز با من ملاقاتی کرد و گفت که من از راه فرانسوی هسم و تمام اقوام من در انگلستان و دفاع مکم خود را (۱) از آن که مرا آلمان دوستی متهم کند (۲). ولی چنین ناظر نماید که همه صاحب مصی سوئدی دسمن روس ناستند.

این موقع ناظر من هج مناسب نماید که صاحب مصان حارجه فرانسوار را عبر بدهد. صاحب مصان انگلیسی شاید در دست ناستند و اگر امروزه ب ایران را محور کنیم که آنها را قول نماید ممکن است که اثر حبلی ندی باحسا. رایج یک صاحب مصب امرکای هم این سعل نسبی دسوار است. من این ناشهادرا باید رد کنیم که سوئدیها (۳) و توسطه بول داس صرف خود جلب نائیم.

(۱) این کلمه در اصل انگلیسی دسمن خوانا است ولی از سباق سارک با این معن مفصود ناست

(۲) این صاحب مصب تقیاً یک کلمه ساسی ناسته است

(۳) در اینجا فوسول انگلیس یک سطر از تلگراف رسمی سه را دوانسه است

یستهاد گری را بعد از آنکه صاحب منصفان سوئدی ردّ کردند سفير انگليس هم در طهران ردّ ميکند. عونسول انگليس در شيراز مازوز اوکور که نقول ستر والتر تاويلی در متحد المال خود « همه حا قدرت خود را نشان ميدهد در حورتیکه لازم ناسد» و «ک مرد قوی منهدی است در فارس» عقیده تاويلی را که ناسدن اطلاع داده که « این شعل رای نک صاحب مصب امریکائی سی سواز است» هیچ نمی یسندد. چه او خود میخواست دست روریه قدیم خود مريل را که سانی در شيراز سرهنگ پولیس بود رئیس قراسوران فارس نماید. مريل سابقا ما ستقاصای حاکم فارس محبر السلطه یکی از قابل ترین رجال ایران و یکی از وطن پرستان که هیچ وق آب دست میشد (سفير انگليس وقتی که وی از حکومت فارس استعفا داد او را «ستون دولت مسروطه» مسخواند) رور گسته بود که از شعل خود یعنی مملعی بولیس سیراز استعفا بدهد. راورت نا محبر السلطه را این مستخدم سانی دولت ایران یعنی مريل در مکتوبی که در ۵ مارس ۱۹۱۵ (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳) عونسول انگليس در شيراز اوکور بوسب محوی ظاهر ساخت. در آن مکتوب میگوید « من آنچه در هوه داستم کردم که رای مدفع انگليس در فارس خدمت کم». اوکور رای اینکه این خادم مدافع انگليس را شيراز بیاورد هر چه تلاش توانست کرد. مريل در ۸ روله ۱۹۱۵ (۲۴ شعبان ۱۳۳۳) ناوکور بوسب: « ویر سما و حرحیل (۱) هر دو من گسند که سما (۲) علی الا اتصال اقدامات سکرده اید که من دوباره بهارس برگردم. امید است سما بزودی ناثل سوید که حاکم را (۳) بروی کند».

بدین لحاظ رای آن «مرد قوی منهد فارس» هیچ اء دیگری ناتی نماد حر آنکه نا سوئدیهای حسن مزاج که عسوانسند بهر مند که سعادت و حوسی انگلس هاما سعادت همه ملل دیگر است بسارد. در ۵ مارس ۱۹۱۵ (۱۱ ربیع الثانی) اوکور نا حالی افسرده سفير خود تلگرای میکند:

(۱) مترجم سفارت انگليس در طهران

(۲) مقصود اوکور است

(۳) مقصود محبر السلطه است

« اگر سوئدیها باید بمانند باید بصاحب منصبان آنها فهماند که آنها نه فقط بایستی از روی بیطرفی تمام کامل رفتار کنند (تمایلات و حسنیات شخصی خودشان هر چه میخواهد باشد) بلکه باید مابین صاحب منصبان ایرانی و تایلندیهای خود تمام دعوتیهای آلمان دوستی یا عثمانی دوستی را خاموش کند و اقدامات جدی نمایند که دست دعا و مفسدین را کوتاه کند . . . . »

رفتاری که نمایندگان سیاسی انگلیس و همدمستهای آنها بازرگنها در ماههای اخیر نسبت به قراسوران کردند کافی بود که آخرین بقیه حسنیات و تمایلات قراسوران را نسبت بانگلیسها (اگر چنین حسنیات و تمایلاتی هرگز موجود بوده) بکلی زایل نماید. مریدل که در طهران بود وقایع را با یک خبانت تمامی بقونسول انگلیس در شیراز او کونتر مینوشت. بعضی از فقرات مکتوبات او از قرار ذیل است :

۱۴ آوریل ۱۹۱۵ (۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۳) : « بول قراسوران پنج ماه است عقب افتاده است و اداره پولیس هم ۱۰۰۰۰۰۰ تومان طلبکار است . »  
( « تاوولی و کوروستوونس تا آخرین دقیقه با یکدیگر ضدیت می کردند مگر آنکه در بیرون کردن سوئدیها با هم متحد بودند . » )

۳۱ مه ۱۹۱۵ (۱۷ رجب ۱۳۳۳) : « دیشب فرمانفرما وزیر داخله بمیرزایانس که یکی از معتبرین آرامنه و از دوستان من است گفته بود که دولت ایران مصمم شده است سوئدیها را بیرون بکند لکن مجبور است که با احتیاط و تألی در این امر اقدام کند چه حسنیات مردم بی اندازه بعطف سوئدیها متمایل است . »

۸ ژولیه ۱۹۱۵ (۲۵ شعبان ۱۳۳۳) : « سفیر انگلیس بمن گفت « تنها دلیلی که چرا او هنوز سوئدیها را حمایت میکند اینست که سوئدیها با زیرکی خود بتوانند صاحب منصبان ایرانی را که تماماً آلمان دوست هستند مواظبت و مراقبت کنند. بعلاوه گفت که ادوآل بکلی در دست آلمانها است و او یک « احق خلی هولناکی » است . »



۲۵ ژوئیه ۱۹۱۵ (۱۳ رمضان ۱۳۴۴): «برای قراسوران خیلی دشوار است که اصلاً دیگر بتوانند باقی باشند. برای تمام قراسورانی که اینجا هستند بیش از روزی صد الی سیصد تومان پول بدست نیاید (باستثنای روزهای جمعه و دوشنبه!!!) این یک عملیه کند تدریجی است ولی همین طور بتدریج آنها خفه خواهند شد...»

۱۴ اوت ۱۹۱۵ (۳ شوال ۱۳۴۴): «کِر (۱) دیشب بمن گفت که ما بیشتر مایل هستیم که قراسوران را در عمل قوم لوط بینیم تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم.»

بعد از آنکه دست نشانده‌های بلژیکی روس و انگلیس پول سوئدیها را بریدند و بعد از آنکه نمایندگان سیاسی انگلیس با افراد این ملتی که در تمام دنیا محترم هستند با خشم و شتم معامله کرده و سعی کردند که آنها را بطرف فساد اخلاق بکشند باز متوقع بودند که این صاحب‌منصبان سوئدی تا آخرین لحظه «باوفا و صادق» بمانند یعنی حیثیات انگلیس دوستی داشته باشند.

این اندازه توهیناتی که بسوئدیها وارد آورده بودند گویا هنوز کافی نبود، برای آنکه باز بهانه برای اتهام تازه در دست داشته باشند قونسول انگلیس در شیراز در ۵ ژوئیه ۱۹۱۵ (۲۲ شعبان ۱۳۴۴) از مدیر بانک شاهنشاهی در آن شهر فرگوسون<sup>(۲)</sup> خواهش کرد که صورتی از حساب صاحب‌منصبان سوئدی که با بانک داشتند بدهد. مدیر بانک شاهنشاهی ایران بر ضد تمام قوانین تجارتنی «برای اطلاعات شخصی و استعمال محرمانه در صورت لزوم» معین میکند که چند پول شخصی صاحب‌منصبان سوئدی از تحت نظر او گذشته و صورتی از آن میدهد!

در ۸ آوریل (۲۳ جمادی الاولی) رئیس فوج قراسوران شیراز مازور راویس مکتوب ذیل را بخزانهدار کل شیراز مینویسد و در آن اشاره میکند که وی مسبوق است که خزانهداری پول قراسوران را نداده است در صورتیکه

۱۱: آرچیبالد کِر Archibald Kerr نایب سفارت انگلیس.

Ferguson (۲)

رای مقاصد دیگر بول زیاد در این اواخر مصرف شده است. «حرايه‌داری لاند مسوق است که مقتضای قرار داد تعهد شده است که مخارج لازم برای قراسوران قبل از مخارج دیگر باشد ولیس سایر ادارات باید پرداخته شود. این مکتوب بعبارت دل حتم میشود: «از آنجائیکه تا این ترتیب اوجماع مالی ما زور زور دسوار بر میشود و اداره حرايه‌داری با وجود آن میخواهد نسبت باین اداره مملکتی ما که عبارت از قراسوران باشد بوظیفه خود رفتار کند من محوز هستم و او این اقدام من این خواهد بود که تا بهای خود و اهالی را که امید آنها هسته بوجود قراسوران است از این رفتار دسمانه حرايه‌داری مضاعف سازم و از رای آنکه سوء تفاهمی در میان واقع نشود من مجبورم که اسامی آن اسخاصی را که بصد ماضع ایران کار میکند آنکار سازم. . . . .»

این حرکت یکی از صاحب‌مصان عاقل ماسند راویتس که حوز فوسول انگلس در سرار در باره او گفته بود «مرد عاقلی است که فقط مسعود کار خود میباشد، نتیجه سوء رفتار دست‌نشاندهای انگلس و روس بی بارنگها بود. این بارنگها مستخدم ایران بودند و مواجب خود را از ایران میگرفتند. معداک کتا اقرار کردند که آنها بصد ماضع ایران کار میکنند.

حرايه‌داری سیرار صاحب‌مصافی را که برای گرفتن حقوق سب افتاده خود تا او مآمند مصایقه کرد که سادیرد. و فیکه کایتی اور، انگر (۱) از رسار ممتن مالی سرار نسجی سکایت کرد فوسول انگلس در سرار در تک مکتوب سحبت مستعلی که سفير انگلس در طهران بوسب و در آخر آن تمام اب حوئنه دسباده داده بود از سفير در حواسب کرد که اور تا انگر را احصار کند. از جمله نوشته است

« کاستن اور تا انگر که سب‌ترین نمونه تک صاحب‌مصافی است حتی برای تک سوئدی هم (۲) »

(۱) Oertugren

(۲) «who is in effect of an unusually inferior type, even for a Swede»

این فصل عمیگین حوامری و مردانگی انگلیسها را برای ما خوب محسوس میکند که بحای بشکر از خدمات یک دسته صاحب مصان قابلی که محسوب القلوبی تمام ایرانیان را جلب کرده بودند و حتی خود انگلیسها هم از آنها اظهار کمال رضایت میکردند سرای آنها را سهر انگلیس فقط ردن یک لگدی (۱) میدادند و مناسب آنست که ما این فصل را با خلاصه کاعدی که سهر انگلیس سیر و آلتر تاویلی در وقت حرکت خود از طهران در ۷ آوریل ۱۹۱۵ (۲۴ جمادی الأولى ۱۳۳۳) نقولسول انگلیس در سیراد اوگونز نوشته است ختم کنیم:

«سوئدیها شاید از آنجائیکه آلمان دوست هستند طرف میل ملت ایران شده اند و کار حلالی نمیتواند بکنند. برای هر کابینه بسیار مشکل است که حدّا و حدّ آنها اقدامی کند. فقط امدی که ما داریم آنست که شاید بشود توسط دولت سوئد از سر آنها خلاص سویم ولی نتیجه این آن میشود که آنها از تمام ایران باید بیرون بروند. آنوقت حرف در سر این مسئله است که آیا اوضاع لاحقه بدتر از اوضاع (۲) سابقه خواهد شد. اگر سوئدیها خارج شوند و کسی هم در دست نماند که حای آنها را ببرد نامی راهها باز شروع خواهد شد. من که اینجا بخواهم بود که اوضاع را بدم چه بپس ماند و از آنجا که نمیتوانستم تصور کنم که سها همه آقایان خوب این هومهای ر صد قراسوران را برودانده آید بالاخره من صدای خود را محسوس نمید کردم. ناظر ماند که لژیکها همه بروند و اقلای از اداره ماله خارج شوند. سوئدیها در نتیجه این مس آمد که بی تقصیر باشند و در این موقع ه جار این فتره ناظر من یک بدبختی است چه ایران بعاتت معهود باز حدّا کمک مالی لازم دارد و تا وقتیکه صحتی در اداره مالی بدست نماند و اجناس نا کفایت با سرفی در سر کار نماند که بتوانند بول را اداره کنند (۳) واضح است که هیچکس حاضر نماند که مالی کنند. فی الواقع چه

(۱) عن عبارت تاویلی است Comp de pied

(۲) در اصل انگلیسی مرد m m دارد حای اوضاع ولی گویا سهر را سهو فنی

دست داده است

(۳) این حرف را سهر انگلیس مرید بعد از آنکه روس و انگلیس اداره مالی

شرسدر از اراا بروا کردند

کار یأس آوری است ! در اینجا بحال سه سال است که من با کمال سعی و مشقت دو ادارهٔ اروپائی را نگاهنداری کرده و آنها را در مقابل انواع تحریکات و ضدیتها حتی از جانب بهترین دوستان خودم حمایت کرده‌ام . لکن امروز من قدرت ایذا در خود نمی بینم که در این روزهای آخر اقامت بخود در اینجا یکی از این دو اداره را سر پا نگاهداشته و بدریگری با تمام قوت خود یک لگدی بزنم . بنظر میآید این قدر زحمت و اتلاف وقت برای یک چنین نتیجهٔ حقیری خیلی حیف بوده است . اینرا هم باید بگویم که من نمیتوانم از این عقیدهٔ خود دست بردارم که این حرفها در خصوص رفتار دشمنانهٔ سوئدیا نسبت بما مبالغه بوده است و ما بیش از اندازه بحرف تهمت زندگان که در این کار منفعتی داشته‌اند گوش داده‌ایم . من نتیجهٔ وخیم ایذا که سوئدیا آشکارا عقیدهٔ خود را اظهار میکردند که آلمانها فتح خواهند کرد خوب حس میکنم . این عقیده که بنظر مردم از یک منبع نظامی بیغرضی [یعنی صاحب‌منصبان سوئدی] تراوش میکرده تأثیر بزرگی در افکار عمومی بی‌اساس ایران داشته که مغلوبیت کامل و حتمی دشمن منفور خود یعنی روسها را با کمال ضعف قبل‌الوقت باور کرده‌اند . . . .»

## فصل پنجم

وقایع نگاری که در نامه‌های خود که صورت آنها در جای خود در این کتاب درج شده دسایس و حالت افکار عمومی را در طهران در نصف اول سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۴) شرح میدهد مریل (۱) امریکائی است. مریل با هموطن مشهور خود شوستر بایران آمده بود و از میان همکاران خزاندار کل سابق مریل فقط امریکائی بود که پس از قضیه اولتیماتوم روس با رئیس خود همراهی نمود.

خلاصه شوستر و همکارانش از ایران بیرون رفتند و مریل ماند. سفارت انگلیس ابتدا او را داخل ژاندارمری که در تحت فرماندهی یالمارسن (۲) تشکیل شده بود نمود، سپس در فوریه ۱۹۱۳ (ربیع الأول ۱۳۳۱) سیر والتر تاونلی بگری پیشنهاد نمود که مشارالیه رئیس دستجات پولیس حکومتی فارس گردد و قبول شد (۳). چگونه مریل این مستخدم با شرف دولت ایران از عهده خدمت مرجوعه بوی بر آمد خود او بطور خیلی موجز و مفید میگوید: «هرچه از دست من برآمد در خدمت بمنافع انگلیس در فارس بجای آوردم».

مخبر التلطفه یکی از رجال با کفایت ایران که تحمیلات خود را در آلمان تمام کرده و انگلیسها بدرستی او اطمینان تام داشتند (والا با نصب او حکومت فارس که برای آنها دارای اهمیت زیاد است آنقدر همراهی ننمودند) بزودی ملتفت شد که شخص مریل یک نفر جاسوسی است که در پهلوئی او جای داده‌اند و یکی از آن اشخاص پست تنگ افقی است که با نظر کوتاه‌بین خود هر شرقی را بنظر حقارت مینگرد. در سپتامبر ۱۹۱۴ (شوال ۱۳۳۲) مریل

Merrill (۱)

Hjalmarson (۲)

(۳) کتاب آبی انگلیس «ایران» شماره ۱ (۱۹۱۴) نمره ۲: «من پیشنهاد نمودم»

مریل امریکائی را که پس از حرکت شوستر در ایران مانده است.»

از شعل خود معرول شده نظهران مراجعت میکند و در آنجا مشغول اسباب چینی بر صند حاکم فارس و صاحب مصفا سوئدی میگردد.

زندگانی مریل در طهران زندگانی یک باخوی شیادی است که مردم ایتختهای مشرق زمین اغلب با انواع محله آن سر و کار دارند. مریل مفتخر است که تواند با سهر انگلیس نهار یا چای صرف نماید و بصحبتهای او گوس بدهد. مریل با سفرای حارجه و نایبهای سفارتخانهها صحبت میکند و با آنها عدا میخورد و مخصوصاً با ارامه ایران خیلی دوست و معاشر است. مریل در مهمانیهای اعیان ایران حاضر میشود از جمله مثلاً مهمانی شاهزاده روس برست فرمانبرما. مریل زور نامه هارا میخواند و در افکار عمومی دقت مینماید. خلاصه مریل معلومات بدست میآورد. اما به قنط برای خودش برآورد. هرچه معلومات بدست میآورد (در ۱۶ مارس ۱۹۱۵ یاد داشت میکند. سرچشمه های معلومات من عالی است) گرماگرم تقدیم قونسول انگلیس در سیراز مازور اوکوزر<sup>(۱)</sup> مینماید و هم احياناً حاضر میشود که برای مازور مدکور واسطه معامله اوتوموبیل بشود. مریل مخصوصاً خیلی حوسوقت میشود که گهگاهی تواند بعضی اروپائیا که با اوکوزر صديت و مخالفت دارند صدمه رسانند مثل چرحیل<sup>(۲)</sup> مثلاً که از سالهای دراز مترجم سفارت انگلیس است. «سیر والتر تاولی اعتمادی بچرحیل ندارد. چرحیل مکرر نسبت بسا (اوکوزر) اظهار محبت کرده است و چرحیل چنانکه بسی سفارت گرا<sup>(۳)</sup> هم مسوق است رشوه میگیرد».

رای مازور اوکوزر انگلیسی (در این سرزمینها که باید بطور «نمود صلاحی» در آن داخل شد قونسولهای انگلیس چنانکه همه کس میداند اغلب طامی هستند) - حص حقه کار چرحیل مریل در طهران سرچشمه معلومات رهائی بود. اوکوزر توسط این امریکائی اطلاع حاصل کرد که دستگاه گروتس تلگراف نیسیم آلمانی در کمال حونی کار میکند، و دیگر آنکه اهکار عمومی اهالی ایران

O Connor (۱)

Chudall (۲)

Kerr (۳)

که بواسطه حرکات خلاف قانون بین‌المللی انگلیسها ماسد گرفتن قونسول آلمان لیستمان<sup>(۱)</sup> در یونسفر دوباره بیجان آمد است آشکار نظریه یک اتحادی با عثمانی می‌رود. دیگر آنکه هر دفعه که یک کابینه وراثی در خلاف میل روس و انگلیس سر کار می‌آید قنون روس حکم می‌رسد که حاضر حرکت ناشد، دیگر آنکه سهر انگلیس در طهران مشغول تهیه «یک هیاهوی زرگی» است که حاکم فارس را معرول نماید. بالأحره نتوسط همین امریکائی بود که اوکورر سست اساسی اتحاد مابین سفیرین روس و انگلیس را فهمید.

آیا مریل فقط یک سخن‌چین بوده در هر صورت در رماسیکه این شب. دنیا گرد بدبیا آمد معلوم میشود فرستگار هوس و خرد فرسنگها دور ایستاده بودند چه این مرد از عقل چندان بهره برده بود. آن وقاحت بیمه او ماسد وقاحت صدها اسخاص از قبیل او که تا کمال بیالائی فقط در عقب سکار ماسع هستند و چمدین بار در پیش ملل ماسرق زمین براد اروپا و امریکائی را سست ساخته‌اند از این قسمت مصحک کاعدس نمایان است. «من میترسم این سیاست که نگذاریم ایرانیها هرچه می‌خواهند بکنند نتیجه‌اس آن بشود که نظریه معمول همه ماسرق زمییا ایرانیان دوستی را ترس بدداشته کارهارا بر صرد روس و انگلیس در دست خود بگیرند»

مخصوصاً از آنجائیکه این امریکائی دارای هیچ قوه متصرفه از خود خود کاعدهای او آینه بی علق و عسی است از تحریکات و دسایسی که در طهران بکار رده میشد و آنها را خوب آشکار میسارد. حرفهای صکه او سمرای خارجه و مخصوصاً ستاویلی<sup>(۲)</sup> و مارلینگ<sup>(۳)</sup> و کوروستووتس<sup>(۴)</sup> سست میدهد دون شک رده شده است. در ۸ دویله ۱۹۱۵ (۲۵ شعبان ۱۳۳۳) مرل قونسول انگلیس در شیراز و در ۱۷ مه ۱۹۱۵ (۳ رجب ۱۳۳۳) سفیر انگلیس مارلینگ همان قونسول فقرات دیل را سوسید:

- Listemanni (۱)  
Lowalcy (۲)  
Mulling (۳)  
Korostovetz (۴)

میریل ناوکور :

مارلیگ ناوکور :

اوریر سما (یعنی مارلیگ) و «تکلی تصدیق دارم که حاکم سما ناید  
 مرحل هر دو عن گفتند که آنها دائماً معرول شود و من از دور ورود خود  
 معرول اقدامات هستند که من هارس دائماً مشعول اقدامات هستم» .  
 مراحت کنتم (۱) .»

صدیق مابین تاوولی و همصا روس او کوروستووتس و رقابت ساسی این  
 دو دولت «حامی» در مدت جنگ دیان که هر دو چنگال خود را در گوس  
 این قربانی سجاره یعنی ایران فرو برده اند در این بین محوی آسکار میگردد .  
 سهر روس کوروستووتس رای تاوولی و یر رای حاشش او مارلیگ (که  
 گویا بزرگترین دشمن ایران است که انگلسها سمت نمایندگی ساسی طهران  
 فرستاده اند) ممرله هان پارچه قرمزی بود که رای جسم آوردن گاوهای جنگی  
 آنها نشان میدهد . مارلیگ در ۱۱ مه ۱۹۱۵ (۳ رحب ۱۳۳۴) قوسول  
 انگلس در سراز موسسد که «کوروستووتس تک بدبختی (۲) بوده و مارلیگ  
 مقسد سجت خود را از سهر روس در ککاعدیکه در ۲۰ روئش ۱۹۱۶  
 (۱۸ شعبان ۱۳۳۴) سهر انگلس در بحر نوریع سر حارج بوکانان (۳) موسسد  
 این عارت حتم میکند

اما در خصوص کوروستووتس من در صمیمیت او تا کمال افسوس باش  
 هم عقده یستم من هیچوجه اعتقاد ناو ندارم همه کس در اینجا  
 در حق او اینطور عقده دارد که کوروستووتس آدمی است که نا او هیچ نمیتوان  
 سر زد و تک حدس از حقوق است که نا سرارت و سبظت کار میکند و  
 حظ میرد از اسکا کارها کند که اگران همحوقف حاضر یستند نکند  
 هیچکس در اینجا از روس او افسوس معجورد و از همه کمتر در سفارت خودس

(۱) مراحت میریل هارس فقط موسسد و در نعل حاکم آسکا محر السلطه

(۲) نا ا معبرته به یاه سک - Unglu k

(۳) George Baku in



کورستووتس مارا پیش بانک روس کمک خواهد کرد. خیال او در خصوص همکاری بانک استقراصی روس با بانک شاهنشاهی ایران فقط از این نقطه نظر است که بانک شاهنشاهی تجارت خوب خود را با بانک استقراصی تقسیم کند. و قطعاً اگر بانک شاهنشاهی یک اداره شخصی میبود حالا چندین سال بود که ورشکست شده بود.»

در دین ما از مریدل امریکائ که دولت انگلیس در سال ۱۹۱۶ (۱۳۳۴) باو تکالیف تشکیل یک قشون در جنوب ایران شبیه سرینگاد قزاق در سال نمود ولی خود مریدل کمی بعد از آن رئیس قشون شاهزاده نصره السلطنه گشت (۱) کاعدهائیرا که قوسول انگلیس در شیراز مارور اوکور نوشته است درج میکنیم.

طهران ۲۰ ژانویه ۱۹۱۵ [ ۴ ربیع الأول ۱۳۳۳ ]

مارور عمریر

امروز سه روز است که اداره حرازه داری برای تعرض بر صد اقدامات خودسرانه قزاسوران که در ولایات مالان جمع کرده اند تعطیل کرده است. فراری که میشوم بلژیکیها میگویند یا آنها و یا سوئدیها باید از خدمت خارج شوند. ولی حلی محتمل است که از هر دو طرف حد نهری بیرون بروند. من تصور میکنم که دولت از این اوضاع جندان ناراضی نیست چه باین شکل آمد دارد که شاید بالأحره از سر این بلژیکیهای معور ملت خلاص شود. من گمان میکنم آنچه معروف شده است که یلمارسس قرار نامه در خصوص تشکیل یک ردوی قزاسوران در چین همراه خود دارد صحیح است. بیچاره چین از قراریکه سیر و آتر من میگوید اوضاع کرمان یأس آور است. قزاسورهاها نظور و حسابها در کوچها میدوند. سیر و آتر تصور میکند شاید لازم باشد که قشون مستقل دیگری ایجاد کرد و اشاره کرد که من رئیس آن قشون نامم مأموریت برحد برای من حاضر است و اگر میخواهم من مینهد ولی اوضاع سرعت بعیر میکند و من متظر بعضی اقدامات هستم که یقیناً نتیجه آنها رفتن صاحبان سوئدی خواهد

بود. نیسترم (۱) و میار- فواکه (۲) و اوندینه (۳) و یللمارس خواهند رفت. فقط صاحب منصبان احتیاطی (۴) و چریک (۵) خواهند ماند. پوست را میخواستند صندوقدار قراسوران در اینجا بکنند. به به عجب کار خوبی! در طهران حالا هوا مملو از دسایس و تحرکات است. مدتی بود اینجا میان مردم حسبات دشمنی با خارجه نمایان بود ولی حالا تقریباً بکلی رفع شده است. یک دسته کوچک در کار آن هستند که ایراترا طرف اعلان جنگ بهمانی بکشند. چنانکه من بسیر و آلتر هم گفتم در مائة مجتبیاریها نیز من کسانی دیدم که طرفدار آنان هستند. کاینه اسامی ندارد، سکار و بیچاره است. مجلس هنوز مشغول ملاحظه اعتبار نامه و کلاست. نادرا دیده میشود که کسی از مجلس بدون اظهار کراهت و تنفر صحبت نکند حتی از خود ایرانیها هم (۶).

من امیدوارم که باز در شیراز فرمانده فنون بسوم. محتعل است رابرتی که من از اقامت خود در فارس دادهام مخیر الساجنه را از فارس بیرون کند. سیر و آلتر و چرجیل هر دو رارت را دیدند. آنچه لازم بود من شرح دادهام و چیزی نگفته نگذاردهام. رارت مربوط امروز بوزارت جنگ رفت. در آن رارت صمیمه هم در خصوص کارهای کازرون بود ولی من هیچ سوئدیهارا در این ضمیمه داخل در کار کازرون نکردهام. چرجیل بواسطه ایرانیها در تمام طهران شهرت داده است که در صورتیکه حاکم فارس استعفا ندهد آن رارت مرا در هر هفت روزنامه طهران و در روزنامههای انگلیس و اروپا منتشر خواهد ساخت. سیر و آلتر یک نقشه (محرمانه) دارد که مرا رئیس ۵۰۰ سوار مجتبیاری در طهران بکند. هر چند که این تکلیف را میتوان قبول کرد ولی گمان میکنم که این فرماندهی فقط موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج منقطع خواهد شد...

Nystöm (۱) Miller-Polka (۲) Undine (?) (۳) Reserve (۴) Milice (۵)

(۶) سفیر انگلیس در باب مجلس مگوید: «تمام عناصر دموکراتی خارج هستند». مقایسه شود در با آن فقره که سابق در صفحه ۵۹ از روزنامه «ده سو اسیت من» مورخه ۱ ژانویه ۱۹۱۶ نقل شده است. در سکاژوس قره سیاسی ایران فرقه دموکراسی است.

در باب تبریز خیلی از این طرف و آن طرف صحبت شده است. دولت ایران آخرین دست و پای خود را میزند که ولعهد را بآنجا بفرستد. از اینجا و آنجا یکدسته سرباز ژولیده بلاسپند از همه حور و همه رنگ جمع کرده‌اند که واقعاً مانند یکدسته بازبگر می‌مانند و یک ۳۰ الی ۴۰ هزار تومانی هم برای مخارج آنها فراهم آورده‌اند.

ایرانیها از ورود عثمانیها بنبریز سبب زندی اظهار کردند. و میگویند که عثمانیها آنها را از دست روسها نجات دادند. ایرانیها تصور میکنند که وقتی که ولعهد وارد تبریز شد عثمانیها از ایران خارج خواهند شد. بعد از ورود ولعهد بنبریز یکدسته بزرگی از همراهان او بطهران مراجعت خواهند کرد. کوروستووتس سفیر روس در باره حفظ جان خود تا اندازه واهمه پیدا کرده بود. از قرار مذکور گفته بوده است که اگر روسها از فزویین بروند او دیگر در طهران نمایند و بزرگده در سعیران که از سنارت طهران محفوظتر و امن‌تر باید باشد خواهد رفت. یک ارمی با اطلاعی<sup>(۱)</sup> بسیر و آلترا گفت که اگر روسها از عثمانیها یک شکست بخورند احتمال خیلی قوی میرود که ایرانیها بهمراهی عثمانیها داخل جنگ بشوند.

من حالا سعی دارم که هم برای قراسوران و هم برای خزانهداری مستخدمین امریکائی بدست بیاورم. من بسیر و آلترا گفتم ایرانیها خیلی طرفدار این نقشه هستند لکن از مداخله روسیه میترسند.

طهران - ۱ فوریه ۱۹۱۵ | ۱۶ ربيع الاول ۱۳۳۳ |

محرمانه

یک اقدام خیلی جدی شد که مرا رئیس قراسوران و حاسبین بالمارس بکنند. لکن گمان میکنم بسیر و آلترا بالأخره مصمم شده است که ریاست قراسوران را تکلیف فولکه<sup>(۲)</sup> که تقدماً رئیس اصفهان است و آگدارد و مازور مولر<sup>(۳)</sup> و مازور کارابزگ<sup>(۴)</sup> معاون او باشند. بقیه سوئدیها تماماً باید بروند.

(۱) شاید معصود میرزائانس باشد چه از قرار که مایل شدها میگوید تا او خیلی دوست بوده است.

Folke (۲) Moller (۳) Carlberg (۴)

چنانکه شما هم لاند سید-اید تاوولی و کوروستووتس هر دو احضار شده‌اند. بحای سمیر روس یک آدم کوچک دلائی او لندن خواهد آمد عقده اربابها این است که اگر تاوولی رود می آن این خواهد بود که انگلیس ایران را بمیل و دلخواه روس واگذارده است. بورگراو<sup>۱۱</sup> و لوکوت<sup>(۲)</sup> هر دو بدولتمای خود تلگراف کردند که باید سیر ادوارد گری اطلاع داد که اگر تاوولی رود و عهد شخصی او دیگر در میان باشد عقده آنها این است که ایران بمراهمی عثمانی داخل جنگ خواهد شد اگر تاوولی لاند کوروستووتس هم خواهد ماند. یک کابینه جدیدی در کار تشکیل شدن است. از فرار مسهور احتمال قوی می‌رود که کابینه جدید خیلی بظرفدار روس باشد در اینصورت گمان نمکم که دیگر یک هر سوئدی هم در ایران نماند

دو روز قبل روسها بدون اشکال وارد تبریز شدند. تاوولی و چرحال هر دو صدیق دارند که در مباحثات آنها ک حس آلمان دوستی تودار است. روسها اگر ایران حریف آنها داشته باشد تا عمایها متحد خواهد شد و اگر این کار را نکند آتوقت مختیارها و تمام املاک دیگر همه کمک خواهد کرد ارمینیا می‌خواهد که من فرماندهی کجسته قسوں ۱۰۰۰ نفری (مرگ از سواران مختاری و آرامه) را در طهران بعهده بگیرم تا در موقعی که اگر روسها از آلمانها سکت بخورند و ایران هم حریف کرده نظرف عمایها رود حاضر باشم

مانارسس چند روز قبل یک کاعده نی‌سرمانه کوروستووتس پوست و او هم آن کاعده را سوولی ارائه داد. مانارسس در آن کاعده میگوید. رای جلوگیری از یک ردو خورد خون بود روسها فراسواران را در وروین بحال خود مگذارند. تاوولی کوروستووتس گفت: «آنچه از دستان برمیآید بکنند که مانارسس را فوراً برون کنید و من قول میدهم که از طرف من همه‌گونه کمکی خواهد شد

(۱) Boigtze سمیر بلژیک

(۲) Lecomte سمیر فرانسه وی سابق در برلین بود و در حرو محاکمه شاهزاده

بورگ و Pulenbu شهرتی ندا کرد

رای می که در قزوین مابین قراسوران و روسها واقع شد در سر سرنازخانه قراسوران بود که روسها چون شنبه بود سوئدیه را از ایران بیرون خواهند رفت میخواهند آنرا صط کسد

صممه : اگر سوئدیه را همه خارج شوند آنوقت قطعاً من رئیس قراسوران حوهم شد. تصور میکنم که بعد از این قراسوران عمده در راه طهران بوسهر نگر رده شوند. روسه و خود آنها را در سبال میل ندارد.

طهران، ۲ مارس ۱۹۱۵ [۱۷ ریح الثانی ۱۳۴۳]

سیر والتر بدلالی که برای من مجهول است تصدیق کرده است که فقه سوئدیه در قراسوران و ریاست قراسوران باقی تمامد. شاید او میخواهد دل از ورود کسی که او برای حاشیبه آنها حال کرده است بگیری در این کار دهد. اما رای سیر والتر ممکن است (اگر شما رای او کاعدی نوشته و وقایع شیراز را توضیح بدهد) که بطور خصوصی با حراهدار کل هستن مذاکره نموده و از او خواهند کسد که مرا از مسئولیت اموال شیراز مستخلص نماید (۱) من آنچه در قوه داشتم کردم که برای منافع انگلیس در فارس خدمت کنم

از فرار مسدکور سفیر اطرینس لوگوتهتی (۲) و سفیر آلمان برنس روینس (۳) هر کدام بهراهی یک نماینده نظامی از راه کرمانشاه طهران میآیند. اگر چه رات سه تا تواند اسلامبول را تصرف کسد این واقعه یک تأثیر بزرگی در اینجا خواهد کرد چه ایرانیها بدون هیچ شک آلمان دوست و طرفدار عثمان هستند. از منافع بحرماه و حلی موثق میشود که حراهدار کل هستن در هفتههای آتیه آنچه سواند خواهد کرد که از رسیدن بول سوئدیه رای در سوران جلوگیری نماید بطوریکه تا آخره همه باخار خارج خواهند شد. تمام صاحب مصالح سر خدمت (یعنی آن صاحب مصالحتی که در خدمت روس

۱۱۱ نماینده مالی لژیونکی در شیراز اساساً Stin میبیرا عصر ساحه ود که اموال

بول ایران در شیراز دست برداری کرده است

(۲) Logothetti (۳) Piir Reuß

مطمئن سوئدی هستند) حایه از ایران خارج شده‌اند و مازور ادوآل (۱) که فعلاً فرمانده کل است با هانس حلی دشمن است. مشهور است ولی صحت و سقم آن درست معلوم نیست که صاحب مصفا سوئدی که فعلاً در ایران هستند گفته‌اند که آنها تا آخر آوریل (اواسط حمادی الآخرة) خواهند ماند و اگر تا آتوق اقدامی برای مطمئن رسیدن پول فراسوران نشده باشد از ایران بیرون خواهند رفت. اگر سوئد نظری آلمان داخل جنگ نبود در آن صورت قطعاً تمام سوئدیها از ایران احصار خواهند شد. محرمانه گفته میشود که روس و انگلیس بایران اسلحه و دحیره میدهند تا بر صده عثمانی بگذرد. کابینه و دراز طرفدار این خیال است لکن عقده من از افکار و اقوال عامه میترسد که این بشهادت قبول نماید من یقین دارم که سفارت روس بر صده این کابینه حایه است و برای رانداختن آن اقدامات میکند

صمیمه در میان دیپلوماتهای خارجه در اینجا صحبت آنست که چون سر والتر (۲) مجرچیل اعتماد چمدانی ندارد میخواهد او را یکی از فوسولگریها بایتالیا بفرستد.

طهران، ۶ مارس ۱۹۱۵ [۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳]

محرمانه

دو روز قبل رئیس الودرا حکم داد که هیچکس روایتی را که نامضای حراهدار کل هانس باید قبول نماید و قرار شده است که از این بعد وزیر مالیه باید آنها را امضا کند سیر والتر روز چهارشنبه با خرچیل سک قطعه آنطرف ورامین سفر کرده است که در آنجا خبریاتی بگفت ۱۳۱. سفر آنها ده روز طول خواهد کشید. یک روز بعد از حرکت آنها حکم رئیس الودرا در خصوص روایت نامضای حراهدار کل صادر شد سیر والتر یک روز به واد (۴) گفت (من مایل بودم در کابینه وزیرای ایران یک سر

(۱) Idwall

(۲) سیر والتر مابلی سفیر انگلیس در طهران که خرچیل سفیر روس او بود

(۳) مابود اسکله امتار حرمان در ایران ترانسه‌ها داده شده است

(۴) Wid

پیدا میشد که با ادارهٔ صککایب حرثت داشته باشد که تمام سوتدیها و بلژیکیها را بیرون کند و در عوض آنها امریکائی نگذارد « من باید تصدیق کنم که این صاحب مصان احتیاطی سوئدی سطر سآید که خوب کار میکند. یک ممودی در تمام قراسوران در این اواخر من حسن کردهام چنانکه ماسوم سیر و والتر حلی جهد کرد که بیلی روسها را دست باین کاپیه رفع نماید ولی مساعی او بی نتیجه ماند. این دو سفارت (روس و انگلیس) در سر هر نکته با همدگر جگ میکنند

طهران، ۱۶ مارس ۱۹۱۵ | ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۳ |

« منابع اطلاعات من عالی است. چنانکه من پیش‌پی کرده بوده عمر کابینهٔ اخیر طولانی شود. رئیس الوزرای حالت معروف روس دوستی است و وزیرای دیگر بر دشمن روس هستند. بعینهٔ عموم سفارت روس در اینجا یکی از عوامل مهمهٔ است که نظارت در امور دارد. از مآخذ حلی مودی میشوم که تقریباً تا یکماه دیگر دولت روس میخواهد ایران قرضی بدهد و نظارت در مخارج و مالته را بدست بگیرد. در موقع استقرار یک اقدام حلی حدی خواهد شد که ایران را وادارند از بیطرفی خارج شود. لکن بدیههٔ اسخاص آگاه آن است که روسها میتوانند این نقشهٔ خود را انجام دهند. فرصت کاپیه هم مایل باشد لکن از ترس ملت ایران هیچ کابینهٔ حرثت نمیکند به نظری روس داخل در جگ بود چنانکه شنیده‌ام (و گمان هم میکنم راست باشد) همدس ۱۱ در ماه اخصای مجلس مصداق زیادی بول تسیم کرده است برای نامی آنکه بلوکیها در کارهای خود ناقدی نمایند. من گمان میکنم این بولها بول روسی است. روسها هرچه از دستشان برآید میکنند که سوتدیها را بیرون کنند. ایرایها از بلوکیها متنفر هستند و اگر ممکن بود میخواهد آنها را بیرون کند. روزنامه‌های طهران و اندارهٔ متعبر اند

۱ اسکه قسور سما در بوسپر هودبول آلمان را ۱۲۱ دستگیر کرد.

۱۱۱) Herausgeber: Herausgeber کل بلژیکی

۱۲۱) انگلیسیها بوسور آلمان لسمان (Lustmann) را در خلاف هر قانون دستگیر کرده

طهران، ۲۱ مارس ۱۹۱۵ [ ۵ جمادی الأولى ۱۳۳۳ ]

امروز بعد از ظهر من در سفارت سما بجای مدعو بودم و تا سیر والتر  
مداکراتی داشتم. سیر والتر گفت: «دیروز من رئیس الوردرا تأکید کردم  
که محرم السلطه (۱) را از شیراز معزول کند و سوئدیها را هم از آنجا بخواهد و  
ریاست قراسوران آنجا را سما و اگدارد.»

تمام ایران در حوس و خروس است. وضع کلیته ایلات ایران بعایت  
اساس تشویش است. در تمام نقاط در شرق، غرب، شمال، جنوب، از  
هر طرف ایلات در صدد هیجان هستند. احتمال می رود طهران بواسطه قشون  
روس اشغال نشود. گمان میکنم راست باشد که ۱۴۰۰ هزار بختیاریها طرف  
ترکها رفته اند.

روسها بار هرجه در قوه دارند میکسد که سوئدیها را بیرون کند و از  
رساندن بول تاها جلوگیری نماید. چرچیل (۲) محققاً از ایران خارج  
خواهد شد. حوس است که از دست او خلاص میشویم. رهمارا (عین  
این لفظ در اصل انگلیسی استعمال شده است).

صمیمه. چرا صلاح بیست که قشون فارس محتل شده و حرو قراسوران  
گردد، ما توپهای صحرائی را لارم داریم. همچنین چرا صلاح بیست که مفتشی  
بولیس را من بدهد، در این موقع هرح و مراح این مسئله مبتم است رای  
آنکه سخن سیرار را در دست داشته باشیم. خواهش میکنم سؤال کنید که آیا  
ممکن است در خصوص بولیس من تک بول علاوه داده شود.

طهران، ۲۶ مارس ۱۹۱۵ [ ۱۰ جمادی الأولى ۱۳۳۳ ]

امروز تاوبلی برای من نقل کرد که سیر ادوارد گری در ۲۴ مارس (۸ جمادی  
الأولی) از استوکهم تقاضا کرده است که سوئدیها را از فارس بخواهد. و بر  
گفت او تصور میکند که دیروز توانسته است دولت ایران را ترساند. تاوبلی

(۱) حاکم فارس (۲) Churchill مترجم سفارت انگلیس در طهران



بایرانیها گفته است که بیم آن می‌رود ~~حکومت~~ ۱۰۰۰۰۰۰۰ هر قشون روس طهران را  
 بصرف نماید تا آنکه تقاضاهای خود را راجع به بیطرفی ایران برور قبولاند.  
 یر تاوولی گفت که دیروز وی از رئیس الوزرا یک جواب موافقی دریافت کرده  
 است. رئیس الوزرا تاوولی گفته است: «حلی خوب، روسها مستواند قشون  
 طهران وارد کرده کابینه حالیه را رانداخته و هر وریری را که میخواهد سر  
 کار بیاورید. لکن اگر روسها این کار را نکند تمام ایلات ایران خواهد  
 سرورید و آتوقت برای اصلاح اوضاع ۱۰۰۰۰۰۰۰ هر قشون روس ضرور  
 است.» تاوولی گفت او تصور میکند که روسها از اوضاع امروزه استفاده  
 میکنند و حوشحال اند چه این اوضاع بهانه خوبی بدست آنها میدهد که قشون  
 وارد کند کابینه حالیه خود را حلی مستقل نشان میدهد و از ستمارتین  
 حدان ملاحظه ندارد رومرو<sup>(۱)</sup> امروز صبح من گفت که روسها یک  
 بد دشتی بدولت ایران فرستاده‌اند و در خواست ~~صکریه~~ کرده‌اند که دولت ایران  
 ۱۵۰۰۰۰۰ هر قشون بر صد عثمانی حاضر نماید. در مقابل آن روسیه از طلب  
 خود از ایران چشم پوشیده و مجدداً بایران پول قرض خواهد داد. من  
 قطع دارم که کابینه حالیه می‌ترسد این پیشنهاد را قبول کند. سه روز قبل یکی  
 ر روزنامه‌های ایضا یک بیان نامه نشر کرده و در آن آسکارا ارباب را بدحوال  
 در جنگ بهمراهی عمان دعوت نموده بود.

تاوولی دیروز میگفت که دولت سما از اهدامات ایران فقط بدین ملاحظه  
 مؤس است که بحول ایران در جنگ چه آبروی در افغانستان خواهد  
 محمد و میگفت اگر ایران داخل جنگ بود احتمال خوبی می‌رود که روسیه  
 اوضاع را بحال خود گذاشته و قشون خود را از ایران بیرون کند ولی بعد ر  
 جنگ روس و انگلیس هر دو حساب خود را با ایران نصیب خواهد کرد.  
 در صورتیکه افغانستان بسورد حکومت هد خیال دارد قشون خود را محله‌های  
 داخلی هد عقب کشد و در آنجا منتظر سده و نا افعارها مصاف نماید و بالآخره

(۱) دو رومرو توسط De Romero Duzin تا ماه اوت ۱۹۱۳ (رمضان ۱۳۳۱)

ش در داهر اسپان بود بعد از آن سمت سیر آن ملک در ایران نامزد گفت

بعد از جنگ افغانستان قشون کسی کرده و آنها را تسبیح کند تا ولی میگذشت که حوایی مجاری ناو قول داده اند در صورتیکه دولت ایران هم حکم نماید که آنها بر صند انگلیس و روس محکمند ایشان اطاعت نخواهد کرد. لکن ناوولی در این خصوص خیلی بدین است. من خیلی شک دارم که اگر واقعا یک وقتی جنگ سر بگیرد حوایی نتواند ایلات خود را از دحول در جنگ نجات کند.

طهران، ۶ آوریل ۱۹۱۵ | ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۳۴

من میترسم این سانس که ایرادها را نگذارند آنچه میخواهد نکند میخواس آن نشود که نظریق معمول مسرق رمیها ایرانیان دوستی را ترس مداخله و کارها را بر سر روس و انگلیس در دست خود بگیرند.  
طهران طاهرا آرام نظر منماید لکن در ناظر خیلی اغلاب و هیجان است. در تمام شهر کمیتهها تأسیس شده که جهد میکند هر طور هست ایران را بطرف عثمانی داخل جنگ نماید. روزنامهجات ایران آشکارا و بی پرده دشمن روس هستند. مطبوعات آنچه دلها میخواهد میگویند

طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۱۵ | ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۴

رامسن (۱) که حرو سفارت سناست من گفتم در سفارت گمان میکند که روسها سعی هستند یک ترس و وحشتی در میان مردم بیدارند رای آنکه قشون وارد کند عمیده آنها اینها این است که روسها خود آرام مانده ولی نکردها احاره خواهد داد که عارت کسان و آدم کسان تا خود طهران پس بیاید آتوق روسها قشون خود را طهران آورده و کار ایران را حانه خواهد داد بول قراسوران پنج ماه است عقب افتاده است و اداره بولیس هم ۱۰۰۰۰۰ تومان طلبکار است

صمیمه: ناوولی و گوروستووتس تا آخرین دقیقه با یکدیگر صفتیت میکردند مگر اینکه در بیرون کردن سوئدیها با هم متحد بودند.

طهران، ۳۱ مه ۱۹۱۵ [۱۶ رجب ۱۳۳۴]

بخار میآید که کابینه حاضر است هر آنچه سفارتین بپسهاد کند

اشاره دهد

۱۵۰۰ هر فراق جنگ آرموده با تویحانه و اتوموبیل و چانه که  
میگوید با دو اتوموبیل مسلح وارد قزوین شده‌اند. این دسته قشون  
کمی قبل در مغان جنگ ورشو خنگیده‌اند. من دو شب قبل در سفارت سما  
شام دعوت دایتم. بعد از شام چرچیل گفت: «سوئدیها خواهد رفت و  
جیلی هم رود خواهد رفت. شما حوصله نکسید. عقرب کار برای سما مید  
خواهد شد». دیشب فرمانفرما وزیر داخله میررایانس که یکی از معتبرین ارامه  
و از دوستان من است گفته است که دولت ایران مصمم شده است سوئدیها را  
رون نکند لکن محوز است که با احتیاط و تألی در این امر اقدام نکند چه  
حقیات مردم بی‌اندازه نظرف سوئدیها متمایل است دیشب تک ایران  
من گفت که دولت ایران طلّ السلطان را (۱) برای حکومت فارس احصار  
کرده است.

(۱) طلّ السلطان بزرگترین سر ناصر الدین شاه است نه سال بطور سعد در فرانسه  
گذرایند و وقتی در صدد آمد که ایران سراجت کند لکن ایرانهها او را در رشت توقف  
کرده و بعد از آنکه تک مقدار گزافی از او بول گرسند باو اجازه دادند که دوباره بارونا  
برگردد. دوباره خواستی او طسعی است که بهمنار روس و انگلیس بوده است  
مورینگ بست مورچه ۲۶ مه ۱۹۱۶ مسوسد. حناکه با اطلاع حاصل کرده‌ایم دولت  
انگلیس استناد نکعات و کارآمدگی او در حکمرانی نموده و امید دارد که دوباره با تک  
انداره نظم و امتث را در منطقه جنوب بود انگلیس برقرار خواهد کرد. در ماه مه  
۱۹۱۶ (رجب ۱۳۳۴) که طلّ السلطان از لندن و نظردیوع نایران سراجت مسکرد هم  
مادساد انگلیس و هم سار روس از او بدیرائی کردند. از آنجائیکه او بزرگترین خواه  
خجاری را که است الله دشمن بحسارپهاست. در خصوص وعده‌هائی که این  
ساهرانه بزرگ ایران که هر صرق ناوصای مصلحت وقت متمایل مسوسد در لندن  
و نظردیوع داده است سغیر انگلیس در صهران مارلینگ در ۲۰ ژوئن ۱۹۱۶ (۱۸ شعبان  
۱۳۳۴) با تک حال امردده سغیر انگلیس در نظردیوع توکانات در تک کاغذ خصوص  
میوسد. من محبت عمکه اراییکه طلّ السلطان هور آن حسنات دشمنی قدیم خود را با

چنانکه در افواه مشهور است آلمانها خیال دارند ناصهها را عقب کشند و آلمانها مستحکم نمایند (چطور؟) و امید دارند که سوئدیا هم با آنها همراه شوند. میگویند که دولت ایران بر اگر مطابق میل سفارتین رفتار کرده در طهران بخواهد نماید بدانجا نقل مکان خواهد کرد.

هم مارلینگ (۲) و هم اتر (۳) که با هر دو ی آنها من خصوصیت زیاد دارد من گفتند که آنها آسوده خاطرند و از تحریکات آلمانها منوش نیستند. و اصح بلویم من بحرف هیچکدام از این دو اعتماد ندارم. خصوصاً عقده من این است که این دو هر از آن وقت که قشون روس قروین وارد شده آرام شده اند و هر دو امید دارند که آلمانها سک زد و حوردی شروع نمایند تا آنکه روسها آمده و بیکاره شمال ایران را تصرف نمایند. در آنصورت دولت ایران ناصهها را انتقال خواهد کرد. من گمان میکنم آن حری که در قوی من بدان اشاره کردم مناسبتی با این احتمال احدی داشته باشد. من هیچوجه بعبت نخواهم کرد اگر اوضاع این صورت را پیدا کرده باشد که دولت شما قبل الوقت قسم ایران و انتقال دادن دولت ایران را ناصهها و خود بدست گرفتن نظارت کنر خوب ایران نصیبه اصفهان (و شاید هم همدان و کرمانساه) را تصدیق کرده باشد ولی چیزی که هست ممکن است دولت شما از روسیه خواهش کرده باشد که از اشغال مملکت دست نگاه دارد تا ایسکه یک همچانی در شمال ایران بدید آید. من تصور میکنم که با این اوضاع امرورده هرچه این مسئله رودتر انجام بگیرد بهتر است. گویا هیچ امیدی نیست که یک لرد کرومری<sup>۱۱</sup> فرصه ظهور پیدا شود تا این مملکت برهم نهد را دوباره مرمت و اصلاح نماید.

بسیارها دارد ولی با وجود این حلی عرب معدر مانند که او آن حسنا را آشکار در نظر شروع اظهار کرده است فقط ده روز بعد از آنکه رسما در لندن احسان داد که وی بسیارها را مثل اولاد خودس دوست دارد من حلی مترسم که طل السلطان بیشتر با روسها دوستی نماید تا ما و ما ناند خود را برای این فقره حاضر کنیم هر چند که ما ناند صورت ظاهر را نگاه داریم و او بنامم که مادر او سک سخن زدگی می بدم که از جانب هر دو دولت سک اندازه طرف مساعدت و موافقت است.

(۱) Marling من انگلس در صهران حادثین ناوبلی

(۲) Fter من جدید روس در صهران

Lord Crom ۳

زرگنده (شمیران) ۸ ژوئیه ۱۹۱۵ [۲۵ شعبان ۱۳۳۳]

امروز صبح من با وزیر تنها یک مذاکره طولانی داشتم. او من گفت که هیچ چیز رای او خوشایندتر از این نیست که من دوباره بشیراز مراجعت کنم و گفت ممکن است در طرف دو هفته آتی حاکم فارس را محور داشته نماید. بعد گفت عین الدوله (۱) حاضر است در این فقره همراهی کند لکن هر دفعه که او درصدد مبادی اقدامی نماید حاکم نوکلای فارس در مجلس متوسل شده آنها هم دموکراتها را تحریک کرده و نایل میشوند که این کار را عقیم گرداند. مارلنگ من گفت تنها دلیلی که چرا او هنوز سوئدیها را حمایت میکند اینست که سوئدیها با ریرکی خود میتواند صاحب مصفا ایران را که تماماً آلمان دوست هستند مواظبت و مراقب کند. علاوه گفت که ادوال (۲) نکلی در دست آلمانهاست و او یک «احق حیلی هولناکی» است. بزرگ که ادوال احکام خود را از معین الورد (۳) بگیرد و درباره معین الورد گفت که او یکی از خطرناک ترین مردم ایران است، دموکرات رشور و دوست آلمانهاست. حندی بیس وزیر تنها من گفت که او و سفیر روس هر دو مصمم شده اند که هر وقت رای آنها ممکن شد کاری نکند که معین الورد در دولت ایران از فعل خود مفصل بشود. وزیر تنها من گفت که دولت ایران هیچ میداند که بچه انداز، نظری یک حکمی با انگلیس زدیک شده است.

وزیر تنها و چرچیل هر دو من گفتند شما لایق قطع اقدامات کرده اید که من دوباره فارس مراجعت کنم [یعنی بسبب رئیس قراقران - مؤلف]. این شبهه نیست که وزیر تنها اگر بتواند راهی پیدا کند بت حوی دارد. اما است تنها عقرب بیرون کردن حاکم موفق شوند.

(۱) از وهران حقیقتاً آمدند. مضر اندس ساه در سال ۱۹۰۵ (۱۳۲۴) او را بواسطه مبارک ملت معزول کرد. بعد از اخراج دموکراتها عین الدوله دوباره بعدی پیدا کردند و حندی از وزیر رسد سفیر انگلیس در یک مراسله محرمانه در ناب او میگوید ما عین الدوله را در کار نگاه داشته ایم و او برای ما همه کار خواهد کرد. رجوع شود به صفحه ۲۹.

(۲) I. Z. il

(۳) چندین بار است رئیس کابینه وزارت - رجوع است.

زرگنده، ۲۵ ژولیه ۱۹۱۵ [۱۳ رمضان ۱۳۳۳]

..... چنانکه میشنوم گویا در همین چند روزه کابینه (جدید) تشکیل خواهد شد ولی هیچکس چیز قطعی در این خصوص نمیداند چه ایرانیهای معروف و مهم کابینه گویا میترسند که کاری در کابینه قبول کنند.....

طهران آرام است. برای قراسوران خیلی دشوار است که اصلاً دیگر بتوانند باقی باشند. برای تمام قراسورانی که اینجا هستند بیش از روزی صد الی سیصد تومان پول بدست نیاید (باستتای روزهای جمعه و دو شنبه!!!). این یک عملیه کند تدریجی است ولی همینطور بتدریج آنها خفه خواهند شد.....

لوسکوونت (۱) بمن گفت ریمبو (۲) با تمام فوج خود و اسبها و غیره بطرف دارداتل حرکت کرده است. باید او خیلی خوشبخت باشد چه فوج او یکی از آن افواج قلیلی است که اسبهای خود را میتوانند بکار ببرند زیرا چنانکه مسبق هستید قسمت عمده سواره نظام در خندقها بکار برده شده اند.

طهران، ۱۴ اوت ۱۹۱۵ [۳ شوال ۱۳۳۳]

دیشب من تائب سفارت شما کَر (۳) را دیدم. عقیده او آن بود که بعد از تشکیل کابینه اولین تقاضای سفارت شما از دولت عزل فوری مخبر السلطنه خواهد بود و اگر کابینه این تقاضا را قبول نماید سفارت شما یک «هیاهوی بزرگی» بدین سبب خواهد کرد.....

کَر دیشب بمن گفت که ما بیشتر مایل هستیم که «قراسوران را در عمل فوراً لوط بینیم» تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم...  
بعد از سقوط ورشو روزنامه‌های ایران خیلی جسور شده اند. آنها آشکارا میگویند که باید تمام قراسوران را در طهران جمع کرد تا آنکه قوای

Lecomte (۱)

Rimbaud (۲)

(۳) آرچیبالد کَر Archibald Kerr سابق در برلین و رم بود.

روس اگر از قزوین بطرف طهران حرکت کنند در مقابل آنها مقاومت بورزند. بدلائلی که در دست است گمان میکنم که دستگاه گرفتن تلگراف بیسیم آلمان در خارج اصفهان هنوز در کمال خوبی کار میکند. اگر میگوید اگر یک کابینه تشکیل شود که طرف رضایت نباشد سفارت شما و سفارت روس آنرا در ظرف یک هفته برخواهند انداخت. سفارت شما عین الدوله (۱) و فرمانفرما (۲) میخواهد و روسها میل دارند سعد الدوله (۳) رئیس الوزرا شود. تیو (۴) مدیر تلگرافات ایران محرمانه بمن گفت که دلیل آنکه چرا در چند روز قبل ۳۰۰۰ نفر از قشون روس هشت فرسخ از قزوین بطرف طهران حرکت کرده اند آن بود که در تشکیل کابینه اقدامی شده بود که چندان رضایت بخش نبود و حرکت این قشون یک نوع تهدیدی بود و اولیای بزرگ دولت ایران هم همین طور فهمیدند. حرکت قشون طهران را کم و بیش در وحشت انداخت.

من دیشب بکر گفتم که خیلی بدگمانم از مذاکراتی که چرچیل با ایرانیها در خصوص بیرون کردن حاکم فارس نموده است. کر گفتم من میدانم که چرچیل رشوه گرفته است. من پیشنهاد کردم که سفارت شما در اقدامات آتی خود برای عزل مخیر السطاحه خوب است یک نفر اروپائی دیگر را غیر از چرچیل برای انجام این امر بفرستد. نیز من بکر گفتم که چرچیل مکرر نسبت بشما اظهار کراهت و بیلی کرده است و بعلاوه وی یک نوع نمائینی دارد باینکه اعمال حاکم فارس را همیشه حمل بصحت نماید.

(۱) این مطلب در مراسله تاونتی مورخه ۱۳ مارس ۱۹۲۴ تصدیق میشود آنجا که میگوید «ما عین الدوله را در سر کار نگاه داشته ایم و او برای ما همه کار خواهد کرد». رجوع شود بصفحه ۴۹

(۲) شاهزاده فرمانفرما یکی از مستبدین. شوستر در کتاب خود: خفه کردن ایران» در صفحه ۲۵۹ شرحی از حال او می دهد.

(۳) وزیر باعلی درجه مستبد شاه مخلوع. روس و انگلیس او را از تبعید دوباره بطهران آوردند. میخواستند او را در کابینه وزرای ایران بزور جا دهند ولی از پیش ترغت.

(۴) New

امروز آن را بورتی را که من از کارهای خود در فارس در ۲۲ صحیفه  
 نوشته‌ام برای گر میفرستم تا او حاکم آبخارا قدری بهتر شناسد. در این  
 را بورت آنچه دهانه آمده گفته‌ام و چیزی فروگذار نکرده‌ام.

ردگنده، ۲۳ اوت ۱۹۱۵ [۱۲ شوال ۱۳۳۴]

دیشب من گر را ملاقات کردم او گفت رئیس الورا هول گریه است که  
 حاکم را معرول نماید. حالا باید دید آیا رئیس الورا بوعده خود وفا خواهد  
 کرد یا آنکه او تا درجه افتد دارد که این کار را نکند. گر مکنت آنها مایه  
 که فرما عرما حکومت فارس نامرد شود و از خود من هم حلی مایل است  
 برود. من تا فرما عرما خصوصیت زیادی دارم.

اوصاف طهران در این چند روز اخیر بدتر شده است در مساجد جامع  
 زرگ منعقد می‌شود و مردم را مقاومت مسلح در مقابل روسها دعوت میکند.  
 جمعی از مردمان عوام طلب در مقابل عمارت مجلس فریاد میکنند که ایرانیان  
 روس روس را بید کنند.

دستگاه گروه تلگراف نسیم آلمانی هنوز در شولکستان ردنگ اصفهان کار  
 میکند (در این خصوص من اطلاعات صحیحی دارم).



## فصل ششم

مقصد سیاست مساعمراتی انگلیس در آسیا که برای توسعهٔ همان مقصد لرد کرزن در سنهٔ ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) شهر مشهور خود را در آبهای خلیج فارس پس گرفت در این حملهٔ امری «رود فرات باید سرحتهٔ هد بشود» تا گمان ابحار بیان شده است. رنجر مستحفظی که بدور آن خواهر تاج یعنی هندوستان کشیده بودند مرور زمان و در طرف سالهای دراز بتدریج توسعه یافته بود. بعد از آنکه انگلیسها بواسطهٔ خریدن اغلب اسهام شرکت کانال سوئز حق نظارت کانال مدسکور را بدست آوردند و بعد از آنکه مصر را اشغال کردند شروع بساختن بعضی سادر چهارات در مخرج بحر احمر نمودند. و همچنین وسایلی برای حکمرمائی در مخرج خلیج فارس اتحاد کردند. تا رؤسای ایلات جنوب و شرق عربستان بعضی قراردادهای در خصوص واگذار نمودن اراضی بدولت انگلیس یا قول حمایت آن دولت بسته شد: حرایر سقوططری و کوریاموریا (۱) و مسیرا (۲) انگلیسها تصرف کردند. بحرین و عمان و حصرموت بواسطهٔ معاهده در تحت حمایت انگلیس درآمدند. در کویت بعد از آنکه انگلیسها سیح آنحرا که حراجگذار عمانی بود بواسطهٔ بول و اسلحه و القاب برگ طمع نموده بطرف خود استمالت دادند قونسول انگلیس در سنهٔ ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) برفق انگلیس را در مدخل بندر و در دو حریرهٔ کوچکی که بلافاصله در مقابل بندر واقع است راهراست. و برای آنکه الاحسار را بیار مملکت عمی محرا کنند انگلیسها سیح وهایی را همواره ارسهٔ ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) باطرف - بویهای وراوان دستگیری نمودند.

و از آنجائیکه نا شیخ محمدره بزرگ معنی قراردادهای سه‌ای بسته نشده بود  
 حلیح فارس بر یک دریای رستی شد و از برای استحکام تمام حصارهای که  
 انگلیسها از طرف عرب هند بر پا کرده بودند دو نقطه مهم دیگر باقی مانده بود:  
 یکی عراق عرب و دیگری نامی حاکماً شبلی که در جنوبی افعان و هند واقع  
 است یعنی ایران.

انگلیس از اوصاف جنگ دیبائی استفاده کرد و در حین که محسین از  
 فرانسه و روس در صفوف شرق و عرب حون خود را می‌ریختند او خواست  
 که اصول کردن را موقع احرا گداورده و عراق عرب را از «منازعات و توابع  
 هند» نماید. اشتهای سر نشدن انگلیس از جهانگیری نار یکبار دیگر آشکار  
 نگردد اگر ما رجوع نکاعدی کنیم که یکی از معروفترین ساسیون انگلیس  
 در امور شرقی یعنی سیر و البتین کیروول<sup>(۱)</sup> در موقع مسافرت خود همراهی نایب  
 السلطه هند (لرد هاردینگ)<sup>(۲)</sup> در ۹ فوریه ۱۹۱۵ (۲۲ ربیع الأول ۱۳۳۳)

(۱) Sir Valentine Chirol

(۲) رورنامه انگلیسی «پونیر» (Pioneer) در خصوص این سفر نایب السلطه حین  
 مگوید ۳۱ ژانویه (۱۵ ربیع الأول ۱۳۳۳) نایب السلطه سکوت رسد و مانده انگلیس  
 در حلیح فارس سر پرسی اسکات (Sir Percy Scott) را در کنار کشتی نورث بروک  
 (Northbrook) بطور خصوصی بدرعت بعد از او شیخ صابر (Ibrahim) سر شیخ کویت که از  
 جانب پدر خود علافاب نایب السلطه آمده بود بدرعت شد و کولول گری (Gray) همراه او بود  
 شیخ عبداللّه بن عسی (۱۹۱۱) سر شیخ بحرین بر حضور خصوصی بدیدن نایب السلطه آمد  
 و در این ملاقات نمایندگی سیاسی انگلیس در بحرین کانتی کس (۱۸۷۱) را حاضر بود در  
 شب سه محصری در کنار کشتی نورث بروک داده شد در عره فوریه (۱۶ ربیع الأول)  
 ملاقات رسمی حکمران کویت شیخ سمر مبارک بن صباح و شیخ عبداللّه بن عسی بحرینی  
 بعمل آمد در این ملاقات شیخ مبارک بن صباح نشان شماره هند و شیخ عبداللّه بن عسی  
 صلب نشان دولت هند عطا شد در ۳ فوریه (۱۸ ربیع الأول) نایب السلطه بمصت شد  
 العرب زف و کارخانهای شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در حریره عتادان را تاسا  
 کرد پس از آن نایب السلطه بطرف بصره حرکت کرد همان رورنامه مؤرخه  
 ۲۲ فوریه ۱۹۱۵ (۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳) مگوید این مسئله که فرمانروای هند بصره  
 رفته است از ریادی در حین ایلات عرب محلی که دائماً با آنها در رد و حوزد بود خواهد  
 کرد یک بصری مانده عاتشان میدهد که بصره آجرین عطه راه آهن بغداد است که دیگر  
 اعانه آن حصه در دست آنهاست

از کار کشتی «نورث بروک» در آهای حلب فارس نقوسول انگلیس -  
سیرار بنویسد:

«من هیچ گمان نمی‌کردم که دوباره باین رودیها در این آمهائی که اسقدر ناآرا  
آسا هستم تا یک نایب الساطه دیگری سمر کم رای آنکه آن سیاستی را که بدوا  
کرر در ۹۱ سال قبل که من نا او در این صفحات بودم یک شکل قطعی  
مقتضی تجدید نمود یک قدم بیشتر اطرف مقصد بردنکر نائیم. ولی هر قدر  
بارة حققدر تولید مشکلات میباشد، ما تا کشتی «اورس» (۱) تا قره رفتم و ار  
مواقع مستحکمه پیشین خود اردوی عثمانی را از دور در کنار افق مشاهده  
کردیم. بلاسک آمه‌ارا عقرب از آنجا بروی حواهم کرد اگرچه طبعان آب  
در کار است که عملیات را برای هر دو طرف مشکل سازد. بالاحره ما کجا  
حوادم استاد، بار محدداً مسئله ایران است که بیس می‌آید چه تر فرص هم ما  
مال ناشیم که در (۲) بایستیم حظور ممکن است که یک قویه دائمی آنصرف  
حظوظ خود برقرار کنیم، ما ناند خود را بواسطه فرماندهی خوب  
و تشکیلات منظم و محب حوس قشون عراق عرب تریک گوئیم که  
کلی رتکس فسور افریقای سرفی که ناعب آن همه صدمات و اطهر سمد  
رفتار کردند. من گمان مکم که اسکالات ما بواسطه وسباع هوایی در زمان  
سنتت گرما و بواسطه اداره کردن امور که رودی دوحار آن حواهم گست  
سروع حواهم شد. و اگرچه عراق عرب بلاسک از معلقات و نواع  
هد باید نشود لکن بقیده من یک خط اسماکی حواهد بود اگر ما همان فواین  
و ترتیبات دیوانی (نور و کراسی) هندوستان را در آنجا احرا نائیم».

در اینجا سیر مشاء ایران یکی از مشکل ترس مسائل حواهمه شده است. ار  
رای حل این مسئله حتی کارها شده بود. مائسه مملکت ایران را مدرحا  
مکلی حراب کرده بودد و وطن رستانی را که برای آنها خطرناک بودند  
ناحرکات و دسائس جدیدی سده تعید نموده. رحال مسندی را که تمایل

(۱) Lawrence در کشتی است

(۲) اسج کلمه است که میشود حواهم سازد مقصود ما است

باشارات انگلیس داشتند بزیرکی بر ضدّ وزراتی که ظاهراً چاپک و حرف سوز ولی در باطن ایرانی صرف بودند برانگیزاندند. و همچنین در استفاده از ضدّیت ایلات با یکدیگر نیز استاد شده بودند. ولی باوجود این معلوم همه بود که ایران (شاید بمراتب بیشتر از کانال سوئز) یکی از حسّاسترین نقطه در راه جهانگیری دولت انگلیس محسوب میشد<sup>(۱)</sup> که اگر یکدفعه بواسطه یک جنگ دنیا مشعل شود شراره آن بطرف شرق کشیده افغانستان و هند همان هند «باوفا» را هم فرا خواهد گرفت. در ۲۵ مارس ۱۹۱۵ (۹ جمادی الاولی ۱۳۳۳) سیر والتر تاوونلی برهنگ فراسوران مریل امریکائی گفت<sup>(۲)</sup>: «دولت انگلیس از اقدامات ایران فقط بدین ملاحظه مشوّش است که دخول ایران در جنگ چه تأثیری در افغانستان خواهد بخشید. در صورتیکه افغانستان بشورد حکومت هند خال دارد قشون خود را بجایگه های داخلی هند عقب بکشد و در آنجا منتظر شده و با افغانها مصاف نماید».

تأثیر یک شورش افغانستان در هند (همان هندی که انگلیسها آتقدر از آن بی اطمینان بودند که دائماً اعیان و نیجای هندی را که از دولت انگلیس دارای القاب بودند یا نبودند و ادار میکردند که «باوفا و صادق بودن» هند را نسبت بانگلیس بواسطه نشریات و مطبوعات در همه جا جار بزنند) همیشه مانند یک تمال هونائی در مقابل چشم سیاستون انگلیس محتم بود. معاون وزارت خارجه هند گرانته<sup>(۳)</sup> در ۷ دسامبر ۱۹۱۴ (۱۹ محرم ۱۳۳۳) از دهلی بقوسوب انگلیس در شیراز مینویسد: «اینجا در هند اوضاع بسبب آرام است هر چند که

(۱) سیر رالینسن W. Rawlinson (که لرد کرزن در کتاب خود «ایران» چند ۱ ص ۶۱۲ او را اهل خبره مینامد) در چندین سال قبل جلب دقت را باین مسئله کرده و انگلیس را خبردار میکند. از جمله میگوید: «از نقطه نظر طبیعی و جسمانی اگر ملاحظه کنیم ایرانی بر تمام احساس آسیا باندازه تقوّق دارد که بحال است. و آن از این مسئله چشم پوشید که در صورتیکه یک جنگ اروپائی بمیان آید و مشرق زمین را فراگیرد باید هوای نظامی ایران هم بکار انداخته شود. در واقع در صورت حمله بهند هیچ چیزی بدر از آن نیست که یک قشون ایرانی در تحت صاحب مصبان روسی حمله بهند ببرد».

(۲) در این خصوص مریل کسانغلی بقوسوب انگلیس در شیراز نوشت و این مسئله را

شرح داد.

A. H. Green: (۳)

حسبان مسلمانان خیلی در جوش است. سیخها (۱) و شورش طلبان در هیجان هستند. سرحد نسه آرام است هر چند یک هر چند تانوی - که در توخی (۲) یک اعتشاشی ظهور رسیده. اگر امیر بتواند افغانستان را در هم رفته آرام نگه دارد همه کارها درست خواهد شد. امیر آنچه از دستش برآید میکند ولی باید لای تقطع با بعضی اشخاص متعصب بر حرارت و همچنین با بحریکات عثمانی بکنند. اشکالات راجع بایران در این موقع ممکن است یک بار بسیار سنگینی بشود. غریب این بود که انگلیسها از همسایه و متحد خود یک لحظه هم مطمئن نبودند. عهدنامه ۱۹۰۷ «منطقه نفوذ» این دو مملکت «حامی» را در ایران بوقت تحدید کرده بود. لکن این فقره مانع این نبود که انگلیسها (که همواره از اینکه روسیه در این معاهده لقمه چرب تر را از میانه ربوده دلتنگ بودند) لای تقطع برای روسیه در «نفوذ صلحی» در منطقه آندولت اشکال تراشی نمایند. وسائلی که انگلیسها بکار میبردند همیشه در نتیجه بضرر خود آنها بر میگشت زیرا که آنها در حرص و طمع خود خیلی بیش از اندازه پیش میرفتند. بیرون کردن شاه مخلوع، تأسیس دولت مشروطه، حمایت بخیارها و خوانین آنها بصیصام السلطه و سردار خگ، خواستن امریکائیا و سوئدیها برای ترتیب ماله و قرا سوران، تمام اینها اقدامات عاقلانه بود لکن نه برای ترقی ملت ایران چنانکه با ابتدا ایرانیها تصور میکردند بلکه فقط برای ضدیت با روسیه. در کاغذ مرخصی خود که در ۷ آوریل ۱۹۱۵ (۲۲ جمادی الأولى ۱۳۳۴) سپر والتر تاونلی بقونسول انگلیس در شیراز مینویسد این مسائل را آشکارا تصدیق میکند. از جمله میگوید: «من یقین داشتم که دوستان ما در ساحل نوا از یک شخصی متفر بودند که وجودش فقط برای آن نبود که در آنجا نشسته و نظاره کند که چگونه آنها ایران را کم می نمایند. آذربایجان طعمه خوبی بود ولی اشتهای مسکوی را هنوز کفایت نمیکرد. بقدر آنکه آنها لقمه چرب اصفهان را از گلو فرو بردند طبیعی بود که نقشه حاضر کرده بودند که بهمان وسیله که اصفهان را در تحت منطقه مراقبت خود در آوردند دست روی فارس هم بیندازند.

(۱) سیخ نام فرقه ایست از هندوها - مترجم.

(۲) Tochi

و خط راهی برای جلوگیری آنها از اجرای این نقشه این بود که جنگ را در قلعه محکم آنها یعنی آذربایجان آورده و بدین نحو دست آنها را از مرکز و جنوب کوتاه کرد. من قصد این اقدام را کردم و بواسطه اینکه من بوده از روی بعضی اقتضاعات آنها برداشتم نقطه خلیج حساس آنها دست زدم. دو چیز را روسها نمیتوانستند عفو کنند یکی نصب صمصام السلطنه بحکومت اصفهان که مترزل بودن مقام آنها را در آنجا آشکار میساخت. هر چند که پسر مرد عزیز گراهام (۱) بواسطه خطاهای خود با تمام قوی با آنها کمک خواهد کرد باز یک مدتی برای روسها لازم است که موقع خود را در اصفهان مستحکم سازند. دوم وجود بانک شاهنشاهی در منطقه روس، چه بانک شاهنشاهی منزله اداره ایست که بتوسط آن عایدات مملکت بطهران حمل میشود. تا یک مدت مدیدی روسها نمیتوانند از دست ورود (۲) خلاص بشوند.

انگلیس با یک تشویش و اضطرابی که دیگر نمیشد پرده پوشی کرد دید که روسها خط راه آهن خود را دائماً بسرحده شمال ایران نزدیکتر میکنند. در ۵ فوریه ۱۹۱۳ (۲۷ صفر ۱۳۴۱) وقتیکه روسیه امتیاز خط آهن جلفا - تبریز - اورمیه را (۳) بدست آورد با کمال یأس گری بسفیر انگلیس در طهران تلگراف کرد: «دولت پادشاهی انگلیس با کمال افسوس و تعجب اعلام یافت که دولت ایران تقاضاهای معتدل شرکت انگلیس را در خصوص یک وعده امتیاز (اوپسیون) (۴) رد کرده است در صورتیکه امتیاز راه آهن جلفا - تبریز را داده است.»

(۱) Grahame فونسون ژنرال انگلیس در اصفهان.

(۲) A. O. Wood رئیس بانک شاهنشاهی در طهران.

(۳) راه آهن جلفا - تبریز در فوریه ۱۹۱۶ افتتاح شد (ظاهراً سهواست. افتتاح این خط در اواخر آوریل یا اوایل مه است یعنی در اواخر جمادی الآخره یا اوایل رجب ۱۳۳۴ - مترجم). یک خطی هم از این راه تا دریاچه اورمیه کشیده میشود. این راه تقیس - جلفا - تبریز - اورمیه امروز در درجه اول برای اقدامات نظامی بکار میرود.

(۴) یعنی وعده امتیاز برای یک راه آهن انگلیس مابین حمزه - خرم آباد. رجوع

مخبر روزنامه «مرینگ پست» و یگنور (۱) در کتابی که در سال ۱۹۰۳ (۱۳۲۱) نوشت موسوم به «مسئله ایران» (۲) با یک کمی تغییر در یکی از عبارات کزوزن هر وزیری را که تحمل آن کند که روسیه یک خط آهنی از طهران یا از جای دیگری در شمال ایران بخلیج فارس و آبهای هند بکشد حاشن میداند. در هر حال روسیه بعد از کشیدن اولین خط راه آهن در داخله ایران یک قدم خیلی بزرگی باین مقصود نزدیک شده. از متحد المال (۳) بحرمانه تاوتلی مورخه ۲۳ مارس ۱۹۱۴ (۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۲) که در آن در خصوص پیشرفت بطی مذاکرات راه آهن صحبت میراند در کل وضوح خیالات او را حدس میتوان زد. از جمله میگوید: «نقشه راه آهن سرتاسر ایران اسباب اشکالات شده است. مذاکرات در لندن و پترزبورگ بنظر میآید که منتج نتیجه نشود. روسیه مایل است که خط راه آهن از کرمان تا طهران مستقیم برود (۴) در صورتیکه دولت انگلیس بر ضد این است بلکه منتهی الیه خط آهن در مشرق بندر عباس باشد.»

در اولین ماده عهدنامه معروف ۱۹۰۷ مابین روس و انگلیس وظایف انگلیس نسبت به روس درست معین شده بود: «دولت انگلیس متعهد میشود که آنطرف یک خطی که از قصر شیرین شروع شده از اصفهان بوزد و خواب گذشته بیک نقطه در سرحد ایران و نقطه تقاطع سرحد روس و افغانستان برسد امتیازات ذیل را نه برای خود بدست آورد و نه برای یک تبعه انگلیس و نه اتباع یک دولت ثالثی را در بدست آوردن آنها حمایت نماید: بدست آوردن هر گونه امتیاز سیاسی یا تجاری مانند امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، راه، حمل و نقل، شرکت بجه و غیره. انگلیس در داخله این منطقه نه بطور مستقیم و نه بطور غیر مستقیم با تقاضاهای چنین امتیازات که از طرف دولت روسیه حمایت شود صفت نخواهد کرد. قرار بر این گذاشته شد که نقاطی که در فوق اسم برده شده اند در داخله آن منطقه محسوب میشوند که در آن دولت انگلیس متعهد شده است که امتیازات فوق را تحصیل نکند.»

(۱) H. J. Whignore (۲) The Persian Problem (۳) رجوع شود بص ۴۸

(۴) این عبارت مخالف با اصل متحد المال است رجوع شود بص ۵۰ - حاشیه مترجم.

باین شکل اصفهان آشکارا در جزو منطقه نفوذ روس محسوب شد. در یک یادداشتی صکه شاردن دافر سفارت انگلیس اوپرن (۱) در ۷ اکتبر ۱۹۱۱ (۱۳ شوال ۱۳۲۹) بدولت روس داد انگلیس صریحاً تصدیق میکند که اصفهان جزو منطقه روس است (۲).

ولی چه اهمیت کمی انگلیس بمواد قرار دادهای بسته شده - مخصوصاً عهدنامه ۱۹۰۷ - میدهد و چگونه از هر موقعی استفاده کرده تا آنکه مال دیگری را که با او در «رقابت صاحبجویانه» هستند خصوصاً روسینرا بزمن بزند اسناد تجارتنی که در قونسولخانه انگلیس در شیراز بدست آمده است این فقره را خوب واضح میکند. یک مسئله حمل و نقلی که بمنفعت تجارت انگلیس انجام پذیرفته بود یعنی تحدید قیمت حمل مال التجاره بواسطه حیوانات در راه بوشهر و شیراز باعث رد و بدل مکاتبات بسیاری در سنه ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ (۱۳۳۱ و ۱۳۳۲) مابین بوشهر و شیراز و طهران و دهلی و لندن گشت. اختلاف آراء مابین بوشهر و شیراز باعث آن شد که یادداشتهای خیلی مفصلی ترتیب داده شد که تماماً یک مسئله اساسی را تمقیب میکردند و آن بیرون کردن تجارت غیر انگلیس بود از ایران بتوسط انگلیسها.

انگلیس با تمام قوای خود مخصوصاً بر ضد تجارت روس برخاست. مستشار تجارتنی نماینده انگلیس در بوشهر در فوریه ۱۹۱۲ (صفر یا ربیع الاول ۱۳۳۰) یک یادداشت محرمانه برای دولت هند و وزارت خارجه لندن حاضر ساخت که در آن یک ترتیب تازه را برای حمل و نقل مال التجاره در راه بوشهر و شیراز بی در منطقه بیطرف بهتر از همه چیز برای منافع انگلیس مفید میداند. یادداشت مذکور باین عبارت ختم میشود: «مقصد ما باید این باشد تا اندازه امکان بازار اصفهان را از امتعه روسی پاک کنیم». و در یک یادداشت دیگری صکه نماینده انگلیس در بوشهر در ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۳ (۲۰ شوال ۱۳۳۱) آگری مینویسد میگوید: «سفیر دولت انگلیس در طهران در این اواخر این

(۱) (1) Braine

(۲) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) نمره ۱۸: بنا قرار دادی که اصفهان داخدا در منطقه ...



هتدیه را اظهار کرده است که تقاضاهای روس در یک قسمت بزرگی از منطقه بیطرف هر قدر که نفوذ روس بیشتر بطرف جنوب بسط پیدا میکند زیادتر میگردد. و بعد میگویند «ما در مقابل این وظیفه هستیم که بجه نوع توسعه تجارت روس را در ایالت اصفهان و جنوب آن منع نمائیم و در صورت امکان چطور ما میتوانیم دوباره آنچه را که تجارت روس در این اواخر در این ایالت مسخر کرده است دوباره بدست آوریم». فقط در این یادداشت موزاده مرتبه از «تخطیات روس» و از «حملات تجارت روس باصفهان و تأثیر آن بجنوب» و از اینکه «تجارت روس را باید در یک جاده مرآسی انداخت» و «آنها از ترقی مانع گردد» و «نه فقط در ایالت اصفهان و شمال ایالت فارس بلکه در هر جای دیگری» سخن رانده میشود.

با کمال مراقبت و دقت انگلیسها متوجه هرگونه اقداماتی بودند که در منطقه بود روس یا در منطقه بیطرف واقع میشد مخصوصاً آن اقداماتی که بتصور انگلیسها با سرمایه روسی یا سرمایه مملکت دیگری بایستی بموقع احرا برسد. مثلاً تجار ایرانی نقشه تأسیس یک شرکتی را ریختند که راه آهنی مابین شیراز و بوشهر بکشند. در این خصوص قونسول انگلیس در شیراز بسفیر انگلیس در طهران تلگراف میکند: «همه نوع دلیل در دست هست که این نقشه را قونسول آلمان در تابستان اخیر در مدت توقف خود (در شیراز) کشیده است. اصل خیال این بود که این شرکت یک شرکت ایرانی باشد لکن یک مقدار هنگفتی از سرمایه بایستی در آلمان بدست آید. من تصور نمیکنم که این نقشه بجائی برسد لکن در هر حال این مسئله قابل آن است که بدقت در نظر گرفته شود.»

در مارس ۱۹۱۳ (ربیع الثانی ۱۳۳۱) در یک یادداشتی که نماینده انگلیس در بوشهر نگری میفرستد از یک نقشه صحب میشود که رئیس کل اداره است ایران میخواهد یک دستگاه اتوموبیل رانی مابین طهران و شیراز راه بیندازد. هم در این خصوص و هم در خصوص یادداشتهای دیگر برای ترقی تجارت انگلیس و ممانعت از تجارت غیر انگلیس دولت هند هم داخل مذاکره شده و یک مکتوب طولانی بوزارت خارجه لندن نوشته که ما بعضی فقرات مهم آنها با ترجمه تحت اللفظی در ذیل مینگاریم.

محرمانه

ادارهٔ مملکتی هند نوزات خارجه

ادارهٔ مملکتی هند ۴ مارس ۱۹۱۴ [ ۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲ ]

آقای محترم

من از طرف وزیر هند نا اطلاع سواری مملکتی مأمور شدم که رسید کاعبد  
سما مورخه ۱۲ نوامبر امسال و همچنین سواد یک تلگراف قوسون پادشاهی  
انگلیس را در پوشهر و یادداشت مستشار تجارتی را اطلاع بدهم که در خصوص  
ناکافی بودن وسائل حمل و نقل در جنوب ایران نوشته و وسائلی برای اصلاح  
و ترقی دادن آنها پیشنهاد کرده بودند.

در جواب برای ارائه وزیر خارجه سوادی از یک کاعبد محرمانهٔ حکومت  
هند میفرستم که در آن کاعبد حکومت هند عهدهٔ خود را در بارهٔ اوضاع عمومی  
تجارت انگلیس در جنوب ایران مسروحا اظهار کرده و توسعه دادن تجارت  
انگلیس تا جنوب حطی که تا آنجا بود تجارت روس میرسد رعایت شده است.  
مارکیر اف کریو (۱) نکلی نا عهدهٔ حکومت هند همراه است و مخصوصاً به  
۳ مادهٔ اخیر کاعبد حکومت هند اهمیت فوق العاده میدهد . . . . .

مخلص سما

(امضاء) ت . و . هولدیس (۲)

ایک در دل ما بعضی مواد مهم صمیمهٔ مذکور را مثل مکیم (مادهٔ

۰ (۷۰۶۰۵۰۲)

محرمانه

حکومت هند مارکیر اف کریو

دهلی ۲۲ رانویه ۱۹۱۴ [ ۲۵ صفر ۱۳۳۲ ]

لرد محترم

بنامست تلگرافی که حصرتهالی در ۱۷ نوامبر ۱۹۱۳ (۱۱ دی الحجه ۱۳۳۱)  
کرده اید افتخار داریم که مسائل در را در خصوص مقاصد تجارت روس  
در جنوب ایران عرضه بداریم . . . . .

(۱) Major of Cione (۲) W. Holderness

(۳) مواد کاعبد از عمره ۲ شروع مسود

۴ ما نکلی طرفدار آن هستیم و لازم ندانیم که هر وسیله صحیح عاقلانه که ممکن است باید اتحاد شود که تجارت ما از حقوق تا حفظ نوشهر - شیراز - اصفهان توسعه داده و تشویق شود نه فقط برای مافع تجارتی هند بلکه بدلائل سیاسی برای آنکه این سدی باشد در مقابل توسعه یافتن تجارت روس و تابع نفوذ روس از شمال محسوب .

۵ ما وسائل دیگر را که برای ترفی دادن تجارت هند ما بین سیراز و اصفهان گاه گاه پیشنهاد شده است تمام را در نظر گرفته و خوب سنجیده ایم از قبیل مساعدت دولتی بخار، و امکان اینکه «سُرک کنتی رانی انگلیس و هند» و سایر سرکتهای کشتی رانی را وادار کنیم که اجرت کرایه جای هند را بایران کمتر کنند، و تأسیس یک دستگاه اتوموبیل رانی مابین سیراز و طهران، لکن الحال ما هیچکدام از این وسائل را نمیتوانیم تصدیق کنیم .

۶ - در خصوص نقشه که سیر پ . کوکس<sup>(۱)</sup> بدان اشاره میکند یعنی نقشه اتوموبیل رانی بین سیراز و طهران ما منتظریم که دولت پادشاهی انگلیس در صورتیکه این نقشه صورت امکان پذیرد آنچه در قوه دارد بعمل آورد که این نقشه را باطل نماید با اقلال امسال این اقدام یا امتیارات دیگر را بطرفی متقابل نماید که مافع ما در آن هست .

۷ - مخصوصا بعد از تلاش روسیه در خصوص ساحتی راه آهن از طرف شمال بیش از پیش واضح میشود که تنها وسیله که توسط آن تران تجارت انگلیس را در ایران محافظت کرد و ترفی داد همان است که انگلیس هم یک راه آبی از ساحل جنوبی ایران بداخله ایران نکند .

امضا:

س . آ . ایمام .	او . م . کریگ	هاردینگ اف پَنسورست .
و . س . مایر . <sup>(۲)</sup>	ر . ه . کراوتوک	و . ه . کلارک .

این است حقیقت «رفاقت صلح حیوانه» انگلیس و این است معنی احترام او بعهده نامها .

—

Sir P Cox (۱) نماینده و فوئسول جنرال انگلیس در نوشهر  
 S A Imam O M Creagh Hardinge of Penshurst (۲)  
 W S Meyer R H Ciddock W H Clark

بعد از آنکه آنها ایران را از حب سیاست اهانت دادند و از حب مانع  
اسیر خود کردند جمیع مساعی ایران را که راههای خود را برای تجارت باز کند  
و با اصلاح نماید اگر این مساعی فقط و فقط فایده اس سرمایه انگلیس می رسید  
باطل کردند. ریاکاری و دورویی انگلیس که یک حکم قتل و عاقبتی را بیک  
شکل مهربان برمی میتواند در آورد مانع بود که آنها از حرص و بیسرمی خود  
که تک ملت باز بیداری را تا دم پرتگاه ما و اصمحلالات کشیده بودند خطاب  
نکشد. سخنان جان گالس وردی<sup>(۱)</sup> که در سال ۱۹۱۲ بانگلس خطاب کرده  
و از برای ایران داد خواهی خواست حاضر ماند:

افسوس که حس سرمایاری	از ما سده آسمان گریزان
تاراج امید ملتی را	با هم بسدیم عهد و نمان
ای قوم مگر ستاره ما	افتاده عقده و مال است
با قدرت کربانی حق	مقهور شده است و در زوال است
رحمات حق و راستی را	نی فایده از چه رده پوشیم
اهنگده محلات سستی	در دلت هس حویس کوشیم

## ضمیمہ

عکس امضی اسناد ہمتہ کہ در ہاں مندرج است



SHIRAZ.



Very Confidential.

Circular No. 2.

Gulhek, June 26. 1914.

Ref. my Confdl. Circular of March 23.

With the approach of the date of the Coronation the situation in the capital is very obscure. The Govt: is in sore financial difficulty and it is not apparent from what source money can be found. R.M.G. appears indisposed to give any assistance and the P.G. will not seek the help of Russia, because it is feared that assistance rendered from that quarter would be accompanied by demands for certain concessions, notably those of the navigation of Lake ~~Urumia~~ Urumia, the rectification of the Russo-Persian frontier in the neighbourhood of the Moghan Steppes,



together with certain irrigation works & a land concession, and the Karkunan irrigation scheme for diverting the waters of the <sup>K</sup>karun from a source near the Kuh-i-Rang into the Isfahan Plain.

The Cabinet is very disunited on the various questions, but more especially upon the method that should be adopted to protest against Russian action in the Province of Azerbaijan, where the G.G. under Russian protection, has made himself practically independent of the Tebran Government and where, under orders from St. Petersburg, the Russian Consulate General collects the land tax from Russian subjects, protected persons, and from Persians who have leased their lands to such persons. The same mode of collection has been put in force in other places in the Russian zone. Post Offices have also been opened by Russia at Tehran Tabriz and, it is said, at Meshed



Mr J Crick: D Galathea 22<sup>nd</sup> August

Dear Sir,

Very Confidential

My confidential number of June

26<sup>th</sup>

Activity of finance administration & transferred by action of Russian Councils. Russian zone. Whilst some from Russian protected persons 9650 for bank board to or held by every person is collected by Russian Councils & paid into Russian bank on account of P.G., who has not heard or more of these monies since this collection. Russian Council interference targets in provincial administrations where bank held or raised by Russians & Russian protected persons are concerned.

Tal

From Huse Avastine  
D/L 17-1-18

OK

P.C. Agency Telegrams No 1 Jan 6<sup>th</sup>

Something left Avastine with  
463 under taken with agency in  
July 15<sup>th</sup>. He stopped a very  
short time here & is reported to have  
conducted his operation with extraordinary  
secrecy which deceived nobody but produced  
various extravagant rumors of contemplated  
action by Swedes & by P.G. latter's  
objective is sometimes Turkey sometimes  
Russia while the rumors are in that  
Turkey & Sweden inspired by Germans and  
then against Russians. It adds that  
Lidoverson is acting treacherously under  
eyes of Swedish Government.

My Russian colleague has consistently  
been interested in Indian movements &  
frequently asks me for news on this subject.  
I discussed Minister's speech in  
Paying India

Re No 9 31-1-75

70) Uprock Book

Programme This 1 +

Line No 22 C

Principal officers in matter of  
Mr. Herman talk on both Lumbrey  
& Kellander. James has left. Henry  
for this matter has fallen foul of  
Wyo. Privity - a nice star & hope soon  
depart from this Privity - a suitable  
man who compares himself to his work

Tal

From Turkey Am

By 13-1-15

Similar incidents to one reported in No. 42 have occurred in north Italy. Hjalmarson seems to have had his head set to be seeking to wreck his own work whilst doing so much harm generally as he can. We hope to get rid of him soon but this must be done in such a way that he cannot call all Swedes to follow him.

Belgians are naturally up in arms & see a political design in General's madness. I doubt this though his inflexible brain may well be spurred on to be troublesome by Turkish & German advances:

Commander Orliaz reported  
Rushin

Ted PD

From Treasury Dept

AH { 3-3-57

23 Substantive of your tel 3/2 repeated  
to Sir & file with following addition

It would appear to me a most  
unfortunate moment - to charge foreign  
officers of subversion. Dutch officers  
are probably not available & imposition  
of them on Peruvia at present moment  
would make a bad impression. Task is too  
big for one American officer.

? venture to deny suggestion that Swedes

won to our side by pecuniary incentives.

Private

5 July 1915

My dear O'Connor

For your information private & confidential use if necessary from our books I find that Major Rawlin has remitted one way & another during his stay in ~~Thames~~ for his private use the following sums.

Confidential

Thames

19th July 1915

My dear O'Connor

The following are the figures of actual deposits made by the following Gendarme Officers with the Thames Branch of the Bank. Of course some were here comparatively a short time.

Yours sincerely  
MacEgnan

Lower Officers  
Cavalry

To Hon. Member  
of the

Cavalry

to assist in the  
type, even if it is

of course

British Legation.

Tehran. 17 May 1915

My dear Hanna, (may I do so at the Major's)

We continue that  
your for: sen: has got to be got rid  
of, & I have been hammering at  
it since my arrival.

Yours very sincerely

C. M. Harling

---





British Legation,  
Tehran.

June 20, 1916.

My dear Buchanan,

Many thanks for your letter of May 22  
(received June 17), and enclosure of May 11.

I am not surprised to learn that the Zil retains  
his anti-Bakhtiari sentiments, but it is a bit of a shock  
that he should air them at Petrograd only ten days after  
protesting in London that he loved them as his children.

I fear very much that we have to be prepared to see the  
Zil more friendly to the Russians than to us, but we must  
keep the pretence of seeing in him a "gros bonnet" enjoy-  
ing and deserving equal favour from both Powers.

Sir G. Buchanan, G.C.B; O.C.M.G; G.C.V.C.

&c.

&c.

&c.

I have no belief in Korostovetz. Everyone here describes him as impossible to get on with for long, the kind of man who acts out of "cussedness" and for the pleasure of doing what no one else would do. I knew him in Rio years ago, and have pleasant enough memories of him there, but no one here seems to regret his departure, least of all his own Legation! He will not help us at the Russian Bank, and his idea of cooperation between the Banque d'Escompte and the Imperial Bank of Persia will merely be that the latter should share its good business with the former, which if it were a private institution would have gone bankrupt years ago.

Your very sincerely & with  
best regards to Lady Seayna

C. M. Mackay

Hjalmarson sent an impudent letter a few days ago to Korostovetz which Korostovetz showed to Townley wherein Hjalmarson said that unless the Russians wanted to cause a clash they had better leave the gendarmes at Kazouie alone: Townley said to Korostovetz "Do your best to get Hjalmarson out at once and I will give you my full support."

and <sup>6.</sup>very reliable sources I learn that Hynsane, Treasurer General, will do his best in the next few weeks to prevent the Swedes getting any money for the gendarmes so as to force all of the Swedes to go: all of the active

Townly said yesterday that your post. was only worried about Persia's actions on the ground of the effect Persia's entry into the

war might have on Afghanistan; that if Persia did go to war in all probability Russia would let things slide, <sup>and would withdraw from Persia</sup> and that after the war both Russia and England would settle with Persia; that if Afghanistan revolted the Indian govt. planned to withdraw to the plains of India and there await and give battle to the Afghans

Sincerely yours,  
J. N. Merrill.

I am afraid  
 this policy of letting the Persians  
 do as they please may cause them  
 like all Orientals to mistake kind-  
 ness for fear and proceed to take  
 affairs in their own hands to  
 the detriment of both Russia  
 and England.

Teheran is quiet. The gendarmes  
 are having a hard time to exist at all.  
 They are getting for all the gendarmes  
 here from one to three hundred  
 a day (Fridays and Mondays  
 excepted!!!) It is a slow process but  
 they are slowly being strangled.

Last night Kerr said that they would now "see the goddess in

in buggary"<sup>2</sup> before they would let them get a shie of English money.

I told Kerr last night that I was very suspicious of the dealings of Churchill with the Persians in regard to the removal of the G. G. of Fars: Kerr said he knew Churchill got bribes:

H.M.S. Northbrook  
Persian Gulf

VICEROY'S CAMP,  
INDIA,  
Febr. 9. 15

My dear O'Connor

VICEROY'S CAMP,  
INDIA

- a the good luck - which has distinguished the Mesopotamian expedition so far - the exact anti-  
podes of the E. African fiasco. Our  
troubles will I fancy begin with  
the climatic conditions during the  
hot weather & with the administra-  
tive questions which will have  
pretty soon to be faced. & though  
Mesopotamia must obviously be  
an Indian appendage, it would be  
I think, a deplorable mistake  
to import hard & fast methods of  
Indian bureaucracy. One point

Yrs. very sincerely  
Valentine Christ



Private.

DELHI.

7. 12. 14.

My dear O'Connor

Many thanks for your letter  
and most kind congratulations on my  
acting appointment as Foreign Secretary. It  
here in India things are going quiet - though  
there is a good deal of smouldering Muslim  
feeling - and the Sikh & Hinduist are  
restless, the British are going quiet - though  
there has been an explosion in the North.  
The Amir has kept Afghanistan as a whole  
quiet all will be well. He is doing his  
best - but he is up against a good deal  
of hot-headed fanaticism & Turkish intrigue.

Yours sincerely

A. H. G. Grant.



Private

British Legation.    April 7, 1915.  
Tehran.

My dear O'Connor,

Well, my time in Persia is coming rapidly to an end and in a little more than a week I turn my face homeward and the so-called land of the Rose will see me no more. I am going home on leave granted me in most encouraging language, but without my having asked for it, and because Korostovetz and I could not hit it off. Who could hit it off with poor old Korostovetz? Anyhow I am going and of course I have no intention of ever returning though I am nominally going on leave. I have been expecting this termination to my sojourn in Persia for some time, almost ever since I came here, because I felt sure that our friends on the banks of the Riva would get tired of somebody who would not let down

and see them quietly absorb all Persia. Azerbaijan was bad enough but not nearly sufficient for the Muscovite appetite, and after having a good bite at Isfahan the scheme was in course of elaboration to lay hands on Fars through the same channel as they had tried to incorporate Isfahan in their sphere of complete control. The only thing to do to check them was to carry the war into their own stronghold, Azerbaijan, to make them hold their hand in the centre and south. This I did to some purpose and got them much on the raw by showing up various of their scandals. Two things they could not forgive, <sup>(1)</sup> the appointment of Samsam to Isfahan which served to show up the hollowness of their position there. It will take them some time to reestablish it, though dear old Grahame will help them all he can by his blunders. (2) The presence of the Imperial Bank in the Russian zone as the agency through which the revenues were transferred to Tehran. They won't shake

# صورت

عین اسنادی که در این کتاب بکار برده شده است

(توجه: از اصل انگلیسی)

2

3

4

5

6

7

8

9

10

11

12

متحد المال محرمانه وزیر مختار انگلیس در طهران سپر والتر تاوولی  
بقونسولهای انگلیس در ولایات ایران مورخه ۲۳ مارس ۱۹۱۲ [ ۲۵ ربیع الدی  
۱۳۳۲ ] حاوی یک ضمیمه ملفوف (شرح ملاقات نقل از روز نامه «رعد»).

متحد المال نمرة ۱ طهران ۲۳ مارس ۱۹۱۲

خلاصه اوضاع سیاسی ایران را که در ذیل دیده میشود باید بقونسولهای  
انیس در اصفهان ، شیراز ، تبریز ، مشهد ، کرمان و بوشهر فرستاد تا  
از آن مطلع شوند و خیلی محرمانه است . در صورت امکان هر ماه یک چنین  
متحد المالی فرستاده خواهد شد هر چند تا امروز نمیتوان یک دوعده مهی برای  
این مسئله قرارداد .

اوضاع سیاسی از این قرار است :

امور ایران باعث بعضی مذاکرات مخالفت آمیزی بین روس و انگلیس  
سده است . ارتباط این دو مملکت در اینجا بآن صمیمیت و یگانگی قدیمی نیست .  
وزیر تیره روس در حرکات خود قدری ضریب بنظر میاید ( رجوع  
کنید بآن ملاقات در روزنامه ایرانی که سوادى از آن لنا میفرستم ) . ما از عین  
الدوله و قراسوران و بختاریها حمایت میکنیم . روسها حالا بر صد عین الدوله  
هستند . مذاکره این هم هست که قراسوران را بواسطه برداشتن آنها از شمال  
ایران کمتر کنند . روسها بدوستی ما نسبت ببختاریها بنظر حسد و رقابت  
میگردند . ما عین الدوله را در سر کار خودس نگاه داشته ایم و او از برای ما  
همه کار خواهد کرد . دولت انگلستان فعلاً در خصوص قراسوران در  
اتریش بورخ مسخول مذاکرات است و میل دارد که قراسوران در همه نقاط  
ایران وحیت گردد . روسیه مایل است که بر یرگاد قزاق افزوده شود و در



فراسوران که دسته ۱۲۰۰ نفری سر و خورد فرستاده است. نظام  
السلطنه سبب حکومت لرستان و لرستان نامرد سده و بدامها حرکت میکند.  
سختیاریها وعده داده شد که در ماه آوریل بر دریا نآنها بدهد. نایب را کم کم در  
کاسان حوی گرفته است چه وی دائماً پیش از پیش محصور میشود. نایب  
از دولت ایران استدعای اجاره سحر کربلا نموده است.

اداره فراسوران بتارگی چند صاحب منصب ناصهها فرستاده است رای  
آنکه کارهای آنجا را توسعه بدهد.

اوصاف وارس کما فی السابق اسباب سوئیس است. قونسول انگلیس البته  
در موقع لزوم خود خود را تکار خواهد زد. حکومت حاکم حالیه آنجا  
رای ما نتیجه حوی بداد و باید کسی دیگر پیدا کرد که پیشتر تابع باشد. وزیر  
مالیه حالیه در بیاید که سپرد مناسب باشد و چون او بر صد عین التواله  
است عیب او از این جهت عین التواله را قوی تر خواهد کرد. اتفاقات اخیر  
کارروان و گذشته شدن اسماک یک صاحب منصب سوئدی امید است که نتایج  
و حیمی بداسته باشد هر چند که اعتسایس هنوز تمام نشده است.

تصویر آنکه ساه مخلوع دوباره مراجعت کند اسباب سوئیس شده است.  
کن دولت روس قول ضمنی داده است که از طرف روسیه باو کمک خواهد  
شد. احتمال میرود که سالار هم دوباره برگردد.

خلاصه مائه ساسی در روزنامه رعده (۱) شماره ۳۵ ۴۱ مورخه ۱۰ مارس ۱۹۱۴

۱۲] ربيع الثانی ۱۳۳۲.]

در جواب اس سوال که حصائل حمیده و اخلاقی ایرانیان چیست وزیر  
فرمودند ایرانیان مردمان مهربان و مهمان نوازی هستند و برخلاف آنچه وی  
سما تصور میکرد ایرانیان به تعصب و به بر صد اروپائیان بداند. ولی ایرانیان  
بزرگن هستند و بیکاری را بر کار کردن ترجیح میدهند.

(۱) در نسخه اصل فارسی اس شماره روزنامه رسد نسبت نامد تا عین آرت فارسی  
چون رعده نقل شود با ترجمه از آلمانی و انگلیسی آنکه شد - حاسیه مترجم

محرورنامه از وزیر خواہش کرد در صورتیکہ ممکن باشد وزیر از سیاست دولت روس توضیحاتی بدهد. وزیر افسوس خورد کہ این توضیحات را نمیتواند بدهد ولی وی مأمور شدہ است کہ روابط دوستانہ بین ایران و روس را محکمتر کردہ و در انجام تشکیلات جدید کمک نماید. محرورنامه بعد از آن سؤالاتی کہ در خصوص تصرف سال ایران توسط قشون روس. وزیر اظهار کرد کہ وی در رفتار آن است کہ قشون روس اراضی ایران را تخلیہ نمایند. اعلیحضرت امراطور روسیہ و وزارت خارجه ہم او را مأمور کردہ اند کہ ہر راہی برای رسیدن باین مقصد متوسل شدہ و حدّ نماید. نایب السلطنہ قفقاز رئیس اوررای سابق ہم بہ حالیہ وزیر مالیه است تا او در اس عقیدہ ہمراہ ہستند. بہتر آن بود کہ پنج ملین مانی کہ رای قشون روس در ایران مصرف میشود در راہ ترقی و تمدن روسہ مصرف میرسید.

سؤال دیگر محرورنامه در خصوص سہ مخلوع بود. سہر در جواب گفت کہ سہ مخلوع بتاریکی بطرز بروع رفتہ است رای آنکہ کمک و حمایت دولت روس را برای مراحمت خود بایران بدست س آورد. آنک بشاء مخلوع گفہ شد کہ باید وی جان مراحمت بایران را نکلی ارسر خود بیرون کند. ستر روس یقین داشت کہ ادارات روسی ہایحوق سہ مخلوع مساعدت نخواہد کرد.

از سہر سؤال شد کہ آیا او تصور میکند کہ مسروطہ ایران مافی تا مافع سیاسی و تجارتی روسہ باشد. ایسان در جواب گفتند از آنجاسیکہ دولین ہمچوار مسروطہ ایران را تصدی کردہ اند ابتدا صدیقی تا آن ندارند لکن خیال آنها فقط از این حبت در نویس است کہ ممکن است ممانکت ایران دوبارہ یک سکل مرحج و مرحی پیدا کند. در صورتیکہ مرحج و مرحج واعتناس بسود آتوق دولت روس در مسروطہ و فواین محاس نعیری خواہد داد.

در خصوص عہدنامہ ۱۹۰۷ روس وانگایس بہر اظهار داشت کہ اولین مقصد ما آن بود کہ تمامت ممانکت ایران را نگاہ داریم ولی بعدھا این عہدنامہ حہ اتری رای ایران خواہد داشت از حالا غیر ممکن است بش بی کرد یا در آن



ناب حری گفتم. ایراسها باید مافع سحصى را کنار گذاشته بوطن خود  
بردارند. يهين است كه در ايران اشخاص لاق و حرة يافت ميشوند كه  
در روسته هم مانند آنها بيدا ميشود. اگر ايراسها خود قابل آن ناسند  
كه مملكت خود را اداره كند آنوقت بالطبع اتفاقات غير منظر روى  
خواهد داد.

محرر روزنامه از سفير در خصوص سياست دولت روس در مصفا  
يعطرف سؤال كرد. سفير در جواب گفت كه سياست مهتبي در بار  
يست.

در جواب سؤال محرر روزنامه در خصوص قراسوران ايران سفير گفت  
كه صديقي با قراسوران در مسان است. در اوقا چين گفتگو بود  
كه قراسوران فقط براي امداد راهبهاي ايران تأسيس شده است. آن نقشه  
حالا نكلى هم حورده و امروز تمام آن است كه قراسوران در آينده يك  
قشون بزرگي خواهد بود. اينها لازم است كه وي در اين خصوص با دول  
ايران و انگلس و سوئد مذاكره نمايد.

در خصوص قرض بزرگ ايران سفير قبول آرا بسته بدو شرط ميداند:  
اول- تعيين بودجه.

دوم- صمنا مسئله راه آهن.

دولت انگلس مل دادد كه راه آهن مرتا سمر ايران از شمال عرني نظرف  
حوت و جامع فارس كسبه شود. در صورتيكه دولت روس مايل است كه  
راه آهن از شمال عرني حوت سرفى ساخته شود.

در خصوص حاجي سجاج الدوله و آذربايجان سفير روس اظهار داشت كه  
تمام سجاج الدوله قابل آن است كه نظام و مديت را دوباره در بيز و  
مال آذربايجان برقرار كند.

متحد امال وزیر مختار انگلیس در طهران سیر والتر تاوبلی نقوسولهای  
انگلیس در ایران مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۱۴ [ ۲ شعبان ۱۳۳۲ ] .

شیراز

محل مهر سفارت انگلیس

حیثی محرمانه

متحد امال ثمره ۲ قلیک ۲۶ ژوئن ۱۹۱۴

رجوع شود متحد امال محرمانه من مورخه ۲۳ مارس .

با ردیک سدر دور تا حدگذاری اوصاع بایسحت حیلی تاریک میبود .  
دولت در هایت تنگستی و صیق مالی است و هیچ معلوم ناست که ار چه مدعی  
پول میتوان بدست آورد . دولت انگلیس سطر مآید که حاضر بیست بهجوجه  
کمکی کند . ار آنطرف دولت ایران هم هیچ منل ندارد که ار روسیه تقاضای  
کمکی نماید چه ار آن میترسد که نار روسیه در مقاب مدد مالی امتادراتی حد  
در حواس کند ار قبل کشتی زانی در دریاحه اورمه ، تحدید بیلر در حد  
سرحدهای ایران و روس در ردیکی سحرای معان ، امتار بعضی آبیاریها و  
وانگدار کردن بعضی اراضی روسها ، علاوه امتبار آزاری کارگان که بایس  
آب رودخانه کارور را ر یک مدعی ردیک کوه رنگ برگردایسده دست  
اصعار بندارد .

کایسه و در ا در خصوص حل بعضی مسائل سرگردان هستاند و مخصوص  
مندانده سکل ر صده مداخلات روس در ایاب آذربایجان روس کند .  
حکایت نا حمایت روس خود را نکلی ار حکومت طهران سحرًا کرده ر مستعلا  
کار مکند و حوال فوسول روس هم در آنجا محکم سردورع ار اتساع روس  
یا کسانی که در تحت حمایت روس هستاند و یا کسانی که املاک خود را باین قبل  
استحاص احده داده اند مالیات مگرد . اس شکل مالیات گیری در بعضی  
ساحه دگر و امعه در منطقه روس بر احرا شده است . بعضی ادبارت بستی

هم از طرف روسه در طهران و تبریز و چنانکه شنیده می‌شود در مشهد هم افتتاح شده است.

اخباری که از ایالات پیرسد میسر است که اشتیاقات خیلی ثنایی پس میره. هیچ امید است که در موقع تاجگذاری عتده نصای از اعصاب مجلس حدید در طهران نتواند حاضر باشد تا شاه در حضور آنها وفاداری مشروطیت قسم یاد کند. لهذا بطور بیسپاه شده است که شاه در حضور یک عتده مختلطی از وکلای محاس قدیم و مجلس حدید قسم بخورد. و این هم یک عملیه مشکوک است چه ممکن است در آمد، اساس گفتگو در مسروعت تاجگذاری گردد. بایب الشاطه مصمم است که حسن تاجگذاری را تاخیر بیدارد و خیال دارد که فوراً بعد از انصاء مراسم تاجگذاری مسافرتی ناروا نکند. شور معلوم است که او این کابینه دولت تازه را که تشکیل خواهد داد. روسها از سعد الدوله خیلی حمایت میکنند لکن احتمال قوی می‌رود که شاه جوان مستوی الممالک ترجیح بدهد.

نصوت می‌رود که لندن و نظریه بوریع امرور در صدد آن هستند که یک تجدید نظر اساسی در مسئله ایران کرده و معین کنند که چه سکنی ممکن است معاهده ۱۹۰۷ را تعبیر داده آنرا محکمتر کند تا با اوضاع امروره مناسب تر گردد. لزوم این مسئله منسأ آن فداامانی است که روسه در این اواخر در شمال ایران کرده است و تا اندازه هم سایر بواسطه قراردادی است که حدیدی پیش دولت انگلیس و اسرک هت انگلیسی و ایرنی | آنگلو پرس و ل کسی | بسته است و تا واسطه دولت انگلیس در حقوق ایران وظائف و مسئولیتهای تازه پیدا کرده که باید از آنها حمایت کند.

از فراین همجو معلوم می‌شود که بعضی از ایالات عمدتاً حقوق سعی میکنند که با دیگر متحد سوید گویا تمام آنکه بصورت میکند که ممکن است حد از تاجگذاری بعضی نغیرات در شمال ایران روی دهد و مترسند که آن عبرت باشد بر صد منافع آنها باشد. و بر این فراین معلوم می‌شود که بعضی از این ایالات مایلند داخل یک ارتباط نزدیکی با دولت انگلیس بسوند.

انصا و. و. نرس

متحد المآل محرمانه وزیر مختار انگلیس در طهران سیر والتر تاولی مونسولهای  
انگلیس در ایران مورّحه ۲۲ اوت ۱۹۱۴ [۳۰ رمضان ۱۳۳۲].

حلی محرمانه

قلمک ۲۲ اوت ۱۹۱۴

متحد المآل عمرة ۳

متحد المآل محرمانه من مورّحه ۲۶ روتس .

تأحکداری بدون هیچ اشکالی انجام یافت . از آنجا که عده نصاب ۷۰ نفر از  
وکلاهی مجلس حدید در طهران حاضر سوئید شاه قسم وفاداری تشریوطت را در  
حضور ۶۸ نفر که میگوید از (۱) وکلای مجلس قدیم بودند خورد . مسر و عیب این  
عمل را بایستور تأویل کردند که نطق یکی از مواد قانون اساسی وقتی که بادشاه  
در موقعی وفات نماید که مجلس حدیدی صورت گیرد سامنده است شاه تازه باید  
قسم را در حضور اعضای مجلس قدیم یاد کند . تشریفاتنی که در موقع تأحکداری  
اعمال آمد حلی ساده بود . حیر تازه فقط مهمانی بود که شاه رؤسای  
سفارتخانههای خارجه و حامیهای آنها داد . تمام سفرا ناستنای ساروداها ایستال  
یک مکتوب فوق العاده ۶۹۱۵ (۲) داشتند که بموجب آن رؤسای دولت متبوعه  
ایشان آنها را رای این موقع سمب نمایندگی فوق العاده اعطای کرده بودند .  
ولعهد و وررا و همجهن سموی شاه نصره السلطه در این مهمانی حضور  
داشتند . بعد از تأحکداری علاه استامه در سرکار خود باقی ماند لکن وزیر  
خارجه و بوق التوله استعفا داد و ناس جهب تمام کارهای مهم در هج و  
بعویق اقتصاد .

جدد روز قبل کابینه حدیدی راست مستوفی الممالک تشکیل شد . علاه  
السلطه وزارت خارجه را در عیده گرفت و خود رئیس الوزرا وزارت داخله را  
دارد . مانی اعضای کابینه درجه اهمیتشان کمتر است : محتسم السلطه وزیر

(۱) در اینجا در اصل انگلیسی علامت اسمیهامی است از مونسول انگلیس در طهران  
گویا اینجا کلمه بوده که بواسطه رسم آنرا حل نماید  
۱۲۱ او کور نتوانسته اس رسم را حل نماید

مالیه است، صاحب اختیار وزیر جنگ، دکاء الممالک وزیر عدلیه، مهندس الممالک وزیر تجارت، شهاب التوله وزیر هواپد عامه و نست و تلگراف. مناسبست فقدان پول و اوضاع مشکلی که بواسطه روسیه پیش آمده است رئیس الوردرا توانست همکاری بعضی از سیاسیون قابلی را که در موقع قبول ریاست ورا در نظر داشت بدست بیاورد.

مسئله مالیه كما فی السابق باغلی درجه سخت است. حراجه نکلی حالی است و تصور آن هم که نا اوضاع امروزه در اروپا از کجا، ۸۸۰۰ ۸۱۵۸ (۱) بتوان پول بدست آورد نهایت دشوار. صاحب مصان سوئدی لایققع شکایت میکند که اگر ناها پول رسد آنها دیگر نمیتواند مسئولیت حرکات نایبهای خود را بعهده بگیرد و تهدید میکند که اگر منطماً پول ناها پرداخته نشود از دولت سوئد تقاضای احصار خود را خواهد کرد. دولت سوئد که نا دولت انگلس قراردادی دارد که بموجب آن صاحب مصان سوئدی تا ماه مارس آینده باید در ایران نماید این اقدامات تهدید آمیز را ناسدیده است. ولی تصور آن مشکل است که این خدمت نظامی را چطور میتوان تعقب کرد اگر و حوه لازمه برای آن بدست بیاید. قراردادی که مابین دولت سوئد و دولت انگلس بسته شده معادش این است که از حالا الی مارس آینده حدودی برای عملیات قراسوران موافق رضای روس معین گردد و مسئله مالیه آن بر روی یک پایه مستحکم میهاده شود. دولت انگلس ۵۰۰۰۰ لیره برای مصارف قراسوران در فارس و کرمان مساعدنه داده است.

اقدامات اداره مالیه بواسطه حرکات قوسولهای روس در منطقه هود روس بی دشوار شده است. مالیاتی را که روسها و کسانی که در تح حمایت روس هستند ۹۶۳۸ (۱) باید بدهند و همچنین درآمد دهاتی را که اسخاص فوق مالک هستند یا در احاره دارند قوسولهای روس گرفته و سام دولت ایران ساک روس تحویل مدهند. لکن از زمان که این پولها گرفته شده تا امروز یک دیار از آن نكسه دولت ایران داخل نشده است. قوسولهای روس در

(۱) قوسول انگلس در شمار این ارفاء زمره را از متحد آلمان ولی بواسطه حل

ادارات ولایاتی که در آنها امتناع روس یا کسانی که در تحت حمایت روس هستند مالک یا اجاره‌دار اراضی باشند کاملاً مداخله می‌کند.

مراسله حیرال قوسول انگلیس در اصفهان ح. گرامسیر و آلر. روس  
مورخه ۲۵ دسامبر ۱۹۱۴ [ ۷ صفر ۱۳۳۳ ] .

سواد

قراقران راه نوشهر و شیراز و اصفهان

ملاحظات در خصوص اصفهان ۲۵ دسامبر ۱۹۱۴

آقا

چون اخیراً (یعنی از ۲۷ نوامبر تا ۱۸ ماه جاری) با کاروان در راه نوشهر و شیراز و اصفهان که با آن راه یا قسمتی از آن من در مدت خدمت خودم در شیراز کاملاً آشنا بودم - سفر کردم گمان می‌کنم که شاید آنچه من از اوضاع حالیه آن فهمیده و دریافتم با مقایسه اوضاع همان راه در عرض مدت سنه ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۸ در این موقع حالی از فایده باشد. لهذا بعضی ملاحظات را در آن باب عرض حضور عالی می‌رسانم:

دو سه مسأله پست اگر گفته شود که راه نوشهر و شیراز و اصفهان حالا خود را بدارم می‌است زیرا این قوه چنان راه را کاملاً استیلا کرده که تمام قوای دیگر را محو یا در خود مستهلک گردانیده. اینجا و آنجا گاهی چند نفر تفکچی دیده می‌شود که هنوز برای خود می‌نمکنند و یادگار تریات سابق هستند و حالا فقط تابع تربیت قراقرانی می‌باشند و عقرب کاملاً از میان می‌روند. حواین محلی نکلی صاحب السعاع افتاده‌اند و مسافری و نام‌الحکومه‌ها در معامله خود با اهالی بواحی خود تابع قوی ر حورده‌اند.

در جواب اجتماری که از جانب نایور دولت انگلیس درباره عریمت من ر نوشهر در ۲۷ ماه گذشته محاکم صادر خلیج فارس سده بود حاکم نایور را مصاع صاحب که فراری داده خواهد شد که من همه ح در تمام خط نوشهر

و شیراز از هر قراولخانه تا دیگری یک نفر قراسوران مستحفظ همراه شود .  
 محر از یک منزل همه جا این حکم کاملاً موع اجرا گداشته شد . قراسوران  
 یا قراسورانهای مستحفظ من ( زیرا که اغلب بیشتر از یک نفر بودند ) گاهی سواره  
 و گاهی مثلاً در کتل پیاده بودند . همیشه قراولخانه که بایستی در آنجا  
 مستحفظین عوص شوند ردیک میشدیم این قراسورانها عموماً از من مرخصی  
 میخواستند که بروند و بجایشین خودشان خبر بدهند که حاضر باشند . در هیچ  
 قراولخانه هیچ تأخیر و معطلی واقع نمیشد و هیچ نوع توقع انعام و بخششی به  
 مستحفظین و نه غیر مستقیم نبود . در یک مرتبه که میخواستیم انعامی بدهیم رد شدند .  
 اغلب من از قراسوران مستحفظ خودم دربارهٔ سن و مسقط الرأس و  
 مدت خدمت او در قراسورای و هكذا - سوالات می کردم و باین طریق می خواستم  
 چیزی از اظهار حسیات آنها نسبت بادارهٔ خودشان دست بیآورم . و در بعضی  
 مواقع دیگر من بمداکرات عدیده آنها در این خودشان زبان ترکی گوس  
 دادم ( ظاهراً اکثر قراسورانهای فارس اهل آذربایجان یا از ایلات ترکی روم  
 فارس هستند ) بطوریکه آنها ممکن بود حال کسی که من آسان زبان میخستم .  
 خیلی شکایتها سبیده میشد خصوصاً در حوب شیراز در خصوص عقب  
 افتادهٔ خرج لباس ، دربارهٔ مرخص نکردن در اقصاء مدت خدمت ، دربارهٔ  
 صرفگیری و واسطه راسی در ترقی منصبی . و در خصوص عقب افتادهٔ حقوق  
 قراسوران . این فترهٔ اخیر یعنی شکایت ارباب حقوق عقب مانده غالباً در قسم  
 میان بوشهر و کاررون بود که در بعضی جاها بعضی از قراسورانها بطور وضعی  
 میگفتند که سه ماه است حقوقشان تأدیه نشده . احساسات افراد نسبت  
 بصاحب مصفاان سوئدی خود عموماً خوب مصر میآید ( مارور لوندبرگ در  
 کاررون و کاپیتان چیلاندر در آناده طاهرا اولین درجه در محوب آنروز  
 هستند ) .

تشکیلات قوهٔ قراسورانی در حورهٔ فارس بطور میآید که خیلی کامل است .  
 قراسورانهای که تقریباً در همهٔ قراولخانهها برای سلام دادن بیرون می آمدند یک  
 هفت مینی نشان میدادند اگر گوئیم که کاملاً همان رنگی که ما قاعدهٔ تصویر  
 مکرر بود . در بعضی مواقع مثلاً در برج ورداد و برد - راس - مرا - سوت

کردند که قراولخانه یا مرل فراسوران را تفتیش و تماشا کنیم، نمونه نظم و ترتیب آنها یک نصاب خوش آید با اهل کاری و بی‌سالاتی معمولی ایرانی نشان میدهد. ترتیباتی که برای صاحب‌مصفا و افراد درست‌کرده بودند خوب بنظر آمد ولی ترتیبات طولیه آنها تمام بر عکس بود چونکه در اکثر مواقع آخورها را ترتیب معمول ایرانی سا و نگهداری کرده بودند و آن ترتیب عادت است از اینکه نگذارند در طولیه هیچگونه روشنی و هوا داخل نشود برای اینکه در هواهای سرد که حرارت بسیار زیادی تحصیل کرده باشد.

در تمام عرص راه از پوشش تا اصفهان اعیان کامل برقرار بود و از هر کدام از اهالی آن حوالی که در ناره تأییرات اصول فراسورانی رسیدم اظهار کمال رضایت و ابروی میگرد و اوصاف حاضر راهها را تمام برخلاف اوصافی که پیش از تشکیل این قوه بود میدید و در مقابل اصلاحات زرگی که این قوه بعمل آورده اظهار امتنان مسعود.

من اطمینان پیدا کردم که عارت و چاول در همه قلمرو عملیات فراسورانی کلی ختام پذیرفته است.

در خصوص احترامات و مواظبتی که از طرف فراسوران (مخصوصاً از طرف حکایتان جلالتدر در آماده) در حق حص خودم در عرص مدت این صاحب‌عمل آمد هرچه تعریف کنم کم است و سایر ساحان انگلیسی که تقریباً در همان موقع از ابراه گدسته بودند عین احساسات مرا اظهار کرده‌اند. من بمناسبت این فرصت مآدرت کرده نکایتان جلالتدر (که حالا در اصفهان است) تمجیدات خود را در ناره فراسوران بیان نمودم ولی میخواهم بپسند بکنم که - اگر مناسب ندانید - ممکن است خبرات من بحواله فرسور هم تبلیغ مسود.

با کمال افتخار خدمتگذار مطیع و حقیر حصر عالی هستم

امضا: ح. گراهام



تلگراف قونسول انگلیس در شرار مازور اوکونور سفارت انگلیس در  
طهران تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۱۵ [۱۹ صفر ۱۳۳۳].

تلگراف س . د .

۱ - پرودروم طهران . ۱۱۰

۳ - بوکس بوشهر .

۶ - ۱ - ۱۹۱۴ (این تاریخ سهوی است

از اوکونور . باید ۱۹۱۵ خوانده شود) .

بازار را اویتس امروز صرا مطلع ساخت که کابین لوندبرگ و توس  
که قرار بود فردا از سیراز طرف طهران حرکت کنند الآن مأموریتی از طهران  
برای ایشان رسید که برای حمل یک میلیون فشنگ و بعضی کارهای دیگر بوشهر  
باید روند

طهران بخاره شده در ۲، تکرار شده بوشهر ۱  
اوکونور .

تلگراف حوال قونسول انگلیس در بوشهر بوکس سفارت انگلیس در  
طهران تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۱۵ [۱ ربیع الأول ۱۳۳۳].

تلگراف س . د .

از طرف بوکس . بوشهر ۱۷ - ۱ - ۱۹۱۵

سواد تلگراف تیرار تیره ۱ ژانویه ۶

لوندبرگ در ۱۵ ژانویه از بوشهر ۶۳۷ قاطر که بار دحیره داشتند  
حرکت کرد . وی مدت خیلی خیلی در اینجا اقامت نمود و اقدامات خود را بطور  
خیلی محیی کرد که اسباب شبهه هیجکس بود . آنک بعضی حرفهای عجیب و  
غریب در فواه منتشر شده است که سوتندیاها ما دولت ایران معاً نقشه ریخته اند .  
و گفته میشود که مقصد ایرانیها از این نقشه یا عثمانی است یا روس . از طرف  
دیگر مشهور است که عثمانیها و سوتندیاها تحریک آلمانها بر ضد ایران اقدامات

۱۱۱ رمز تلگرافی سفارت انگلیس است مخصوص موقع جنگ

میخواهد بنماید. علاوه سینه میشود که یا مآرسن نام دولت سوئد اعمال  
حیات آمیزی در نظر دارد.

همکار روسی من اهمیت زیادی بحركات وسكان سوئدینها میدهد و اغلب در  
این خصوص از من سؤالات مینماید.

مخاره سند بوریر مختار. تکرار سند بصره و سیرار و هندوستان.

تلگراف سفارت انگلیس در طهران بورارت خارجه در لندن.

۳۱ (۱) زاویه ۱۹۱۵ | ۱۵ ربیع الأول ۱۳۳۳ |

تلگراف س. د.

از جانب توبلی صهران ۲۳ ۱ - ۱۹۱۵

اگر هم حوای دولت روس جندان مساعد باشد باز من خیلی اهمیت میدهم  
که ما هر نحو هست از دولت سوئد اجازه بگیریم که مارور فولکه و مارور  
کارلرگ یا مولر در اینجا باشند تا چنانکه باید و شاید مراقب راه  
اصهان - بوسهر باشد. قرار دادهای دیگر هم اگر لازم باشد ممکن است  
بعد از جنگ ترتیب داده شود. راه امرور بکلی باز است و از قرار  
رایوزن ادارات گمرکی بوشهر عایدات گمرک دو ترقی است. تمام جای که  
معمولاً از سال مآمد امرور از جنوب ایران داخل میشود. تصور میروید  
که اگر عدس صادرات از حوای ضروریه یومیه در هند ردائنه خود قد  
هم همین حال را پیدا کند. بدین شکل گمان میروید که اگر امنیت راههای  
تجارتی همطور گاه داشته شود یک قسمت زیادی از تجارت معدود ما مجدداً  
روی کار آید. من تصور میکنم که اگر صاحب مصان فابلی در سیرار  
ریاست را در عهده داشته باشد امنیت مذکور و قرار خواهد ماند.

مخاره سند بورارت خارجه (۲).

(۱) در اصل انگلیسی منظور است ولی ظاهراً سهواً است و صواب ۲۳ زاویه

است چنانکه از سطر بعد و ارض ۷۲ سطر ۶ واضح میشود - مترجم

(۲) یک سوادی از آن تلگراف هم سند مارور اوکورد فوسول سیرار رسد

تلگراف قونسول انگلیس در شیراز مازور اوکوتز سالیور انگلیس در بوشهر  
و سفارت انگلیس در طهران تاریخ ۳۱ رابویه ۱۹۱۵ [ ۱۵ ربيع الأول ۱۳۳۳ ] .

۲۱ - ۱ - ۱۵

تلگراف س . د .

۱ - بوکس در بوشهر ۸

۲ - پرودروم در طهران ۱۲

راجع تلگراف شما مورخه ۲۲ ماه حایه

مهم ترین معضریں در شایعات آلمان دوستی کابین لویدرگ و کابین چیلاندر  
هستند. لویدرگ از سرار طهران رفته است و چیلاندر بر صدت مارور پراوتس  
رحاسه و امید است که عقرب از درس خارج شود. پراوتس یک آدم  
حساسی است که همیشه مشغول کار خودس است. من باو اظهار کردم که برای  
سوئدیها لازم است که تک حال بیطرفی کاملی نگاه دارند و او نکلی تا این عقیدت  
همراه است. حاکم بیر خیلی آلمان دوست است و مسی است که از آنجا احار  
آلمانی و عثمانی منتشر میبود.

احار آلمانی و عثمانی ناسیم تلگراف ایران تا ناسب از طهران نشرار میرسد.

بخاره شد بوشهر ۸ و تکرار شد بصیران ۱۲

اوکوتز

تلگراف سفارت انگلیس در طهران قونسول انگلیس در شیراز و سامور  
گلیس در بوشهر تاریخ ۱۳ رابویه ۱۹۱۵ [ ۲۸ ربيع الأول ۱۳۳۳ ] .

تلگراف س . د .

۱۳ - ۲ - ۱۵

از طرف تاولی در طهران

اتفاقاتی شده بافقانی که در تلگراف ۲۰ اسرار کرده بودید در شمال ایران هم  
روی داده است. حبیب معز مآند که یا نارس عقل خود را گه کرده و کار خود را

میخواهد بدست خود خراب کند چه او در هر جا هر قدر میتواند ضرر  
میرساند. ما امیدواریم عنقریب از دست او خلاص شویم ولی باید این  
مسئله بطوری بشود که او صاحب منصبان دیگر سوئدی را با خود نبرد.

او خودش اعلام کرد که دولت سوئد تمام صاحب منصبان سر خدمت را  
بسوئد احضار کرده است. بنا بتقاضای دولتین روس و انگلیس به فولکه  
اجازه داده شده است که در ایران بماند و ریاست فراسوران را بعهده بگیرد.  
لهذا برای یانارسن بیی دشوار است که باز توقف کند.

بترکیها واضح است که خیلی غضبناک شده اند و در این دیوانگی ژنرال  
مقاصد سیاسی حسن میکنند. لکن من خود در این خصوص شک دارم.  
هر چند مغز ضعیف ژنرال ممکن است که بواسطه مشاورین عثمانی و آلمانی او را  
وادارد که بعضی زحمتهای برساند.

مخاطره شد بشیراز. تکرار شد بپوشهر.

تلگراف سفر انگلیس در طهران بقونسولهای انگلیس در شیراز و بوسهر  
و بصره بتاریخ ۳ مارس ۱۹۱۵ [۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳].

تلگراف س. د.

از طرف ناوینی در طهران

۱۹۱۵ - ۳ - ۳

۲۳ - مضمون تلگراف ۳۲ شما بسیر ادوارد گری تکرار شد. رجوع  
کنید بدو. ۱۲ با ضمیمه ذیل که شروع میشود بیک عبارتی راجع بفقده  
اخیر تلگراف شما. اینطور شروع میشود:

این کار پیش از وقت بعمل آمده و اطمینان گرفته شده که صاحب منصبان سوئدی  
معین خواهند شد. و من چنین ملتفت شده ام که سوئدنها عموماً آن قدر هم آلمان دوست  
نیستند که تصور می رود. یک صاحب منصبی را که متهم کرده بودند که تمایلات  
خود را آشکارا اظهار میکند امروز با من ملاقاتی کرد و گفت که من از نژاد

فرانسوی هستیم و تمام اقوام من در انگلستانند و ... (۱) از آنکه مرا با آلمان دوستی متهم کنند. ولی چنین بنظر میآید که همه صاحب منصبان سوئدی دشمن روس باشند.

این موقع بنظر من هیچ مناسب نمیآید که صاحب منصبان خارجه قراشوران را تغییر بدهند. صاحب منصبان انگلیسی شاید در دست نباشند و اگر امروز دولت ایران را مجبور کنیم که آنها را قبول نماید ممکن است که اثر خیلی بدی ببخشد. رای یک صاحب منصب امریکائی هم این شغل بسی دشوار است.

من این پیشنهاد را باید رد کنم که سوئدیها ... (۲) و بواسطه پول دادن بطرف خود جلب نمائیم. تقسیم پول ممکن است مثل سابق بتوسط سفارت و قونسولها انجام داده شود.

مخابره شد شیراز. تکرار شد بوشهر و بصره.

تلگراف قونسول انگلیس در شیراز بسفارت انگلیس در طهران بتاريخ

۵ مارس ۱۹۱۵ [ ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ]

تلگراف س. د.

۶ پرودروم در طهران

۴ نوکس در بوشهر

۱۹۱۵ ۳-۵

تلگراف ۲۳ شما

کاملاً فهمیدم که این موقع برای تغییر دادن صاحب منصبان خارجه اداره قراشورانی نامناسب است ولی خوب است اگر سوئدیها ماندنی شدند بصاحب منصبانی که در فارس هستند فشار آورده شود که آنها نه فقط باید از روی بیطرفی تمام کامل رفتار کنند - تمایلات و حسنیات شخصی خودشان هرچه میخواهد باشد - بلکه تکلیف آنها این است که تمام دعوتهای آلمان دوستی یا

(۱) این کلمه در اصل انگلیسی خوانا نیست.

(۲) در اینجا قونسول انگلیس چند کلمه از تلگراف رمزی سفیر را نتوانسته است استخراج نماید.

عثمان دوستی را مابین صاحب مصفاان ایران و تائبهای خود نیار بکشد و اقدامات حدی در دفع محرکین و حفظ نظم بعمل بیاورد.

اما در نارهٔ معاونت مالی در آینده من هم حساسهٔ عرصهٔ منکم که با تمام قضا نظر حضرتعالی موافقت دارم. صاحب مصفاان خارجهٔ قراسوران هرچه باشد ما نمیتوانیم نگذاریم که قراسوران بجهت بداشتن پول براگنده و پریشان شوند. و علاوه دادن پول برای ما وسیله میشود که در تمام مسائل راجع به قراسوران دخالتی داشته باشیم.

مخاره سد بظهران ۳۸ تکرار شد موسهر ۲۶

اوکوز

کاعد سیر انگلیس در طهران سیر والتر تاوبلی نقوسول انگلیس در شیراز  
مازور اوکوز تاریخ ۷ آوریل ۱۹۱۵ [۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۳].

سفارت انگلیس

مهرماه

طهران

۷ آوریل ۱۹۱۵

اوکوز عزیز من

خوب، مدت مأموریت من در ایران دارد سرعت حائمه میرسد و تا یک هفته دیگر طرف وطن حرکت خواهم کرد و این مملکت که مملکت گل نامیده میشود دیگر مرا نخواهد دید. من میروم بوطن خود نامم مرتضی که با اتم ملاطفت امیر عطا شده اگرچه خودم مرتضی طلبیده بودم زیرا که کوروستووس و من توانسیم با هم راه برویم. که میتوانست با کوروستووس بر همین راه رود. هر حال من میروم و البته هیچ حیاک برگش ندارم اگرچه اسمم در آن مرتضی موفی میروم. من حائمه باقی این مأموریت خود را در آن مدتی قبل مسطر بودم و تقریباً از همان وقتکه ایجا هستم میدانستم. زیرا بحونی احساس کرده بودم که دوستان ما در سواحل نوا رودی از دین کسی که ایجا ساکت خواهد نشست و ساجد تمام ایران از طرف آنها تاسا خواهد کرد سیر شد و ناگ

خواهد آمد. آذربایجان قدر کافی لقمه ند بود ولی همه برای اسمی مسکوی  
 صکائی سود و پس از آنکه آنها اصفهان را بلعیدند در حال تهیه یک  
 نقشه بودند برای آنکه دستهای خود را روی فارس هم اداخسته هموار  
 تریب صکه اصفهان را بر عود تمام خود آوردند. فقط جیریکه برای عقیم  
 کاشق نقشه آنها باستی سکود این بود که حگ را در نلمه محکم آنها  
 آذربایجان آورده و بدین نحو دست آنها را از مرکز و جنوب کوتاه کرد  
 من این اقدام را تا یک درجه مخا آوردم و از اینکه بعضی رسوائیهای آنها را آسکار  
 کردم بنقطه حساس آنها را حوردم. در حور آنها نمی توانستند عفو کند  
 کی تعین صمصام الساطعه باصفهان که سستی موقع روسها را در آنجا نشان  
 مدهد. برای آنها منتهی طول خواهد کسند که موقع خود را در اصفهان  
 مستحکم سازد هر چند که دوست عربی فدینی گرهام برای آنان هر قدر نتواند  
 بواسطه سهولتای خود کمک خواهد کرد. دوم وجود بانک ساهسهای در  
 منطقه خود روس که توسط آن مالیات ایالات تهران فرستاده میشود. آنها  
 نمیتوانند تا یک مدت مدیدی از دست او. وود خلاص بشوند. حگ  
 که شروع شد موقعی برای روسها بدست آمد که نشان دهد که در یک حین  
 زمان خطرناکی ارتباط سفارتین نند از آن زمان که من و کورستوواس مصدر  
 کار بودیم صمیمی تر نشود. لهذا ما هر دو میرویم. نشان سابقه هر چه  
 بوده از روز آغاز حگ در واقع ما روابط صمیمی و خیلی نزدیک با همدیگر  
 داشتیم. همیشه در مرخمی من ماسرگسب عموم ایرانیان محوی فهمیدند  
 که من فدای روسها ستم ولی چون معلوم بود که من دیگر اطمینان دولت  
 خود را ندارم خود من هم ناچار به از میان رفت. یکی از نتایج حگ این  
 بود که تمام عالم کینه و عداوت ایرانیان را نسبت روسها نشان داد و محبت  
 متحد بودن ما با آنها قسمتی از آن کینه بر ما عاید میگردد  
 من یکی دو دهه با مسیر الدوله دوست کرده صحبت کردم و گمان میکنم که او را  
 ترساندم و گفتم که اگر حکومت ایران رفتار خود را تصحیح نکند محبت دوستان  
 انگلیسی خود را از دست خواهد داد. او خیلی ترسناک و خد حیران که  
 "ار او خواستم برای رفع کردن عداوت که در میان مردم ماسر سده است که

دوات انگلس در وعده‌های خود راستگو یست مخوفی بعمل آورد. او از عزل محبر السلطنه میترسد چه او اینجا خیلی دوستان دارد و از ارکان مشروطه حساب میشود. کار او (یعنی مشیرالدوله) از هر جهت خیلی مشکل است چونکه با مجلس ملی باید حکومت کند. مجلس اگرچه در زیر هود برادر اوست ولی چنانکه مینداید مجلس ایران مانند یک شخص متلون المراحی است و هر آن ممکن است که مشارالیه یک صدت زرگی در مقابل خود بیند.

سوئدیها شاید از آنجائیکه آنان دوست هستند طرف میل ملت ایران شده‌اند و کار حلالی میتواند نکند. رای هر کایه نسیار مشکل است که حدتاً بر صدت آنها اقدامی کند. فقط امیدی که ما داریم آنست که شاید بشود توسط دوات سوئد از سر آنها خلاص نشویم ولی نتیجه این آن مسود که آنها از تمام ایران باید بیرون بروند. آنوقت حرف در سر این مسئله است که آیا اوضاع لاحقیه بدتر از اوضاع (۱) ساهه خواهد بود؟ اگر سوئدیها خارج شوند و کسی هم در دست مانند که جای آنها را بگیرد نامی راهها باز شروع خواهد شد. من که اینجا میخواهم بود که اوضاع را بیم چه پیش بیاید و از آنجا که نمیتوانستم تصور کنم که شماها همه آقایان خوب این هجومهای بر صدت فراسورن را برورانده‌اند مالاخره من صدای خود را محصومت نلسد کردم. بظنر میباید که نلژنکیها همه بروند و افاک از اداره ماله خارج شوند. سوئدیها در ندهت این پیش آمد که بی تقصیر بیستند و در این موقع همچان این فقره بظنر من یک ندهتتی است چه ایران نعدت معهود باز حدتاً کمک مالی لازم دارد و تا وقتیکه صماتی در اداره مالی بدست مانند و اسخاص با کفایت با سرفی در سر کار سانشد که نتواند بول را اداره کند واضح است که همچکس حاضر بیست کمکی مالی نکند. فی الواقع چه کار رأس آوری است؟ در اینجا به لاسه سال است که من با کمال سعی و مسفت دو اداره ازوین را بگاهداری کرده و آنها را در مسائل انواع محرکات و صدتتها حتی از جانب بهترین دوستان خودم حمایت کرده‌ام. اکنون امروز من

(۱) در اصل انگلسی دمرد تمام دارد نهی اوضاع ولی گونا سغیرا سهو ظنی  
دست داده است



قدرت ایبرا در خود نمی‌بینم که در این روزهایی آخر اقامت خود در اینجا یکی از این دو اداره را سر پا نگاهداشته و دیگری با تمام قوت خود یک لگدی رسم. سطر می‌آید این قدر رحمت و اتلاف وقت برای یک چنین نتیجهٔ حقیری خیلی حیف بوده است. ایبرا هم باید بگویم که من عموماً از این عقیدهٔ خود دست بردارم که این حرفها در خصوص رفتار دشمنان سوئدیهها نسبت ما مبالغه بوده است و ما پیش از اندازه محروم تهمت رنندگان که در این کار سهتی داشته‌اند گوش داده‌ایم. من تشنهٔ وحیم ایبرا که سوئدیهها آشکارا عقیدهٔ خود را اظهار کردند که آنها فتح خواهند کرد خوب حس می‌کنم. این عقیده که ناصر مردم از یک مع نظامی بی‌عرضی تراوس می‌کرده تأثیر زرگی در افکار عمومی فی‌اساس ایبرا داشته که معلوم است کامل و حسی دشمن تصور خود نمی‌رو سهارا تا کمال ضعف قبل‌الوقت باور کرده‌اند. در حائمهٔ کاعد تشکرات صمیمی خود را از مساعدت‌های صادفانهٔ شما اظهار داشته و امیدوارم که بروی سهارا در انگلستان یا افلا در فرکستان ملاقات کنم

احسان

والتر توبلی

کاعد سبیر انگلیس در طهران مارلیک نقو سول انگلیس مارور اوکور در  
شهرار تاریخ ۱۷ مه ۱۹۱۵ [۳ رجب ۱۳۳۳].

سارت انگلیس شهرار ۱۱ مه ۱۹۱۵

اوکور عزیز من (آنا اجازه منهدن سوان ماروری را دور یندارم) از رفقهٔ سرکار خیلی متشکرم. ملی خوب یاد دارم که در اسلامون شما در صدد عریضت باین مملکت که آدم را رود حسته مکند بویید و حالا از وصول رفقهٔ شما مسرت زیادی حاصل شد.

کمان می‌کنم که ما اوصاع سه اررا در کلمات آن نسه خوب مهمیم. ک کاعد خصوصی همیشه شخص یک حقیری معیه ده که احسان را صحیح

مکند. ما بخوبی میفهمیم که حاکم شما باید از کار بیفتد و من از رور ورود خود  
 امهران در آن باب خیلی کوشیده‌ام. ما بودن کابینه سابق اقدامات ما بیفایده  
 بود و چون اطمینانکی دارم که وررای حایه چنین عقیده دارند که ایران نباید  
 در یک جنگی که مربوط باو نیست داخل شود لهذا من هم بعنشار آوردن  
 در این خصوص ایعی عمل محرم السلطه | پس از این لزومی ندیدم و در  
 حقیقت هم بصورت منکم که موقع وزرا و احتیاط آنها اجازه بدهد برای اقدام  
 این عمل. من بهتر دانستم که نگذارم عین الذواله این کار را هر طور که حرد  
 صلاح میداند انجام بدهد. من میل دارم که هرچه رودتر این مسئله انجام بگیرد  
 چه حسن منکم که موقع شما جندان خوب نیست

آیا احتمال دارد تانستان با نظرها بنائید. هوای ملهک سرد و میروایم  
 برای شما مرلی پیدا کنیم اگرچه مرل ما کمتر حای حالی دارد.

ارادتمند شما

س. م. مارلیک

کاعد سیر انگلیس در طهران س. م. مارلیک سیر انگلیس در نظر بورع  
 سیر ح. بوکان مورخه ۲۰ رور ۱۹۱۶ [۱۸ شعبان ۱۳۳۰].

مهر:

سفارت انگلیس در طهران

۲۰ رور ۱۹۱۶

بوکان عریر من

ار ارسال مرقومه سرکار مورخه ۴۲ مه (که در ۱۷ رور واصل گردید)  
 و همچنین از صعبه آن مورخه ۱۱ مه حلی منسکرم.

من تعجب منکم از ایسکه طر السانان شور آن حسیات د من قدیم  
 خود را با مختاریها دارد ولی ما وجود این خیلی عریب منظر میآید که او آن  
 حسیات را آشکار در بطور بورع اظهار کرده است فقط ده رور بعد از آنکه

و رسماً در لندن اطمینان داد که وی بختیاریها را مثل اولاد خودش دوست دارد. من خیلی میترسم که ظلّ السلطان بیشتر با روسها دوستی نماید تا با ما و ما باید خود را برای این فتره حاضر کنیم هر چند که ما باید صورت ظاهر را نگاه داریم و باو بنماییم که ما در او یک شخص بزرگی می بینیم که از جانب هر دو دولت یک اندازه طرف مساعدت و توجّه است.

اما در خصوص کوروستووتس من در صمیمیت او تا کمال افسوس تا شما هم عقیده یستم

من هیچوجه اعتماد باو ندارم. همه کس در اینجا در حق او ایستاده اند. عقیده دارد که کوروستووتس آدمی است که با او هیچ نمیتوان سر برد و یک حس از مخلوقات است که با شرارت و سیطنت کار میکند و خط میبرد از اینکه کارهایی نکند که دیگران هیچوقت حاضر نیستند نکند. من چند سال پیش او را در رنو<sup>(۱)</sup> شاحتم و از آنجا خیلی یادگارهای جوسمره از او بخاطر دارم ولی هیچکس در اینجا از رفتن او افسوس نمیخورد و از همه کمتر در سفارت خودش. کوروستووتس ما را پیش بانک روس کمک بخواهد کرد. خیال او در خصوص همکاری بانک استقرایی روس با بانک شاهنشاهی ایران فقط از این نقطه نظر است که بانک شاهنشاهی تجارت خوب خود را با بانک استقرایی تقسیم کند. و قطعاً اگر بانک شاهنشاهی یک اداره شخصی مسود حالا چندین سال بود که ورشکست شده بود. محاسن خود را با تقدیم احترامات میبکیم. از ادب صمیمی شما

س. م. مازانگ

عنوان پاکت:

اداره دولتی

محرمانه

خدمت عالی

سیر حرج بوکمان ج. سی. س. - ج. سی. و. او. ج. سی. م. س.  
اصولگرا.

کاغذهای کلل سابق قراسوران ایران مرید بقونسول انگلیس در شیراز  
مازود اوکونر

طهران ۲۰ ژانویه ۱۹۱۵ | ۴ ربیع الأول ۱۳۳۳ |

مازود عزیز

امروز سه روز است که اداره خزانه داری برای تعرض بر ضد اقدامات خودسرانه قراسوران که در ولایات مالیات جمع کرده‌اند تعطیل کرده است، از قراریکه مبشوم بلژیکیها میگویند یا آنها و یا سوئدیها باید از خدمت خارج شوند. ولی خیلی محتمل است که از هر دو طرف چند نفری بیرون بروند. من تصور میکنم که دولت از این اوضاع چندان ناراضی نیست چه باین شکل امید دارد که شاید بالأخره از شر این بلژیکیهای منظور ملت خلاص شود. من گمان میکنم آنچه معروف شده است که یالمارسن قرار نامه در خصوص تشکیل یک اردوی قراسوران در چین همراه خود دارد صحیح است. بیچاره چین! از قراریکه سیر و آلتر بن میگوید اوضاع کرمان یأس آور است. قراسوراتها بطور وحشانه در کوچه‌ها میدوند. سیر و آلتر تصور میکند شاید لازم باشد یک قشون مستقل دیگری ایجاد کرد و اشاره کرد که من رئیس آن قشون باشم. مأموریت بربند برای من حاضر است و اگر بخواهم بن میدهند ولی اوضاع بسرعت تغیر میکند و من منتظر بعضی اقدامات هستم که یقیناً نتیجه آنها رفتن صاحب منصبان سوئدی خواهد بود. نیستم و مبلر فولکه و اوندینه و یالمارسن خواهند رفت. فقط صاحب منصبان احتیاطی و چربک خواهند ماند. پوست را میخواهند صندوقدار قراسوران در اینجا بکنند. بده عجب کار خوبی! در طهران حالا هوا مملو از دسایس و تحریکات است. مدتی بود اینجا میان مردم حسبات دشمنی با خارجه نمایان بود ولی حالا تقریباً بکلی رفع شده است. یک دسته کوچک در کار آن هستند که ایرانرا بطرف اعلان جنگ عثمانی بکشند. چنانکه من بسیر و آلتر هم گفتم در میانه بختیارها نیز من کسانی دیدم که طرفدار آنان هستند. کابینه اساسی ندارد، بکار و بیچاره است. مجلس هنوز مشغول

ملاحظه اعتبار نامه و کلاست . نادراً دیده میشود که کسی از مجلس بدون اظهار کراهت و تنفر صحبت بکند حتی از خود ایرانیها هم .  
 من امیدوارم که باز در شیراز فرمانده قشون بشوم . محتمل است راپرتی که من از اقامت خود در فارس دادهام مخبر السلطنه را از فارس بیرون کند .  
 سیر والتر و چرجیل هر دو راپرت را دیدند . آنچه لازم بود من شرح دادهام و چیزی نگفته نگذاردهام . راپرت مزبور امروز بوزارت جنگ رفت . در آن راپرت ضمیمه هم در خصوص کارهای کازرون بود ولی من هیچ سوئدیهارا در این ضمیمه داخل در کار کازرون نکردهام . چرجیل بواسطه ایرانیها در تمام طهران شهرت داده است که در صورتیکه حاکم فارس استعفا ندهد آن راپرت مرا در هر هفت روزنامه طهران و در روزنامههای انگلیس و اروپا منتشر خواهد ساخت . سیر والتر یک نقشه (محرمانه) دارد که مرا رئیس ۵۰۰ سوار بختاری در طهران بکند . هر چند که این تکلیف را میتوان قبول کرد ولی گمان میکنم که این فرماندهی فقط موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج منقطع خواهد شد . . .

در باب تبریز خیلی از این طرف و آن طرف صحبت شده است . دولت ایران آخرین دست و پای خود را میزند که ولیعهد را بآنجا بفرستد . از اینجا و آنجا یکدسته سرباز تولید پلاسیده از همه جور و همه رنگ جمع کرده اند که واقعا مانند یکدسته بازیگر می مانند و یک ۳۰ الی ۴۰ هزار تومانی هم برای مخارج آنها فراهم آورده اند .

ایرانیها از ورود عثمانیها بتبریز شغف زیادی اظهار کردند . و میگویند که عثمانیها آنها را از دست روسها نجات دادند . ایرانیها تصور میکنند که وقتی که ولیعهد وارد تبریز شد عثمانیها از ایران خارج خواهند شد . بعد از ورود ولیعهد بتبریز یکدسته بزرگی از همراهان او بطهران مراجعت خواهند کرد . کوروستووتس سفیر روس در باره حفظ جان خود تا اندازه و اهمه پیدا کرده بود . از قرار مذکور گفته بوده است که اگر روسها از قزوین بروند او دیگر در طهران نمانده و بزرگنده در شمیران که از سفارت طهران محفوظتر و امن تر باید باشد خواهد رفت . یک ارمنی با احتلاعی بسیر والتر گفت که

اگر روسها از عثمانها یک شکست بخورند احتمال خیلی قوی میرود که ایرانها بهمراهی عثمانها داخل جنگ بشوند.

من حالا سعی دارم صکه هم برای قراسوران و هم برای خزانه‌داری مستخدمین امریکائی بدست بیاورم. من بسیر و التر گفتم ایرانها خیلی طرفدار این نقشه هستند لکن از مداخله روسیه میترسند.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرزبان

طهران، ۱ فوریه ۱۹۱۵ [۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۳]

محرمانه

یک اقدام خیلی جدی شد که مرا رئیس قراسوران و جانشین یلمارس بکنند. لکن گمان میکنم سیر و التر بالاخره مصمم شده است صکه ریاست قراسوران را بکفل فولکه صکه نقداً رئیس اصفهان است و آگذارد و مازور مولر و مازور کارلبرگ معاون او باشند. بقیه سوئدیها تماماً باید بروند. چنانکه شما هم لابد شنیده‌اید تاونلی و کوروستووتس هر دو احضار شده‌اند. بجای سنیر روس یک آدم کوچک ملایمی از لندن خواهد آمد...

عقیده ایرانها این است که اگر تاونلی برود معنی آن این خواهد بود که انگلیس ایران را بیل و دخواه روس و آگذارده است. بورگراو و لوکونن هر دو بدولتهای خود تلگراف کردند که باید بسیر ادوارد گری اطلاع داد که اگر تاونلی برود و نفوذ شخصی او دیگر در میان نباشد عقیده آنها این است که ایران بهمراهی عثمانی داخل جنگ خواهد شد... اگر تاونلی بماند لابد کوروستووتس هم خواهد ماند. یک کابینه جدیدی در کار تشکیل شدن است. از قرار مشهور احتمال قوی میرود که کابینه جدید خیلی طرفدار روس باشد در ابامورت گمان نمیکنم که دیگر یک نفر سوئدی هم در ایران بماند.

دو روز قبل روسها بدون سنگان وارد تبریز شدند. تاونلی و کوروستووتس هر دو تصدیق دارند که در میان تاونلی و کوروستووتس اتفاق افتاده است.

بمقیده من اگر ایران جرئت آنرا داشته باشد با عثمانیها متحد خواهد شد و اگر این کار را بکند آنوقت بختیاریها و تمام ایلات دیگر همه کمک خواهند کرد...  
ارمنیها میخواهند که من فرماندهی یکدسته قشون ۱۰۰۰ نفری (مرگب از سواران بختیاری و ارمنه) را در طهران بعهده بگیرم تا در موقعی که اگر روسها از آلمانها شکست بخورند و ایران هم جرئت کرده بطرف عثمانیها برود حشر باشم...

یالمارسن چند روز قبل یک کاغذ بی شرمانه بگوروستوویس نوشت و او هم آن کاغذ را بتاوتلی ارائه داد. یالمارسن در آن کاغذ میگوید: برای جلوگیری از یک زدوخورد خوب بود روسها قراسوران را در قزوین بحال خود میگذازدند. تاوتلی بگوروستوویس گفت: «آنچه از دستتان برمیآید بکنید که یالمارسن را قورا بیرون کنید و من قول میدهم که از طرف من همه گونه کمکی خواهد شد...»

نزاعی که در قزوین مابین قراسوران و روسها واقع شد در سر سربازخانه قراسوران بود که روسها چون شنیده بودند سوئدیها از ایران بیرون خواهند رفت میخواستند آنرا ضبط کنند...

### اخلاص کیش شما

ج. ن. مرل

ضمیمه: اگر سوئدیها همه خارج شوند آنوقت قطعاً من رئیس قراسوران خواهم شد. تصور میکنم که بعد از این قراسوران عمده در راه طهران بوشهر بکار برده شوند. روسیه وجود آنها را در شمال مبلی ندارد.

طهران، ۲ مارس ۱۹۱۵ | ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

سیر والتز بدلائلی که برای من مجهول است تصدیق کرده است که بقیه سوئدیها در قراسوران و بریاست قراسوران باقی بمانند. شاید او میخواهد قبل از ورود کسی که او برای جانشینی آنها خیال کرده است تغییری در این کار بدهد. آیا برای سیر والتز ممکن است (اگر شما برای او کاغذی نوشته

و وقایع شیراز را توضیح بدهید) که بطور خصوصی با خزانه‌دار کل هسنس مذاکره نموده و از او خواهش کند که مرا از مسئولیت اموال شیراز مستعاضل نماید؟ من آنچه در قوه داشتم کردم که برای منافع انگلیس در فارس خدمت کنم...

از فرار مذکور سفیر اطریشی لوگوئی و سفیر آلمان پرنس رویس هر کدام به‌مراهی یک نماینده نظامی از راه کرمانشاه بظهران می‌آیند. اگر جهازات شما بتواند اسلامبول را تصرف کند این واقعه یک تأثیر بزرگی در اینجا خواهد کرد چه ایرانیها بدون هیچ شک آلمان دوست و طرفدار عثمانی هستند. . . . . از منابع محرمانه و خیلی موثق می‌شنوم که خزانه‌دار کل هسنس در هفته‌های آتی آنچه بتواند خواهد کرد که از رسیدن پول سوئدیها برای قراسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالأخره همه ناچار خارج خواهند شد. تمام صاحب‌منصبان سر خدمت (یعنی آن صاحب‌منصبانی که در خدمت قشور منظم سوئدی هستند) حالیه از ایران خارج شده‌اند و مارور ادوال که فعلاً فرمانده کل است با هسنس خیلی دشمن است. مشهور است ولی صحیح و سقیم آن درست معلوم نیست که صاحب‌منصبان سوئدی که فعلاً در ایران هستند گفته‌اند که آنها تا آخر آوریل خواهند ماند و اگر تا آنوقت اقدامی رای منظم رسیدن پول قراسوران نشده باشد از ایران بیرون خواهند رفت. اگر سوئد نظریه آلمان داخل جنگ بشود در آنصورت قطعاً تمام سوئدیها از ایران احضار خواهند شد. محرمانه گفته می‌شود که روس و انگلیس بایران اسلحه و ذخیره می‌دهند تا بر ضد عثمانی بجنگد. کابینه وزرا طرفدار این خیال است لکن بعقیده من از افکار و اقوال عامه می‌ترسد که این پیشنهاد را قبول نماید. . . . . من یقین دارم که سفارت روس بر ضد این کابینه حالیه است و برای برانداختن آن اقدامات میکند. . . . .

اخلاص کبیر سما

ج. ن. مرید



ضمیمه: در میان دیپلماتهای خارجه در اینجا صحبت آنست که چون سیر والتر پیرچیل اعتماد چندانی ندارد میخواهند او را یکی از قونسولگریها بایتالیا بفرستند.

طهران، ۶ مارس ۱۹۱۵ | ۱۹ | ربیع الثانی ۱۳۳۳ |

محرمانه

دو روز قبل رئیس الوزرا حکم داد که هیچکس برواتی را که بامضای خزانه دار گل هسنس باشد نباید قبول نماید و قرار شده است که از این بعد وزیر مالیه باید آنها را امضا کند. . . . . سیر والتر روز چهارشنبه با چرچیل بیک نقطه آنطرف ورامین سفر کرده است که در آنجا حفریاتی بکند. سفر آنها ده روز طول خواهد کشید. یک روز بعد از حرکت آنها حکم رئیس الوزرا در خصوص بروات بامضای خزانه دار گل صادر شد. . . . . سیر والتر یک روز به واد گت: «من مایل بودم در کابینه وزیرای ایران یک نفر پیدا میشد که باندازه کفایت جرئت داشته باشد که تمام سوئدیها و بلژیکیها را بیرون کند و در عوض آنها امریکائی بگذارد». . . . . من باید تصدیق کنم که این صاحب منصبان احتیاطی سوئدی بنظر میآید که خوب کار میکنند. یک بهبودی در نظم قراسوران در این اواخر من حس کرده ام. . . . . چنانکه میشنوم سیر والتر خیلی جهد کرد که بمیلی روسهارا نسبت باین کابینه رفع نماید ولی مساعی او بی نتیجه ماند. این دو سفارت در سر هر نکته با همدیگر جنگ میکنند. . . . .

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

طهران، ۱۶ مارس ۱۹۱۵ | ۲۹ | ربیع الثانی ۱۳۳۳ |

. . . . . منابع اطلاعات من عالی است. چنانکه من پیش بینی کرده بودم عمر کابینه اخیر طولانی نبود. رئیس الوزرای حالیه معروف بروس دوستی است

و ورزای دیگر بر دشمن روس بستند عقیده عموم سفارت روس در اینجا یکی از عوامل مهمه است که نظارت در امور دارد. از مآخذ حال معتبری میشود که تقریباً تا یکساله دیگر دوازده روس میخواهد بایران فرستاده و صادرات در مخرج و مائت را بدست گیرد. در موقع استقرار یک اقدام خیلی حدی خواهد شد که ایران را وادارد از بیطرف خارج شود. لکن سده اشخاص آگاه آن است که رومها نتوانند این نقشه خود را انجام دهند چه فرصت کابینه هم مانع باشد لکن از ترس ملت ایران هیچ کابینه حرکت نمیکند که اطراف روس داخل در جنگ شود. چنانکه سندهام (و گمان هم میشود راست باشد) حساس در مابین انحصاری مجلس مشداید زیادی پول تقسیم کرده است برای آنکه بزرگیها در کارهای خود باقی نمانند. من گمان میکنم این بوابها پول روسی است. رومها هرچه از دستشان برآید میکنند که سوئدیها را بیرون کنند. ایرانیها از بزرگیها متأثر هستند و اگر ممکن باشد میخواهند آنها را بیرون کنند. روزنامههای طهران بی اندازه متعبدند از آنکه قشون سما در بوسه هر سول آنها را دستگیر کرد.

با بهترین سلامها

احلاص کبیر سما

ح. ن. مراد

ص ۲۱۰ مارس ۱۹۱۵ [ ۵ جاری اولی ۱۳۳۳ ]

امروز بعد از ظهر من در سفارت سما محای مدعو بودم و با سیر و الو مداکرای داشتم. سردار الو که «-یزور» رئیس الو را تأکید کرده که محرم السامه را از سردار معز ل ک و سوئدیها را هم از آنها میخواهد و ریاست قراوه را آنجا سما واگذار

تمام ایران در حوس و خروس است. وضع کلیه ایلات ایران بغایت اسباب نوسین است. در تمام نقاط در سرق، عرب، جمال، حوب، از هر طرف ایلات در صدها سال هم بدو احتیال میروند طهران بواسطه قشون روس استعمال نموده. گمان میکنم راست باشد که ۱۰۰۰۰۰ هزار نفر از آنها طرف ترکها رفته اند



بندگان ملاحظه ندارد . . . . . و امروز امر روز صبح بمن گفت که روسها یک یاد داشتی بدولت ایران فرستاده‌اند و در خواست ~~مکرته~~ آنند که دولت ایران ۱۵۰۰۰۰۰ نفر قشون بر ضد عثمانی حاضر نماید. در مقابل آن روسیه از طلب خود از ایران چشم پوشیده و مجدداً بایران پول قرض خواهد داد. من قطع دارم که کابینه حاله میترسد این پیشنهاد را قبول کند. سه روز قبل یکی از روزنامه‌های اینجا یک بیان نامه نشر کرده و در آن آشکارا ایرانیان را بدخول در جنگ بهمراهی عثمانی دعوت نموده بود.

تاونلی دیروز میگفت که دولت شما از اقدامات ایران فقط بدین ملاحظه مشوش است که دخول ایران در جنگ چه تأثیری در افغانستان خواهد بخشید و میگفت اگر ایران داخل جنگ شود احتمال قوی میرود که روسیه اوضاع را بحال خود گذشته و قشون خود را از ایران بیرون بکشد ولی بعد از جنگ روس و انگلیس هر دو حساب خود را با ایران تصفیه خواهند کرد. در صورتیکه افغانستان بشورد حکومت هند خیال دارد قشون خود را بجلگه‌های داخلی هند عقب بکشد و در آنجا منتظر شده و با افغانها مصاف نماید و بالاخره بعد از جنگ باافغانستان قشون کسی کرده و افغانها را تنیه کند. . . . . تاونلی میگفت که خوانین بخوبی باو قول داده‌اند در صورتیکه دولت ایران هم حکم نماید که آنها بر ضد انگلیس و روس بجنگند ایشان اطاعت نخواهند کرد. لکن تاونلی در این خصوص خیلی بدین است. من خیلی شک دارم که اگر واقعا یک وقتی جنگ سر بگیرد خوانین بتوانند ایلات خود را از دخول در جنگ ممانعت کنند.

با احترامات فائقه اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

شهران ۶۰ آوریل ۱۹۱۵ [۲۱ جنوری الأولى ۱۳۳۳]

. . . . . من میترسم این سیاست که ایرانیان را بگذارند آنچه میخواهند بکنند نتیجه‌اش آن بشود که بطریق معمول مشرق زمینها ایرانیان دوستی را ترس نداشته و کارها را بر ضرر روس و انگلیس در دست خود بگیرند. . . . .

ظهران ظاهراً آرام بنظر میآید لکن در باطن خیلی انقلاب و هیجان است. در تمام شهر کمیته‌ها تأسیس شده که بجهد میکنند هر طور هست ایران را بصرف عثمانی داخل جنگ نمایند. روزنامه‌جات ایران آشکارا و بی‌پرده دشمن روس هستند. مطالبات آنچه دلشان میخواهد میگویند.....

با احترامات فائقه اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

ظهران، ۱۴ آوریل ۱۹۱۵ | ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۳

..... رامسدن که جزو سفارت شماست بمن گفت در سفارت گمان میکنند که روسها سعی هستند یک ترس و وحشتی در میان مردم بپندازند برای آنکه قشون وارد کنند..... عقیده آلمانها اینجا این است که روسها خود آرام مانده ولی بکرها اجازه خواهند داد که غارت کنان و آدم کشان تا خود طهران پیش بیایند آنوقت روسها قشون خود را بظهران آورده و کار ایران را ختمه خواهند داد..... پول فراسوران پنج ماه است عقب افتاده و اداره پولیس هم ۱۰۰۰۰۰۰ تومان طلبکار است.....

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

ضمیمه: تاوانی و کوروستوونس تا آخرین دقیقه با یکدیگر ضدیت میکردند مگر اینکه در پیرون کردن سوئدیها با هم متحد بودند.

ظهران، ۳۱ مه ۱۹۱۵ | ۱۷ رجب ۱۳۳۳

..... بنظر میآید که کابینه حاضر است هر آنچه سفارتین پیشنهاد کنند انجام دهد.....

۱۰۵۰۰ نفر قزاق جنگ آزموده با توپخانه و اتوموبیل و چنانکه میگویند با دو اتوموبیل مسلح وارد قزوین شده‌اند. این دسته قشون

یکی قبل در میدان جنگ ورشو جنگیده اند. من دو شب قبل در سفارت شما بشام دعوت داشتم. بعد از شام نچرچیل گفت: «سوئدیها خواهند رفت و خیلی هم زود خواهند رفت. شما حوصله بکنید. عنقریب کار برای شما پیدا خواهد شد. دیشب فرمانفرما وزیر داخله پیرزایانس که یکی از معتبرین آزادانه و از دوستان من است گفته است که دولت ایران مصمم شده است سوئدیها را بیرون بکند لکن مجبور است که احتیاط و تأنی در این امر اقدام کنند چه حیثیات مردم بی اندازه باصرف سوئدیها متقابل است. . . . دیشب یک ایرانی بمن گفت صکه دولت ایران ظل الشاهان را برای حکومت فارس احتضار کرده است.

چنانکه در افراد مشهور است آنها خیال دارند باصفهیان عقب بنشینند و آنجا مستحکم نمایند (چطور!) و امید دارند که سوئدیها هم با آنها همراه شوند. میگویند که دولت ایران نیز اگر مطابق میل سفارتین رفتار نکرده در طهران نخواهد بماند بدانجا نقل مکان خواهد کرد.

هم مارلیک و هم آتر صکه به هر دوی آنها من خصوصیت زیاد دارم بمن گفتند که آنها آمده حاضراند و از تحریکات آنها مشوش نیستند. واضح است من بحرف هیچکدام از این دو اعتقاد ندارم. شخصا عقیده من این است که این دو نفر ز آن وقت که قشون روس بتروین وارد شده آرام شده اند و هر دو امید دارند که آنها بیک زد و خوردی شروع نمایند تا آنکه روسها آمده و بکاره آنها ایران را تصرف نمایند. در آنصورت دولت ایران بصفتیان انتقال خواهند کرد. من گمان میکنم آن خبری که در فوق من بدان اشاره کرده مناسقی. این احتیاط اخیر داشته باشد. من بهیچوجه تمسب نخواهم کرد مگر اوضاع این صورت را پیدا کرده باشد که دولت شما قبل الوقت تقسیم ایران و انتقال دادن دولت ایران را بصفهیان و خود بدست گرفتن نظارت کنی جنوب ایران بضمیمه اصفهیان (و شاید هم همدان و کرمانشاه) را تصدیق کرده باشد ولی چیزی که هست ممکن است دولت شما از روسیه خواهش کرده باشد که از انتقال مملکت دست نگه دارد تا اینکه یک هیجانی در شمال ایران پیدا آید. من تصور میکنم که با این اوضاع امروزه هرچه این مسئله زودتر

انجام بگیرد بهتر است. گویا هیچ امیدی نیست که یک لرد ~~سکرومری~~ بعرضه  
 ظهور پیدا شود تا این محاسبت از هم پاشیده را دوباره مرمت و  
 اصلاح نماید.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

زرگنده (شمیران)، ۸ ژوئیه ۱۹۱۵ [۲۵ شعبان ۱۳۳۳]

امروز صبح من با وزیر شما یک مذاکره طولانی داشتم. او بمن گفت که  
 هیچ چیز برای او خوشایندتر از این نیست که من دوباره بشیراز مراجعت  
 کنم و گفت ممکن است در ظرف دو هفته آتی حاکم فارس را مجبور باستعفا نماید.  
 بعد گفت عین الدوله حاضر است در این فقره همراهی کند لکن هر دفعه که  
 او در صدد میآید اقدامی نماید حاکم بوکلای فارس در مجلس متوسل شده آنها هم  
 دموکراتها را تحریک کرده و نایل میشوند که این کار را عقیم گردانند... مارلنک  
 بمن گفت تنها دلیلی که چرا او هنوز سوئدیها را حمایت میکند اینست که سوئدیها  
 با زیرکی خود میتوانند صاحب منصبان ایرانی را که تماماً آلمان دوست هستند  
 مواظبت و مراقبت کنند. بعلاوه گفت که ادوآل بکلی در دست آلمانهاست  
 و او یک «احق خیلی هولناکی» است. نیز گفت که ادوآل احکام خود را از  
 معین الوزاره میگیرد و درباره معین الوزاره گفت که او یکی از خطرناک ترین  
 مردم ایران است، دموکرات پرشور و دوست آلمانهاست. چندی پیش  
 وزیر شما بمن گفت که او و سفیر روس هر دو مصمم شدهاند که هر وقت برای  
 آنها ممکن سد کاری بکنند ~~که~~ معین الوزاره در دولت ایران از شغل خود  
 منصرف بشود... وزیر شما بمن گفت که دولت ایران هیچ نیداند که بزرگ اندازه  
 صرف یک خانگی با انگاس نزدیک شده است...

وزیر من و محرران هر دو بمن گفتند ما لایق قطع اقدامات گرفته‌ایم که من  
 دوره پیش ازین مرخص شدم. در این مرتبه نیست که وزیر شما اگر...

پیدا کنند نیت خوبی دارد. امید است شما عنقریب بیرون کردن حاکم موفق شوید.

با احترامات فائده

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرزبان

زرگنده، ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۵ [۱۴ رمضان ۱۳۳۳]

..... چنانکه میشنوم گویا در همین چند روزه کابینه تشکیل خواهد شد ولی هیچکس چیز قطعی در این خصوص نمیداند چه ایرانیهای معروف و مهم کابینه گویا میترسند که کاری در کابینه قبول کنند.....  
 طهران آرام است. برای قراسوران خیلی دشوار است که اصلاً دیگر بتوانند باقی باشند. برای تمام قراسورانی که اینجا هستند بیش از روزی صد الی سیصد تومان بول بدست نیاید (باستثنای روزهای جمعه و دو شنبه!!!). این یک عملیه کند تدریجی است ولی همبطور بتدریج آنها خفه خواهند شد.....

لوسکونت بن گفت ریمبو با تمام فوج خود و اسبها و غیره بطرف داردانل حرکت کرده است. باید او خیلی خوببخت باشد چه فوج او یکی از آن افواج قبیلی است که اسبهای خود را میتوانند بکار ببرند زیرا چنانکه مسبقاً هستی قسمت عمده سواره نظام در حندقها بکار برده شده اند.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرزبان

طهران، ۱۵ اوت ۱۹۱۵ [۳ سؤال ۱۳۳۳]

دیشب من نایب سفارت شما گزرا دیدم. عقیده او آن بود که بعد از تشکیل کابینه اولین تقاضای سفارت شما از دولت عزل فوری مخبر السلطنه خواهد بود و اگر کابینه این تقاضا را قبول نماید سفارت شما یک «میاهوی بزرگی» بدین باب خواهد کرد.....



گر دیشب بمن گفت که ما بیشتر مایل هستیم که «قراسوران را در عمل قوم لوط بینیم» تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم . . .

بعد از سقوط ورشو روزنامه‌های ایران خیلی جسور شده‌اند. آنها آشکارا میگویند که باید تمام قراسوران را در طهران جمع کرد تا آنکه قوای روس اگر از قزوین بطرف طهران حرکت کنند در مقابل آنها مقاومت بورزند . . . بدلائلی که در دست است گمان میکنم که دستگاه گرفتن تلگراف بی‌سیم آلمان در خارج اصفهان هنوز در کمال خوبی کار میکند . . . گر میگوید اگر یک کابینه تشکیل شود که طرف رضایت نباشد سفارت شما و سفارت روس آنرا در ظرف یک هفته برخواهند انداخت . . . سفارت شما عین الدوله و فرمانفرمارا میخواهد و روسها میل دارند سعد الدوله رئیس الوزرا شود . . . نیو مدیر تلگرافات ایران محرمانه بمن گفت که دلیل آنکه چرا در چند روز قبل ۲۰۰۰۰ نفر از قشون روس هشت فرسخ از قزوین بطرف طهران حرکت کرده‌اند آن بود که در تشکیل کابینه اقبامی شده بود که چندان رضایت بخش نبود و حرکت این قشون یک نوع تهدیدی بود و اولیای بزرگ دولت ایران هم همین طور فهمیدند. حرکت قشون طهران را کم و بیش در وحشت انداخت . . .

من دیشب بکر گفتم که خیلی بدگمانم از مذاکراتی که چرجیل با ایرانیها در خصوص بیرون کردن حاکم فارس نموده است. گر گفتم من میدانم که چرجیل رنخه گرفته است. من پیشنهاد کردم که سفارت شما در اقدامات آتی خود برای عزل مخبر التوائسه خوب است یک نفر اروپائی دیگر را غیر از چرجیل برای انجام این امر بفرستد. نیز من بکر گفتم که چرجیل مکرر نسبت بشما اظهار کراهت و بیلی کرده است و بعلاوه وی یک نوع تمایلی دارد باینکه اعمال حاکم فارس را همیشه حل بصحت نماید.

امروز آن رایورتی را که من از کارهای خود در فارس در ۲ صحیفه نوشته‌ام برای کر میفرستم تا او حاکم آنجا را قدری بهتر بشناسد. در این رایورت آنچه بدو گفتم آمده گفته‌ام و چیزی فروگذار نکرده‌ام.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

رنگنده، ۲۳ اوت ۱۹۱۵ [۱۲ شوال ۱۳۳۴]

دیشب من کتارا ملاقات کردم او گفت رئیس الوردا قبول کرده است که حاکمرا معرول نماید. حالا باید دید آیا رئیس الوردا بوعده خود وفا خواهد کرد یا آنکه او بآندرحه اقتدار دارد که این کار را نکند. کتر میگفت آنها میبندند که فرماهرما محکومت فارس «مرد سود و او خودس هم خیلی مایل است رود. من با فرماهرما خصوصیت زیادی دارم.

اوضاع طهران در این چند روز اجیر بدتر شده است. در مساجد مجامع بزرگ منعقد میشود و مردمرا مقاومت مسلح در مقابل روسها دعوت میکند. حتی از مردمان عوعا طلب در مقابل عمارت مجلس فریاد میکند که ایرانیان روس دوست وایند کشت.

دستگاه گرفتن تلگراف بیسیم آلمانی هنوز در شولکستان نزدیک اصفهان کار میکند. در این خصوص من اطلاعات صحیحه دارم.

احلاص کاس سما

ح. ن. مرید

کاعد سر والانتین چیرول نفوسول انگلیس در شیراز مائور اوکور تاریخ  
 ۱۰ تویه ۱۹۱۵ [ ۲۴ ربيع الاول ۱۳۳۲ ]

رکسی پادشاهی « پورث بروک »

خلیج ورس

ارده ۲ مراسمای هند ۹ تویه ۱۹۱۵

اوکور عسیر من

امروز برحت از یک مسافتی بسیار حد خطوط کتابها را در بالای نوشهر  
 بدیده و فکر شمارا میگردم که مدیخته تنها و مایوس در حایه خود بسته و هیچ  
 کاری ندارید حر ایسه که امودرا بحریان خود گذاشته تاشا نکید و منظر ناشید  
 که آرماکدون [رت الودع حگ] مقدرات فارس و ایران را معاً با مقدرات  
 بسیاری از ممالک هوی تر از آنرا تعیین کند. این موقع عسیری است از  
 دگی ولو اینکه شخص پیش از یک تماسی هم باشد، ولی انسان نمیتواند متأسف  
 رسد از ایسه که یک اشتراک عملی تر و مهمتری در این تماسگاه شایع ندارد.  
 ته برای من که در این چند سال گذشته در خلیج فارس سیاحتهای متعدد  
 کرده ام این سفر بسیار دلچسب و نا فایده است اگرچه بالنسبه اهمیت فرعیته را  
 حائر است. من فراموس کرده ام که دفعه گذشته کی بسا کاعد نوشتم (گویا در فصل  
 ایز بود) ولی هر وقت که بوده من هیچ گمان نمیکردم که دوباره باین رودیها  
 در این آبهائی که ایقدر نا آها آسا هستم تا یک باب الساطنه دیگری سفر کنم  
 رای آنکه آن سیاستی را که بدو آ کرر در ۱۱ سال قبل که من نا او در این  
 مسجات بودم بیک شکل قطعی منقحی تجدید نمودم که قدم بیستر نظرف همد  
 ردیکر نمائیم. ولی هر قدم تازه حقدر تولید مشکلات میباشد، ما تا کتی  
 ورس « تا قرنه رویم و از مواقع مستحکمه نشن خود اردوی عنانی را از  
 نور در کنار افق مشاهده کردیم. بلاشک آهارا عنقریب از آنجا بروون خواهیم  
 کرد. اگرچه طبعان آب در کار است که عملیات را برای هر دو طرف مشکل

سازد ولی بالاخره ما کنی خواهیم ایستاد؛ باز مجدداً مسئله ایران است که پیش  
 میاید چه بر فرض هم ما مابا، باشیم که در ... (۱) بایستیم چطور ممکن است  
 که یک قوه دائمی آنطرف خطوط خود برقرار کنیم که تا اندازه بتوانند  
 قانون و نظام را اینجا نگاهداری کنند؛

بزرگان امروز قایده ندانند که ما دورتر از اینکه نزدیک را در نظر  
 بگیریم، و ما حق داریم که خود را بواسطه فریاندگی خوب و تشکیلات  
 منظم و بخت خوش بدون عساکر عرب نبریم بگوئیم که بکلی بر عکس  
 قسود افرینای سرفی که بعد آن همه خدمات و اعطیات شدند رفتار کردند  
 من گمان میکنم که اشکالات ما بواسطه برخاستن در زمان شدت گرو  
 و بواسطه اداره کردن امور که بر روی درخاز آن خواهیم گشت شروع خوانند  
 شد، و اگرچه عساکر عرب بر سبک از متعانات و توابع هند مید بشرد لکن  
 بهتبه من یک خط استثنای خوانند بود اگر ما همان قوانین و ترتیبات دیو  
 (نور کرامی) هند و سایر را در اینجا اجرا نمائیم، فی الحقیقه نکته مهم هست که  
 موافق منافع نیست و آن این است که خارج فارس دیگر از آن اهمیت خرد  
 خواهد افتاد زیرا اغلب مسائل که بآن مربوط است خود بخود حل خواهد  
 شد، و قطعاً شمال خواهد بود که قسمت جنوبی ایران و آنکه در آنطرف خطوط  
 سواحل مانند یک شاخه و یک امتدادی از عراق عرب محسوب شود ...

ارادت کیش شما

امضا: والانتین پیروول

(۱) اینجا کلمه است که تفسیر خوانند شاید مقصود بغداد باشد.

کاغذ معاون وزارت خارجه انگلیس شعبه هند مستر ا. ه. کرات پترسول  
انگلیس در شیراز ماروز اوکوتز بتاريخ ۷ دسامبر ۱۹۱۰ [ ۱۹ محرم ۱۳۳۲ ]  
دهر کاشند :

اداره سیاسی و خارجی  
هند

د ۷ - ۱۲ - ۱۵

شماره

اوکوتز عزیز من

از طرف سرکار و از تبریکاتی که برای تعیین من بنده استکانت وزارت  
خارجه کرده اید خیلی متشکرم. تعیین من باین مقام در زمانی خیلی سخت ولی  
موقرین اندازه میده واقع شده و -- تطیع نظر از بعضی مسائل راجع بتنافع مادی -  
دب مشاب خواهد شد که دوباره بدرجه دوم برگردم.  
خیل بابت خرتوقتی است که اخیراً کمیده اوضاع شیراز و فارس بالنسبه ادنیات  
بیش برده است و در این باب بیشتر از همه از اقدامات و نفوذ شخصی سرکار  
بید متشکر بود. ما امروزه خیلی کارها داریم که همه اوقات ما را گرفته است -  
و اوضاع زگوار ایران در این موقع که داخل شدن عثمانی بچنگ در سایر تمبریکات  
ناصح بد ممکن است ز ثبات ما را زیاد کند یک بازگرانی خواهد شد. در خصوص  
تعیین مأمورین شیراز من هم بکلی باشما موافقت دارم که باید در تحت اداره  
حکومت هند آورده شود - ولی من گمان میکنم که در جدا شدن آن بکلی از  
پوشهر بعضی محذورات باشد. بعضی منافع بسیار مهم هست که نظر من آنگاه  
تنتوان مصون نگاه داشت مگر اینکه قونسول شیراز در کارهای خود رو به  
مستقیم با نماینده انگلیس در پوشهر داشته باشند. در هر حال این مسئله هنوز  
فیصل نیانده و شکل قطعی نگرفته است. هر وقت این مسئله در باره مطرح شد  
یقین داشته باشید که نظریات شما که در «دوسیه» است کاملاً ملحظه خواننده شد.  
اما راجع بتعیین یک نایب قونسول از حالا نمیتوان فهمید که چه بستران  
کرده. ولی اگر بتوانید اهمیات زیادی باین مسئله بدهید هیچ ضرر ندارد که در

آن باب تأکید، کبید و مطرح سارید. ولی دوایر مالیه ایروورها حواششان در  
عقال این همه محارج ریاد و این همه تلفات راه آهن و سایر عایدات که بواسطه  
حکایت پیش آمده است قدری پریشان است. تصرف نصوره حلی امید بخش  
است و عموم در خارج فارس باید اثرات خوب حسند. اما مسئله حل و رفتن  
س از این حدود مشکلات تصادف مکن.

در هند اوضاع نسبتاً آرام است هر چند که حساسات مسلمانها حلی در حوس  
است و سحرها و سورس طلبان در هیجان هستند. سرحد نسبتاً آرام است هر چند  
که در توحی نگ اعنسانی ظهور رسد. اگر امیر بتواند افعالشان را رو به  
رفت آرام نگاه دارد همه کارها درست خواهد شد. امیر آنچه از دستش برآید  
مکند ولی باید لایق جمع یا بعضی اشخاص متمصب و حرارت و همحین یا تحریکات  
عمای نمکند. سهر دهی در این اتمام حلی و سعادت و ما در حوالی آن مقدار  
کافی شکار مکنیم.

من هم تا ما در این مسئله موافقت دارم که یک ملاقات شخصی تشویه کارها  
ممکن میتواند مکن. ولی سحر من حرکت ما حلی سحت است و عیدام ما  
حضور در این موقع میتواند از آنجا بیرون بیاید. تا وجود این امیدوارم که  
هر ترمیمی باشد عقرب یک مجلس ملاقاتی عمل بیاید.

تمیبات حاله‌انه مرا قبول فرمائید.

احلاص کیش ما

ه. گرات

ناد داشت وکیل نایوز انگلیس در بوشهر کاپیتان ل. پیرد وود معاون امور  
خارجة حکومت هند مورخة ۵ اکتوبر ۱۹۱۳ [ ۴ دی القعدة ۱۳۳۱ ]  
ملاوة دو صمیمه : ۱ - نوشته نایوز بوشهر سیر ب. کوکس سر ادوارد گری -  
۲ یاد داشت مستشار تجارتی نایورگری بوشهر ۵. سی. جبک .

مهر :

نایورگری انگلیس

واردہ

نمره

تاریخ ۳۰ اکتوبر ۱۹۱۳

خلیج فارس

نمره ۳۰۴۸ مورخة بوشهر ۵ (وصون ۱۳) اکتوبر ۱۹۱۳

ار - کاپتان ل. پیردوود، ی. ا. ناپ اول نایور (در عاب نایور) -

۵ - معاون امور خارجة حکومت هند.

راجع نکات - اس اداره نمره ۳۵۳ مورخة ۱۱ فورہ ۱۹۱۳ تا یک اکتوبر

ترای اصلاح حکومت هند اما سواد یک تلگرافی را که سر تری کوکس بود

دولت پادشاهی فرستاده و در حسیه اس بعضی نام داشتها بوسته شده تصمیمه یک

یاد داشت مستشار تجارتی این نایورگری تقدیم مکتم . این یاد داشت راجع

است نکاتی سودن لوازم حیوانات هلث تجارت انگلیس در راه بوشهر واصفها

و عقید بودن احصائات قصی تر در تجارت کاروان از حیث داخله در

طریق عمدة قاهه رو .

صمیمه نمره ۱

نمره ۱۵ نمری . بوشهر مورخة ۲۱ - ۱۵۱۴

ار - لوتنان کولونل سیر تری کوکس . ک. سی. سی. ی. سی. ی. ا. نایور

سایسی در خلیج فارس و قونسول ژنرال دولت پادشاهی در فارس است .







از ابتدای ماه ژوئن ۱۹۱۳ بمسند در راه مابین نوشهر و شیراز و مابین  
شیراز و اصفهان کاروانها همیشه در رفت و آمد بوده‌اند.

در خط احوار - اصفهان در عرض سال ۱۹۱۳ از طرف کوه‌کلوینها  
هیچ عارتی سر رده است. و از روریکه سردار جنگ مصمم شد که در  
ایلیجابگری خود باقی ماند تا وجود کافی بودن حیوانات بارکش با کلیت تجارت  
و رفت و آمد رویهمرفته خیلی خوب بوده است.

در چته دوم سال ۱۹۱۲ کرایه فوق العاده گراف حمل و نقل از حلیج  
مقاط مرکزی ایران همان اندازه امی و چاول راهها بلکه بیشتر از آن  
تجارت سکنه وارد آورده بود. آموقتها کرایه حمل و نقل برای هر صد  
من نوشهری از نوشهر شیراز به ۴۵۰ قران رسیده بود، و برای هر صد  
من شیرازی از شیراز اصفهان به ۳۵۰ و حتی به ۴۵۰ قران.

از پرتو قراردادی که راجع کرایه قاطر در ماه نوامبر گذشته داده شد و  
همه تجارت نوشهر را قبول کردند و از طرف دیگر بر بوساطه تسکیل یک  
اداره مافلات از طرف حکومت محلی برای توجیح قاطر و الایع بطور تناسب  
مابین تجارت (و این گانه وسیله بود برای محافظت قرارداد راجع کرایه قاطر)  
کار تجارت رو نگشایش گذارد و کرایه قاطر از ۴۴۰ قران برای هر صد  
من نوشهری به ۳۰۰ قران پائین آمد. بوسله این دو فقره تجارت  
توانسته‌اند که احرت کرایه را بیک میزان نگاه دارند بلکه تدریجاً بین تر هم  
بیاورند

از نقطه نظر امنیت راهها و تحمیل احرت کرایه فعلاً ترتیبات بطوری  
است که عرض شد. و اگرچه باید در نظر گرفت که ممکن است در فصل نایب  
معی اعتشاشها و خصوصتها سر برد ولی بار اوساع حاصره رویهمرفته خوب  
و برای دوباره دست و پا تجارت اصفهان از راه حلیج فارس و شکست  
دادن تجارت روس خیلی مساعد است.

وقتی که با هم ما پیش مقایسه کنیم می‌بینیم که مقدار واردات مال التجاره  
ایالت اصفهان از راه حلیج عمراکب تدریج یافته است. و ایسکه تجارت انگلیس با  
وسایل مساعده بواسطه اس تجارت روس را از اسباط طرف جنوب مانع

شود علت آن فقط کمبانی حیوانات نازکش است مابین نوشهر و اصفهان و مابین  
اهوار و اصفهان

اگر دولت پادشاهی این نکته را قبول کند که مقاومت کمی که تجارت ما از  
حیوان در مقابل اسباب تجارت روس ظهور آورده عمده تقصیر آن راجع  
نکته بودن حیوانات نازکش است آوقت این ملاحظاتی که در فوق ذکر شد  
متواند برای اصلاحات لازمه اساس گرفته شود

در صورتیکه خط آهن محقره - در فول - حرم آباد چنانکه  
امیدواریم از حالا تا سه سال دیگر شروع تکمیل شدن گذارد حلی مناسب  
است که به صورت یک قراری در خصوص خط دیگر که از دریا شروع خواهد  
شد داده شود. کاپیتان ویلسون و این نگارنده در راجع راه آهن  
که در سال ۱۹۱۲ فرستاده ایم هر دو از نقطه نظر مختلف تأکید کرده ایم که  
اساساً حکومت بریتانیای کبیر باید تجارت اصفهان را پیش از اداره اخصب داده  
و در نظر نگردد. احصائات تازه که از آتوق تا کمون ترتیب داده شده بحیث  
نشان میدهد که احزاب حمل و نقل مابین نوشهر و سیراز فوق العاده زیاد  
است و ما را در این فکر دخیق میسازد که اگر یک راه آهن میان این دو  
شهر ساخته شود رودی بخارج خود را در خواهد آورد. این هجوم تجارت  
روس باصفهان و فشار آن بطرف جنوب ما را ملزم میکند که خط راه آهن از  
ساحل باشرار را بدون فوت وقت شروع بسازیم.

تأثیری در میان تجار ایضا در خصوص تأسیس یک کمبانی اتوموبیل را  
مابین نوشهر و دامنه کتلهها و مابین سیراز و دشت آزران بعضی مداخلات  
شده است. اگر این اقدام انجام گیرد از ده مرل که حالا با حیوانات حمل  
میکند سه مرل کاسته خواهد شد و عملاً کار حمل و نقل را بداحته تمام  
سریعتر خواهد گردانید. ذکر بوزن مأمور تجارتی آمان قابل بودن راه  
اصفهان - سرار را برای استعمال اتوموبیل اسات کرده است و آتوق  
مسافت بین این دو نقطه در عرض سه روز طی خواهد شد.

بدین ماست نکات دل را باید تدکار کرد.

۱ - در سال ۱۹۰۶ سه رت آمان در طهران از سفارت دولت پادشاهی  
استفسار کرد که آیا در راه از اجنه‌ها تا به شهر حقوقی می توان  
در دست انگلیسها هست یا نه ، و مقصود سفارت آمان این بوده که  
حکومت خود بفهماند که این مسئله میتواند مقایسه برای تسلیت آلمان  
در ایران شده .

۲ - در ۲۲ ژوئن ۱۹۰۶ که امتنازی برای قنار و بار (۱) تهریا در  
تمام راههای عراق از ایران حقیقی از رحال ایران داده شد . در  
مان صاحبان امتیاز صدر اعظم حاشه حضرت والا عن الذم و  
حضرت والا فرمائید و سرمدار و معین النجار هم بودند .

در آن امارت مقرر بود که صاحبان امتناز در طرف مسدود دو سه که  
استدای آن از ۲۲ ژوئن ۱۹۰۶ است ابتدا باید ده قطار در ایران راه  
دارند . و تا که ل از استدای هان تریج ناند روح نکا سود و در  
آخر هفت ل هفت اه ای بدکور باید عراق رو ساخته شود و الا آن راهها  
از دایره تسدوما کو خارج خواهد شد . در راه در هر کار باید در  
صرف یک سال مبروع و نامنت مسج سال از درخ جمله امتناز تا تمام رسد .  
صاهر برای درمیا انسانی همیشه ممکن است که بشود . رارم این در  
ساری را در اهم سارد و برای تبعه انگلیس همیشه امکان دارد که در یک  
قدم ایران سرگت کند ، عیبه مثل آنکه در که اعدان و تریس اصنهان برای  
برگردن قصب - ی رود کارون گسسته اند ممکن است به وقت در سده  
در لثت سر خود داشته شد . ساحه ک راه اتو و ول رز مایه بود هر  
و در یک کار آسان است اگر سواند راه آهن کند الء در آن باید  
ردی راه ن بررگ سودم را که در شب بوسهر وقوع است بگذرد . و  
نصورت مجرح آلات و ایه اب و واگر و ارگوه و تریها خارج از سینه  
سرمایه هن عراق ایران تا اعیان و معتبرین طهران خواهد شد .

۱ - قهرمانی است سرگت از حد ا ره و ل که در دهی جاک بدون آن راه

البته برای ساختن خط راه آهن از بوشهر بداخل ممکنت نباید اشکال تراشی کرد. من فقط وسائلی را که میتواند مسائل حمل و نقل را از جنوب بمکران اصلاح و تسهیل نماید بترتیب اهمیت نسبی آنها در اینجا ذکر مینمایم. از اینقرار:

۱ - خط راه آهن مابین بوشهر و شیراز.  
 ۲ - خط اتوموبیل راهی مابین بوشهر - دالکی و مابین دشت ارژن - شیراز و مابین شیراز - اصفهان.

۳ - بندر لازمه برای تهیه نمودن مقدار کمی و منظم از قاطر و الاغ.

واردات خای بازران. بعد از ترک التجاره بنه و قند مهمترین واردات ایران خای است. مقدار خای که از راه روسیه بحال ایران وارد میشود معادل بود ۹۴۰ تون.

در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ مقدار واردات خای از راه روسیه معادل بود به ۲۲۱۶ تون.

در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ مقدار واردات خای از راه خلیج معادل بود به ۸۲۸ تون.

بدیهی است که مقدار عمده خای که از راه روسیه وارد و دره دفاتر گمرک ایران باسم واردات روسیه ثبت شده عبارت است از خای هند (کلکته) که از راه دریا باطوم و از آنجا بایران رسیده است. ارنشاع راههای جنوب یگانه سبب ترقی واردات خای از راه روسیه و تنزل آن از راه خلیج فارس نیست.

چه از طرف دیگر دیده میشود که اجرت کرایه از راه دریا بقرار ذیل است:

از کلکته تا بوشهر برای هر تون ۵۰ قدم مکعب ۳۵ روپیه

از کلکته تا بغداد (برای واردات گیمانشاد) برای

هر یک تون ۵۰ قدم مکعب ..... ۲۵ «

از کلکته تا بمبی هر یک گبروانکه ۹ پی تقریباً -

که میشود برای هر تون ۴۰ قدم مکعب ..... ۲۳ «

از بمبی تا بوشهر برای هر چندوق  $\frac{۱}{۴}$  - ۲ روپیه =  $\frac{۱}{۴}$  - ۱۴ «

که میشود برای هر تون ۴۰ قدم مکعب .....  $\frac{۱}{۴}$  - ۴۷ روپیه

در صورتیکه اجرت کرایه توسط کشتیهای کمپانی «لوید» اطریشی که مرکز آن در تریست است از کلکته تا طوم هر تون فقط ۳۱ روپیه است، و توسط کمپانی فرانسوی «مسائری» که مرکزهای آن در کولومبو و مازسیل است از کلکته تا طوم هر تون ۲۸ روپیه است (ولی این خط فرانسوی کمتر معمول است چه نقل و تحویل بارها از کشتی نکشتی در کولومبو در وسط دریا محارج زیاد برای کمپانی میدهد).

از طرف دیگر اجرت کرایه توسط کمپانی کشتی رانی «بی آند ایز» و توسط کمپانی کشتی رانی «سیتی لاین آند کمرس» از کلکته تا طوم ۴ روپیه است، چنانکه اجرت کرایه از پورت سعید تا طوم توسط کشتیهای روسی (چه کشتیهای انگلیسی مستقیماً سمر میسند) هر حلی گران است.

حکومت هند واردات چای در حلیح فارس اهمیتی را که لازم بوده نداده است. حیلی مایه تأسف است که در اداره وزارت خارجه در کاعده ۳۱۷ - آ. مورخه ۱۸ فوریه خوانده میشود که تجارت چای هند با ایران سالمی و خوبی از نقطه نظر سیاسی چندان اهمیت ندارد. ولی اگر حکومت هند مال است که توسعه تجارت روس و همچنین خود آندولف در اصفهان شکست بخورد باید دو طریق از آن جلوگیری کند و بدامها اهمیت زیاد ندهد مخصوص در باب تجارت چای. یکی آنکه حقوق گمرکی واردات چای ایران تخفیف داده شود، دیگر آنکه اقدامات بعمل آورده و کمپانی انگلیسی «ایسدا استیم دوینگین» و سایر کمپانیها فهمانده شود که گران اجرت کرایه تا بعد و نوسه نسبت کرایه از کلکته تا ناصوم تا چه درجه منافع سیاسی ما سکنه و رد مآورد.

کلمه اوصاف تجارت انگلیس در خوب و مرکز ایران.

ظاهراً قبل از هر گوی، تدبیری برای سکت دادن خود تجارت روس که تدفق عمیق در اوصاف تجارتخانههای انگلیس در خوب و مرکز ایران از ازم لوازم است. عموم معتوان قول کرد که تا چه اندازه تجارتخانههای انگلیس با عمال اروپائی در ایران کم است و حقدر اینها و اساس و میان تری

و در عملیات خود بی نهایت مجامله کار و در داد و ستد خود بسیار محدود  
 هستند، و در این باب بوزارت تجارت تاکنون از طرف چندین نفر از این  
 تجار احتیاطات تهدید آمیز رعیده که میخواهند نکلی از تجارت ایران دست  
 بکشند. این تجارتخانهها از قرار ذیل است:

کمانی «گری بول» و سرگاه که با داخله ایران هیچ معامله نمیکند، گاهی  
 مقدار کمی قند میبروسند، بکار صادرات ادا دست میبرسد (مگر گاهی حیوانات)،  
 و کار آنها منحصر است براه انداختن چهارات.

کمانی «ریگلر» و سرگاه که قند بلریک در بوسهر میروشند (ولی آرا  
 داخله مملکت میبرستند)، و اتمه متصرفه منچستر و هلابدرا در اصفهان و  
 سرار خرده فروسی میکنند، و گاهی هم مس و نادرآ بر شمع میبروشند.  
 هیچ صادرات ندارند (مگر نادرآ حیوانات).

کمانی «دیگسون» و سرگاه. فقط خرده فروسی میکنند. و قند که فصل  
 مناسب باشد حیوانات بخرارج میبرستند.

کمانی نیتند «لیویگستون و ریتون» و سرگاه. واردات خرده فروسی  
 بشیراز (مقدار نلیل) و کمی مال حراری. صمغ و قالی و تریاک بخارج  
 میبرسند.

«لسخ» و رادرا در محقره و اهواری. عدد.

کمانی «استرکا و اسکوت» و سرگاه در محقره. واردات از هر قدر  
 مقدار قلیل. و قند که فصل موافق باشد حیوانات بخارج میبرستند.

فقط خرده فروسی میکنند و عمال ایرانی دارند	}	کمانی «د. ا. سوچی» و سرگاه
		کمانی «هولیس و وور و هوچی» و سرگاه «آ. و ت. ج. ملکم». شمع.

صورت فوق یک تصور احتمالی از اداره داد و ستد و عده تجارتخانههای  
 انگلیسی که نمایندگانی مخصوص در حوب ایران از سدر عانس تا اهواری و  
 اصفهان دارند دست میدهد.

در نتیجه باید ملاحظه کرد که تجارت ایرانی که یا مسدوماً با تجارتخانههای  
 انگلیس طرفه یا اینکه خود نمایندگانی مخصوص هستند از طرف تجارتخانههای

اگرین در انگلستان یا در هند مانده بقدر مهمتر و معتبرتر میباشد بطوریکه  
متوان گفت تمام فارگانهای تجارت ما در دست ایرانیان است.

کارها آنطوری که باید باشد نیست. تجارتخانههای ادالسی باید در ایران  
کارهای محلی مسویتر و مختلطتر در دست بگیرند. نمایندگیهای مخصوص بایحان  
غریب. امروزه اگر اجرای فوسوگری بخواهند بعضی تحریرات تجارت  
تمامند با بعضی مانده تجارتخانهها را فقط بدون ایران وارد کنند با ناره محصولات  
تیره را بخارج بفرستند محسوسند که بازمانده با بجزایر ایرانی رجوع نمایند. بعضی  
از سال عمده برای عقب افتادگی تجارتخانههای اینس در ایران این است  
که بندگان آن تجارتخانه و لاتسیون و محسوس در بلاد گریس و فارس  
و در احاطه با سالی نمی آید. بی اداره ندارد اداره خود را رها کرده  
بحوالی سیاحت تمامند و برای خود رستگاهی نزنه از کار مذاکرات. مال این  
نمایندهها که از انگلستان فرستاده شده اند اثبات حوال و بی خبره هستند.

ولی بزرگترین احتیاجت ما این است که یک تصمیم حادی گرفته شود که  
تجارت ما بیس از حال حاضر و بس و ثبوت نماند و از طرف همه شمار ما  
بیش از پیش کوشش و فعالیت در خصوص صادرات ایران بعمل آید.

ه. ح. حکا

مسار سرت

مکتوب محرمانه حکومت هند بمارکیر اف کرنو مورخه ۲۲ رابویه ۱۹۱۴

۲۴ صفر ۱۳۳۲ هـ

محرمانه

از سرت حکومت هند بمارکیر اف کرنو

دهلی ۲۲ رابویه ۱۹۱۴

لرد محترم

راجع بتاگراف حصرتمالی مورخه ۱۲ نوامبر ۱۹۱۳ اشعار داریم که  
ملاحظت دلی را در خصوص رقابت تباری روس در حوض ایران آنطور که





و با استصواب جاهلی برای تهیه مصارف آن یعنی از قرار سالی یکصد لیره  
 که ستر چیک در یادداشت خود برای این کار پیشنهاد کرده است هم حاضریم.  
 ۵ - ما وسائل دیگر را حاکم برای ترقی دادن تجارت هند ما بین شیراز  
 و اصفهان گاه پیشتراد شده اند تمام را در نظر گرفته و خوب سنجیده ایم و قبیل  
 مساعدت دولتی بنجار، و امکان اینکه شرکت کشتی رانی انگلیس و هند (بریتیش  
 ایندیا استیم ناویگیشن) و سایر شرکت های کشتی رانی را وادار کنیم که اجرت کرایه  
 جای هند را بایران کمتر کنند، و تأسیس یک دستگاه انوموبیل رانی در راه مذکور،  
 لکن عجله ما هیچکدام از این وسائل را نمیتوانیم تقویت کنیم و برعهده بپذیریم.  
 ۶ در خصوص نقشه اتوموبیل رانی بین طهران و شیراز که سیر پ. کوکس  
 بدان اشاره میکند ما متظربیم که ولی پادشاهی انگلیس اگر احتمال داشته باشد  
 که این نقشه صورت خارجی پیدا کند آنچه در قوه دارد بعمل آورد که آنرا  
 ماطل نماید یا اقلأ جذب و جهد نماید برای بدست آوردن امتثال این نقشه با  
 امتیازاتی دیگر از این قبیل که منافع ما در آن ملحوظ باشد.

۷ - روز بروز واضح تر میشود بخصوص بعد از تالان روسیه در ساختن  
 راه آهن از طرف سجان که فقط وسیله که بموسط آن بتوان تجارت انگلیس را  
 در ایران محافظت کرد و ترقی داد همان است که انگلیس هم یک راه آهنی از  
 ساحل جنوبی ایران بداخله ایران بکشد.

ما گمان میکنیم که در این رشته است که باید ما همه مساعی خودمان را بکار  
 بیندازیم و آنرا نصب العین همت خود قرار دهیم، ولی عجله و فعلاً وسائل  
 موقتی فرعی مذکور که ما یادآوری کردیم اگر بمرور اجرا گذارده شود خیلی  
 مفید خواهد بود.

ارادتمندان

هاردینگ اف نادرست

او. م. کریگ

س. آ. ایام

و. ه. کلارک

ر. ه. کراووک

و. س. بایر

تلگراف قونسول انگلیس در شیراز بسفیر انگلیس در طهران بتاريخ  
۱۲ فوریه ۱۹۱۴ [۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۲].

سواد تلگراف قونسول دولت پادشاهی در شیراز بسفیر دولت پادشاهی در  
طهران (تکرار شده بنامیده سیاسی انگلیس در خلیج) نمرة ۲۰ مورخه  
۱۲ فوریه ۱۹۱۴ که همان روز هم رسیده است

اخیره در اینجا میان تجار ایرانی بعضی مذاکرات برای تشکیل یک کمائی  
بجهت ساختن راه آهن مابین شیراز و بوشهر بمیان آمده است . همه نوع دلیلی  
در دست هست که این نقشه را قونسول آلمان در تابستان اخیر در مدت توقف  
خود در اینجا کشیده است . اصل خیال این بود که این شرکت یک شرکت  
ایرانی باشد لکن یک مقدار هنگفتی از سرمایه بایستی در آلمان بدست آید . من  
نصورت نمکنم که این نقشه بجائی برسد لکن در هر حال این مسئله قابل آن  
است که بدقت در نظر گرفته شود .

نصّ معاهده انگلیس و روس در سنه ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) در باب ایران  
(ترجمه از انگلیسی).

معاهده مابین مملکت متحده [انگلستان] و روسیه راجع بایران و افغانستان و تبت،  
امضا شده است در پترزبورغ ۳۱ اوت ۱۹۰۷، بصحبه رسیده است  
۲۳ سپتامبر ۱۹۰۷

#### معاهده

اعلیحضرت پادشاه مملکت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات  
انگلیسی در ماوراء بحار و امپراطور هندوستان، و اعلیحضرت امپراطور کل  
روسیه، چون مایل و راغب شدند که بعضی مسائل مختلفه راجع بمنافع ممالک  
خود را در قطعه آسیا از روی صدق و صفا با تراضی طرفین تصفیه نمایند مصمم  
گشتند که قراردادهائی ببندند برای جلوگیری از هرگونه اسباب سوء تفاهم مابین  
بریتانیای کبیر و روسیه راجع بمسائل مزبوره، و برای انجام این مقصد وزرای  
مختار خود را معین کردند از قرار ذیل:

از جانب اعلیحضرت پادشاه مملکت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند و  
مستملکات انگلیسی در ماوراء بحار و امپراطور هندوستان: جناب اجل سیر  
آرتور نیکولسون سقیر کبیر اعلیحضرت پادشاهی و مأمور فوق العاده و دارای  
وکالت تامه در دربار اعلیحضرت امپراطور کل روسیه،

از جانب امپراطور کل روسیه: الکساندر ایزوولسکی رئیس  
دربار و وزیر امور خارجه،

نمایندگان مذکور پس از ارائه وکالت نامه‌های خود بیکدیگر و رسیدگی  
بصحت و اعتبار آنها متفق شدند در فقرات ذیل:

#### قرارداد راجع بایران

از آنجا که دولتین بریتانیای کبیر و روسیه هر دو متحد شده‌اند که مصونیت  
و استقلال ایران را رعایت کنند و از روی صدق مایلند که هم نظم و امنیت را

در اکناف آن مملکت و ترقی صلح آمیز آرا نگاهداری نمایند و هم حقوق  
 متساویه برای تجارت و صنایع ملل دیگر بطور دائمی برقرار کنند،  
 و نظر بآنکه هر کدام از این دو دولت بواسطه اسباب جغرافیائی و  
 جهات اقتصادی یک علاقه مخصوصی در نگاهداری صلح و امنیت در بعضی  
 ولایات متصله یا مجاوره بسرحدات روس از یکطرف و سرحدات افغانستان و  
 بلوچستان از طرف دیگر دارند، و هم مایلند که هر گونه اسباب تعارض  
 فیما بین منافع دولین را در ایالات سابق الذکر ایران برطرف نمایند،

در مواد ذیل متفق شدند:

۱ - دولت انگلیس تعهد میکند که در ماوراء خطی که از قصر شیرین  
 شروع شده و از اصفهان و یزد و کاخک گذشته و در یک نقطه در سرحد  
 ایران در محل تلاقی سرحدات روس و افغان منتهی میشود در پی تحصیل هیچ  
 نوع امتیاز سیاسی یا تجارتنی - از قبیل امتیازات راه آهن، بانک، تلگراف،  
 راهها، مناقلات، بیمه و غیره - برای خود بر نیامده و در حق اتباع انگلیس  
 یا اتباع دولت ثالثی هم در تحصیل این نوع امتیازات تهنیت نکند، و همچنین  
 نه مستقیماً و نه غیر مستقیم بتقاضاهائی که در منطقه مزبوره برای این قبیل  
 امتیازات از طرف دولت روس تهنیت میشود مخالفت ننماید، مخفی نماید که  
 نقاط سابق الذکر در جزو آن منطقه است که دولت انگلیس تعهد میکند در  
 آن منطقه در پی تحصیل امتیازات مذکوره بر نیاید.

ب - روسیه نیز تعهد میکند که در ماوراء خطی که از سرحد افغانستان  
 از طریق گریک و برجند و کرمان ممتد شده و بندر عباس منتهی میشود  
 در پی تحصیل هیچ نوع امتیاز سیاسی یا تجارتنی - از قبیل امتیازات راه آهن،  
 بانک، تلگراف، راهها، مناقلات، بیمه و غیره - برای خود بر نیامده و در  
 حق اتباع روس یا اتباع دولت ثالثی هم در تحصیل این نوع امتیازات تهنیت  
 نکند، و همچنین نه مستقیماً و نه غیر مستقیم بتقاضاهائی که در منطقه مزبوره  
 برای این قبیل امتیازات از طرف دولت انگلیس تهنیت میشود مخالفت ننماید.  
 مخفی نماید که نقاط سابق الذکر در جزو آن منطقه است که دولت روس  
 تعهد میکند در آن منطقه در پی تحصیل امتیازات مذکوره بر نیاید.

ج - نیز روسیه متعهد میشود که بدون اینکه قبلاً قراری با دولت انگلیس داده باشد بداده شدن هیچ نوع امتیازی از هر قبیل باتباع انگلیس در نقاط ایران که مابین دو خط مذکور در ماده اول و دوم واقع شده اند مخالفت ننماید دولت انگلیس هم راجع بداده شدن امتیازات باتباع روس در همان نقاط ایران نظیر همان تعهد را مینماید.

تمام امتیازاتی که در منطقه‌های مذکوره در ماده اول و دوم فعلاً موجود است محفوظ خواهند ماند.

د - مسأله است که عایدات تمام گمرکات ایران - باستانی گمرکات فارس و خلیج فارس - که در مقابل استهلاک و فرع استقراضاتی که دولت ایران تاریخ امضای قرار داد حالیته از بانک استقراضی روس نموده بضمانت داده شد است کما فی السابق بهمان محل تخصیص خواهد شد.

و همینطور مسلم است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و همچنین عایدات نیلات سواحل ایرانی بحر خزر و عایدات بستخانه‌ها و تلگرافخانه‌ها کما فی السابق برای تأدیة استقراضاتی که دولت ایران تا تاریخ امضای قرارداد حالیته از بانک شاهنشاهی ایران نموده تخصیص خواهد شد.

ه - در صورتیکه در استهلاک اقساط یا در تأدیة فرع استقراضاتی که دولت ایران تا تاریخ امضای قرارداد حالیته از بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی ایران نموده بی ترتیبی روی دهد و در صورتیکه برای دولت روس ضرورت پیش آید که بر منابع عایداتی که برای برداخت منظم اقساط قروض بانک استقراضی بضمانت داده شده و آن منابع در منطقه مذکوره در ماده دوم از قرارداد حالیته واقع اند نظارت (کنترول) بقرار نماید دواین انگلیس و روس ملتزم میشوند که قبلاً دوستانه بین خود مبادله افکاری نمایند برای آنکه باتفاق یکدیگر وسائل نظارت مذکوره را معین کرده و از هر نوع مداخلاتی که موافقت با اصولی که قرارداد حالیته مبتنی بر آن است ندارد احتراز نمایند.

یاد داشتی که وزیر مختار انگلیس در طهران سیر سسیل اسپرینگ رایس  
راجح بکفیت و غرض از معاهده انگلیس و روس بزبان فارسی (۱) در ۴ سپتامبر  
۱۹۰۷ بدولت ایران فرستاده است.

بدوستدار اطلاع رسیده است که در ایران خبری شایع شده است که  
نتیجه معاهده مابین روس و انگلیس این خواهد شد که این دو دولت مداخله  
نکارهای ایران کرده و آنرا میان خود تقسیم نمایند. حضرت اجل البته مسبوق  
هستید که مذاکرات میان روس و انگلیس نکلی یک شکل دیگری داشته است.  
زیرا که مشیر الملک که اخیراً در پترزبورغ و لندن بوده مسئله را با وزرای  
خارجة هر دو دولت مذاکره کرده است و مشار الیها باو صراحة مقاصد دول  
خود را در باره ایران بیان کرده اند و شبهه نیست که وی نیز آن تأمینات را  
کما هو حقه اطلاع داده است.

سیر ادوارد گری مضمون مذاکرات خود را با مشیر الملک و همچنین مضمون  
اظهارات ایزوولسکی را مشیر الملک که رسماً بدولت انگلیس ابلاغ شده باین  
جانب اطلاع داده است.

سیر ادوارد گری باین جانب اطلاع میدهد که او مشیر الملک توضیح کرده  
که خود او و مسیو ایزوولسکی هر دو در سر دو نقطه اساسی کاملاً متفق اند.  
اول آنکه هیچیک از دو دولت نکارهای ایران مداخله نخواهند کرد مگر  
آنکه صدمه بنفوس با اموال اتباع ایشان وارد بیاید.

دوم آنکه مذاکراتی که بواسطه فرار داد روس و انگلیس مابین آن دو  
دولت پیش آید نباید بمصونیت و استقلال ایران رخنه وارد بیاورد.

نیز سیر ادوارد گری باین نکته اشاره میکند که تا حال میان انگلیس و روس  
صدیق وجود داشت و هر کدام از آنها سعی داشتند که از بشرف آن دیگری  
در ایران جلوگیری کنند، و اگر این اختلاف در حالت حالیه متزلزل ایران

(۱) چون اصل فارسی این یادداشت بدست نامد لهذا ناچار بترجمه تحت اللفظی از  
ترجمه انگلیسی آن اکثراً رفت — مترجم.

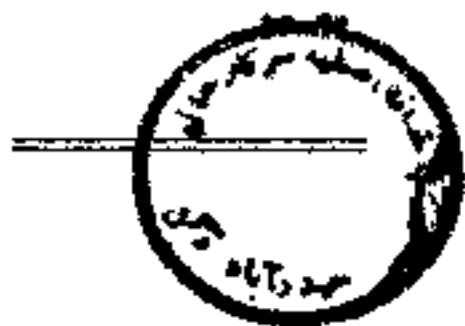
امتداد پیدا میکرد یکی از این دو دولت یا هر دو ممکن بود که بصدد مداخله در کارهای داخلی ایران برآید خواه باین قصد که از استفاده آن دیگری از اوضاع حالیه ایران جلوگیری نماید و خواه بقصد آنکه بر ضرر دیگری برای خود تحصیل منافع نماید. فرض از مذاکرات مابین دولین انگلیس و روسیه. جلوگیری کردن از حدوث این گونه اشکالات در میان خودشان بوده و این مذاکرات هیچوجه بر ضد ایران معطوف نبوده است چنانکه مسبو ایزوولسکی صریحاً بمشیر الملک توضیح کرده که «هیچکدام از دو دولت در پی تحصیل هیچ چیز از ایران نیست بطوری که ایران میتواند تمام قوای خود را بتسویه امور داخلی خود حصر نماید». هر دو وزیر در باب سیاست عدم مداخله در ایران کاملاً متفق اند و هیچگونه زمینۀ ممکنه برای شک در این مسئله نگذاشته اند. عین عبارت مسبو ایزوولسکی که شامل نیات دولت انگلیس هم هست از اینقرار است: «اساس سیاست عمومی دولت روس این خواهد بود که از هر نوع مداخله بکارهای داخلی ممالک دیگر مادمی که صدمۀ بمنافع روسیه وارد نیاید احتراز نماید، و بکلی محال است که در این مورد بالخصوص از این اساس انحراف جوید».

اما در باره اخبار شایعه راجع بتقسیم ایران مابین روس و انگلیس که در آنخصوص چنین شهرت داده شده که دولین سابق الذکر میخواهند منطقه‌های نفوذی برای خود تحدید نمایند سیر ادوارد گری و مسبو ایزوولسکی صریحاً اظهار کرده‌اند که این اخبار اساسی ندارند. چیزیکه دولین مایلند آنست که نوعی با یکدیگر کنار بیایند که از حدوث اشکالات و منازعات آینده جلوگیری شود باینطور که ضمانتی بر قرار شود که هیچیک از آندو دولت در آن توأحی ایران که مجاور سرحدات آن دیگر است در صدد کسب نفوذی بر نیاید. این قرار داد نه بمنافع دولت ایران و نه بمنافع یک ملت خارجی دیگر مضر است زیرا که آن فقط انگلیس و روس را ملزم میسازد که در اعمال خود در ایران هیچ نوع ترتیبی پیش نگیرند که بمنافع آن دیگری ضرری وارد آورد و بدینترتیب در آتیه ایران را از آن تقاضاهای دولین که تا بحال انقدر بترقی آمال سیاسی ایران مضر بوده است خلاصی بخشند. آنچه مسبو ایزوولسکی میگوید از اینقرار است:



«این قرار داد میان دو دولت اروپائی که از همه بیشتر در ایران غلافه دارند و چنانکه مصرح است مبتنی بر ضمانت استقلال و مصونیت ایران است فقط پیشرفت و تقویت منافع ایران خدمت تواند کرد زیرا از این بعد ایران که این دو مملکت همسایه قوی او را مساعدت و معاونت خواهند کرد میتواند تمام قوای خود را در اصلاحات داخلی صرف نماید».

از بیانات فوق ملاحظه خواهید کرد که این اشتهاارات راجع بحرص و طمع انگلیس و روس در باره این مملکت که اخیراً در ایران انتشار یافته تا چه درجه بی اساس و بی پایه است. منظور دولتین از بستن این قرار داد بهیچوجه حمله و تعرض باستقلال ایران نبوده بلکه مصون داشتن استقلال ایران بوده است الی الأبد. نه فقط دولتین نمیخواهند که هیچ بهانه برای مداخله بدست آورند بلکه مقصود آنها در این مذاکرات دوستانه آن بوده است که هر کدام دیگری را از مداخله بهانه حفظ منافع خود مانع شود. دولتین امیدوارند که در آتیه ایران بطور همیشگی از ترس مداخله خارجی آسوده شده و بنا بر این رای اداره کردن امور خود بسلیقه مخصوص خود کاملاً فارغ البال و آزاد شده بدینگونه فوائد آن هم بخود ایران و هم بهمه دنیا عاید خواهد شد.



# نقشه ایران

